



شفافیت، اعتماد، امنیت



خیابان احمد قصیر

نیش خیابان پنجم، شماره ۲

کد پستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷

صندوق پستی: ۴۴۴۵-۱۵۸۷۵

تلفن: ۴۲۱۷۸۰۰۰

فکس: ۸۸۷۰۱۰۹۵

بانک خاورمیانه
Middle East Bank



www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir

افتخاری دیگر برای تک ماکارون

به مناسبت روز صنعت و معدن (دهم تیر ماه) ، همزمان با ماه رحمت الهی و در سالی که با نام "دولت و ملت، همدلی و همزبانی" نامگذاری شده است از **شرکت تولیدی تک ماکارون** برای کوشش و اهتمام در رسیدن به اهداف توسعه کشور، "حمایت از تولید داخلی، ارتقای صادرات غیر نفتی، مصرف کالاهای ایرانی و اشتغال زایی"، تقدیر به عمل آمد.



آدرس دفتر مرکزی شرکت تولیدی تک ماکارون :
خیابان ولیعصر، پانین تراز پارک ساعی، شماره ۲۱۳۷
صندوق پستی : ۱۵۸۷۵ - ۱۱۸۶
تلفن : ۰۲۱ - ۸۸۷۰۱۴۵۰ - ۹
فکس : ۰۲۱ - ۸۸۷۲۷۴۹۷ ، ۸۸۷۲۴۴۹۷
تک و شما : ۰۲۱ - ۸۸۵۵۳۱۳۱
شماره پیام کوتاه : ۲۰۰۰۹۵۷۰



صندوق های سرمایه گذاری در اوراق با درآمد ثابت تحت مدیریت امین

پرداخت سود ماهانه

- ارزش فعلی:
دارایی ها
۴.۶۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال
- سود پرداخت شده دوره قبل:
۲۴٪
- مدیر ثبت:
بانک انصار



- ارزش فعلی:
دارایی ها
۶۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال
- سود پرداخت شده دوره قبل:
۲۴٪
- مدیر ثبت:
بانک ملت



- ارزش فعلی:
دارایی ها
۱۷۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال
- سود تضمینی صندوق:
۲۰٪
- ضامن نقد شوندگی و
مدیر ثبت:
بانک سامان



بسم الله الرحمن الرحيم

سخن ماه

اتاقی مدرن برای اقتصاد ایران

۵

اعلانات

پیش بینی کاهش رشد اقتصادی

۸

یادداشت ها

بی کیفیتی خودروهای داخلی آشکار است

۱۲

راهبرد

نظام مالیات گیری علیه زیرزمینی ها

۱۶

کامنت

پرواز به سوی ارز تک نرخ

۳۲

دیدار

طبیعیان: کار آفرینان ایرانی درست فکر کردن را بیاموزند

۴۰

۴۴

تابلو

سر منزل مقصود

سرمایه گذاری

سیمان خمیر مایه توسعه

۵۰

تشکل ها

سایه سنگین نبود مدیریت منابع آبی بر سر کشاورزی

۵۸

گزارشگر

خزان تولید در بهار

۶۲

دریچه

یخ زدگی صنعت

۶۸

جهان نما

بازار کار اروپا، پناهگاه پناهجویان

۷۲

کسب و کار

داستان رشته های محبوب

۹۲

دید بان

معرفی جدیدترین پژوهش های اقتصادی

۹۸



آینده نگر شماره ۴۰ - مهر ۱۳۹۴



طرح جلد برگرفته از هفته نامه تایم

- صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
- شورای سیاست گذاری: مسعود خوانساری، بهمن عشقی، مصطفی درویشی
- سردبیر: بهراد مهر جو
- معاون سردبیر: فریده عنایتی
- تحریریه: رضا معطریان، محمد عدلی، ریحانه یاسینی، مریم موسی پور، بهاره چراغی
- احمد میر خدایی، مریم فکور، نسیم بنایی، سمیرا قزوینی

آئینه طراحی

- مدیر هنری: رضا دولت زاده
- ویراستاری: بابک آتشین جان
- طراح جلد: آرش شریف کیان
- ناظر فنی: حسن آقایی زاده

■ مخاطبان ماهنامه آینده نگر می توانند، دیدگاه ها و انتقادات خود را از طریق پست الکترونیک و همچنین شماره تلفن های تحریریه با ما در میان بگذارند.

Email: ayandehnegarmag@gmail.com www.tccim.ir

نشانی: خیابان میرزای شیرازی، نرسیده به خیابان بهشتی، کوچه میرزا حسینی، پلاک ۱۸

تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۱۵۲۱۴ تلفن تحریریه: ۸۸۷۱۵۴۱۳

چاپ: شرکت رواق روشن مهر

اتاقی مدرن برای اقتصاد ایران

اتاق تهران شفافیت و ارتباط دوسویه با اعضا را شرط موفقیت خود می داند



مسعود خوانساری
رئیس اتاق تهران

امروز همگی فعالان بخش خصوصی و نخبگان اقتصادی ب یک گذاره تاکید دارند که «جامعه و اقتصاد ایران به سمت مدرن شدن روابط با سرعتی قابل توجه پیش می روند.»

جامعه اقتصادی ایران نزدیک به چهار دهه پس از انقلاب اسلامی، دورانی نوین را تجربه می کند به این ترتیب که نسل جدیدی در اقتصاد ایران ظهور کرده اند که ویژگی ها، خواسته ها و رفتارهایی متفاوت از نسل گذشته دارند. بنابراین خواسته یا ناخواسته جوانانی که به تازگی از دانشگاه ها فارغ التحصیل شده اند یا اینکه طی چند سال گذشته به فضای مدیریتی اقتصادی کشور قدم گذاشته اند، بزودی جایگزین نسلی می شوند که در دهه ۴۰ رشد پیدا کردند و در دهه های ۵۰ و ۶۰ به فعالان اقتصادی کشور بدل شدند. مسلم است که ما امروز در اقتصاد ایران شاهد تغییر نسل هستیم. اما تحول در لایه های اجتماعی فضای کسب و کار کشور، الزاماتی جدید را نیز برای خود خلق می کند. به این معنا که رفتارهای گذشته ما باید همخوان با نیازهای امروز نسل جدید اقتصادی کشور شود. در این رهگذر اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نمی تواند بی تفاوت از تحولات اجتماعی پیرامون شبه کار ادامه دهد. اتاق تهران به عنوان بزرگترین تشکل اقتصادی کشور و حامی بخش خصوصی ایران خود را ملزم می داند، همگام با این تحولات فضای رفتاری و ذهنی خود را تغییر دهد. اما برای این دوران چه اقداماتی انجام داده ایم و چه برنامه هایی داریم:

سایت اتاق تهران

اتاق تهران براساس مش خود خدمات متنوع و قابل توجهی به صاحبان کارت های بازرگانی ارائه می دهد. بر همین اساس سایت اتاق به عنوان ویرترین ارائه این خدمات نیاز به بازنگری در شیوه عملکرد و حتی ظاهر خود را احساس می کرد. سایت های اتاق های بازرگانی در سراسر جهان بر مبنای ارائه خدمات به اعضای خود فعالیت می کنند ولی به جهت برخی ملاحظات سایت های سازمانی در ایران اصولاً ارائه خبر را بر معرفی خدمات مقدم می دانند. ما در اتاق تهران تصمیم گرفتیم، چنین فضایی را تغییر دهیم. بر همین مبنا مطالعات گسترده ای در شیوه فعالیت سایت های اتاق های دیگر کشورهای جهان به انجام رسید. همچنین کارشناسان خبره و کارآزموده رسانه نیز به کمک ما آمدند تا شناختی دقیق تر از جامعه مخاطبان و البته نیازهای آنها پیدا کنیم. به این ترتیب پس از دو ماه کارشناسی دقیق و فعالیت سایت اتاق تهران به مرحله رونمایی و قرار گرفتن در دسترس مخاطبان رسید. اما ما چه کردیم؟ سایت اتاق تهران در طراحی جدید خود ارائه خدمت را از انتشار خبر جدا کرده است چرا که ما باور داریم، صاحبان کسب و کار همزمان با اطلاع از عملکرد اتاق به معنای خبرهای داخلی نیاز به خدمات گسترده، در دسترس و قابل قبول دارند. بنابراین با طراحی مجدد سایت این امکان ایجاد شده که صاحبان محترم کارت بازرگانی یا کسانی که قصد عضویت در اتاق تهران را دارند، با تارنمایی مواجه می شوند که خدمات ویژه و خاص اتاق را به سهولت و مطلوبیت در اختیار آنها قرار می دهد. همچنین در کنار این، اخبار، دیدگاه ها و نقطه نظرات کارشناسی اعضای هیات نمایندگان اتاق تهران نیز در پنجره ای ویژه و جداگانه تحت عنوان «وب سایت خبری» در معرض نقد و نگاه مخاطبان قرار گرفته است.

طی هفته های گذشته در مورد فضای اقتصادی پساتحریم بسیار گفته شده است. همگی ما امروز می دانیم در دوران پساتحریم اقتصاد ایران نیازها دارد و الزاماتی را باید رعایت کند. براساس همین نیازسنجی در اتاق تهران اقدامات کارشناسی قابل توجهی برای حضور موثر در فضای پساتحریم انجام شده است

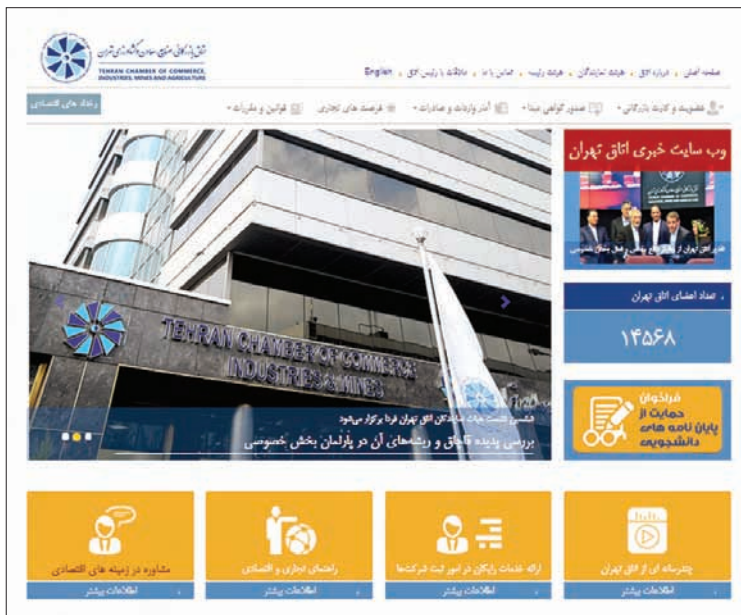
ارائه خدمات مشاوره ای در حوزه های مختلف مانند بانک، بیمه، مالیات و... امکان ایجاد ارتباطی دوسویه میان مخاطبان و کارشناسان خبره اتاق تهران یکی از ویژگی های سایت جدید است. اتاق تهران به این باور اعتقاد قلبی دارد که یکی از شاخص ترین راه های موفقیت، برقراری رابطه ای فعال و دوسویه بین اتاق و اعضاست. بنابراین در طراحی جدید سایت سه امکان خاص ایجاد شده است. اولاً: اعضای اتاق می توانند از طریق پنجره های خاص دیدگاه های کارشناسی و انتقادات خود را به اطلاع هیات نمایندگان اتاق تهران برسانند. دوماً: اعضای اتاق این امکان را دارند که بدون واسطه و در سریع ترین شکل ممکن، با ۶۰ عضو هیات نمایندگان اتاق تهران به گفت و گوی بدون واسطه و تبادل نظر بپردازند. اعضای هیات نمایندگان اتاق نیز با استقبال از این شیوه ارتباطی، به پاسخگویی به صاحبان کارت بازرگانی می پردازند. سوماً: اعضای اتاق تهران و حتی صاحبان کسب و کاری که هنوز به عضویت اتاق در نیامده اند، این امکان را دارند که از طریق سایت اتاق تهران به گفت و گوی مستقیم با رئیس و اعضای هیات رئیسه اتاق بپردازند. دامنه این گفت و گوها نیز از حوزه موضوعات پیرامون اتاق آغاز می شود و قطعاً تا فضای نقد و تحلیل اقتصاد ایران پیش می رود. بر همین اساس اتاق خود را مکلف کرده تا ارتباط فعال با اعضای خود را با دوراندیشی تکامل دهد. براساس برنامه ریزی های صورت گرفته برای سهولت بیشتر ارتباطی و اطلاع رسانی بین اعضای مجموعه اتاق تهران بزودی اپلیکیشن ویژه اتاق نیز در دسترس صاحبان کارت بازرگانی قرار می گیرد. بنابراین اولین و شاخص ترین الزام زیست در دنیای مدرن ارتباطی، امروز در اتاق تهران محقق شده و امیدواریم این روند با شتابی قابل قبول به سمت توسعه بیشتر هدایت شود.

اتاق شفاف تر از گذشته

اتاق تهران به این باور رسیده که صاحبان کارت بازرگانی و اعضای پارلمان بخش خصوصی، حق دارند از جزئیات جلسات هیات نمایندگان در شیوه ای بدون واسطه مطلع شوند. بنابراین طی زمانی کوتاه و برای اولین بار در تاریخ اتاق های بازرگانی ایران، جلسات هیات نمایندگان به صورت زنده از طریق سایت اتاق در اختیار مخاطبان قرار می گیرد. پخش مستقیم جلسات هیات نمایندگان از طریق اینترنت، به فعالان بخش خصوصی این امکان را می دهد که رفتارها، عملکردها و نظرات اعضای هیات نمایندگان را به معرض نقد قرار دهند و به خوبی مطلع شوند که این جمع چگونه از منافع و خواسته های آنها دفاع می کنند. پخش زنده جلسات هیات نمایندگان اتاق تهران، اولین و موثرترین گام در جهت شفافیت بیشتر در پارلمان بخش خصوصی است. ما به مفهوم اتاق شیشه ای برای تمامی اعضا اعتقاد باور داریم.

نشریه اتاق برای همه اعضا

در دنیای امروز رسیدن به تحلیل دقیق از روندهای اقتصادی، به عنوان یک شاخص کلیدی برای موفقیت به شمار می آید. امروز همگی ما در بخش خصوصی خود را ملزم به بهره گیری از نظرات کارشناسی و نقدهای علمی می دانیم. بر همین اساس هم نشریه اتاق تهران یعنی مجله آینده نگر، با تغییر شیوه فعالیت های خود دو شاخص را به عنوان هدف انتخاب کرده است. اولاً: مجله آینده نگر تمامی تلاش خود را به کار می بندد



تا دیدگاه‌های نخبگان در مورد وقایع روز اقتصادی را در اختیار بخش خصوصی قرار دهد. دوماً با افزایش تیراژ نشریه به ۱۵ هزار نسخه این امکان ایجاد شده تا ماهنامه آینده‌نگر در هفته دوم هر ماه به آدرس پستی تمامی صاحبان کارت‌های بازرگانی و کارت‌های عضویت اتاق تهران ارسال شود. اتاق تهران این اقدام را مسوولیت اجتماعی خود می‌داند و امروز خرسند است که این نشریه را به پلی برای ارتباط بیشتر بین اتاق و اعضا تبدیل می‌کند. صاحبان کسب و کار و فعالان بخش خصوصی نیز می‌توانند از طریق ارسال مطالب و دیدگاه‌های خود به دفتر نشریه، امکان ارائه تحلیل‌های جامع و منطقی را فراهم کنند.

افزایش دانش مسوولیت بزرگ‌ما

بخش خصوصی ایران امروز با توجه به تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گسترده در کشور خود را بی‌نیاز از ارتقاء دانش نمی‌بیند. فضای اقتصادی پساتحریم امکان تقویت اقتصاد ایران را مهیا کرده ولی اقتصاد ایران طی تمامی سال‌های گذشته تحت فشارهای شدید بوده و امروز همزمان به تلاش برای خروج از رکود به توسعه دانش برای رسیدن به روزهای رونق نیاز دارد. توسعه دانش به بخش خصوصی ایران کمک می‌کند که فهم دقیقی از موقعیت پیش روی کشور بدست آورد. بنابراین اتاق تهران یکی از شاخص‌ترین برنامه‌های خود را امکان برقراری ارتباط میان جامعه نخبگان و اعضای اتاق قرار داده است. جلسات «راهِبردهای اقتصادی کشور» بر همین مبنا در اتاق تهران تشکیل شده و طی ماه‌های آینده نیز ادامه می‌یابد. در اولین جلسه راهبردهای اقتصاد ایران، اقتصاددانان نام آشنا و سرشناسی همچون دکتر محمد طیبیان، دکتر فرهاد نیلی و دکتر موسی غنی‌نژاد حضور داشتند و به تحلیل فضای اقتصادی پساتحریم پرداختند. طی ماه‌های آینده نیز این نشست‌ها با حضور نخبگان اقتصادی کشور در اتاق تهران تداوم می‌یابد و برای انعکاس بیشتر و بهره‌گیری تمامی اعضای اتاق از این درس‌گفتارها، نشست‌ها به صورت زنده از طریق سایت اتاق تهران برای اعضای محترم بخش می‌شود. همچنین تا پایان سال جاری همایشی آینده‌نگرانه در مورد اقتصاد ایران و مشکلات آن به همت اتاق تهران با حضور جمع کثیری از نخبگان و مسولان عالی رتبه کشور برگزار می‌شود. این همایش تلاش می‌کند، ۱۰ بحران بزرگ اقتصاد ایران طی ۱۰ سال آینده را پیش‌بینی و به کمک تحلیلگران برای حل آنها راه‌حلی ارائه دهد. همگی این اقدامات در جهت توسعه دانش در فضای اقتصادی ایران صورت می‌گیرد و امید است صاحبان محترم کسب و کار با رصد دقیق این برنامه‌ها و نقد آنها، اتاق را برای رسیدن به رفتاری مطلوب یاری کنند.

فضای پساتحریم و الزامات آن

طی هفته‌های گذشته در مورد فضای اقتصادی پساتحریم بسیار گفته شده است. همگی ما امروز می‌دانیم در دوران پساتحریم اقتصاد ایران نیازها دارد و الزاماتی را باید رعایت کند. براساس همین نیازسنجی در اتاق تهران اقدامات کارشناسی قابل توجهی برای حضور موثر در فضای پساتحریم انجام شده است. همچنین کمیته‌های مختلفی در اتاق فعالیت‌های خود را آغاز کرده‌اند تا هر چه زودتر برنامه‌های اجرایی و عملیاتی را برای دوران پساتحریم تنظیم و تدوین کنند. بر همین اساس تلاش می‌کنیم، با ارائه برنامه‌های مشخص راهبردهایی برای ساماندهی حضور هیات‌های خارجی در ایران را تنظیم کنیم. به طور حتم طی هفته‌های آینده تهران به پایگاه اصلی حضور این هیات‌ها تبدیل می‌شود و دست‌آوردهای این حضور را نیز در اختیار بخش خصوصی کشور قرار می‌گیرد.

دنایای مدرن و کسب و کارهای نوین

زیست در دنایای مدرن و ادامه کسب و کار در این شرایط باید با پذیرش ویژگی‌های دنایای امروز همراه باشد. طی یکسال گذشته بارها اصطلاح

«باستار تاپ»ها به گوش همگی فعالان بخش خصوصی خورده است. استار تاپ‌ها مجموعه‌های مبتکرانه و خلاقانه که ایده‌های نوین و روزآمد را برای کسب و کار ارائه می‌دهند. نکته بسیار قابل توجه و امیدوارکننده این مجموعه‌های جدید، حضور جوانان در آنهاست. استار تاپ‌ها اصولاً توسط نسل جدید اقتصادی ایران اداره و هدایت می‌شوند و نشاط جوانی و شور ماجراجویی آنها به طور قطع کمک می‌کند تا ایده‌های نوین برای کسب و کارهای مبتکرانه در اقتصاد ایران ارائه شود. اتاق تهران به این نسل نه می‌تواند و نه می‌خواهد که بی تفاوت باشد. بر همین اساس برنامه‌ریزی‌های دقیق و کارشناسی در اتاق تهران صورت گرفته تا بزودی و با برگزاری جشنواره‌ای ارائه خدمات به مجموعه‌های موسوم به استار تاپ‌ها در دل پارلمان بخش خصوصی آغاز شود. ما امیدواریم با جذب جوانان به محیط کسب و کار و همچنین ایجاد امکاناتی قابل توجه برای آنها، سهم خود در یاری‌رسانی به این نسل پویا و سرزنده را ایفا کنیم.

کمیسیون‌های فعال و پویا

خوشبختانه کمیسیون‌های اتاق تهران با بهره‌گیری از دانش و تجربه اعضا، حضور موثر خبرگان تشکیل‌دهنده بخش خصوصی و همچنین کارشناسان متعهد و با کارآزموده کشور، طی ماه‌های گذشته به شدت فعال شده‌اند. کمیسیون‌های اتاق تهران تمامی تلاش خود را به کار بسته‌اند تا با رصد دقیق مشکلات اقتصادی کشور و ارائه راهکارهای علمی و منطقی برای حل آنها، مسوولیت اجتماعی و حرفه‌ای خود را به دقت انجام دهند. امروز مخاطبان اتاق تهران می‌توانند با بررسی عملکرد ماه‌های گذشته کمیسیون‌های اتاق به خوبی در جریان اقدامات انجام شده در این محافل کارشناسی قرار گیرند. امیدواریم با توسعه فعالیت کمیسیون‌های اتاق تهران، نتیجه عمل کارشناسی بیش از گذشته در اقتصاد ایران خودنمایی کند. همگی این اقداماتی که به آنها اشاره شد، گام‌های اولیه برای خدمت‌رسانی به بخش خصوصی ایران است. اتاق تهران امیدوار است با توسعه ارتباط دوسویه و پویا بین خود و اعضا هر روز در مسیر توسعه بیشتر و کیفی‌تر خدمات گام بردارد. تنها انتظار امروز ما از فعالان بخش خصوصی این است که با ارائه نقد و دیدگاه‌های خود در مورد برنامه‌ها و اقدامات اتاق تهران، ما را در جهت خدمت‌رسانی واقعی و موثر به بخش خصوصی یاری کنند.

سایت اتاق به عنوان بهترین ارائه این خدمات نیاز به بازنگری در شیوه عملکرد و حتی ظاهر خود را احساس می‌کرد. سایت‌های اتاق‌های بازرگانی در سراسر جهان بر مبنای ارائه خدمات به اعضای خود فعالیت می‌کنند ولی به جهت برخی ملاحظات سایت‌های سازمانی در ایران اصولاً ارائه خبر را بر معرفی خدمات مقدم می‌دانند. مادر اتاق تهران تصمیم گرفتیم، چنین فضایی را تغییر دهیم

ترس بازار را فراگرفت

شاخص ترس و ریسک پذیری، شاخصی است که پایگاه خبری-تحلیلی سی ان ان مانی هر روز مشخص می کند. این شاخص نشان می دهد کدام احساس در بازار غلبه دارد. وقتی شاخص در طیف «ترس» قرار دارد بدین معناست که سرمایه گذاران ریسک کمتری برای سرمایه گذاری در بازار جهانی می کنند اما وقتی در سوی دیگر طیف که «ریسک پذیری» است قرار می گیرد یعنی تمایل سرمایه گذاران برای ریسک کردن و سرمایه گذاری بالا می رود. البته وضعیت «خنثی» نیز وجود دارد. بازار طی یک سال گذشته روی عدد ۴۶ (خنثی) قرار داشته است. در یک ماه اخیر اما به سمت وضعیت ترس حرکت کرده و با عدد ۱۰ روی وضعیت «حداکثر ترس» قرار گرفته است. در یک هفته گذشته نیز این عدد روی ۱۰ قرار داشته داشته است. در روز یکشنبه ۲۲ شهریور این شاخص عدد ۱۴ را نشان داده است که باز هم وضعیت «حداکثر ترس» است. در این شرایط سرمایه گذاران ریسک نمی کنند یا خیلی کمتر ریسک می کنند. نمودار مقابل وضعیت این شاخص طی یکماه گذشته را نشان می دهد. دار

ریسک پذیری



رشد اقتصادی کاهش می یابد؟

معاون اول رئیس جمهور از افزایش موجودی انبارها و کاهش تقاضا در بازار به عنوان نشانه های رکود یاد کرده است. اسحاق جهانگیری می گوید: متأسفانه برخی تصور می کنند با اجرای توافق هسته ای قیمت ها به یکباره شکسته می شوند که این تصور بازار را با رکود مواجه کرده است. معاون اول رئیس جمهور در دیداری که با مدیران بانک ها داشت اعلام کرد که امسال رشد اقتصادی سال گذشته تکرار نمی شود. جهانگیری اینگونه موضوع نرخ رشد اقتصادی را تحلیل می کند: در سال ۹۳ وضعیت بودجه دولت نسبت به سال جاری بهتر بود ضمن آنکه امیدی که با روی کار آمدن دولت یازدهم در میان مردم ایجاد شده بود، باعث شد تا بخش خصوصی وارد میدان شود و مجموع این مسائل موجب رشد اقتصادی ۳ درصدی در سال ۹۳ را فراهم کرد. تصور می شد این میزان رشد مثبت اقتصادی در سال ۹۴ نیز استمرار پیدا خواهد کرد اما به دلایل مختلفی از جمله کاهش درآمدهای نفتی و شرایط بسیار سخت دولت در بخش بودجه، متأسفانه رشد اقتصادی ۳ درصد سال گذشته در سال جاری ادامه پیدا نکرد. اسحاق جهانگیری در اظهار نظری دیگر اعلام کرد: پیش بینی می کنم که سال ۹۵ یکی از بهترین سال های رونق اقتصادی کشور خواهد بود و برای تحقق این امر باید ابتدا سختی های کوتاه مدت و گذارا را تحمل کنیم.



صنایع کوچک، آب رفتند

وزیر امور اقتصادی و دارایی اذعان کرده است که رشد اقتصادی در صنایع کوچک و متوسط هنوز ظاهر نشده است. علی طیب نیا در نشست که با مدیران بانک ها داشت، اعلام کرد: اگر چه سال گذشته رشد اقتصادی مثبت شد اما عمده تابه خاطر صنایع بزرگ بود. به اعتقاد طیب نیا، تنگنای اعتباری از مشکلات بخش تولید است. او همچنین بیان کرد: بخش تولید با کمبود منابع و نرخ سودهای بالا مواجه است. بخش تولید چند سال دچار رکود بوده و نمی تواند نرخ بالای سود را تحمل کند. پیدا کردن راه حلی که هم مشکل محدودیت عرضه منابع را حل کند و هم با سیاست های غیر تورمی دولت سازگار باشد از پیچیدگی های سیاست گذاری دولت به حساب می آید.

پای مدیران بانکی به اتاق باز شد

کمیسیون بازار پول و سرمایه یکی از جلسات شهرپورماه خود را با حضور رئیس کل سابق بانک مرکزی و چند مدیر بانکی برگزار کرد. در این جلسه که مسعود خوانساری رئیس اتاق تهران و سید حامد واحدی عضو هیات رئیسه اتاق حضور داشتند، مدیران عامل و نمایندگان برخی از بانک های بزرگ کشور به بیان دیدگاه های خود در مورد دغدغه های بخش خصوصی پرداختند. محمود بهمنی رئیس سابق بانک مرکزی به عنوان یک فعال بازار مالی، دیدگاه های خود برای خروج نظام بانکی از مشکلات را مطرح کرد. این نشست با هدف ایجاد فضایی برای گفت و گوی رو در رو بانک ها و بنگاه های تولیدی برگزار شد و طی آن هم صاحبان بانک ها از مشکلات و گرفتاری های خود گفتند هم آنکه فعالان اقتصادی انتظارات خود از نظام پولی و مالی را بیان کردند که عمدتاً بر تأمین نقدینگی، مورد نیاز واحدهای تولیدی از طریق سیستم بانکی متمرکز بود. در نشست کمیسیون بازار پول و سرمایه، علی اشرف افخمی مدیرعامل بانک صنعت و معدن، کوروش پرویزیان، مدیرعامل بانک پارسیان و علی صالح آبادی، مدیرعامل بانک توسعه صادرات حضور داشتند. همچنین نمایندگان از هیات مدیره بانک های پاسارگاد، ملت، کارآفرین و صادرات به این جلسه آمده بودند.

برگزاری دوره MBA در اتاق تهران

اتاق تهران با همکاری دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، هفتمین دوره کارپردی کوتاه مدت MBA به مدت یک سال و با گرایش عمومی را برگزار می کند. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران این دوره کاربردی را برای مدیران و کارشناسان ارشد در بنگاه های اقتصادی برگزار می کند. این دوره به گونه ای طراحی شده است که مدیران بنگاه های اقتصادی با مفاهیم نوین مدیریتی آشنا شوند و توانایی تدوین برنامه و مدیریت برای موفقیت در فضای رقابتی را کسب کنند. مخاطبان این دوره، مدیران و کارشناسان شرکت ها، سازمان ها و اعضای اتاق های بازرگانی هستند. مدت برگزاری این دوره، یک سال و شامل ۹ درس و هر درس به مدت ۲۴ ساعت است.

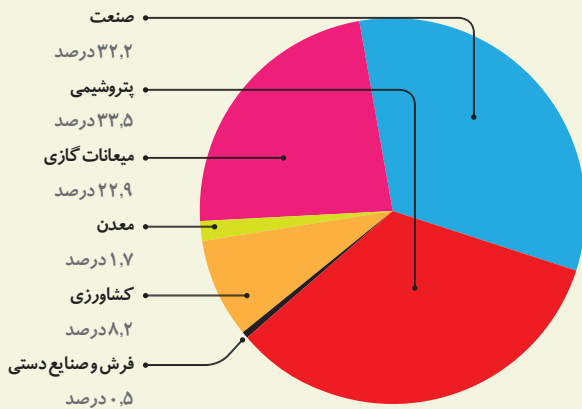


اتاق تهران با بررسی دقیق قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم که به تازگی برای اجرا ابلاغ شده است، موارد تفاوت قانون جدید و قانون سابق را استخراج کرد و آن را در اختیار اعضای اتاق قرار داده است. همچنین در این گزارش موارد مرتبط این قانون با موضوع «قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر» هم مورد توجه قرار گرفته است. مسعود خوانساری، رئیس اتاق تهران، از برگزاری دوره‌های آموزشی برای اعضای اتاق و فعالان اقتصادی در زمینه مالیات خبر داد.

چه کالایی صادر می‌کنیم؟

آمارهای رسمی گمرک نشان می‌دهد که در ۵ ماه نخست امسال، صادرات با کاهش ۱۵ درصدی و واردات با نزول ۲۰ درصدی مواجه شده است. ولی الله افخمی راد معاون وزیر صنعت و رئیس سازمان توسعه تجارت معتقد است که کاهش قیمت نفت تأثیر قابل توجهی در کاهش صادرات داشته چرا که این موضوع موجب افول قیمت میعانات گازی و محصولات پتروشیمی شده است. طبق گزارش‌های آماری سازمان توسعه تجارت، ارزش صادرات در ۴ ماه نخست امسال به ۱۴ میلیارد و ۱۵ میلیون دلار رسیده است. طبق آمارهای سازمان توسعه تجارت، بیشترین کاهش صادرات در میان بخش‌های مختلف اقتصادی مربوط به میعانات گازی بوده که افت ۳۹ درصدی نسبت به ۴ ماهه سال گذشته داشته است. طبق این آمار، صادرات محصولات پتروشیمی با وجود افزایش ۳۹ درصدی در وزن، از نظر ارزش افزایش ۱۶،۰ درصدی داشته است. صادرات کالاهای صنعتی از نظر وزن با کاهش ۴ درصدی و از نظر ارزش با کاهش ۰،۴ درصدی مواجه شده‌اند. در این مدت صادرات فرش و صنایع دستی با کاهش ۴۰ درصدی از نظر وزن و افول ۲۴ درصدی از نظر ارزش مواجه شده است. میزان کاهش صادرات در بخش محصولات کشاورزی نیز از نظر وزن ۱۵ درصد و از نظر ارزش ۸ درصد بوده است. در بخش معدن میزان صادرات طی ۴ ماه ابتدایی امسال با کاهش ۵۳ درصدی از نظر وزن و افول ۵۶ درصدی از نظر ارزش روبرو بوده است.

سهم ارزش صادرات در بخش‌های عمده طی چهار ماهه ۹۴



دوران اقتصاد دولتی به سر آمده است



رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران معتقد است که دوران اقتصاد دولتی و متکی به نفت به سر آمده است. محسن جلال پور، در دیدار با نماینده ولی فقیه در مازندران با بیان اینکه تحریم‌ها خوب این مطلب را به منتقل کردند که اقتصاد دولتی و اقتصاد متکی بر نفت شکننده است، گفت: دوره بودجه‌های عمرانی از سوی دولت تمام شده و از این پس باید ریل اقتصاد کشور در مسیر خصوصی سازی و با حضور بخش خصوصی اداره شود. رئیس اتاق ایران تأکید کرد که باید مواظب باشیم تا در مسیر اقتصاد مقاومتی و دوره پسانتحریم راه را اشتباه نرویم.

صادرات از پیش‌بینی‌ها جاماند

گزارش‌های آماری سازمان توسعه تجارت ایران نشان می‌دهد که برای سال جاری هدف ۵۵ میلیارد دلاری در صادرات غیر نفتی بدون احتساب میعانات گازی در نظر گرفته شده است. آمارهای تجاری مربوط به ۴ ماه نخست امسال نشان می‌دهد که حجم صادرات غیر نفتی بدون احتساب میعانات گازی و خدمات در این مدت به ۱۰ میلیارد و ۸۰۴ میلیون دلار رسیده است که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴ درصد کاهش را نشان می‌دهد. برای رسیدن به هدف صادرات ۵۵ میلیارد دلاری، باید یک سوم این مسیر در چهار ماه ابتدایی امسال طی می‌شود اما حدود یک پنجم این مسیر طی شده است که نشان‌دهنده عقب‌ماندگی از اهداف صادراتی است. بر این اساس برآورده شده که در ۴ ماه ابتدایی امسال حجم صادرات به ۱۸ میلیارد و ۳۳۳ میلیون دلار برسد که در عمل فاصله زیادی با این هدف وجود دارد. عملاً ۵۹ درصد از هدف صادراتی در ۴ ماهه امسال محقق شده است و کسری ۴۱ درصدی در این بخش مشاهده می‌شود.

سال آینده منتظر تورم ۱۰ درصدی باشید

بخشنامه بودجه سال ۹۵ از سوی رئیس جمهور به دستگاه‌های اجرایی کشور ابلاغ شد تا براساس چارچوب تعیین شده، پیشنهادات دستگاه‌ها برای سال آینده ارائه شود. سخنگوی دولت اعلام کرده است که طبق رویه دو سال گذشته، لایحه بودجه در موعد مقرر یعنی نیمه آذرماه به مجلس ارائه خواهد شد. انظورش که نوبخت عنوان کرده است، این بودجه بر اساس شرایط پس از تحریم نوشته خواهد شد. در بخشنامه بودجه سال ۹۵ به پیش‌بینی نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی به طور دقیق اشاره نشده اما کلیاتی از این مباحث مورد توجه قرار گرفته است. در بخشنامه بودجه از دستگاه‌ها خواسته شده است تا بودجه جاری افزایش ۱۰ درصدی حقوق برای کارمندان در نظر بگیرند. باین حساب به نظر می‌رسد پیش‌بینی دولت از نرخ تورم در سال آینده حدود ۱۰ درصد است.

مسکن در غمر رکود دائمی

آمارهای رسمی از عمیق‌تر شدن رکود در صنعت ساختمان کشور حکایت دارد. طبق اعلام مرکز آمار ایران تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در سال ۹۳ از سوی شهرداری‌های کشور با کاهش ۴۱،۷ درصدی نسبت به سال قبل از آن مواجه شده است. وابستگی صنایع دیگر نظیر سیمان و مصالح ساختمانی به صنعت ساختمان نیز موجب سرایت رکود ساخت‌وساز به این صنایع شده است. طبق گزارش مرکز آمار ایران رکود ساخت‌وساز در تهران بیشتر از میانگین کشور بوده است به طوری که در سال ۹۳ تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در تهران با کاهش ۵۲،۳ درصدی مواجه شده است. بر این اساس ۸،۴ درصد از کل پروانه‌های احداث ساختمان صادر شده از سوی شهرداری‌های کشور در تهران بوده است. از نظر مساحت زیربنای مسکونی در پروانه‌های احداث ساختمان، شهر تهران سهم ۲۳ درصدی از کل کشور داشته است. از مجموع پروانه‌های احداث ساختمان صادر شده از سوی شهرداری‌های شهر تهران در حدود ۰،۹ درصد برای احداث ساختمان‌های یک طبقه، ۰،۸ درصد برای احداث ساختمان‌های دو طبقه، ۱،۴ درصد برای احداث ساختمان‌های سه طبقه، ۵،۵ درصد برای احداث ساختمان‌های چهار طبقه و ۹۱،۴ درصد برای احداث ساختمان‌های پنج طبقه و بیشتر صادر شده است. تعداد واحدهای مسکونی پیش‌بینی شده در پروانه‌های احداث ساختمان در سال ۱۳۹۳ بالغ بر ۸۳ هزار و ۱۱۲ واحد بوده است که ۸۶،۶ درصد آن مربوط به واحدهای مسکونی است.



ترجمه: آیداهماوندی



نگاه طلای سیاه به ایران دوخته شد

گزارش آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد که توافق هسته‌ای تأثیری زیادی بر قیمت نفت دارد. اما تأثیر ظهور مجدد ایران در اقتصاد جهانی فراتر خواهد رفت. از سال ۲۰۱۲ که تحریم‌ها بر ایران اعمال شد بیش از یک میلیون بشکه نفت در روز از بازار جهانی حذف شده است. آژانس بین‌المللی انرژی گفته است که اگر تحریم‌ها برداشته شود ایران در مدت چند ماه می‌تواند تولید نفت را بین ۶۰۰ هزار تا ۸۰۰ هزار بشکه در روز افزایش دهد. غالباً گفته می‌شود که ایران ۱۳۰ دلار برای هر بشکه نفت نیاز دارد تا بودجه را به تعادل برساند و به نظر می‌رسد که تمایل دارد تا برای شروع، درآمد خود را به صورت نقدی دریافت کند. از طرفی تولیدکنندگان نفت در جهان مشکلات دیگری رانیز پیش رو دارند برای مثال وزیر نفت عربستان سعودی علی النعیمی هشدار داده است که تقاضا برای نفت ممکن است در اواسط این قرن کم شود و جایش را به منابع خورشیدی بدهد.

کاهش صادرات از نوع هندی

گزارش رویترز نشان می‌دهد که واردات نفت هند از ایران ۲۷ درصد در ۵ ماه گذشته کاهش داشته است. از اواسط ماه سپتامبر نفت اسار، پالایشگاه منگلور و شرکت خصوصی پتروشیمی واحدهایی در پالایشگاه خود را برای حدود یک ماه خواهند بست که منجر به کاهش خرید نفت نسبت به ماه گذشته می‌شود. در ماه اوت، هند در روز ۱۹۸ هزار و ۸۰۰ بشکه نفت ایران را خریداری کرد که ۷۷ درصد کمتر از ماه جولای است. با وجود این کاهش، انتظار می‌رود که هند واردات خود را به دلیل لغو تحریم‌های ایران افزایش دهد. ایران دومین تامین‌کننده نفت هند در سال مالی ۳۱ مارس ۲۰۰۷ بوده است، اما در سال مالی گذشته به دلیل تحریم‌ها به مقام هفتم سقوط کرده است. هند چهارمین مصرف‌کننده نفت در جهان است و دومین مشتری ایران بعد از چین به حساب می‌آید. داده‌ها نشان می‌دهند هند ۲۱ درصد کمتر از ۲۱۴ هزار و ۱۰۰ بشکه در روز در هشت ماه اول سال جاری از ایران نفت خریده است.

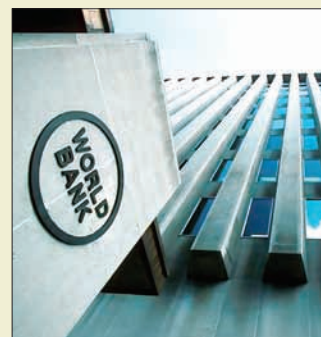
ایران شریک تجاری افغان‌ها شد

روابط اقتصادی ایران و افغانستان بخصوص در زمینه صادرات ایران در حال گسترش است. وزیر کشور ایران عبدالرزاق حماني فضلی در ۳ سپتامبر به افغانستان رفت تا در یک کنفرانس بین‌المللی برای بازسازی اقتصاد افغانستان شرکت کند و زمینه افزایش همکاری‌های اقتصادی دو کشور را فراهم سازد. عبدالهادی فرهنگ، رایزن تجاری سفارت افغانستان در تهران گفت که تجارت بین دو کشور از ۱۰۰ میلیون دلار به ۲۵۵ میلیون دلار افزایش یافته است. به گفته وی صادرات ایران به افغانستان ۲۵ میلیارد دلار و واردات از افغانستان ۵۰ میلیارد دلار است.



پساتحریم ایرانی به روایت بانک جهانی

بانک جهانی در گزارشی وضعیت اقتصاد ایران پس از توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌ها را مورد بررسی قرار داده است. بر این اساس اعلان داشته که لغو تحریم‌های مربوط به برنامه‌های هسته‌ای ایران، تأثیر قابل توجهی بر بازار جهانی نفت، اقتصاد ایران و شرکای تجاری این کشور خواهد گذاشت. بازگشت کامل ایران به بازار جهانی باعث افزایش تولید حدود یک میلیون بشکه نفت در روز خواهد شد. در سال آینده قیمت هر بشکه نفت ۱۰ دلار کاهش می‌یابد، طبق گزارش بانک جهانی انتظار می‌رود که رشد اقتصادی در ایران از ۳ درصد به ۵ درصد در سال ۲۰۱۶ افزایش یابد. اگر توافقی انجام شده در ۱۴ جولای ۲۰۱۵ به تصویب برسد و ایران فعالیت‌های هسته‌ای خود را کاهش بدهد، تحریم‌ها توسط ایالات متحده و اتحادیه اروپا برداشته خواهد شد. در فصلنامه اقتصادی بانک جهانی خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA)، در قسمت پیامدهای اقتصادی رفع تحریم ایران، نگاهی به ظرفیت بیشتر صادرات نفت ایران دارد که این افزایش بهبود اقتصادی کشور را سرعت می‌بخشد. صادرکنندگان نفت خاورمیانه و شمال آفریقا، از جمله کشورهای حوزه خلیج و لیبی، سود صادرات کمی دریافت می‌کنند. در حالی که واردکنندگان نفت در منطقه مانند تونس و مصر از قیمت‌های پایین جهانی بهره می‌برند. شانتایان دواراجان اقتصاددان ارشد بانک جهانی گفت: «سختگیری‌های تحریم در سال ۲۰۱۲ منجر به کاهش شدید صادرات نفت ایران و دو سال رشد اقتصادی منفی شد، اما انتظار می‌رود که حذف تحریم به افزایش صادرات و احیای اقتصاد کمک کند.» هزینه‌های اضافی تجاری نیز سقوط خواهد کرد، ما شاهد افزایش، نه تنها در حجم بلکه در ارزش تجارت نفتی و غیرنفتی خواهیم بود. گزارش بانکی تخمین می‌زند که همچنین صادرات از ایران نهایتاً افزایش خواهد یافت که ۱۷ میلیارد دلار است و ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. بریتانیا، چین، هند، ترکیه و عربستان سعودی در میان کشورها بیشترین رابطه تجاری را با ایران پس از تحریم‌ها خواهند داشت. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران ممکن است حدود ۳ میلیارد دلار در سال افزایش یابد یعنی دو برابر نرخ فعلی، اما هنوز پایین‌تر از نقطه اوجش در سال ۲۰۰۳ است. لیلی متقی اقتصاددان بانک جهانی خاورمیانه و شمال آفریقا و نویسنده این گزارش گفت: «پس از توافقات، علاقه شرکت‌های چند ملیتی برای سرمایه‌گذاری در ایران، به ویژه در بخش نفت و گاز افزایش یافته است.» او در ادامه افزود: «این روند به لغو تحریم‌ها سرعت می‌بخشد و سرمایه‌ها را به سمت باعثةاثر تقاضای در بخش نفت ایران می‌شود.» لغو تحریم‌ها یک ثروت بادآورده برای ایران است. ایران در چارچوب یک سیاست درست اقتصادی می‌تواند از این ثروت در جهت رشد اقتصادی کشور بهره ببرد.



خط لوله گاز به مقصد می‌رسد

خط لوله صادرات گاز به پاکستان از موضوعاتی است که در سال‌های تحریم با وجود توافقی دو طرف، مسکوت مانده است. جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در سفرش به اسلام‌آباد با نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان درباره خطوط لوله گاز ایران و پاکستان (IP) صحبت کرده است. ایران در حال حاضر، دو میلیارد دلار برای کشیدن خطوط لوله گاز سرمایه‌گذاری کرده است و چین نیز پاکستان را در این پروژه تامین مالی می‌کند. ظریف

ASIA TIMES

اظهار کرد که پس از برداشته شدن تحریم‌ها تا اواخر ۲۰۱۵ و اوایل ۲۰۱۶ این پروژه در دست اجرا قرار می‌گیرد. آسیا تایمز در گزارش گفته است که اگر خطوط لوله گاز مورد بحث به اجرا برسد تمام حملات پی‌درپی اوپاما و بوش به هیچ مبدل می‌شود. پس از تحریم‌ها ایران به اقیانوسی از سرمایه‌گذاری، بالغ بر ۱۸۰ میلیارد دلار نیاز دارد تا زیرساخت‌های انرژی را به روز کند و در رقابت با گازپروم بتواند صادرات گاز طبیعی به اروپا را شروع کند. خطوط لوله نقش مهمی را در آینده نزدیک در آسیایفا می‌کند و جنوب غربی (عراق و عمان) را به جنوب آسیا (پاکستان) متصل می‌کند. این درحالی است که چین روی هر پروژه مربوط به افزایش تولید گاز طبیعی ایران سرمایه‌گذاری می‌کند.



هیات‌های سیاسی و اقتصادی اسپانیا و اتریش در ماه گذشته به تهران آمدند و دیدارهایی در سطوح مختلف از سر گذرانند. حسن روحانی در دیدار با وزیر امور خارجه اسپانیا اعلام کرد که تهران در شرایط جدید و پس از توافق وین از حضور سرمایه‌گذاران و کارآفرینان خارجی استقبال می‌کند. در زمینه انرژی، نفت و گاز و صنایع پایین دستی، زیرساخت‌ها، مسایل علمی و دانشگاهی، همکاری مراکز تحقیقاتی و گردشگری، ظرفیت‌های فراوانی در ایران وجود دارد که می‌تواند منجر به افزایش همکاری‌های بخش خصوصی دو کشور شود.



معنی توافق ایران برای اقتصاد جهان

به گفته اقتصاددان ارشد خاورمیانه و آفریقای شمالی به وضوح **Bloomberg Business** ایران برنده بزرگ توافق است که با ۳۸۸ میلیارد دلار به احتمال زیاد به ۶ درصد رشد اقتصادی در اوایل سال ۲۰۱۶ خواهد رسید.

طبق گزارش بلومبرگ، ایران چهارمین ذخایر نفت را در جهان دارد و تا سال ۲۰۱۶ تولیدش را به هشتصد هزار بشکه در روز می‌رساند. با توجه به گزاری که از کارنی منتشر شد با این حال حتی اگر یک درصد از عرضه جهانی نفت را داشته باشد تاثیر چندانی بر بازار نخواهد داشت. این شرکت پیش‌بینی کرده است که قیمت نفت برنت در سال ۲۰۱۶ احتمالاً حدود ۴۵ تا ۶۵ دلار برای هر بشکه شود. حتی پس از توافق هسته‌ای بسیاری از شرکت‌های آمریکایی نمی‌توانند با ایران معامله کنند. جورج عابد، مشاور ارشد و مدیر آفریقا و خاورمیانه این توافق یک سرسوزن هم اقتصاد آمریکا را جابه‌جایی می‌کند و بر روی رشد اقتصادی این کشور تاثیری نخواهد داشت. اما در صنعت هوانوردی، این توافق خواستار اعطای مجوز برای فروش هواپیمای مسافربری تجاری توسط آمریکا است و ایران به ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌های از کار افتاده را جایگزین کند.

همچنین شرکت‌هایی در ایالت متحده هستند که این توافق را نوعی تهدید برای خود می‌دانند مانند تولیدکنندگان پسته در کالیفرنیا. پسته ایران در سال گذشته به ارزش بیش از یک میلیارد دلار بوده است. در توافق نامه به ایران اجازه داده شده تا پسته به آمریکا صادر

تولد در ایران موضوع جهانی شد

آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد که در طول پنج‌ماه (از ۲۱ مارس)، ۶۵۷ هزار تولد در ایران ثبت شده که نشان‌دهنده رشد ۴٫۸ درصدی نسبت به سال قبل است. سازمان ملی ثبت احوال در اول سپتامبر اعلام کرد که ۶۹ هزار و ۱۸۲ مورد طلاق در دفاتر ثبت شده است که افزایش ۱۱٫۵ درصدی نرخ طلاق را نشان می‌دهد. از نوزادان متولد شده نیز ۳۳۷ هزار و ۸۶۵ پسر و ۳۱۹ هزار و ۱۳۷ دختر بودند. استان هرمزگان بالاترین نرخ تولد و استان لرستان کمترین میزان را دارد. بر این اساس به طور متوسط ۱۷۷ تولد در هر ساعت ثبت شده و تعداد تولد روزانه ۴ هزار و ۲۳۹ مورد بوده است. همچنین در هر ساعت ۴۱ نفر فوت کرده‌اند که در این دوره پنج‌ماهه ۱۵۴ هزار و ۸۴ نفر بوده است و کاهش ۰٫۵ درصدی را نسبت به سال گذشته نشان می‌دهد. در این مدت ۲۹۷ هزار و ۶۲۴ مورد نیز ازدواج ثبت شده که ۳٫۳ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته است.

بازگشت قزاق‌ها

در دیداری با رئیس‌جمهور قرقیزستان، علی لاریجانی گفت که تهران و بیشکک می‌توانند سطح روابط خود را در بخش کشاورزی، شیلات، ساخت‌وساز، خدمات فنی‌مهندسی، گردشگری و علم و فناوری افزایش دهند. او اضافه کرد حذف ویزا می‌تواند به گردشگری و کسب‌وکار کمک کند. آتامایف، رئیس‌جمهور قرقیزستان گفت روحیه آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی همچنین نزدیکی فرهنگی و مذهبی این دو کشور را به هم نزدیک کرده است. در ارتباط با روابط تجاری، وی افزود استقرار پرواز مستقیم و اتصال راه‌آهن‌ها برای حمل‌ونقل محصولات می‌تواند به روابط اقتصادی بین دو کشور کمک کند. او از توافق هسته‌ای ایران استقبال کرد و اظهار کرد که این توافق که به دلیل پافشاری ایران بر استقلالش به دست آمده فصل جدیدی را برای روابط ایران با کشورهای دیگر باز کرده است.

رابطه‌ها تغییر کرد: چین بعد از تحریم ایران

پیش‌بینی‌ها از آینده روابط ایران و چین نشان می‌دهد که **GLOBAL RISK INSIGHTS** استقرار مجدد ایران در اقتصاد جهانی فرصتی است برای تقویت روابط استراتژیک بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین. ایران شریک حیاتی برای چین است زیرا پکن تقاضای انرژی‌اش روز به روز در حال افزایش است و همچنین ایران سنگری است در منطقه برای چین. تقاضای مردم چین برای انرژی باعث شده که این کشور در دو دهه اخیر به دومین مصرف‌کننده نفت در جهان تبدیل شود. دلیل این همکاری منابع فراوان نفت ایران است. حذف تحریم‌ها موجب می‌شود که پکن خود را آماده بهره‌برداری بیشتر از سطح نفت خام سنگین ایران کند و به همین دلیل زیربنای تولید و تصفیه نفت را افزایش می‌دهد. همزمان با لغو تحریم‌ها و مشارکت دوجانبه با ایران، مزایای قابل توجهی را برای شرکت‌های نفتی چین فراهم می‌کند که در عجله و تلاش خواهند بود تا یک قرارداد بزرگ با ایران امضا کنند.

چشم‌بادامی‌ها در راه ایران

منابع دولتی اعلام کردند دولت ژاپن در حال ترتیب دادن ملاقاتی است که وزیر خارجه ژاپن را در اواخر ماه اکتبر به ایران بفرستد تا مذاکرات دوجانبه‌ای در زمینه انرژی و توسعه زیرساخت‌ها و دیگر مسائل اقتصادی داشته باشند. ژاپن امیدوار است که چنین اقداماتی فضای مناسبی را برای شرکت‌های ژاپنی فراهم کند تا در ایران غنی از نفت با جمعیت ۷۸ میلیونی همکاری خوبی داشته باشد که در نهایت به افزایش صادرات خودرو و مشارکت در توسعه میدان نفتی ایران منجر شود. دبیر ریاست کابینه ژاپن در یک نشست خبری گفت: «ایران دارای منابع طبیعی است. ما دوست داریم اقدامات لازم را انجام دهیم تا از کشورهای دیگر عقب نمانیم.» به گفته این منبع ایران مشتاق سرمایه‌گذاری کشورهای ژاپنی است تا اقتصادش را بازسازی کند و همچنین ابراز علاقه‌اش را برای راه‌اندازی چنین کمیته‌ای نشان داده است.

بی کیفیتی خودروهای داخلی آشکار است

چرا مردم کمپینی علیه تولید داخلی به راه انداخته‌اند؟



جمشید پژویان

رئیس سابق شورای رقابت

نمی‌خرد زیاد بر ملا شود. حتی در شایعاتی شنیده‌ام آنها خودروهایی را در خیابان می‌چرخانند و سپس به پارکینگ‌های خودشان برمی‌گردانند که این موضوع تنها در حد یک شایعه است.

در بی کیفیت بودن خودروهای داخلی شکی نیست

در این که خودروهای داخلی، خودروهایی با کیفیت پایین و هزینه بالا هستند شکی نیست. بخشی از این امر مربوط به هزینه‌های صنعت خودروسازی است. مثلاً مطابق قانون، خودروسازی که خصوصی شده‌اند نمی‌توانند تعداد کارگران خود را کم کنند و تعداد کارگران موجود، بیش از اندازه مورد نیاز آنهاست و چنین امری هزینه تولید را بالا می‌برد. از طرف دیگر خودروسازی در کشور ما به معنای واقعی خصوصی نشده و به دنبال کاهش هزینه‌ها و حداکثر سود نیست، همچنین مدیران آن هنوز هم توسط دولت تعیین می‌شوند که باعث می‌شود کارایی لازم را نداشته باشند.

با تمام شواهد موجود که نشان‌دهنده بی کیفیتی خودروهای داخلی است، وزیر صنعت، معدن و تجارت در هفته دولت و در جمع خبرنگاران نسبت به نارضایتی مردم از بی کیفیتی خودروها موضع می‌گیرد و می‌گوید: «خودروها دقیق و طبق استاندارد است و این کم‌لطفی است که نسبت به تولیدات داخلی این گونه تبلیغ شود». جالب است که وقتی خودرو از شرکت بیرون می‌آید گاهی تا به مقصد نرسیده دچار مشکل می‌شود بی کیفیتی خودروهای داخلی بر همگان آشکار است.

وعده افزایش قیمت خودروهای داخلی، نوعی تبلیغ

برای به فروش رساندن آنها

با توجه به رکود بازار خودرو و کاهش هزینه‌ها، تعدادی از مردم پیش‌بینی می‌کنند که در صورت پافشاری خود بر خریدن خودروهای داخلی، قیمت‌ها همچنان سیر نزولی خود را ادامه خواهند داد و پراید به همان قیمت ۵ میلیون تومان چند سال گذشته خود خواهد رسید. اما چنین پیش‌بینی‌هایی به این بستگی دارد که اطلاعات مردم از هزینه متوسط تولید خودروهای مختلف دقیق باشد تا بتوانند ارزیابی کنند خودروسازان تا چه حد می‌توانند قیمت خودرو را کاهش دهند و به زیان نرسند.

از طرفی دیگر برخی خودروسازان ساز مخالف می‌زنند و افزایش قیمت خودرو تا چند ماه آینده را وعده می‌دهند. چنین وعده‌ای می‌تواند نوعی تبلیغ برای به فروش رساندن هر چه سریع‌تر اتومبیل‌هایشان باشد؛ یعنی مردم قیمت‌ها در آینده‌ای نه چندان دور افزایش می‌یابد، پس تا قیمت خودرو ارزان است زودتر اتومبیل مورد نظر خود را بخرید.

اما درباره قیمت خودروهای خارجی که احتمالاً تا چند ماه آینده به کشور وارد می‌شود باید گفت که چون قیمت ارز افزایش پیدا کرده، بدیهی است قیمت خودروهای وارداتی نسبت به چند سال گذشته بالاتر باشد. اما در مجموع چنین خودروهایی با کیفیت نسبتاً خوب و شاید هزینه مناسب و نزدیک به بعضی خودروهای داخلی هستند که این هزینه مناسب مشروط به پایین آوردن گمرک آنهاست.

در حال حاضر بنا به دلایل مختلف نوعی رکود بر بازار خودرو حاکم است؛ از طرفی مردم به انتظار نشسته‌اند که بعد از توافق در مذاکرات ۵+۱ خودروسازان خارجی اقدام به صادرات خودروهای خود به کشور کنند و در نتیجه خودروهای ارزان قیمت خارجی وارد بازارها شود، یا این که با خودروسازان داخلی قراردادهایی بسته شود تا خودروهایی با کیفیت بالاتر و جدیدتر تولید شود. این امر یک عامل عمده است که مردم خرید خودرو را به تأخیر می‌اندازند. مردم انتظار دارند ورود خودروهای خارجی با ایجاد رقابت، منجر به پایین آمدن قیمت خودروهای داخلی شود. هر چند یکی از عواملی که می‌تواند قیمت خودروهای داخلی را کاهش دهد این است که علاوه بر صرفه جویی در هزینه‌ها، تولیدشان افزایش یابد که هزینه ثابت آنها روی تعداد بیشتر خودروها سرشکن شود.

عامل دیگر مربوط به حرکات اجتماعی در جهت اعتراض به خودروهای بی کیفیت و گران قیمت است که از طرف مردم شکل گرفته و می‌توان گفت به دلیل این اعتراض، مردم خرید خودرو را به عقب انداخته‌اند و یکدیگر را به نخریدن خودروی داخلی تا زمان افزایش کیفیت و کاهش قیمت آن تشویق می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان به کمپین «نه به خرید خودروی صفر» اشاره کرد که در فضای مجازی شکل گرفته و روی بازار خودرو بی تأثیر هم نبوده است. به طوری که کاهش قیمت خودرو را به دنبال داشته و رکود ایجاد کرده است. هر چند عده‌ای سعی دارند وانمود کنند کاهش قیمت خودرو هیچ ربطی به چنین فعالیت‌هایی ندارد، اما امثال چنین اقداماتی نه به طور دائم، بلکه در کوتاه مدت و به صورت مقطعی جواب می‌دهد، چرا که صنعت خودروسازی صنعتی پر هزینه است و نباید انتظار داشت که خودروسازان داخلی خودروهای خود را با زیان به فروش برسانند. همچنین به دلیل وجود برخی اشکالات اساسی در این صنعت، کاهش تولید خودرو باعث می‌شود خودروسازان نتوانند هزینه‌های ثابت را به خوبی سرشکن کنند.

اطلاعات دقیقی از آمار خرید و فروش خودرو موجود نیست

کاهش معاملات خودرو با توجه به وضع موجود امری بدیهی است اما جالب آن که اطلاعات دقیقی از آمار خرید و فروش خودرو توسط مسئولان اعلام نمی‌شود. یک دلیل می‌تواند این باشد که خودروسازان نمی‌خواهند رکود حاکم بر بازار و این که کسی خودروی آنها را

و عده خودروسازان برای افزایش قیمت در ماه‌های آتی تبلیغی برای به فروش رساندن محصولاتشان است؛ یعنی مردم! حالا که خودرو ارزان است سریعاً بپایید و بخرید

آمار تولید خودرو از سال ۹۱ تا کنون

سال	تعداد تولید	میزان رشد یا افت تولید	رتبه ایران در تولید خودرو
سال ۹۱	۹۲۴ هزار دستگاه	-	۱۳
سال ۹۲	۷۴۳ هزار دستگاه	۲۰٫۲ درصد افت	۲۰
سال ۹۳	۱ میلیون و ۹۰ هزار و ۸۴۶ دستگاه	۴۶٫۷ درصد رشد	۱۸
سال ۹۴	۱۰۰ هزار و ۳۵۵ دستگاه*	۱۴٫۲ درصد رشد	۱۸

*تعداد تولید خودرو در خردادماه سال ۸۷، ۸۷ هزار و ۸۸۶ دستگاه بوده است و در خردادماه ۹۴، به ۱۰۰ هزار و ۳۵۵ دستگاه رسیده که رشد ۱۴٫۲ درصدی را نشان می‌دهد.



در حال حاضر وضعیت صنعت چندان مساعد نیست، بنگاه‌ها دچار رکود هستند و نمی‌توانند محصولاتشان را با قیمت مناسب تولید و به بازار عرضه کنند، دلیل عمده‌اش همین است که نمی‌توانند منابع لازم را برای تهیه نقدینگی‌شان فراهم کنند.

دفاع از ارز دونه‌ری

سیاست دونه‌ری کردن ارز، درست و به‌جا بود



محمود دودانگه

مشاور وزیر صنعت، معدن و تجارت

این مسئله نیازمند بررسی و مطالعه دقیق‌تری است. اما به طور کلی برداشت من به عنوان کسی که در جریان موضوع بود، این است که دونه‌ری کردن ارز در آن زمان سیاست خوبی بود. در عمل توانست التهابات را آرام و به تولید کمک کند. ممکن است در اجرای آن مسائلی ایجاد شده و بنگاه‌هایی به ناحق ارز مبادله‌ای گرفته باشند، اما در عمل آثار خوبی هم داشت. به هر حال شرایط بازار ما ملتهب است و در این شرایط، در پس اجرای هر سیاستی ممکن است رانتی هم نهفته باشد. اما این نباید باعث زیر سوال بردن اصل سیاست شود.

در شرایط فعلی سیاست تک‌نرخ‌شدن ارز جواب می‌دهد

در هفته‌های اخیر صحبت از تک‌نرخ‌شدن ارز بسیار جدی شده است. در حال حاضر اگر بانک مرکزی بتواند چنین سیاستی را محقق کند، بسیار اصولی و درست است. در اقتصاد شفاف و سالم، حتماً باید نرخ ارز که پایه و نهاد مهم تصمیم‌گیری است، ثبات داشته باشد. در طول دوره تحریم نوسان بسیار گسترده‌ای داشتیم و بی‌ثباتی در اقتصاد کشور ایجاد شد. تورم بسیار بالایی نیز متأثر از نوسان نرخ ارز بر اقتصاد ما تحمیل شد. اما با روی کار آمدن دولت جدید، شرایط جدیدی نیز شکل گرفت. در سایه مذاکرات هسته‌ای و سیاست‌های کلان کشوری، نوساناتی که قبلاً وجود داشت نیز کاهش پیدا کرد و ثبات نسبی در نرخ ارز ایجاد شد. شرایطی شکل گرفته که فعالان اقتصادی می‌توانند وضعیت آینده خود را پیش‌بینی کنند. در حال حاضر به سیاست تک‌نرخ‌شدن ارز نیاز داریم و ضروری است که عملیاتی شود. اما عملیاتی‌شدن آن به متغیرهای مختلفی بستگی دارد. یکی از متغیرها به دسترسی بانک مرکزی به منابع ارزی برمی‌گردد. باید صبر کرد و دید بعد از لغو تحریم‌ها و اجرای برجام، دسترسی بانک مرکزی به منابع ارزی به‌گونه‌ای شده ایران چطور رقم می‌خورد.

اگر دسترسی به منابع ارزی جدید وجود نداشته باشد یا کمتر از میزان پیش‌بینی شده باشد، ممکن است سیاست تک‌نرخ‌شدن ارز به‌طور کامل محقق نشود. چون فعالان اقتصادی و بخش‌های مختلفی که به ارز نیاز دارند، به سیستم بانکی مراجعه می‌کنند و این سیستم باید با قدرت توان پاسخ‌گویی به آنها را داشته باشد.

در حال حاضر تقاضای گسترده‌ای در بازار آزاد وجود دارد، اما منابع بانک مرکزی محدود است و متناسب با این حجم از تقاضا، قادر به عرضه نیست. اگر این فرآیند ادامه پیدا کند، سیاست تک‌نرخ‌شدن نمی‌تواند جامه عمل بپوشد.

در شرایط فعلی باید تلاش کنیم تقاضاهای غیرشفاف را از بازار خارج کنیم و به حداقل برسانیم. اینها تقاضا برای واردات غیررسمی و قاچاق است. اگر حجم قاچاق مانند وضعیت حال حاضر بالا بماند، امکان تک‌نرخ‌کردن ارز در کوتاه‌مدت وجود نخواهد داشت. باید تلاش کنیم قاچاق را بسیار محدود کنیم. اگر چه می‌دانیم این پدیده را نمی‌توان صفر کرد، اما امکان محدود کردن آن وجود دارد و اگر چنین اتفاقی نیفتد، باز هم تک‌نرخ‌شدن ارز با مشکل مواجه می‌شود.

برای فعالان اقتصادی بخش‌های مختلف و به‌خصوص بخش صنعت و تولید، مهم‌تر از همه چیز وجود ثبات در اقتصاد است. ثباتی که در سایه آن فعالان اقتصادی بتوانند با اطمینان به کسب و کار بپردازند. این ثبات به متغیرهای مختلفی بستگی دارد و یکی از مهم‌ترین آنها نرخ ارز است. نرخ ارز پایه و اساس تصمیم‌گیری‌هاست. سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی علاقه‌مندند در شرایط ثابت اقدام به سرمایه‌گذاری کنند، اگر شرایط نوسان زیادی داشته باشد، آنها سرمایه‌هایشان را در اقتصاد ما به کار نخواهند گرفت. حتی فعالان اقتصادی داخلی هم در شرایط بی‌ثبات سرمایه‌هایشان را ممکن است به خارج از کشور منتقل کنند، چه رسد به سرمایه‌گذار خارجی. در این سال‌هایی که سیستم ارز دونه‌ری بر اقتصاد ما حاکم بود و ثبات نداشتیم، فضای عدم اطمینان وجود داشت و در نتیجه آن، هم میزان سرمایه‌گذاری کاهش پیدا کرد و هم بخش تولید دچار مشکل شد. مشکلاتی که حتی به تعطیلی تعداد بسیار زیادی از بنگاه‌های کوچک و متوسط انجامید و شرایط بدی را برای بسیاری از بازیگران درگیر در عرصه تولید رقم زد. البته این تنها یک بعد قضیه است. از طرف دیگر، برای بخش صنعت و تولید شرایطی رقم خورد که آنها مجبور شدند با نرخ ارز آزاد کار کنند و نقدینگی بسیار بالایی در دست داشته باشند، تا بتوانند چرخ بنگاهشان را بچرخانند. اگر در حال حاضر وضعیت صنعت چندان مساعد نیست، بنگاه‌ها دچار رکود هستند و نمی‌توانند محصولاتشان را با قیمت مناسب تولید و به بازار عرضه کنند، دلیل عمده‌اش همین است که نمی‌توانند منابع لازم را برای تهیه نقدینگی‌شان فراهم کنند.

دونه‌ری‌شدن ارز از اساس اشتباه بود؟

برای تحلیل صحیح یا غلط بودن سیاست دونه‌ری ارز، چند عامل را در کنار هم باید بررسی کرد. زمانی که ارز مبادلاتی ایجاد شد، به دلیل تبعات تحریم‌ها نوسانات ارزی داشتیم و عملاً دسترسی تولیدکنندگان و صنعتگران به ارز محدود شده بود. بخش قابل توجهی از منابع ارزی در اختیار بانک مرکزی نیز به گروه‌های اقلام مصرفی می‌رسید و منابع می‌توانست به آنها تخصیص پیدا نکند. در آن شرایط یکی از بهترین ابتکارات راه‌اندازی مرکز مبادلات ارزی بود تا بنگاه‌ها با آرامش به ارز دسترسی داشته باشند. آن زمان در نتیجه این کار ثبات و آرامش ایجاد شد و بنگاه‌ها بخش قابل توجهی از نیازهایشان را از مرکز مبادلات ارزی تامین کردند. اگر چه به دلیل دسترسی محدود بانک مرکزی به منابع ارزی، بنگاه‌ها با فاصله‌های زمانی طولانی و بعد از مدت زیادی این منابع را در اختیار می‌گرفتند، ولی در کل شرایطی بود که بنگاه‌های تولیدی مطمئن بودند دیر یا زود امکان دسترسی به منابع ارزی را دارند. دلیل ایجاد مرکز مبادلات ارزی، کمک به تولید بود و در آن مقطعی که دسترسی خوبی به منابع ارزی نداشتیم و واقعاً به تولید کمک شد. به این وسیله در مقطعی که دسترسی خوبی به منابع ارزی نداشتیم، برای ایجاد ثبات تلاش شد.

در حال حاضر انتقاداتی مطرح می‌شود و عده‌ای می‌گویند ارز مبادله‌ای به تولیدکنندگان واقعی نرسید و در عمل راه دیگری رفت؛

منابع بانک مرکزی محدود است و متناسب با حجم تقاضا، قادر به عرضه نیست؛ اگر این فرآیند ادامه پیدا کند، سیاست ارز تک‌نرخ‌شدن نمی‌تواند جامه عمل بپوشد

چرا تعداد زنان کار آفرین کمتر از مردان است؟

سرمايه گذاري روي زنان با صر فته تر از مردان است



شهر بانو امامي

مشاور سابق رئيس سازمان حفاظت از محيط زيست در امور زنان

داشت. در نتيجه در شرايطي كه جامعه از جامعه سنتي و كشاورزي به سمت صنعتي در حال گذار است، تاثير استقلال مالي و اقتصادي روي توانمندي و اعتماد به نفس زنان به عنوان نيمي از سرمايه كشور حايز اهميت است. زيرا زنان كه استقلال اقتصادي دارند زنان هستند كه مي توانند در حوزه زندگي شخصي و خانوادگي و اجتماعي نسبت به زنان با استقلال اقتصادي كمتر، موفق تر عمل كنند. در هزاره سوم، توسعه پايدار با دغدغه و توجه ويژه به دو حوزه زنان (به عنوان نيمي از سرمايه انساني جهان) و زمين همراه است و جا يگاه ويژه براي رهبران جهان دارد. چنان كه كشور هايي كه به اين دو مقوله توجه كرده اند، توسعه پايدار را براي كشور خود رقم زده اند.

حضور زنان در بازار كسب و كار و توليد ملي كشور در جهاني كه انفجار دانش بشري در حال رخ دادن است، به وضوح به چشم مي خورد. چرا كه زنان به عنوان نيروي كار در بحث اشتغال خود دقيق تر از مردان هستند، مخصوصا در كشور هايي مانند ايران كه مسير گذار را روان تر و با سرعت بيشتر طی كرده اند و نيروي انساني ارزان تري در اختيار داشته اند. مثلا اگر در گذشته زنان روستايي هند با توليد صنايع دستي و عرضه آن از طريق توريست ها امرار معاش مي كردند، امروزه با توجه به بحث دانش روز، همين زن هاي هندي در خانه خود نشستند و برنامه نويسي انجام مي دهند. در اين باره شنيده ها حاكي از آن است كه تنها بستر جست و جوي گوگل در آمريكا است و اكثر برنامه ريزي در آن توسط زنان هندي انجام مي شود.

استفاده از نيروي زنان به ارز آوري كشور كمك مي كند

حال با استفاده از الكو هاي بومي و با توجه به اين كه ايران از نظر تنوع رشته هاي صنايع دستي رتبه اول جهان را دارد، با آموزش ساده زبان انگليسي و تسلط به اينترنت و... به عنوان يك مهارت، مي توان از دانش و هنر زنان روستايي در جهت رشد اقتصادي كمك گرفت. با توجه به اين كه تجارت امروز مانند گذشته تجارت مستقيم نيست، مي توان به آساني از دختران تحصيل كرده روستايي براي عرضه کالا و توليد هنر هاي دستي در جهان بهره جست و به ارز آوري و توليد سرمايه كشور كمك كرد.

با صلاح قوانين و سرمايه گذاري روي توان افزايي نسل فعلي زنان مي توان نيروي بالقوه آنها را به نيروي بالفعل تبديل كرد. سرمايه گذاري روي زنان مي تواند از طريق بر گزاري كارگاه هاي آموزشي در بخش توان افزايي زنان شهري و مخصوصا روستايي صورت بگيرد. همچنين سازمان حفاظت از محيط زيست در ارتباط با زنان روستايي، سازمان هاي محلي زنان را به عنوان نمونه و پايلوت در تعدادي از روستاهاي آذربايجان شرقي و غربي راه اندازي كرد تا از طريق آن الكوي مصرف آب و انرژي اصلاح شود. در هامون نيز كارگاه آموزش تسهيل گران بر گزار شد كه ثمرات خوبي به همراه داشته است. همه اين اقدامات مي تواند به توان افزايي زنان كمك كند، چرا كه اگر خانم ها آموزش كافي ببينند و دانش عمومي آنها را از طريق رسانه ها و از مقطع پيش دبستاني بالا ببريم، در بحث صرف جويي آب و استفاده بهينه از انرژي و توليد محصولات كشاورزي و همچنين کاهش هزينه هاي توليد، مي توانند به سود آوري بنگاه هاي اقتصادي كوچك و حتي سود آوري كشور كمك كنند. به طور كلي مي توان گفت كه سرمايه گذاري روي زنان، با صر فته تر از سرمايه گذاري روي مردان است.

در دنياي امروز سخن گفتن از مشاركت توانمندان مردان و زنان در توليد اقتصادي و نيل به توسعه و پيشرفت كشور ها و لزوم ايجاد فرصت هاي برابر شغلي بديهي به نظر مي رسد. چه اين كه بسياري از فعالان اقتصادي، مديران شركت ها و كار آفرينان بر تر در زمانه ما، زنان متخصص و توانمندي هستند كه فرصت بروز استعداد ها و كمك به توسعه را يافته اند. با اين حال هنوز سهم و جا يگاه زنان در صنعت، خدمات و روند توسعه اقتصادي كشور مانا ل است. زنان هنوز به باز يگران جدی عرصه توليد، سرمايه گذاري و كار آفريني تبديل نشده اند و اعتماد دولت و ديگر بخش ها به آنها اندك است. نگاهي به آمار هاي موجود و مقا يسه سهم زنان و مردان در توسعه گوياي چنين واقعي تي است. زنان سهم بسيار نا زل تري نسبت به مردان در اقتصاد كشور دارند و معمولا ۱۰ سال به بالا مي توانند كار كنند. در اين ميان از ۳۰ ميليون زن در كشور، تنها ۳ ميليون نفر آنها كار مي كنند. يعني ۲۷ ميليون زن در عرصه اقتصاد و چرخه پيشرفت و توليد كشور نقش ندارند. آمار بيكاري و نرخ مشاركت اقتصادي زنان اين نكته را تا ييد مي كند چرا كه بر اساس آمار گيري سال ۹۳، نرخ مشاركت زنان در اقتصاد ۱۲ درصد و نرخ مشاركت مردان ۶۲ درصد به ثبت رسيده است. همچنين نرخ بيكاري مردان ۸،۷ درصد و نرخ بيكاري زنان ۲۰،۳ درصد است كه اين آمار نشان مي دهد با وجود برابري نسي جمعيت زنان و مردان، زنان بيكار ۲،۳ درصد بيشتر از مردان بيكار هستند و نيم ميليون نفر از بيكاران مطلق كشور را زنان تشكيل مي دهند. حضور زنان در بخش هاي مختلف بازار اشتغال قابل توجه است. بيشترين حضور اين قشر در بخش خدمات با ۵۵،۶ درصد، بخش صنعت ۲۶،۱ درصد و در بخش كشاورزي با ۱۸،۳ است. اين در حالي است كه حضور مردان در بخش خدمات ۴۷،۸ درصد، در بخش صنعت ۳۵،۷ درصد و در بخش كشاورزي ۱۵،۶ درصد است؛ يعني زنان ۲،۳ درصد بيشتر از مردان در بخش كشاورزي فعاليت مي كنند.

استقلال مالي زنان موثر بر موفقيت آنان است

در جوامع پيشرفته بخشي از خدماتي كه زنان در خانه ارائه مي دهند مانند تربيت فرزند، آشپزي و... از آنها خريداري و بابتش به آنها دستمزد داده مي شود. در ايران حدود ۲۰ ميليون زن خانه دار وجود دارد كه در خانه به ارائه خدمات مي پردازند، اما به ازاي فعاليت در خانه درآمد ندارند و چنين امري باعث مي شود كه سهم كمی در اقتصاد كشور داشته باشند.

پس اشتغال براي زنان و نقش كم رنگ آنان در بازار كسب و كار به دليل نبود فرصت كافي و اختصاص دستمزد نا كافي به آنهاست. لذا زنان همان طور كه در اقتصاد نقش كمی دارند، در داشتن ثروت و سرمايه نيز نمی توانند به اندازه مردان قوي عمل كنند و اين يعني سرمايه ملي كم تري دارند و خواهند

زنانی كه استقلال اقتصادي دارند، مي توانند در حوزه زندگي شخصي و خانوادگي و اجتماعي نسبت به زنان با استقلال اقتصادي كمتر، موفق تر عمل كنند

نگاهي به وضعيت بازار كار در سه سال اخير - بر اساس آمار هاي مركز آمار ايران				
سال	نرخ بيكاري زنان	نرخ بيكاري مردان	نرخ مشاركت اقتصادي مردان	نرخ مشاركت اقتصادي زنان
سال ۱۳۹۱	۱۹/۹ درصد	۱۰/۵ درصد	۶۱/۲ درصد	۱۳/۷ درصد
سال ۱۳۹۲	۱۹/۸ درصد	۸/۶ درصد	۶۳ درصد	۱۲/۴ درصد
سال ۱۳۹۳	۲۰/۳ درصد	۸/۷ درصد	۶۲ درصد	۱۲ درصد



مسولان اقتصادی کشور و بخصوص رئیس محترم جمهور اشاره کرده‌اند که یکی از شاخص‌ترین دلمشغولی‌های بر جای مانده از دوران قبل به بحث واگذاری پروژه‌های عمرانی نیمه تمام مربوط است

نیاز اقتصاد ایران؛ فضای رقابتی

بررسی دو نگرانی بزرگ اقتصاد ایران و راهکارهایی برای رهایی از آنها



سید حامد واحدی
عضو هیات رئیسه اتاق تهران

دولت در اقتصاد حاصل می‌شود. هر چند که علم روز اقتصاد در جهان اثبات کرده چنین پنداری مطلقایی اساس است.

اما بحران چیست؟

کمبود منابع، توسعه در کشور را متوقف کرده‌است. بنابراین دولت باید پروژه‌های عمرانی نیمه تمام را به سرانجام برساند ولی منابع مورد نیاز را در اختیار ندارد. توصیه مشخص این است که بازمهم ما اقدام به اختراع مجدد چرخ نکنیم و آنچه در کشورهای توسعه یافته رخ داده را به عنوان برنامه‌ای پیش روی خود قرار دهیم. به طور نمونه در آلمان و پس از جنگ جهانی دوم، دولت برای سازندگی بیشتر حاضر شد، مجموعه‌های تحت تملک خود را به قیمت‌هایی نظیر یک مارک به بخش خصوصی واگذار کند. به شرط آنکه بخش خصوصی متعهد و مولد پس از طی دوره‌ای زمانی، از همان کارخانه نیمه جان، هزاران شغل برای جوانان بسازد و امید را به جای ناامیدی بنشانند. بر همین اساس امروز بخش خصوصی ایران حاضر است اجرای پروژه‌های عمرانی نیمه تمام را بر عهده گیرد. آنچه مسلم است اینکه، بخش خصوصی نه با شرایط قیمت گذاری دولتی که بر مبنای منطقی مشخص اقدام به ادامه و اجرای پروژه‌های عمرانی نیمه تمام می‌کند. به طور مثال ممکن است به روش غیراقتصادی و غیربهبینه دولتی هزینه ساخت یک راه نیمه تمام ۱۰۰ هزار میلیارد تومان تمام شده باشد ولی همگی فعالان بخش خصوصی می‌دانند همین پروژه به روش منطقی و بهینه بخش خصوصی می‌توانست به قیمت مثلاً ۵۰ هزار میلیارد تومان هم ساخته شود. بنابراین قیمت گذاری دولتی منبای منطقی ندارد. بخش خصوصی حاضر است به روش مزایده منصفانه اقدام به اجرای این پروژه‌ها کند.

نیاز مهم ما این است که به موازات اقدامات اصولی، فرهنگ عمومی جامعه هم تغییر کند. فرهنگ جامعه به معنای تفکر حاکم بر ذهن توده‌های مردم نیاز به بازآفرینی دارد. زیست برمدار فرهنگ برتری «کارمند» به «کارآفرین» موجب شده تا خانواده‌های ایرانی حداقل طی ۵ دهه، مبنای خوشبختی فرزندان خود را در استخدام ایشان در محیطی اداری بدانند. پس از این در دهه چهل شمسی نگاه چپ در کشور حاکم شد و چنین آرزویی را به منطق عمومی تبدیل کرد و تقریباً همین نگاه تا امروز تداوم یافته‌است. مدتی بعد هم با افزایش شکاف درآمدی میان طبقه محروم، طبقه متوسط و طبقه سرمایه‌دار این باور به «کینه» تبدیل شد. حالا دولت یا بهتر است بگوییم دولت‌ها موظف هستند همزمان با اصلاح نگاه خود به ترویج این فرهنگ در جامعه بپردازند. آنچه طی تمامی سال‌های گذشته و بخصوص ده سال گذشته ما را عقب انداخت نه سلطه کارآفرینان بر اقتصاد کشور که سوء تدبیر مدیران دولتی بود. بنابراین اگر امروز شهروندان جامعه ایرانی عدالت را در مسلخ می‌بینند، نمی‌توانند مقصر چنین اتفاقی را بخش خصوصی بدانند که مخلصانه و در شرایط راکود فداکارانه سرمایه‌ها به کارخانه‌ها تبدیل کرده‌است. بنابراین امروز باید این باور تقویت شود که کشور بدون بخش خصوصی متعهد که اداره اقتصاد را در دست می‌گیرد، راه حلی برای عبور از بحران ندارند.

همه ما می‌دانیم که اقتصاد ایران امروز نمی‌تواند و نباید خود را جدا از بخش خصوصی و بخصوص نسل جدید بخش خصوصی جوان و کارآزموده بداند. دولت‌ها اگر تاده سال قبل برای حضور بخش خصوصی در اقتصاد ایران تلاش می‌کردند، امروز باید بدانند که یک پسوند به عنوان همان بخش خصوصی افزوده شده‌است «امروز باید برای حضور بخش خصوصی جوان» در اقتصاد کشور برنامه ریخت. اقتصاد ایران در آستانه تغییر نسل است ولی ما هنوز گرفتار مفاهیمی باقی مانده‌ایم که جهان توسعه یافته سال‌ها قبل از آن عبور کرده‌است. بر همین اساس بخش خصوصی کشور امروز خود را نگران آینده می‌بیند و این دلمشغولی را فروتنانه و دلسوزانه به دولت انتقال می‌دهد.

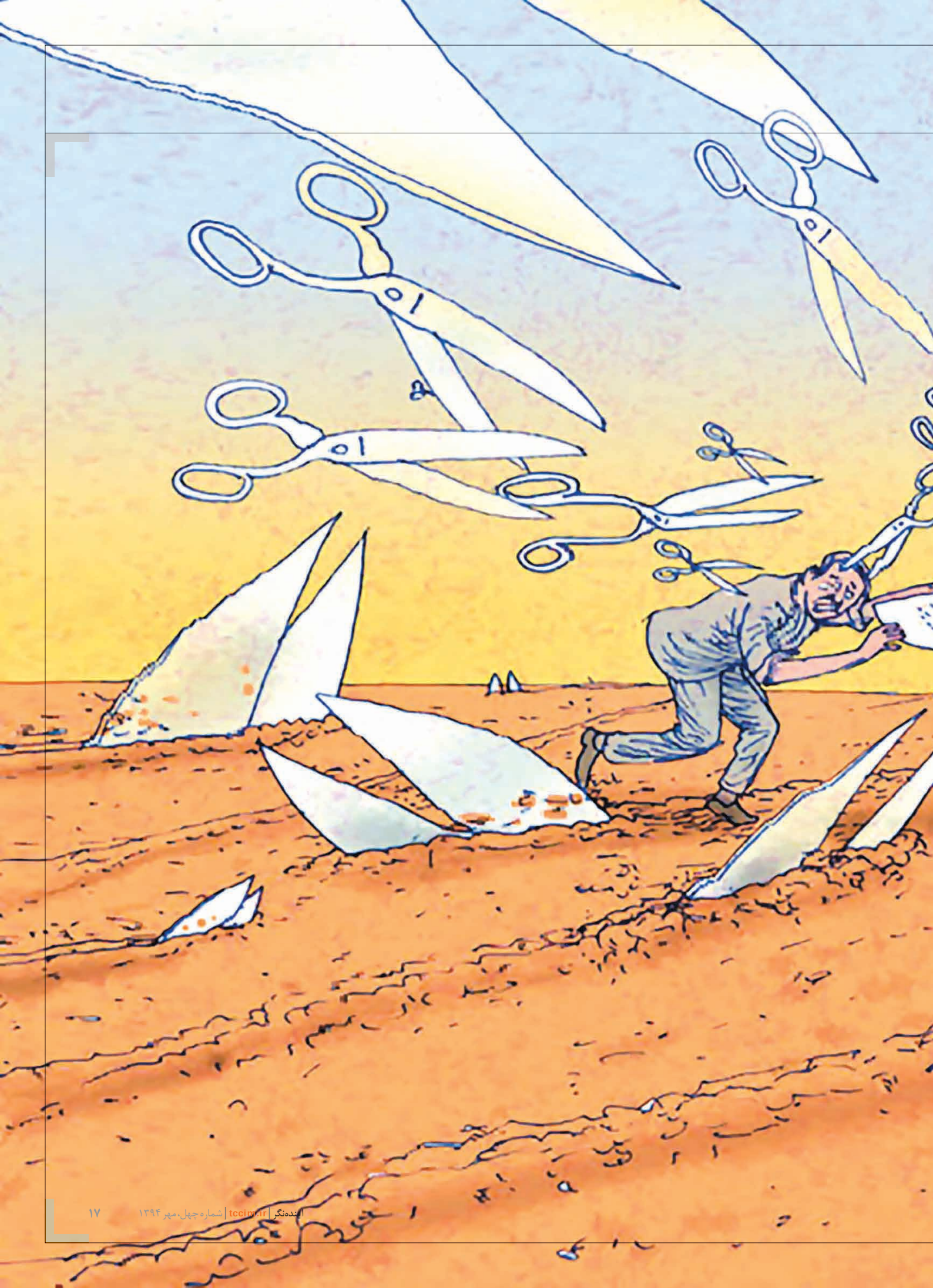
موضوع واگذاری‌ها و خصوصی سازی

همگی مسئولان اقتصادی کشور و بخصوص رئیس محترم جمهور اشاره کرده‌اند که یکی از شاخص‌ترین دلمشغولی‌های بر جای مانده از دوران قبل به بحث واگذاری پروژه‌های عمرانی نیمه تمام مربوط است. به طور خاص می‌دانیم دولت برای انجام پروژه‌های روی زمین مانده به حداقل بودجه چهار صد هزار میلیارد تومانی نیاز دارد. اما چنین منابعی در دورانی که قیمت نفت کاهش یافته و بازار انرژی نیز افق امیدوار کننده‌ای مقابل سیاست‌گذاران کشور قرار نداده به سادگی محقق نمی‌شود. بر همین مبنای راه حل باقی مانده این است که امروز بخش خصوصی ناجی و تامین کننده این منابع، وارد فضای سرمایه گذاری کشور شود. روند خصوصی سازی در گذشته به ما اثبات کرده که دولت علاقه یا انگیزه مشخصی برای واگذاری «مدیریت‌ها» به بخش خصوصی کشور ندارد. بر همین اساس آنچه رخ داده نیز در نهایت تنها منحصر به واگذاری «مالکیت‌ها» باقی مانده‌است. اما مالکیت بدون مدیریت می‌تواند به چه میزان به اقتصاد ایران کمک کند؟ واقعیت این است که هم بخش خصوصی متوجه شده و هم اینکه دولت به این آگاهی رسیده که مالکیت بدون مدیریت معنایی ندارد. با این حال تفکری در بدنه دولت هنوز جان دارد که چنین نگاهی را تداوم نمی‌بخشد. این تفکر برآمده از بینشی دولت محور و دولت مدار است که می‌گوید، قوه مجریه به عنوان مالک اصلی اقتصاد نباید، هیچ مدیریتی را به بخش خصوصی واگذار کند. چنین نگاهی هم ریشه در باورهای قدیمی دارد که زمانی در اقتصاد ایران قدرت مطلق بود. امروز هم خیال خام است که تصور کنیم، چنان شیوه نگرشی ناگهان در فضای اقتصاد ایران از میان رفته و اثراتش دیگر وجود ندارد. پدیده‌های اجتماعی همچون این نه یک شب می‌آیند و نه باطلوع خورشید می‌روند. از سوی دیگر افزایش دامنه شکاف و فاصله طبقاتی و کاهش قدرت خرید مردم نیز موجب شده که چنین شیوه نگاهی بیش از گذشته جان بگیرد. مردمی که طی دو سال نزدیک به ۴۰ درصد از قدرت خریدشان کم شده، قطعاً حاضر نیستند به سادگی زیر بار نگاهی بروند که در آن نقش دولت در اقتصاد را کم رنگ می‌کند چرا که سال‌ها این مفهوم به شهروندان ایرانی القاء شده که یگانه قدرت حاکم عدالت بخش در کشور همان دولت مقتدر است. بر این اساس برای مردم این جمله به فرهنگ تبدیل شده که «عدالت اجتماعی» تنها با دخالت بیشتر

کمبود منابع، توسعه در کشور را متوقف کرده‌است. بنابراین دولت باید پروژه‌های عمرانی نیمه تمام را به سرانجام برساند ولی منابع مورد نیاز را در اختیار ندارد. توصیه مشخص این است که بازمهم ما اقدام به اختراع مجدد چرخ نکنیم و آنچه در کشورهای توسعه یافته رخ داده را به عنوان برنامه‌ای پیش روی خود قرار دهیم

نظام مالیات‌گیری علیه زیرزمینی‌ها

پرونده‌ای درباره اصلاحیه قانون مالیاتی



گفت و گو با محمد ستاری فر، رئیس اسبق سازمان مدیریت و برنامه ریزی درباره اصلاح قانون مالیاتی

دولتمردان قبل از اخذ مالیات، خلق پول کنند

ستاری فر: دولت به جایی رسیده است که خرج بالایی دارد و ناکارآمدی خود را می خواهد با اخذ مالیات بیشتر جبران کند

محبوبه فکوری

این روزها اقتصاد ایران حال و هوای دیگری دارد. گویا شب عید است و قرار است که همه چیز تغییر کند و رو به بهار و بهبود رود. جنب و جوشش البته هنوز به پای شب عید نمی رسد؛ اما فعالان اقتصادی و تجار منتظرند تا بهار اقتصاد ایران را ببینند. در این میان، وزیر امور اقتصادی و دارایی خبر از حذف قوانین و مقررات زاید می دهد که به نوعی خانه تکانی را در اقتصاد ایران رقم خواهد زد. می گوید کمیته ای هم تشکیل داده است که قوانین دست و پاگیر را حذف کند. اما به موازات همین اظهار نظرش، سازمان امور مالیاتی به عنوان یکی از زیرمجموعه هایش، خود را برای اجرای قانون جدید مالیات های مستقیم آماده می کند. قانونی که قرار است سرکی هم به حساب های مالیات دهندگان بکشد و شاید هم یقه مودیان مالیاتی را بگیرد که خانه های خالی دارند و منتظرند که روزهای رونق بازار مسکن از راه برسد تا بتوانند دارایی های خود را نقد یا مستاجرانی پیدا کنند. اما همین اصلاحیه جدید، موافقان و مخالفانی هم دارد. موافقان می گویند که برخی اصلاحات آن خوب است و مخالفان اما، بر این باورند که بخش شفاف اقتصاد، باز هم از اجرای قانون جدید لطمه می بیند. محمد ستاری فر، رئیس اسبق سازمان مدیریت و برنامه ریزی اما صحبت از مجری خوب به میان می آورد و معتقد است که اگر قانونی بد باشد، اما مجری خوب داشته باشد، حتما راه به جایی نیک خواهد برد.

ریشه های حل شود. واقعیت این است که توسعه نیازمند بازنگری جدی در نظام حکمرانی است. نمی توان باروش های قبلی، ترتیبات اتوماتیک و دولت محور و ادامه راه با استراتژی قبلی، عهده دار توسعه پایدار و هم افزایی اقتصاد ایران باشیم. البته عده ای بر این باورند که باید تحریم از بین برود تا اقتصاد ایران روی ریل قرار گیرد، اما باید گفت که این توسعه پایدار نیست؛ مگر از سال ۸۴ به بعد که هم دلارهای سرشاری روانه اقتصاد ایران شد و هم قیمت فروش نفت بالا رفت، کشور تحریم بود که نتوانستیم با این منابع سرشار ارزی به توسعه پایدار برسیم؟ این یک سوال اساسی است. در حالی که نتیجه افزایش درآمدهای نفتی، رسیدن واردات از ۲۱ میلیارد دلار به ۱۰۰ میلیارد دلار بود. وضع بهتر نشد. برنامه های دولت در پی تدبیری اجرامی شد. اینجا شاید مثال های قدیمی کاربرد داشته باشد. یعنی اقتصاد ایران همانند جیرجیرکی بود که فقط خوشی تابستان را به یاد داشت و به فکر زمستان خود نبود. بنابراین با تاکید بر این که باید نسبت به رفع تحریم اقدام کرد و یادآوری این که دولت کار بزرگی انجام داد، می توان از موضوع تحریم به خود آمد.

پس تاکید شما این است که مشکلات بیش از تحریم به خودمان مرتبط است؟

بله، اگر به خود آمدیم، خوب است اما به نظر می رسد که این روزها بیشتر به دنبال این هستیم که از رفع تحریم، چه میزان دلار باز روانه خزانه کشور خواهد شد. ما به دنبال این هستیم که چه منابعی به کشور می آید. اما از نظر مباحث نظری و علمی، توسعه و پیشرفت با منابع شروع نمی شود بلکه با نظم، انضباط، سامان و تربیت آدمیان شروع خواهد شد. اگر از فرای برداشته شدن تحریم ها، مملکت، دولت، ملت، حاکمیت، مجلس و قوه قضاییه، روحانیت و شورای نگهبان، نظم و انضباط پیدا کرد و سامان یافت، ما به معجزه می رسیم، اما اگر بی انضباطی و بی نظمی همچنان حاکم باشد، ۴۰ میلیارد دلار مان به ۸۰ میلیارد دلار هم برسد، به گواه تجربه کشور، مشکلات حل و فصل نمی شود. از سسوی دیگر، مردم که حق بزرگی در تاریخ دارند، گواهی می دهند که در سال هایی که ایران تحریم هم نبوده و درآمدهای سرشار هم داشته است، موفق نبوده؛ مردم هم شادتر نبوده اند. بلکه درست در سال هایی که درآمد ارزی کمتر بوده، کسب و کار نشاط بیشتری داشته است؛ چرا که همین درآمد کم، صرف کارهای جدی تر شده است. بنابراین بین دولت و حاکمیت و ملت یک فرآیندی شکل گرفته است که نباید از آن غافل بود. مروری بر تاریخ نشانگر این است که تا سال ۱۸۰۰ میلادی پادشاه یا امپراتور نقش مهمی در بیشتر کشورهای دنیا ایفا می کرد و مردم، رعیت آنها بودند؛ اما بشر در طول ۵۰ سال گذشته تلاش کرده تا قدرت را محدود کند. اولین کشور انگلیس بود و بعد فرانسه و سایر کشورهای دنیا نیز به این روند پیوستند. یعنی قدرت نامحدود فردی، تبدیل به قدرت جمعی و پس از آن، قدرت سازمانی شد و بعد هم، دولت جمعی، یک دولت قانونمند و قراردادی شد. مردم تلاش کردند که روشن فکران و دانشمندان را به نوعی تقویت و قانون را تبدیل به یک قرارداد کنند. پس آن دسته از کشورهای که اولین بار به ماهیت و چهره قدرت رسیدند و ملت را

آقای دکتر، می شود گفت دوران جدیدی از اقتصاد ایران در حال آغاز شدن است. دورانی که جامعه مطبوعاتی و برخی فعالان اقتصادی کشور از آن به عنوان پساتحریم یاد می کنند. در این شرایط قرار است که شرکت های جدیدی بیایند و اقتصاد ایران با ملحق شدن با آنها، شرایط بهتری را تجربه کند. در حالت خوش بینانه تر قرار است که در های اقتصاد ایران به روی دنیا باز شود و تعاملات اقتصادی به اوج برسد. رفع تحریم چقدر راه گشا است و چگونه می تواند درآمدهای بنگاه های اقتصادی را بهبود ببخشد تا به تبع آن، مالیات ها هم برای دولت سهل الوصول تر شود؟

بند به عنوان یک کارشناس که مدت ها در سازمان مدیریت و برنامه ریزی کار کارشناسی انجام داده ام بر این باورم که ابتدا باید چرایی مشکلات فعلی اقتصاد ایران را به خوبی دانست. باید این سوال را مطرح کرد که چرا ما دچار این مشکلات شده ایم. من در حريم کارشناسی باید صریح، صمیمی و با صداقت پیش بروم و متأسفانه بگویم که ما تدبیر لازم را در دوران پیش از تحریم نداشتیم که دچار این مشکلات شده ایم. اگر بخواهیم از این مشکلات هم رها بشویم، باید به خوبی آنها را حل و فصل کنیم. البته باید برای رفع تحریم ها مذاکره کنیم. به این معنا که اگر نخواهیم اصلاحات لازم را در این زمینه داشته باشیم، موضوع تحریم نمی تواند وضعیت اقتصاد ایران را بهتر کند و البته باز داشتن تحریم به بهبود اوضاع اقتصاد ایران کمک می کند؛ اما گره زدن همه چیز به تحریم درست نیست. ممکن است که شرکت های ایرانی برای رفتن به بازارهای جهانی یا جوینت شدن با سایر کشورها «لهله» بزنند؛ اما این در کوتاه مدت یک هیجان منطقی است ولی مشکلات باید به صورت

اکنون جغرافیای تولید و کسب و کار در ایران صحیح نیست و هم سازمان مالیاتی و هم واحد تولیدی ممکن است در بخشی ضرر کنند



به یاد ندارم که دولت واحدهای مولد و پیشران اقتصادی را از مالیات معاف کرده باشد؛ اگر این واحدها رونق بگیرند و اشتغال و مشکلات را حل کنند دولت نباید از آنها مالیات کسب کند



دارند؛ در روشنایی قرار گرفته‌اند و شفاف عمل می‌کنند؛ مأموران مالیاتی به سراغ آنها می‌روند و از آنها مالیات می‌گیرند و کاری به بخش غیر شفاف اقتصاد ندارد؛ بخشی که رانتی، مافیای غیر رسمی است به سراغش نمی‌روند. از سوی دیگر، دولت در کود و تورم قرار گرفته و بنابراین مجبور است از جایی که تابلو دارد، مالیات بگیرد؛ چرا که دولت بودجه می‌خواهد و بنابراین مالیات را برای تامین بودجه خود طلب می‌کند. در حالی که اگر پدر این واحدها بگذاریم، می‌بینیم که ر کود به همه چیز دامن زده و کار را بدتر کرده است. اینجاست که تاکید من این می‌شود که گفت‌وگوهای توسعه‌ای باید در کشور به راه افتد. چرا که اگر گفت‌وگوهای توسعه‌ای باشد، دولت سعی می‌کند خود را جمع و جور کند؛ آدم‌های اضافه در دستگاه‌های دولتی را کنار بگذارد و همانند کشورهای پیشرفته مثل فرانسه و بلژیک عمل کند که به یکباره برای کاهش هزینه‌های دولت، ۱۴ وزارتخانه خود را تعطیل کردند و گفتند که می‌خواهیم کوچک باشیم. بنابراین در ایران هم وقتی رونق داریم یا ر کود مشاهده می‌کنیم، باید متناسب با آن، سیاست‌ها را تغییر دهیم؛ در حالی که ما سال‌هاست خرج دولت را فیکس کرده‌ایم و می‌گوییم باید به هر طریقی تامین شود؛ پس راحت‌ترین راه این است که مالیات بگیریم. بنابراین اگر دولت توانست خود را شکل دهد و منعطف شود؛ یعنی خود را جمع و جور کند و آدم‌ها و سازمان‌های اضافه خود را کنار بگذارد، حتما توسعه اقتصادی شکل می‌گیرد و بخش خصوصی فعال می‌شود و مالیات را هم به خوبی می‌پردازد. اما روش فعلی درست نیست که وقتی اقتصاد رونق دارد همین تعداد کارمند و وزارتخانه در کشور فعالیت کنند و وقتی هم ر کود هست، باز هم همین تعداد کار کنند؛ بلکه باید متناسب با رونق و ر کود پیش رود. پس دولت اگر خود را شکل داد و منعطف کرد، به طور قطع، تفکر حاکم این خواهد شد که جاهایی را که درآمد دارند و تولید می‌کنند در اخذ مالیات نبینند و از مالیات معاف کنند؛ چرا که آنها هستند که

رعایت کردند، یک گام به جلو رفتند؛ یعنی دولت، ملت را سرلوحه کار خود قرار داد و یک گام پیش رفت؛ چرا که ملتی که آگاه و به حقوق خود واقف باشد، به دولت می‌گوید که من به تو مالیات می‌دهم و در مقابل پرداخت مالیات، از تو نظم، انضباط، آرامش و امید می‌خواهم و برای تحقق اینها، مالیات می‌دهم. بنابراین رابطه دولت قانونمند و ملت آگاه، مالیات را رقم می‌زند. اما این که دولت استراتژی خود را مشخص کند که مالیات را چگونه بگیرد و چگونه خرج کند هم مهم است. در ادبیات قانون، به این مهم، «مالیه عمومی» می‌گویند و روش مالیه عمومی، به مالیات تفسیر می‌شود. در مالیه عمومی مشخص است که چه چیز را باید مردم بدهند و چه را دولت باید خرج کند. پس در ادبیات علمی می‌گویند که کیفیت مالیه عمومی، کیفیت توسعه را شکل می‌دهد و دولت در سال‌های قبل به این فکر نبوده است و از هزینه کرد مناسب مالیات مردم دریغ کرده است ولی آن دولتی که کل منابع را خرج می‌کند و برای توسعه اقتصادی گام بر نمی‌دارد، توسعه‌گرا نیست. اگر خرج، کارآمد و اثر بخش باشد، مبنای کار خود را توسعه قرار می‌دهد و بنابراین به راحتی می‌تواند مالیات بگیرد.

ح هم اکنون وضعیت به چه صورت است؟ دولت تدبیر و امید چقدر در اجرای این استراتژی توانسته موفق عمل کند؟

الان به جایی رسیده‌ایم که کارهای دولت، توسعه‌ای نیست و دولت به جایی رسیده است که خرج بالایی دارد و ناکارآمدی خود را می‌خواهد با اخذ مالیات بیشتر جبران کند. بنابراین مالیات را خرج خود می‌کند و به رفاه مردم کمتر می‌رسد. این فرآیند طی دولت‌های گذشته نیز تکرار شده است. پس روند به این گونه پیش رفته است که مردم مالیات را باید بدهند تا دولت به لحاظ مالی تامین شود. تازه وقتی که نظام ممیزی که عهده‌دار کسب مالیات است قرار می‌شود که منابع مورد نیاز دولت را حاصل کند، عمدتاً به سراغ جاهایی می‌رود که معلوم هستند؛ یعنی فعالیت‌های اقتصادی که تابلو

وقتی نظام ممیزی که عهده‌دار کسب مالیات است قرار می‌شود منابع مورد نیاز دولت را حاصل کند، عمدتاً به سراغ جاهایی می‌رود که معلوم هستند؛ یعنی فعالیت‌های اقتصادی که تابلو دارند

رونق را رقم می‌زنند. من به یاد ندارم که دولت واحدهای مولد و پیش‌سازان اقتصادی را از مالیات معاف کرده باشد. اگر این واحدها رونق بگیرند و اشتغال و مشکلات را حل کنند، دولت نباید از آنها مالیات کسب کند. بنابراین اگر اقتصاد بر مبنای گفتمان توسعه پیش رود، تمرکز بر آن دسته از اموری که پولدار و غیرمولد و زیرزمینی است، صورت می‌گیرد که اخلاص و وابستگی ایجاد کرده‌اند و مردم را به فقر انداخته‌اند.

به نظر می‌رسد چندان رضایتی از شیوه اجرای مالیات‌ستانی در کشور ندارید و انتقادات زیادی را به آن وارد می‌دانید.

من با اجرای قانون مالیات‌ها مشکل ندارم، من با بگیربگیر مشکل دارم. نباید به سراغ جایی که تابلو دارد و تولید و اشتغال صورت می‌دهد برویم؛ بلکه اگر بخواهیم از این در دسر خلاص شویم باید روان‌سازی کنیم و امکانات رشد به بنگاه‌های مولد اقتصادی بدهیم و برای آنها معافیت مالیاتی در نظر بگیریم. نباید دنبال قانون خوب بگردیم، بلکه باید به دنبال مجری خوب باشیم. این هنوز در ایران فرهنگ عمومی نیست که ما سراغ مولدین نیرویم و کار را برای آنها تسهیل کنیم و در مقابل، به سراغ نامولدان برویم. قانونی که دولت تصویب کرده متأسفانه مولدها را نشان گرفته است و می‌گوید که باید از آنها مالیات گرفته شود؛ اما بار دیگر تکرار می‌کنم، می‌توان قانون بد داشت اما با مجری خوب، به بهترین شکل آن را پیاده کرد و کار را پیش برد، برخی مأموران مالیاتی، شناختی از نظام مالیاتی ندارند و تنها راه وصول درآمد دولت از محل مالیات را از تابلودارها می‌دانند و در سال‌های اخیر روی غیرشفاف‌ها متمرکز و حساس نبوده‌اند؛ بنابراین، این قانون هم مشکل را حل نمی‌کند، چرا که رویکرد توسعه‌ای در اجرای این چنین قوانینی وجود ندارد؛ به این معنا که اگر رویکرد توسعه‌ای بود، در کود و تورم باید مالیات را کم می‌کردیم و یا حداقل هر واحد تولیدی‌ای را که بیشتر رشد داشت از مالیات معاف می‌کردیم و به صاحبان واحدهای تولیدی می‌گفتم که مالیات را از شما می‌گیریم، اما اگر مثلاً در مقابل این دو میلیارد تومان مالیات، بتوانید دو میلیارد تومان افزایش سرمایه بدهید، کل این دو میلیارد تومان مالیات را به شما می‌بخشیم، تا این تشویقی باشد که واحدهای تولیدی، تولید را بیشتر کنند؛ به این که دولت از آنها که درآمدزا و شفاف هستند، مالیات اخذ کند و کاری به غیرمولدها نداشته باشد. بهتر بود بگوییم که واحد تولیدی بهتر کار کند و از مالیات معاف باشد. در حالی که ردیف مالیاتی دولت در سال ۹۴ بیشتر شده است و واحدهای مولد هم باید آن را بپردازند. از سویی دیگر تورم هم وجود دارد و این امر به تولیدکنندگان فشار می‌آورد. بنابراین اگر می‌خواهیم قدم خیری برای تولید برداریم، چگونگی نحوه نگاه ما به واحدهای تولیدی، باید نگاه توسعه‌ای باشد و باززمینی‌ها در حوزه مالیات، کار داشته باشیم.

سازمان امور مالیاتی را چطور باید آسیب‌شناسی کرد، چرا که مأموران مالیاتی با اجرای قانون، بر خورد سلیقه‌ای دارند و تفکر پوسیده فشار بر واحدهای شفاف برای اخذ مالیات هنوز در ذهن آنها وجود دارد؟

روی سوال مهمی دست گذاشتید که بسیار فنی است و من عادت ندارم راجع به موضوعی که به آن اشراف ندارم، حرف بزنم؛ اما می‌توان ورودی کلان به موضوع داشت. شما را راجع می‌دهم به عرصه علم و تجارب. آن گونه که در دنیا هم اثبات شده، مهم‌ترین موتور رشد و پیشرفت، منابع مالی و ارز نفت و دلارهای بلو که شده نیست، بلکه منابع انسانی است. تجارب نشانگر این است که دانشگاه‌هایی توانسته‌اند راه‌گشا باشند و تئوری «گاوهای پرواز کنند» را پیاده کنند. در واقع، نظریه پردازان دنیا در مورد پرواز گاوها، استدلالشان این است که پرندگان با آگاهی مسیر خود را پیش می‌روند چرا که به جلونگاه می‌کنند ولی گاوها سر را به زیر می‌اندازند و جلورانی می‌بینند؛ بنابراین باید کارمندان فاشل را که تنها نوک دماغشان را می‌بینند، توانمند کنیم؛ چرا که نمی‌توانیم در خیابان بگیردیم و آدم پیدا کنیم و در سازمان‌های این چنینی مشغول به کار

کنیم. هر کس در هر جایی که هست باید توانمند شود؛ پس سوال اینجاست که آیا سازمان امور مالیاتی با ساختار و کارکنانی که دارد، می‌تواند پاسخ‌گوی نظام توسعه کشور باشد؛ باید به این سوال پاسخ منفی داد. البته خودشان هم قبول دارند و اصلاحاتی هم انجام داده‌اند ولی کافی نیست و اگر بخواهیم نظام و گفتمان توسعه‌ای داشته باشیم، یکی از پیشخوان‌های دولت سازمان امور مالیاتی است؛ چرا که مقصد است. در واقع، رابطه دولت و ملت، مالیه عمومی می‌شود و شناسنامه مالیه عمومی هم سازمان امور مالیاتی است که باید آن قدر به روز باشد و خوب بفهمند که این توسعه به سرانجام برسد. در عین حال، رهبران حاکمیت باید به سمت گفتمان توسعه پیش بروند.

در نظام توسعه‌ای نگاه به بخش مالیات و مالیات‌ستانی از مردم چگونه باید باشد؟

اگر می‌خواهند که رکود نباشد و رونق باشد، باید به سمت و سوی گفتمان توسعه‌ای بروند و در عمل، باید به دنبال توسعه باشند که مالیه خود را خوب و سازمان امور مالیاتی را اصلاح کنند؛ به عبارت دیگر، در عمل، ذهنیت کل‌وزرا و مجلس باید اصلاح سازمان امور مالیاتی باشد. اکنون این چنین نیست. به سازمان امور مالیاتی گفته می‌شود که باید پول مورد نیاز دولت را تامین کند در حالی که دولتمردان ابتدا باید دور میز دولت بنشینند، پول بسازند و بعد از مردم تقاضا داشته باشند که به دولت پول بدهند؛ پس مالیه عمومی، متعلق به کل‌وزراست و کل‌وزرا باید اقداماتی را که منجر به خلق ارزش و پول در جامعه می‌شود به سازمان امور مالیاتی و وزارت امور اقتصادی و دارایی معرفی کنند؛ ضمن این که مأموران سازمان امور مالیاتی هم باید آموزش ببینند. در حالی که اکنون به مقوله مالیات به عنوان یک موضوع انتزاعی نگاه می‌شود و در هم تنیدگی میان وزارتخانه‌های اقتصادی برای خلق پول وجود ندارد. بنابراین فقط از سازمان امور مالیاتی، مالیات می‌خواهیم و آن هم برای وصول این درآمدهای مورد نیاز دولت، بیشتر به سمت اقتصاد شفاف می‌رود و در یک دور باطل کار می‌کند.

در بندی از این قانون گفته شده که می‌توان برای وصول مالیات، به حساب‌های مردم دسترسی داشت. واکنش برخی به این موضوع مثبت و واکنش برخی نیز منفی بوده است، شما این بند را چطور ارزیابی می‌کنید؟

نمی‌دانم که واقعاً دولت می‌خواهد با گنجاندن چنین بخش‌هایی در قانون، چه کاری انجام دهد. در همه دنیا برای نوشتن قانون، ابتدا مسئله را استخراج و سپس برای آن راه‌حل پیدا می‌کنند و قانون می‌نویسند. هنوز از جزئیات نحوه تدوین این بند و نتایج بررسی‌ها اطلاعی منتشر نشده است که بتوان راجع به آن قضاوت کرد؛ ولی مشخص نیست که مسئله را چطور نگاه کرده‌اند؟ در دنیا قانون خوب این است که از مشکل، عکس برداری خوبی شود؛ من از آن عکس برداری خبر ندارم. سوالی که شما دارید در این جغرافیای باطلی که الان هست و تعدادی که از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، پاسخ شفاف‌تری ندارد. تنها تعدادی از تولیدکنندگان مالیات می‌دهند، اما آیا ممیز مالیاتی آموزش لازم را دیده است، مشخص نیست. به عبارت واضح‌تر، حرف حق در جغرافیای باطل، قاتل خویش است. اگر در دنیا به حساب‌ها رسیدگی می‌کنند، جغرافیای آنها نیز منطبق با حق است. اکنون جغرافیای تولید و کسب و کار در ایران صحیح نیست و هم سازمان مالیاتی و هم واحد تولیدی ممکن است در بخشی ضرر کنند. باید یاد بگیریم که زود قانون ننویسیم، ما در ایران پر دباری مان کم است و در زمان تصمیم‌گیری اجازه حرف زدن به هم نمی‌دهیم، در حالی که در دنیا برعکس است. در کشورهای پیشرفته، در فرآیند تصمیم‌سازی همه را قفل می‌دهند تا حرف بزنند ولی وقتی قانون تصویب شد باید همه آن را اجرا کنند؛ اما ما در ایران قانون می‌نویسیم و بعد می‌گوییم که راجع به آن نظر دهید. نتیجه هم این می‌شود که اکنون می‌بینیم.



درصد

سهم مالیات از تولید ناخالص داخلی ایران



هزار میلیارد تومان

پیش‌بینی دولت برای کسب مالیات در سال ۹۴

اگر می‌خواهند رکود نباشد و رونق باشد، باید به سمت و سوی گفتمان توسعه‌ای بروند و در عمل، باید به دنبال توسعه باشند که مالیه خود را خوب و سازمان امور مالیاتی را اصلاح کنند



مجلس شورای اسلامی با مشاهده تعداد قابل ملاحظه‌ای خانه خالی در تهران و شهرهای بزرگ به این تصمیم رسید که به این خانه‌ها مالیاتی تعلق گیرد. در حقیقت تعداد خانه‌های خالی در ایران بسیار زیاد ارزیابی شده است که چنین قانونی وضع می‌شود

دخل و خرجی که همخوان نیست

وضع مالیات بر خانه‌های خالی مغایر با سیاست‌های وزارت راه و شهرسازی است



حسین عبده تبریزی
مشاور وزیر راه و شهرسازی

داشت و آن‌گاه اخذ مالیات از این موجودی خالی با سیاست یادشده مناسبتی ندارد و مشکل‌زاست.

وزارت راه و شهرسازی، این نوع سیاست وضع مالیات را مغایر با سیاست‌های وزارت راه و شهرسازی می‌داند چرا که این وزارت‌خانه بر اساس همین نوع از تجربه‌های بین‌المللی که به آن اشاره شد، معتقد است که عرضه مسکن باید حداقل ۸ درصد بالاتر از تقاضا برای آن باشد. اما قانون‌گذار در قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم، ساخت مازاد بر میزان تقاضا را، به فرض آن که تولید شود، جریمه خواهد کرد.

به نظر می‌رسد که مجلس شورای اسلامی با مشاهده تعداد قابل ملاحظه‌ای خانه خالی در تهران و شهرهای بزرگ به این تصمیم رسید که به این خانه‌ها مالیاتی تعلق گیرد. در حقیقت تعداد خانه‌های خالی در ایران بسیار زیاد ارزیابی شده است که چنین قانونی وضع می‌شود، اما واقعیت این است که در طی سال‌های آخر دولت دهم، سرمایه‌گذاری مازادی در این بخش صورت گرفت که به خانه‌های خالی انجامید؛ در حقیقت این تولید مازاد، حاصل افزایش قیمت در سال‌هایی بود که اعتبارات بانکی گسترده‌ای به ساخت مسکن تعلق گرفت چرا که تئوری غلط دولت دهم آن بود که تسهیلات بانکی به خرید مسکن تعلق نگیرد و صرف ساخت مسکن شود. حاصل کار نیز این شد که بانک‌ها تسهیلات گسترده‌ای به مسکن لوکس و گران‌قیمت در شهرهای بزرگ اعطا کردند. بنابراین با دادن این نوع تسهیلات، مقدار بیشتری از نیاز کشور مسکن لوکس ساخته شد و به خالی ماندن این واحدهای مسکونی در تهران و شهرهای بزرگ انجامید.

با مشاهده این وضعیت، مجلس شورای اسلامی رای به مالیات بر خانه‌های خالی داده است در حالی که اخذ چنین مالیاتی، نه تنها مسئله مازاد تولید واحدهای گران‌قیمت را حل نمی‌کند بلکه مشکلی هم برای اعمال سیاست‌های مسکن در کشور ایجاد خواهد کرد و همان‌طور که اشاره کردیم اخذ مالیات از خانه‌های خالی با سیاست‌های توسعه مسکن و محدود کردن بازار سفته‌بازی مغایر است.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که اجرای این قانون ساده نیست. قانون مالیات بر خانه‌های خالی در اجرا با دشواری همراه است ضمن این که مبلغ حاصل از آن ناچیز است و همچنین با سیاست‌های توسعه مسکن ناهمخوان است. شناسایی خانه‌های خالی بسیار برای سازمان امور مالیاتی پرهزینه خواهد بود و عملاً طریقه شناسایی آنها معلوم و مشخص نیست؛ فقط در مرحله معامله ملک، احتمال وصول آن تا حدی وجود دارد که به نوبه خود به دلیل عدم قطعیت، متأسفانه همین موضوع نیز می‌تواند به فساد بین مودی و ممیز بینجامد و خود ایجادکننده مشکلات جدید در این حوزه باشد.

خانه‌های خالی براساس قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم که به تازگی رئیس‌جمهور آن را به وزارت امور اقتصادی و دارایی ابلاغ کرده است، مشمول مالیات شده است و به این ترتیب اجرای آن از سال آینده همانند سایر اصلاحات قانون مالیات‌های مستقیم، مد نظر دولت قرار گرفته است.

براساس ماده ۵۴ مکرر این قانون، واحدهای مسکونی واقع در شهرهای با جمعیت بیش از صد هزار نفر که به استناد سامانه ملی املاک و اسکان کشور به عنوان واحد خالی شناسایی می‌شود، از سال دوم به بعد مشمول مالیات معادل مالیات بر اجاره به این شرح خواهد بود:

سال دوم: معادل یک‌دوم مالیات متعلقه

سال سوم: معادل مالیات متعلقه

سال چهارم و به بعد: معادل یک و نیم برابر مالیات متعلقه

در زمینه این بحث و تأثیرات آن بر بازار مسکن باید بدانیم که بحث اخذ مالیات از خانه‌های خالی جزو پیشنهادهای وزارت راه و شهرسازی نبوده و طبعاً چنین بحثی نمی‌تواند منطبق با سیاست‌های وزارت راه و شهرسازی باشد.

موضوع دریافت مالیات از خانه‌های خالی از سه سال پیش و در زمان دولت دهم آغاز شد. کاهش و تعدیل قیمت مسکن از اهداف این طرح بوده به طوری که این امیدواری وجود داشت تا با اخذ مالیات از خانه‌های خالی، احتمال عرضه آنها در بازار افزایش یابد و بعد از آن قیمت‌ها تعدیل شود. در حقیقت جلوگیری از احتکار خانه یکی از اهداف مطرح شدن طرح اخذ مالیات از خانه‌های خالی بود؛ موضوعی که به نظر نمی‌رسد اکنون در کشور ما وجود داشته باشد. ما امیدوار بودیم با روی کار آمدن دولت جدید، این بخش از ماده از اصلاح قانون نیز حذف شود اما با تصویب آن در مجلس و ابلاغ آن از سوی دولت مواجه شده‌ایم.

در بیشتر کشورهای پیشرفته دنیا به دلایل متعدد تلاش می‌شود تا عرضه مسکن حدود ۱۰ درصد بیش از تقاضای مسکن یا تعداد خانوارها باشد و برنامه‌ریزی‌ها در این جهت است تا به نوعی قیمت مسکن و اجاره، ثبات بیشتری داشته باشد. ۱۰ درصد اضافه در عرضه مسکن نیز برای پاسخ‌گویی به اهداف زیر در نظر گرفته می‌شود:

الف. پاسخ‌گویی به تقاضاهای مسکن دوم

ب. پاسخ‌گویی به تقاضای جابه‌جایی برای شغل، تحصیل یا موارد مشابه

ج. پاسخ‌گویی به زمان لازم برای بازآرایی و فروش واحدهای ساخته‌شده

د. ساخت اضافه بر تقاضا به دلیل مقابله با سفته‌بازی و جلوگیری از تبدیل مسکن به کالای سرمایه‌ای

بنابراین اگر مطابق با نوع برنامه‌ریزی، اجرای چنین سیاستی را عاقلانه بدانیم، همواره موجودی کمی از مسکن خالی وجود خواهد

اخذ چنین مالیاتی، نه تنها مسئله مازاد تولید واحدهای گران‌قیمت را حل نمی‌کند بلکه مشکلی هم برای اعمال سیاست‌های مسکن در کشور ایجاد خواهد کرد

گفت‌وگو با سعید لیلز، تحلیلگر اقتصادی از اثرات اجرای قانون مالیاتی می‌گوید

مالیات‌ستانی، تنها گزینه روی میز دولت

لیلز: کشور را دیگر نمی‌توان با درآمدهای نفت اداره کرد

مریم موسی‌پور

«مهم‌ترین دلیل برای اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم این است که دیگر کشور با درآمدهای نفتی قابل اداره کردن نیست. تمام دستگاه‌های کشور بر سر این موضوع باید به یک جمع‌بندی روشن برسند که این کشور دیگر با درآمد نفت، قابل اداره کردن نیست.» این جملات را سعید لیلز، استاد دانشگاه شهید بهشتی و تحلیل‌گر اقتصادی می‌گوید و تنها راهکار دولت برای افزایش درآمد را همانند سایر کشورها مالیات‌ستانی می‌داند. وی که دید مثبتی به قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم دارد، معتقد است که ایران با نرخ مالیات‌ستانی ۲۵ درصدی، بهشت مالیاتی نیست و اگر فعالان اقتصادی ایران نمی‌خواهند با همین نرخ مالیات بدهند نیز جای سوال زیادی را ایجاد می‌کند. گفت‌وگوی آینده‌نگر با وی را در خصوص اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم در زیر می‌خوانید.



یکی از این موارد باز هم درباره همین قانون است. دولت باید هم‌زمان با تصویب این قانون، بازنگری اساسی در نظام مالیاتی کشور نیز صورت دهد. از جمله همان‌طور که اشاره کردم، معافیت‌های اقتصادی به سمت بخش‌های اقتصادی و مناطق جغرافیایی برود. این موضوع برای تغییر احتیاج به یک توافق ملی دارد. همچنین ما هم به تکنولوژی، هم به یک بازنگری کلی در جایگاه اقتصادی دستگاه‌های اقتصادی مختلف نیاز داریم و در عین حال باید به سمت آزادسازی اقتصادی واقعی حرکت کنیم. یعنی بنگاه‌های اقتصادی کشور را که متأسفانه عمدتاً تحت پوشش دولت یا بخش عمومی هستند و صرف‌نظر از این که مالیات می‌دهند یا نه، کارآمدی ندارند، باید به سمت کارآمدی ببریم. بنابراین ساختار اقتصادی ایران باید از بن‌دگرگون شود و به سمت آزادسازی اقتصادی و مقررات‌دایی واقعی حرکت کنیم. همچنین باید هدف را خصوصی‌سازی واقعی و رانت‌زدایی و فسادزدایی از اقتصاد کشور در نظر بگیریم.

به عقیده شما مهم‌ترین دلیل برای اصلاح قانون نظام مالیات‌های مستقیم چه بود؟

مهم‌ترین دلیل این است که دیگر کشور با درآمدهای نفتی قابل اداره کردن نیست. تمام دستگاه‌های کشور بر سر این موضوع باید به یک جمع‌بندی روشن برسند که این کشور دیگر با درآمد نفت، قابل اداره کردن نیست. هر دولتی هم روی کار باشد، این موضوع صحت دارد. در دولت‌های نهم و دهم به شدت هم هزینه‌ها را افزایش داده‌ایم و هم درآمدهای نفتی به شدت کاهش پیدا کرده است. من حدس می‌زنم این است که تا ۱۰ سال آینده درآمدهای نفتی به‌طور میانگین تغییر قیمت نفت نخواهند توانست بیش از هزینه ضروری دولت‌ها را جبران کنند. در چشم‌انداز آتی ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که حتی با بهبود قیمت‌های جهانی نفت خام فروش نفت، درآمدهای مازادی برای کشور ایجاد کند. بنابراین هم دولت آقای

تمام تلاش دولت برای اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم، گسترش چتر مالیاتی و جلوگیری از فرارهای مالیاتی است. آیا می‌توان انتظار داشت که با تغییر قانون نظام مالیاتی، تفاوت‌های قابل توجهی در میزان درآمد دولت حاصل شود و از این طریق بتواند مشکلات کمبود بودجه خود را برطرف کند؟

حتماً تغییری حاصل می‌شود. ولی باید توجه کنیم که این تمام کار نیست. این نقطه شروع اصلاح نظام مالیاتی و حتی اصلاح ساختار اقتصادی است. به نظر من ملتی که مالیات خود را نمی‌پردازد، نمی‌تواند انتظار دموکراسی داشته باشد و نمی‌تواند انتظار پاسخ‌گویی از حکومت داشته باشد. حکومتی که از درآمد نفت استفاده می‌کند، جواب ملت خود را نیز نمی‌دهد. من مطمئنم که اجرای قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم که اخیراً تصویب شده است، تغییری جدی در درآمدهای دولت ایجاد خواهد کرد. ولی همان‌طور که گفتم، این نقطه شروع اصلاح است. برای این که باید باز هم در معافیت‌های مالیاتی بازنگری شود. هیچ معافیتی از هیچ نهاد و سازمانی نباید پذیرفته شده باشد. اگر قرار بر معافیت مالیاتی است، بخش‌های اقتصادی باید از این معافیت‌ها استفاده کنند نه نهادها و دستگاه‌های متعلق به این گروه یا آن گروه. ممکن است دولت اعلام کند که من از بخش صادرات مالیات نمی‌گیرم یا از بخش کشاورزی به دلیل امنیت غذایی یا از سیستم و بلوچستان به دلیل این که جزو نقاط محروم است، مالیات نمی‌گیرم. اینها سیاست‌هایی روشن و پذیرفته شده است. اما نمی‌تواند بگوید از بعضی‌ها مالیات نمی‌گیرم.

به این موضوع اشاره کردید که اصلاح این قانون، باید شروعی بر اصلاح ساختار اقتصادی کشور باشد؛ به نظر شما در چه مواردی باید اصلاح انجام شود؟

ما باید در یک دوره کمتر از سه یا چهار سال سهم درآمدهای مالیاتی خود را در تولید ناخالص کشور از ۷ درصد به ۱۲ درصد برسانیم



صادرات نفت ما از سال ۱۳۵۵ تا حالا یعنی در ۴۰ سال گذشته، یک سوم شده است در حالی که جمعیتان به دو برابر افزایش یافته است؛ به این معنا که صادرات نفت خام برای هر ایرانی، طی ۴۰ سال گذشته به یک ششم کاهش یافته است و این مقدار صادرات نفت دیگر قادر به پوشش دادن حواج دولت و ملت ایران نیست.

البته سال هاست که در ایران این کار انجام می شود. در حال حاضر اگر شما ماشینی وارد و از گمرکی ترخیص کنید اما آن را در درآمدهای خود ثبت و اظهار نکنید، اداره مالیات خودبه خود می فهمد برای این که موجودی تمام حساب های یکدیگر وصل است. مادر عصر کامپیوتر به سر می بریم. قبلا این نوع تکنولوژی نبود. حالا این تکنولوژی در همه جای دنیا استفاده می شود و ما هم آن را از خارج خریده ایم که همین کار را انجام دهیم. باید بدانیم که در کشور های دیگر، اخذ مالیات از مردم و فعالان اقتصادی با روش های بسیار سخت گیرانه انجام می شود. در کشورهای اروپایی گاهی مأموران مالیاتی به یک رستوران می روند و تعداد مشتری های رستوران را می شمردند و آن را با اظهارنامه شخص تطبیق می دهند. در برخی موارد دیده شده است که مأموران مالیاتی، مشتری های یک سلمانی را از آپارتمان روبه رویی شمردند. بنابراین چک کردن حساب یک کار معمول در تمام دنیا است و پیش از این نیز در کشورمان انجام می شد و نگرانی ها به دلیل مطلع نبودن از چارچوب مالیات ستانی است.

پس می توان گفت نگرانی هایی که در این مورد عنوان می شود کاملا بی مورد است؟

دقیقا، البته باید به نکته ای مهم اشاره کنیم و آن این که در حال حاضر، ایران با نرخ مالیات ستانی ۲۵ درصدی، بهشت مالیاتی نیست و اگر فعالان اقتصادی ایران نمی خواهند با همین نرخ مالیات بدهند نیز جای سوال زیادی را ایجاد می کند. دولت اصلاحات در ایران در سال ۸۰ ایران را از جهنم مالیاتی به بهشت مالیاتی تبدیل کرد، بنابراین اعتراض به این نرخ کم، جای سوال دارد. البته تاکید می کنم که مالیات دهندگان حق دارند که بگویند معافیت های نهادهای و سازمانی را قبول ندارند که البته حرف درستی است. حق دارند که بدانند مالیات ها کجا خرج می شود. حق دارند که وقتی اظهارنامه های مالیاتی خود را درست پر می کنند با مالیات مضاعف سازمان امور مالیاتی مواجه نشوند. اینها همه حرف های درستی است اما از آن طرف همه باید ۲۵ درصد در آمد خود را مالیات بدهند و همان گونه که کارمندان و کارگران کشور در حال دادن مالیات هستند، همه مردم باید از قانون تمکین کنند.

فکر می کنید با اجرای این قانون تا چه اندازه جلوی فرار مالیاتی اقتصاد برز مینی و غیر رسمی گرفته شود؟ ممکن نیست که دور زندگان قانون قبلی، در مورد این قانون نیز بتوانند راه های دور زن را بیابند و باز هم از پرداخت مالیات بگریزند؟

بله، حتما ممکن است که برخی باز هم در فکر دور زن قانون و پیدا کردن راه های دور زن آن باشند. اما اجرای این قانون به نحو درست می تواند تا حد زیادی جلوی فرار مالیاتی اقتصاد غیر رسمی و زیر مینی را بگیرد. دور زن قانون به این موضوع بستگی دارد که دولت تا چه اندازه در گسترش تور مالیاتی خود و در واقع برقرار کردن و حاکم کردن تکنولوژی بر فرآیند نقل و انتقال پول، بتوانند باشد. این اتفاق باید در ایران بیفتد. حالا که چاره ای جز مالیات ستانی برای دولت نمانده است بهترین زمان برای اجرای این قانون و گسترده کردن تور مالیاتی است. در حقیقت گزینه ای که وجود داشت حالا به حالت اجبار در آمده است پس سازمان نظام مالیاتی نیز به درستی این قانون را اجرا کند تا اهداف مد نظر محقق شود. اگر نظام اطلاع رسانی این قانون با همان نظام جامعه اطلاعات مالیاتی به درستی اجرایی شود و سازمان با اجرای درست قانون، سعی در اجرای درست آن داشته باشد ما می توانیم انتظار داشته باشیم که به اهداف مد نظر در قانون برسیم و موارد در نظر گرفته شده در آن محقق شود. ما به اجرای این قانون و تحقق اهداف آن امیدواریم؛ چون به هر حال از هر مسیری که بخواهیم برویم و به هر مسیری که بخواهیم برویم باید از جایی شروع کنیم.

روحانی هم دولت های بعد باید به سمت مالیات ستانی بروند اما همان طور که اشاره کردم، شرط مالیات ستانی، لغو معافیت های بی منطق، برقراری تکنولوژی مالیاتی و کاستن از هزینه های جاری و زائد و بی مورد دولت و پاسخ گو شدن دولت در برابر مالیات دهندگان است. اگر مردم به دولت برای اداره آن مالیات می دهند باید خود نیز بتوانند دولت را اداره کنند. بنابراین ارتباط تنگاتنگی بین نظام مالیاتی سالم و دموکراسی در همه دنیا وجود دارد و همان طور که اشاره کردم، این کار باید نقطه شروع یک اصلاح ساختاری در اقتصاد کشور باشد. این کار نیز با یک اصلاح همه جانبه، نه فقط توسط دولت بلکه با یک وفای ملی ممکن است و بدون وفای ملی همه چیز در گام اول شکست می خورد.

یعنی کاهش قیمت نفت، دولت را به فکر استفاده از درآمدهای مالیاتی انداخته است؟ با پذیرش این موضوع آیا می توانیم به این نتیجه برسیم که با فرض افزایش درآمدهای نفتی، ممکن است توجه دولت از مالیات ستانی کاهش پیدا کند و باز هم رویه قبلی در پیش گرفته شود؟

ببینید موضوع این است که ما حالا به اهمیت درآمد مالیاتی در بودجه خود پی برده ایم. ما باید در یک دوره کمتر از سه یا چهار سال سهم درآمدهای مالیاتی خود در تولید ناخالص کشور را از ۷ درصد به ۱۲ درصد برسانیم. باید بتوانیم ظرف این مدت ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی در سال داشته باشیم. چاره ای نیست و همه باید شرایط را درک کنند، در غیر این صورت ایران به سرنوشت یونان و لبنان دچار می شود. باید بدانیم که روز به روز اقتصاد ما بزرگ تر و حواجتمان بیشتر می شود و جمعیتان نیز در حال افزایش است ولی صادرات نفت ما افزایش نیافته است. اگر فرض کنیم از همین امروز صادرات نفت کشورمان دو برابر شود و به رقم قبل از تحریم برگردد، باید بدانیم که صادرات نفت ما از سال ۱۳۵۵ تا حالا یعنی در ۴۰ سال گذشته، یک سوم شده است در حالی که جمعیتان به دو برابر افزایش یافته است؛ به این معنا که صادرات نفت خام برای هر ایرانی، طی ۴۰ سال گذشته به یک ششم کاهش یافته است و این مقدار صادرات نفت دیگر قادر به پوشش دادن حواج دولت و ملت ایران نیست. اگر می خواهیم که مثل لبنان و یونان کنونی نشویم باید این موضوع را درک کنیم که دیگر با درآمدهای نفتی و درآمدهای قرضی قادر به اداره دولت نیستیم. هزینه جاری دولت ۱۶۰ هزار میلیارد تومان است که تنها نصف آن را از درآمد مالیاتی تامین می کند و باید آن را دو برابر کند؛ این موضوعی قطعی است، «والسلام، شد تمام».

کنترل حساب های بانکی یکی از مواردی است که در این قانون برای شفاف کردن در آمد مودیان مد نظر قرار گرفته است. همین موضوع موجب شده است که برخی از فعالان اقتصادی در این خصوص ابراز نگرانی کنند و حتی برخی از امکان خروج سرمایه از بانک ها به همین دلیل، سخن بگویند. البته وزیر اقتصاد اعلام کرده است که این کار پیش از این نیز انجام می شد. نظر شما در این خصوص چیست؟

متأسفانه ما به دلیل ناآگاهی از سیستم های بانکی و مالیاتی اشتباه های بزرگ و تفسیرهای خطایی می کنیم. در حال حاضر مگر به حساب های ایرانی ها سرک کشیده نمی شود؟ چه کسی این را داند؟ نکته مهم این است که ما چاره دیگری جز این کار نداریم؛ دیگر راهی جز اخذ مالیات از مردم وجود ندارد. موضوع دیگر این است که در برهه ای از زمان برای حذف افراد از دریافت یارانه نقدی، از کنترل حساب های بانکی سخن به میان آورده شد؛ در آن زمان آقای روحانی رئیس جمهور اعلام کرد که کار غیرقانونی نمی کند، اما حالا باید بدانیم که کنترل حساب های مودیان، قانون مجلس است و مودیان مالیاتی باید حساب های روشنی داشته باشند.

۲۵

درصد

نرخ مالیات ستانی
ایرانی

۱۶۰

هزار میلیارد تومان

هزینه جاری دولت

اگر قرار بر
معافیت مالیاتی
است، بخش های
اقتصادی باید
از این معافیت ها
استفاده کنند
نه نهادها و
دستگاه های
متعلق به این
گروه یا آن گروه

گفت و گو با طهماسب مظاهری، وزیر اسبق امور اقتصادی و دارایی درباره اصلاحیه قانون مالیاتی

نظام جامع اطلاعات مالیاتی سریع تر اجرایی شود

جلوگیری از فرار مالیاتی و نشر عدالت مالیاتی ه افزایش درآمدهای دولت را نیز به همراه دارد، در گرو اجرای کامل نظام جامع اطلاعات مالیاتی است، چرا که قرار است اطلاعات شفاف برای اجرای این اصلاحات از طریق این نظام تهیه شود

احمد میر خدائی

فرصت کوتاه عملیاتی کنند.

آیا اصلاحات قانون مالیات، می تواند به اصلاح کامل نظام

مالیاتی و جلوگیری از فرارهای مالیاتی منجر شود؟

مالیات، سهم دولت از سودی است که افراد از فعالیت اقتصادی به دست می آورند. کسی که فعالیت اقتصادی انجام می دهد و به سودی می رسد، باید ۲۵ درصد از کل سود را به عنوان سهم دولت بپردازد و ۷۵ درصد باقی مانده را به عنوان سهم خود بردارد. در کشورهای دیگر، سهم دولت بیش از ۲۵ درصد است. اما در ایران، این نرخ در زمان دولت آقای خاتمی و در زمانی که من وزیر اقتصاد بودم به ۲۵ درصد رسید و در این نرخ ثابت ماند. عموم مردم و فعالان اقتصادی آماده اند که مالیات خود را که ۲۵ درصد از سود فعالیت اقتصادی است، با طیب خاطر به دولت و سازمان امور مالیاتی بپردازند؛ مشکل از جایی پیدا می شود که با روش های نادرست اخذ مالیات، انتظار و توقع وصول مالیات بیش از ۲۵ درصد سود فعالیت اقتصادی را داشته باشیم. اکنون به نظر می رسد که گاهی مالیات ها به صورت سهمیه بندی اجرا می شود. گاهی یک شرکت یا یک تولیدکننده یا حتی یک حوزه مالیاتی یک سهمیه دارد و می گویند باید این مبلغ وصول شود. سود یا زیان مطرح نیست و این مبلغ باید گرفته شود. حال گاهی این به نفع مودی است و گاهی به زیان او. بنابراین چنانچه سازمان مالیاتی و وزارت امور اقتصاد و دارایی، طرح جامع مالیاتی را کامل، درست، به موقع و منظم به مرحله اجرا برسانند، یقیناً همه فعالان اقتصادی و مردم از اجرای اصلاحات قانون نیز راضی خواهند بود و سهم مالیات خود را می پردازند و کسی هم فرار مالیاتی نخواهد داشت و اگر در مواردی هم فرار مالیاتی رخ داد، آن موقع با ابزارهایی که در اختیار دولت قرار گرفته است می تواند با این افراد برخورد کند و سهم خود را بگیرد.

موضوعی که در میان اصلاحات این قانون سرو صدای زیادی به راه انداخته، دسترسی داشتن سازمان امور مالیاتی به حساب های شخصی مودیان است. برخی از مودیان مالیاتی در برابر این کار جبهه گرفته اند و برخی اجرای آن را به معنی فرار نقدینگی از نظام بانکی عنوان می کنند. نظر شما در این خصوص چیست؟

بررسی گردش حساب و موجودی حساب های بانکی مودیان مالیاتی، ابزاری برای راستی آزمایی اظهارنامه های مالیاتی مودیان است. البته یک نکته تکمیلی که در مورد اجرای درست و بی نقص طرح جامع مالیاتی باید مدنظر قرار بگیرد این است که سازمان

طهماسب مظاهری، وزیر اسبق امور اقتصادی و دارایی معتقد است اجرای درست این اصلاح قانون مالیات ها در گرو اجرای کامل نظام جامع اطلاعات مالیاتی است، چرا که قرار است اطلاعات شفاف برای اجرای این اصلاحات از طریق این نظام تهیه شود و سازمان امور مالیاتی باید هر چه سریع تر و در شش ماهه مانده به اجرای این اصلاحات قانونی، نظام جامع اطلاعات مالیاتی را اجرایی کند. وی که در دولت نهم نیز ریاست بانک مرکزی را بر عهده گرفت، بررسی گردش حساب و موجودی حساب های بانکی مودیان مالیاتی را ابزاری برای راستی آزمایی اظهارنامه های مالیاتی مودیان می داند که اگر با ابزار درست و آموزش نیروهای سازمان امور مالیاتی و بانک ها اجرایی و محرمانه بودن حساب ها نیز حفظ شود، مردم نیز از اجرای آن استقبال می کنند. وی جلب رضایت مردم از اجرای اصلاحات قانون را منوط به اطلاع رسانی درست به آنها در خصوص شیوه اجرای اصلاحات قانون مالیات های مستقیم می داند. گفت و گوی آینده نگر با وی را در زیر می خوانید.

بعد از سال ها طرح این موضوع که ۴۰ درصد از اقتصاد کشور

مالیات نمی دهد، بالاخره مجلس، اصلاحاتی در قانون امور مالیاتی انجام داد تا به این ترتیب جلوی فرارهای مالیاتی را بگیرد. به عقیده شما آیا شرایط برای اجرای این اصلاحات مهیاست و جامعه این اصلاحات را می پذیرد؟

جلوگیری از فرار مالیاتی و نشر عدالت مالیاتی، که افزایش درآمدهای دولت را نیز به همراه دارد، در گرو اجرای کامل نظام جامع اطلاعات مالیاتی است چرا که قرار است اطلاعات شفاف برای اجرای این اصلاحات از طریق این نظام تهیه شود. ایده اولیه طرح جامع مالیاتی، در روزگار پس از جنگ تحمیلی و در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و دوران طرح تعدیل اقتصادی مطرح شد. در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی، در قانون پیشی بینی شد که دولت موظف است تا طرح جامع مالیاتی را اجرا کند که مقدمات آن فراهم و قراردادهای اولیه نیز مشخص شدند. اما در دوره آقای احمدی نژاد، روند اجرای این کار، مانند بسیاری از کارهای دیگر، متوقف شد و پیشرفتی نداشت. حالا در این دو سال دوباره این حرکت آغاز شده است اما بسیار کند و آهسته پیش می رود. دلایل این حرکت کند و آهسته را وزارت اقتصاد و دارایی و سازمان امور مالیاتی باید توضیح دهند و هر دلیلی هم که مطرح شود باید برای حل آن به فکر چاره ای باشند. به نظر من سازمان امور مالیاتی و وزارت اقتصاد و دارایی، هم توان این کار را دارند و هم از نظر قانونی، اجازه و امکانات مالی و پولی کافی در اختیارشان هست که طرح جامع مالیاتی را در یک

مالیات، سهم دولت از سودی است که افراد از فعالیت اقتصادی به دست می آورند. کسی که فعالیت اقتصادی انجام می دهد و به سودی می رسد، باید ۲۵ درصد از کل سود را به عنوان سهم دولت بپردازد و ۷۵ درصد باقی مانده را به عنوان سهم خود بردارد



عموم مردم و فعالان اقتصادی آماده‌اند که مالیات خود را که ۲۵ درصد از سود فعالیت اقتصادی است، با طیب خاطر به دولت و سازمان امور مالیاتی بپردازند؛ مشکل از جایی پیدا می‌شود که با روش‌های نادرست اخذ مالیات، انتظار و توقع وصول مالیات بیش از ۲۵ درصد سود فعالیت اقتصادی را داشته باشیم



امور مالیاتی و نظام بانکی کشور، باید برای ارسال گزارش‌های مربوط به گردش مالی مودیان مالیاتی به سازمان مالیات، راه و روشی پیدا کنند و کارکنان بانک‌ها و سازمان امور مالیاتی برای انجام بهینه و کارآمد این کار آموزش ببینند تا در کنار این که سازمان مالیاتی و دولت، به عنوان شریک فعالان اقتصادی، از این اطلاعات بهره‌مند می‌شوند، حریم خصوصی فعالان اقتصادی و مودیان مالیاتی نیز از دست نرود و این اطلاعات در اختیار اغیار قرار نگیرد. چرا که هدف اصلی، گسترش چتر مالیاتی است و با این کار می‌خواهیم فضای اقتصاد رقابتی در جامعه ایجاد کنیم. بنابراین اصل موضوع درست است و کسی هم نباید مخالف باشد. در فضای رقابتی اقتصاد، باید اسرار فعالیت اقتصادی مودیان مالیاتی محفوظ بماند و در اختیار کسی، از جمله رقبای آنها، قرار نگیرد. اجرای طرح جامع مالیاتی باید به همراه خود، سلامت و صحت عمل به سازمان امور مالیاتی بیاورد؛ آن‌گاه اطلاعات این طرح، خوب و قابل استفاده خواهد بود.

در شرایط فعلی اطلاعات بانکی به بانک مرکزی فرستاده می‌شود و احتمالاً از همین مسیر اطلاعات حساب مودیان به سازمان امور مالیاتی نیز فرستاده خواهد شد؛ این همان چیزی است که مدنظر شماست و بر آن تاکید دارید؟

در شرایط فعلی که سیستم بانکی برای انتقال اطلاعات آموزش ندیده و همچنین طرح جامع مالیاتی نیز در سازمان امور مالیاتی پیاده نشده است، در مثبت‌ترین حالت هم نمی‌توانیم ادعا کنیم که در سازمان مالیاتی سلامت کامل حاکم است؛ این که در این شرایط، بانک‌ها به ارسال اطلاعات حساب‌های بانکی مودیان مالیاتی و سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی به سازمان مالیاتی مکلف شوند، فساد را تشویق می‌کند و گسترش می‌دهد و نامنی، بی‌اعتمادی و ناطمینانی به وجود می‌آورد.

چگونه باید این آمادگی را ایجاد کرد؟

گویا قرار است اجرای «اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم» از ابتدای سال آینده انجام شود. معنای این حرف این است که شش ماه وقت داریم و در این مدت کارهای زیادی می‌توان انجام داد، به این شرط که سازمان مالیاتی و نظام بانکی وقت و نیرو بگذارند؛ هفت روز هفته و ۲۴ ساعت شبانه‌روز فعالیت کنند و در این شش ماه، ساختار مود نیاز و ملزومات اجرای طرح جامع اطلاعات مالیاتی را ایجاد کنند. آقای وزیر اقتصاد و رئیس سازمان مالیاتی باید عزم خود را جزم کنند و حرف‌های هر کسی را که در سازمان امور مالیاتی با این طرح مقاومت می‌کند و ایرادی نسبت به طرح دارد بشنوند؛ اگر حرف منطقی و قانونی و کارشناسی بود، آن نظر را در طرح جامع دخیل کنند، اما اگر حرف کارشناسی نبود به اقتدار فردی در سازمان اجازه رشد و نمو ندهند. بهترین راهکار اجرای این اصلاحات این است که طرح جامع اطلاعات مالیاتی را در فرصت باقی‌مانده به سرانجامی برسانند. روش حصول اطلاعات و روش حفظ کردن این اطلاعات را هماهنگ کنند به صورتی که از این اطلاعات فقط برای گرفتن مالیات استفاده شود و اطلاعات بانکی مردم و تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران در جامعه منتشر نشود. چنانچه این هماهنگی‌ها انجام نشود این قانون باعث می‌شود اطلاعات از بانک‌ها به سازمان مالیاتی برود و از طریق این سازمان، به دست عده‌ای بیفتد که با فروش این اطلاعات اقتصادی، منفعی را کسب کنند که این امر اولاً باعث

بروز بی‌اعتمادی در فضای کسب و کار و ثانیاً باعث زیان عده‌ای که سالم و شفاف فعالیت می‌کنند، خواهد شد.

بیشتر طرح‌های جدید و حتی قوانین که در کشور به اجرا درآمده‌اند با یک نوع آزمون و خطا اجرا شده‌اند و بعد از آن گاهی، عیب و ایرادشان برطرف شده است، آیا نمی‌توان همان طور که فرصتی سه‌ساله در قانون برای طرح جامع اطلاعات مالیاتی داده شده است، اصلاحات قانون را که از ابتدای سال آینده آغاز می‌شود به مرور زمان و با آزمون و خطا به سرمنزل مقصود رساند؟

طرح جامع اطلاعات مالیاتی را می‌توان به چرخ چاه تشبیه کرد؛ برای کشیدن آب از یک چاه صدمتری یک یا ۹۹ متر طناب، مشکل را حل نمی‌کند. طرح جامع مالیاتی هم همین‌طور است. اگر کار را صد درصد انجام ندهید و در ۹۹ درصد، متوقف شود گویی هیچ کاری انجام نشده است. بنابراین طرح باید کامل به مرحله اجرا برسد و عملیاتی شود. حالا آمادگی این کار هست و قراردادها آماده شده‌اند. وزیر اقتصاد و دولت می‌توانند این مسئله را تا شش ماه دیگر به سرانجامی برسانند و ایرادات آن را رفع کنند که بشود قانون را به درستی، عملیاتی کرد. وقتی این کار عملیاتی شد به عنوان یکی از اجزای این طرح، اطلاعات مالیاتی می‌تواند از طریق سیستم بانکی نیز حمایت شود.

سرکشی به حساب‌ها در ایران عادی نیست و جامعه گویا با نوعی خرق عادت مواجه است و در برابر آن موضع تدافعی گرفته است؛ اخیراً وزیر اقتصاد گفت این مسئله تازگی ندارد و در کل دنیا هم رواج دارد. وضعیت سرکشی به حساب‌ها در ایران و جهان چگونه است؟

در ایران و در قانون اصلاح مالیات بر درآمد که در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی توسط مجلس تصویب شد، این اجازه به صورت موردی و با تایید وزیر اقتصاد داده شد. سیستم بانکی موظف بود اطلاعات مربوط به افراد مورد نظر را در پاسخ به درخواستی که شخص وزیر افاضی کند به سازمان امور مالیاتی بدهد. پس امکان سرکشی نه به صورت سیستماتیک و روتین، بلکه به صورت موردی و با تایید شخص وزیر وجود داشته است. وزیر هم در این مورد حق تفویض اختیار نداشته که کسی از

بررسی گردش حساب و موجودی حساب‌های بانکی مودیان مالیاتی، ابزاری برای راستی‌آزمایی اظهارنامه‌های مالیاتی مودیان است

پدرام سلطانی، نایب رئیس اتاق ایران:

تلاش برای رفع نگرانی‌های بخش خصوصی

مریم موسی پور

با این که دو ماهی از آخرین مهلت تسلیم اظهارنامه‌های مالیاتی سال ۹۳ می‌گذرد، اما این روزها باز هم بحث مالیات، سوژه داغ محافل اقتصادی به خصوص فعالان بخش خصوصی کشور است؛ آنهایی که نگران اند اصلاح بخش‌هایی از قانون مالیات‌های مستقیم که به تازگی ابلاغ شده است و قرار است بررسی مالیاتی را شفاف‌تر کند، در عمل موجب فشار آوردن بیشتر بر مودیان مالیاتی شود. آنهایی که می‌ترسند شیوه اجرای قانون نه تنها چتر مالیاتی سازمان امور مالیاتی را وسیع‌تر نکند، بلکه در عمل مالیاتی بیشتر برای آنها به ارمغان بیاورد. مشکل اصلی در دادن فرصت سه‌ساله برای پیاده‌سازی نظام جامع اطلاعات مالیاتی است که نایب رئیس اتاق ایران آن را پاشنه آشیل اجرای این قانون می‌داند و معتقد است بدون آن، اجرای قانون می‌تواند بسیار خطرناک و حتی مشکل‌سازتر از قبل شود. وی همچنین از تلاش‌های اتاق ایران برای رایزنی با وزرا برای حل این مشکل خبر می‌دهد. گفت‌وگوی آینده‌نگر با وی را در باره نگرانی‌های بخش خصوصی در این خصوص در زیر می‌خوانید.

❖ قانون اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم به چه دلیل اصلاح شد و به نظر شما این اصلاح ضرورت داشت؟

اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم، با دو رویکرد کلید خورد. رویکرد اول تحول در نظام مالیاتی کشور و به عبارتی روزآمد کردن آن مطابق نظام‌های مالیاتی پیشرفته دنیا و رویکرد دوم نیز حرکت دولت از سمت اتکا به درآمدهای نفتی به سمت درآمدهای مالیاتی بود. به همین دلیل، لایحه‌ای برای این اصلاح تدوین شد. همچنین چندسالی بود که نظام جامع اطلاعات مالیاتی در سازمان امور مالیاتی توسط یک شرکت معتبر کنادایی که متخصص در این زمینه است، در حال پیاده‌سازی بود که البته به دلیل تحریم‌ها به مشکلاتی برخورد اما سازمان امور مالیاتی اجرای آن را ادامه داد. اما برای این که بتواند از این نظام جمع اطلاعات مالیاتی استفاده کند نیاز به احکام و اختیاراتی داشت که این بخش نیز در اصلاح قانون پیش‌بینی شد. همچنین برای تحقق رویکرد دوم، سازمان امور مالیاتی تلاش کرد که در اصلاح قانون مالیات‌ها بخش معاف از مالیات کشور را تا حد ممکن کاهش بدهد و ابزارهایی برای خود در قانون پیش‌بینی کند که بخش مالیات‌گریز

معاونان یا مشاورانش بتواند این اطلاعات را از بانک درخواست کند. در دنیا و به خصوص در کشورهایی که نظام مالیاتی پیشرفته دارند این کار روتین است و به صورت عادی انجام می‌شود. حتی افراد و شرکت‌ها وقتی اظهارنامه خود را به سازمان مالیاتی می‌دهند، صورت حساب‌های بانکی خود را نیز به ضمیمه ارسال می‌کنند. در کشورهای توسعه‌یافته این کار بسیار رواج دارد و برای اثبات این که اظهارنامه مالیاتی ارائه‌شده شفاف و درست و مستند است، خود افراد و شرکت‌ها اطلاعات صورت حساب بانکی را به پیوست آن ارسال می‌کنند.

❖ این که از طرف سازمان امور مالیاتی به حساب بانکی مودیان سرکشی شود، چه نگرانی موجهی می‌تواند داشته باشد؟

برخی افراد یا شرکت‌ها این دغدغه را دارند و عنوان می‌کنند که برخی از مبالغی که به حسابشان می‌آید اساساً درآمد آنها نیست، مثلاً وجوه امانت یا وجه چک افراد دیگری است که به حساب آنها می‌آید و چند روز دیگر خارج می‌شود. این نگرانی وجود دارد که سازمان مالیاتی این مبالغ را به عنوان درآمد تلقی کند. پاسخ این نگرانی‌ها هم در طرح جامع وجود دارد. در این طرح تأکید می‌شود که ثبت حساب‌ها و عنوان درآمدها، هزینه‌ها، وصولی و پرداختی‌ها باید به شکل درست در ترازنامه شرکت‌ها ثبت شود و در ترازنامه اگر مبلغی جزو درآمد نیست، به عنوان درآمد ثبت نشود. با این کار، این نگرانی‌ها نیز محلی از اعراب ندارد. البته مسئولان سازمان مالیاتی باید چند برابر این توضیحات را به صورت جامع‌تر و مبسوط‌تر از طریق رسانه‌ها به مردم بدهند. مردم باید اطمینان پیدا کنند که با این قانون، اولاً اطلاعات آنها محرمانه باقی خواهد ماند و ثانیاً باعث نمی‌شود که سازمان مالیاتی پول ناحق از آنها مطالبه کند، در حالی که سودی نکرده‌اند. سازمان مالیاتی باید مردم را با قوانین آشنا کند و اطلاعات و اطمینان کافی به آنها بدهد. اگر مردم از محسّنات پرداخت مالیات مطلع باشند و همچنین اطمینان پیدا کنند که بیشتر از حد قانونی، مالیات نمی‌دهند، اطلاعات اقتصادی و بانکی آنها هم امن و محفوظ است، جایی هم برای نگرانی ندارند. پس اگر اقداماتی که گفتیم انجام شود، نه پول از بانک فراری می‌شود و نه شاهد اتفاق ناخوشایند دیگری خواهیم بود.

❖ اما کوچه و خیابان شهرها پر است از موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز که اطلاعات روشنی هم به بانک مرکزی نمی‌دهند. ممکن نیست که با اجرای طرح سرکشی به حساب مودیان، نقدبنگی به سمت این موسسات کوچ کند و بانک‌ها را به دردسر بیندازد؟

موسسات غیرمجاز اسمشان رویشان است: موسسات غیرمجاز هستند، پس باید جلوی آنها گرفته شود. از ترس موسسات غیرمجاز که نمی‌توانیم انجام کار درست را نادیده بگیریم، دولت و بانک مرکزی موظف هستند همراه با این طرح یا به صورت جداگانه به ساماندهی این موسسات بپردازند و آنها را ملزم به رعایت شفافیت و ارسال اطلاعات به بانک مرکزی کنند، در غیر این صورت، باید جلوی کار آنها را بگیرند. به هر حال در وهله کنونی سعی سازمان امور مالیاتی باید این باشد که هرچه سریع‌تر نظام جامع اطلاعات مالیاتی را برای اجرای اصلاحات قانون نظام مالیات‌های مستقیم، اجرایی کند.

اگر مردم از محسّنات پرداخت مالیات مطلع باشند و همچنین اطمینان پیدا کنند که بیشتر از حد قانونی، مالیات نمی‌دهند، اطلاعات اقتصادی و بانکی آنها هم امن و محفوظ است، جایی برای نگرانی ندارند



ما هشدار دادیم و به هیچ وجه نیز توصیه نمی کنیم مادام که نظام جامع اطلاعات مالیاتی پیاده نشده است، اختیاراتی که به موجب اصلاحیه به سازمان امور مالیاتی داده شده است مورد استفاده قرار نگیرد

گرفتن اتاق در کار گروه ماده ۱۴۱ قانون برای بررسی و تشخیص کالاهای نفتی و غیر نفتی و کالاهای خام و با ارزش افزوده در خصوص تعیین لیست معافیت های مالیاتی صادرات، بالاتر بودن نصاب ممنوع الخروجی بدهکاران مالیاتی که عدد آن مبتنی بر شرایط و واقعیت های روز نبود که به پیشنهاد اتاق اصلاح شد. همچنین طراحی یک روش خوب برای معافیت های مالیاتی سرمایه گذاری در کشور و به ویژه در مناطق محروم که انگیزه لازم را برای سرمایه گذار به وجود آورد، که فکر می کنم در شرایط پسانتحریم این بخش می تواند بسیار مفید و موثر باشد.

با توجه به گفته های شما به نظر می رسد که مشکلی در قانون باقی نمانده است؛ پس بخش خصوصی به چه موضوعی اعتراض دارد و از آن گلايه مند است؟

مادر جریان رسیدگی به این اصلاحیه در مواردی با وجود تلاش، موفق به رسیدن به نتیجه مطلوب نشدیم چرا که نظر دولت و مجلس در این موارد، همسو بود. یکی از این موارد، ساده سازی تمدید کارت های بازرگانی بود؛ ما اصرار داشتیم که استعلام از سازمان های امور مالیاتی یا به اصطلاح اخذ گواهی ماده ۱۸۶ قانون مالیات های مستقیم حذف شود که این اتفاق نیفتاد. موضوع دوم در زمینه معافیت مالیاتی بنگاه ها و نهادها بود؛ با وجود این که نظر مقام معظم رهبری در عدالت مالیاتی و شمول مالیات بر همه فعالیت های اقتصاد بوده و هست، حکمی که در این مورد در قانون قرار گرفت به نظر ما محکم محکم و مناسب رویکرد کشور و نظام در این زمینه نبود و می تواند در آینده برای رقابت نابرابر فعالیت های اقتصادی نهاد و بنیادها با بخش خصوصی مورد استفاده قرار بگیرد. مورد بعدی جرایم دیده شده در این قانون و مجازات های تعریف شده برای آنهاست که ما معتقدیم بسیار سنگین در نظر گرفته شده است. در این بخش استدلال دولت این بود که اصولا تخلفات مالیاتی در دنیا جزو جدی ترین تخلفات است و جرایم بسیار سفت و سختی دارد. استدلال ما نیز این بود که ما یک شبه نمی توانیم فرهنگ مالیاتی کشور را شبیه کشورهای مثل آمریکا و کشورهای اروپایی کنیم. وجود چنین جرم انگاری ای می تواند باعث اختلالات جدید در فعالیت های اقتصادی شود و همچنین موجب شود که جمعیت عظیمی از فعالان اقتصادی به زندان بیفتند یا مجازات جدی داشته باشند؛ همان تجربه ناموفقی که ما در قانون چک داشتیم، این بار می تواند در این بخش تکرار شود. این کار غلطی بود که ما نیز با آن مخالف بودیم و مخالفت خود را ابراز کردیم اما باز در اینجا دولت و مجلس همسو بودند و ما موفق نشدیم این بخش را نیز ساده تر و سبک تر کنیم. اما همان طور که اشاره کردم پایه اصلاحات این قانون بر نظام جامع اطلاعات مالیاتی است و به همین جهت در اصلاح قانون روش رسیدگی موسوم به علی الراس حذف شد که کار بسیار خوبی است؛ این که ما مبتنی بر اطلاعات واصله به سازمان راستی آزمایی کنیم و اظهار مالیاتی مودیان با اطلاعاتی که سازمان دارد منطبق شود و نه بر اساس سلیقه و محاسبه غیر مستند میزان. یکی از جنبه های مثبت بارز این قانون است امانت های که بعد از رسیدگی به لایحه به ناگاه سر از اصلاحات لایحه و قانون در آورد. این است که در این قانون سه سال به دولت فرصت داده شده است که نظام جامع اطلاعات مالیاتی را پیاده کند و تا آن موقع هم بتواند از همان احکام قبلی یعنی علی الراس استفاده کند. ما این موضوع را بسیار خطرناک و حتی مشکل سازتر از قبل می دانیم.

چرا مشکل سازتر؟

به این دلیل که در قانون جدید، سازمان امور مالیاتی اقتدار بی سابقه ای پیدا کرده، دسترسی به اطلاعات بسیار بیشتر از گذشته شده و امکان برخورد سازمان با مودی نیز همان گونه که اشاره کردم، بسیار بیشتر شده است و اگر قرار باشد در این شیوه باز هم به صورت علی الراس عمل شود،

یا آن بخشی را که خارج از چتر مالیاتی به فعالیت مشغول هستند بتوان بهتر شناسایی کرد و به زمره مودیان مالیاتی اضافه کرد. این دورویکرد به نظر ما رویکردهای قابل قبول برای اصلاح قانون بود.

پس وقتی با اصل کار مشکلی وجود ندارد، نگرانی های بخش خصوصی از کجا نشأت می گیرد؟ چون این روزها می بینیم که بسیاری از فعالان این بخش، نسبت به اجرای این قانون، ابراز نگرانی می کنند.

بله، با اصل کار مشکلی وجود ندارد، اما اتفاقی که در تدوین احکام لایحه اصلاح قانون مالیات های مستقیم افتاد و اختلاف نظر بین بخش خصوصی و دولت قبل را رقم زد، این بود که در کنار این دورویکرد، احکام بسیار سخت گیرانه ای هم تعبیه شده بود که مودیان مالیاتی فعلی را هم دچار دردسر و مشکلات زیادی می کرد. و همین طور، احکامی گذاشته شده بود که اصلا با واقعیت های اقتصادی کشور تناسب نداشت و ممکن بود آثار منفی آن بیش از آثار مثبت باشد. در این دو بخش ما تلاش کردیم که در مجلس اصلاحات به عمل بیاید. حاصل تلاش و پیگیری ما با کمک نمایندگان کمیسیون اقتصادی مجلس و در اواسط راه با روی کار آمدن دولت جدید و همکاری این دولت و توصیه ای که به سازمان امور مالیاتی شد، این بود که در بازبینی لایحه در جریان رسیدگی، توانستیم بخشی از این احکام را اصلاح کنیم، به طور مثال، در این قانون مالیات بر افزایش ارزش دارایی ها یا مالیات بر ثروت گذاشته شده بود به طوری که هر کس که بیش از دو میلیارد تومان دارایی اعم از املاک، منقول و غیر منقول داشت، باید هر سال دو هزار آن را به عنوان مالیات پرداخت می کرد؛ حال آن که این دارایی ها در جرگه فعالیت اقتصادی نبود که بخواهد مالیاتی از آن اخذ شد. همچنین مالیات بر مجموع درآمد نیز در قانون دیده شده بود به این معنا که اگر کسی در چند رشته کاری و اقتصادی فعالیت می کرد، علاوه بر این که مالیات هر کدام را جداگانه باید می پرداخت، مجموع درآمدها نیز محاسبه می شد و اگر بالای ۱۰۰ میلیون تومان بود، مالیات مضاعفی از آن می گرفتند که این موضوع قطعا باعث فرار سرمایه از کشور می شد و در این شرایط است که جذابیت های اقتصادی و سرمایه گذاری در تناسب با کشورهای همسایه در ایران بالا نبود. با موضوع مالیات سبز نیز برای صنایعی که از صنایع آلوده کننده محیط زیست تلقی می شوند، در نظر گرفته شده بود که هیچ شاخص و مبنایی نداشت؛ ضمن این که کشور ما به دلیل قرار گرفتن صنعتش بر پایه مصرف انرژی اصولا در این زمینه وضعیت خوبی ندارد و اخذ این نوع مالیات، می توانست در کوتاه مدت منجر به مشکلات جدی برای صنایع بزرگ و صنایع سنگین شود. البته بخش خصوصی اعتقاد به حراست از محیط زیست دارد اما روش آن را مالیات نمی داند که این بخش هم کنار گذاشته شد. همچنین در حوزه کشاورزی و تکالیف این حوزه در خرید و فروش اعم از دادن فاکتور، کد اقتصادی و امثال اینها، طوری طراحی شده بود که اصلا تناسبی با امکان، فرهنگ و توان کشاورز ما نداشت و می توانست بخشی را که متعامل با کشاورزان است، از خرید کالا از کشاورزان گریزان کند و عملا معنای آن فشار بیشتر بر کشاورزان و سود بیشتر دلال می توانست باشد. مواردی از این دست خوشبختانه با پیشنهاد اتاق از این لایحه حذف شد.

آیا اصلاحاتی از جانب اتاق نیز ارائه و در متن قانون گنجانده شد؟

بله، در کنار این اصلاحات، اتاق هم پیشنهادهایی داد که در لایحه مورد توجه قرار گرفت و در جریان رسیدگی در مجلس اعمال شد؛ من جمله حذف ماده ۱۰۴ قانون، یعنی حذف مالیات های تکلیفی که از مشکلات جدی بخش خصوصی بود. کاهش حق تمبر و حق تمبر سفته و حق تمبر افزایش سرمایه اشخاص حقوقی نیز از دیگر موارد بود. همین طور قرار



کنترل حساب های بانکی از بخش های خوب قانون است و موجب شفاف سازی در اقتصاد و به زیر چتر آوردن گروه مالیات گریز می شود

ممیز می تواند بسیار بر خوردهای دور از انتظاری با مودی داشته باشد. به همین دلیل ما هشدار دادیم و به هیچ وجه نیز توصیه نمی کنیم مادام که نظام جامع اطلاعات مالیاتی پیاده نشده است، اختیاراتی که به موجب اصلاحیه به سازمان امور مالیاتی داده شده است مورد استفاده قرار بگیرد، چون می دانیم که حتما گفترای های عدهای در این مورد پیش خواهد آمد. اصرار ما به دولت این است که حتما نظام جامع را در اولین فرصت اجرایی کند. چون ممکن است بعد از سه سال مجددا دولت طی لایحه ای خواستار تمدید این مهلت شود. ما چنین تجربه هایی را در کشور داشته ایم؛ مثل مالیات ارزش افزوده که ۵ ساله بود اما هر سال در حال تمدید شدن است. به نظر ما این بخش پاشنه آشیل قانون اصلاح قانون مالیات های مستقیم است.

بعد از ابلاغ این قانون، بسیاری از فعالان اقتصادی به کنترل حساب های بانکی از جانب سازمان امور مالیاتی معترض شدند، نظر شما در این خصوص چیست؟

من فکر می کنم این اظهار نظر، مبتنی بر اطلاعات کافی و مبتنی بر تسلط بر قانون نیست. اتفاقا این بخش از بخش های خوب قانون است و موجب شفاف سازی در اقتصاد و به زیر چتر آوردن گروه مالیات گریز می شود. گروه های مالیات گریز برخی فعالیت های دلالی است که در کشور جریان دارد و قبلا به سختی شناسایی می شد که از جمله آنها می توان به خرید و فروش ارز، طلا و مسکن اشاره کرد. فعالیت هایی که خود را در سازمان امور مالیاتی ثبت نکرده یا سازمان آنها را شناسایی نکرده است نیز جزو همین بخش مالیات گریز است. اما به نظر من، اجرای این بخش از اصلاحات که اتفاقا هسته اصلی نظام جامع اطلاعات مالیاتی هست کمک بسیار زیادی به سازمان امور مالیاتی می کند تا فعالیت های اقتصادی و فعل و انفعالات مالی دور از چشم سازمان را بتواند شناسایی و رصد و از آنها مالیات مطالبه کند.

پس اجرای این بخش، مشکلی برای مودیان کنونی به وجود نخواهد آورد؟

همین طور است. این بخش از قانون، برای گروهی که در حال حاضر مودی مالیاتی هستند و فعالیت شفاف انجام می دهند نه تنها مشکلی ایجاد نمی کند بلکه کار آنها را نیز ساده می کند، چرا که در قانون جدید به سازمان اجازه داده شده است که بخشی از اظهار نامه ها را بدون رسیدگی بپذیرد در حالی که در قانون قبلی، سازمان مکلف بود به همه اظهار نامه ها رسیدگی کند. سازمان هم بر مبنای نظام مدیریت ریسک که یکی از اجزای نظام جامع اطلاعات مالیاتی است اظهار نامه هایی را که اطلاعات مندرج در آنها با اطلاعات واصله به سازمان، تفاوت معناداری ندارد، اتوماتیک و بدون رسیدگی می پذیرد یعنی سیستم آنها را تایید می کند. معنای این جمله این است که مودیان مالیاتی شفاف، بسیار کمتر رفت و آمد و گیر و گرفت با سازمان امور مالیاتی دارند. پس می ماند بخشی که احیاناً غیر شفاف یا «دود فتره» هستند یا بخشی از فعالیت های خود را ابراز نکرده اند و مهم تر از آن، بخشی که اصلا زیر چتر سازمان نیستند. این دو بخش در جریان جمع آوری اطلاعات بهتر و آسان تر شناسایی می شوند و در نظام مدیریت ریسک، بخش پریسک هستند که سازمان به اظهار نامه های آنها رسیدگی می کند و در مورد آنها این که اظهار نامه ندارند خودش مبادرت به بر آورد سود و مالیات آنها می کند و آن را به اطلاع این افراد می رساند. البته آنها فرصت دارند که اعتراض کنند و خودشان اظهار نامه بدهند. بنابراین این بخش، بخش خوبی است، هر چند که باید یادآوری کنم مشروط بر این که نظام جامع اطلاعات مالیاتی در کشور اجرایی شود. اگر نشود نگران کننده است چون در این بخش هم به جای سیستم و نظام اطلاعات به جای نرم افزار



نکته ای که بعد از رسیدگی به لایحه به ناگاه سر از اصلاحات لایحه و قانون در آورد، این است که در این قانون سه سال به دولت فرصت داده شده که نظام جامع اطلاعات مالیاتی را پیاده کند

مربوطه، ممیز می خواهد تعیین تکلیف کند که بسیار خطرناک است. نکته دیگر در این بخش نیز این است که سازمان امور مالیاتی به موجب قانون قبلی هم اجازه دسترسی به این اطلاعات را داشت؛ تغییری که در قانون جدید ایجاد شده این است که سازمان این اطلاعات را از مبادی مربوطه دریافت و در «دیتابیس» این نظام جامع اطلاعاتی از آنها استفاده می کند. به عنوان مثال، سازمان امور مالیاتی در قانون قبلی هم می توانست اطلاعات صادرات و واردات را از گمرک و اطلاعات گردش حساب بانکی را از بانک بگیرد. فرقی با حالا فقط در این است که این اطلاعات از این به بعد به صورت سیستماتیک به سازمان امور مالیاتی داده می شود و در نظام جامع اطلاعاتی ثبت و ضبط و تجزیه و تحلیل می شود.

اما برخی از امکان خروج نقد بنگی از بانک ها به دلیل ترس از سرکشی به حساب ها سخن می گویند.

من فکر می کنم که این نوع از حرف ها را دو گروه در کشور می زنند. اول گروهی که قانون را نخوانده و مطالعه نکرده اند و با قانون قبلی نیز چندان آشنایی نداشتند و حرف های هیجانی می زنند یا به طور کل اهل اظهار نظر های هیجانی هستند. یک گروه دیگر هم کسانی هستند که با اجرای این قانون منافعشان به صورت جدی تهدید می شود که این دسته نیز همان گروه های راتی و دلال و مالیات گریز هستند که عمل می خواهند آب را گل آلود کنند و مانع اجرای این بخش از کار شوند تا کماکان به فعالیت های رانتی خود ادامه دهند. اما اجرای این بخش برای گروهی که قانون را خوانده اند و نسبت به آن آگاهی دارند و همچنین شهروندان درستکار و فعالان اقتصادی منضبط به طور قطع موجب مشکل و گرفتاری نمی شود، البته در صورتی که نظام جامع اطلاعات مالیاتی استقرار یابد. همچنین اجرای نظام جامع مالیاتی، حتما به درجه بالایی از سلامت اداری هم نیاز دارد و دولت باید به صورت جدی در حوزه متصدیان اجرایی این قانون، بر سلامت اداری نیز به دقت نظارت کند و به سرعت آن را افزایش بدهد.

آیا در قانون قبلی تا این حد فرصت فرصت دور زدن قانون وجود داشت که همان طور که بارها اعلام شده است، حدود ۴۰ درصد اقتصاد مالیات ندهند و آیا مالیات گریزان نخواهند توانست این بار قانون جدید را دور بزنند؟

تاکنون بخش خارج از چتر مالیاتی دو گروه بودند و هستند. گروه اول، آنهایی که به موجب قانون، معاف از مالیات بودند که در اصلاحیه قانون مالیات های مستقیم، بخشی از آنها حذف شدند و بخشی از آنها همچنان هستند. مثلا فعالیت های کشاورزی، صادرات غیر نفتی و فعالیت های روستایی کماکان از مالیات معاف هستند که در مجموعه ۴۰ درصد یا ۵۰ درصد اقتصاد که مالیات نمی دهند، قرار دارند. گروهی مانند اقتصاد زیرزمینی و پنهان نیز هستند که به دلیل شناسایی نشدن، بخش اقتصاد مالیات گریزند که امیدواریم اندازه ایسن بخش نیز به موجب نظام جامع اطلاعاتی کاهش پیدا کند، اگر چه هیچ گاه به صفر نمی رسد. اما در نظام جامع اطلاعاتی، فعالیت های کلانی که تا به حال از چشم سازمان پنهان بودند، سریع تر آشکار می شوند چرا که فعالیت های کلان معمولاً نمی توانند به شیوه های نقدی و چمدانی انجام شوند و باید تبادلات بانکی داشته باشند که بدین ترتیب، شناسایی می شوند. البته همان طور که اشاره کردم یک پایه این موضوع، سلامت اداری است و پایه دیگر آن اراده کیفی برای اجرای آن است. مادر همه موارد شنیده ایم و مواردی بعضاً مشخص و آشکار شده است که افرادی فراتر از قانونی کاری می کنند و مجریان قانون این قدرت یا این جرات را نداشته اند که با آنها مقابله کنند. در حقیقت این موضوع که ممکن است، متخلفان قانون جدید را هم دور بزنند یا نه به اراده دولت و این که چقدر بخواهد با اقتصاد مالیات گریز مقابله کند، بازمی گردد.



مالیات هدف نیست بلکه وسیله و ابزار توسعه اقتصادی و تامین کننده هزینه های دولت است. با این تعریف به نظر می رسد اولاً دولت باید با برقراری نظام کارآمد، دستگاه دیوان سالاری خود را کوچک کند تا متعاقب آن هزینه های جاری دولت نیز کاهش یابد

اهدافی که محقق نشد

طراحی سیستم های مالیاتی باید ساده و آسان اما غیر قابل تفسیر باشد، اما در مورد قانون اصلاحیه قانون مالیات های مستقیم به نظر نمی رسد که این هدف محقق شده باشد



غلامحسین دوانی
عضو جامعه حسابداران رسمی
ایران

از فردای روز اعمال قانون جدید هر شرکتی با دریافت مجوز پروانه بهره برداری مدعی استفاده از نرخ صفر مالیاتی خواهد شد. اما چنانچه دولت علاقه مند بود از طریق استفاده از ابزار مالیاتی، سرمایه گذاران را تشویق به سرمایه گذاری کند و صف بیکاری را بشکند، بهتر بود که به طور رسمی برخی از مناطقی را که نرخ بیکاری آن بسیار بالاست مشمول معافیت اعلام می کرد، به این معنی که مثلاً اعلام می کرد سرمایه گذاری در استان ایلام تا ۱۰۰ درصد معافیت دارد؛ یا اگر واقعا دولت علاقه مند به ایجاد اشتغال برای بیکاران بود، باید به ازای ایجاد هر شغل مبلغی را به عنوان تشویق مالیاتی به سرمایه گذاران پرداخت می کرد که این مبلغ از هزینه ایجاد اشتغال کمتر می بود. یعنی اگر مثلاً ایجاد یک شغل ۱۰۰ میلیون ریال هزینه دارد اعلام می کرد که چنانچه کارخانه داری بتواند در ایلام ۱۰۰ شغل ایجاد کند بر اساس لیست بیمه و بازرسی آن به ازای هر شغل ۲۰ میلیون ریال به او پاداش مالیاتی داده خواهد شد. با چنین اقداماتی می توان صف بیکاری را شکست و ایجاد اشتغال کرد زیرا با صرف معافیت مالیاتی بعید به نظر می رسد که سرمایه گذاری خاصی صورت بگیرد.

با این وصف خوشبختانه مفاد مواد ۱۶۹ و ۱۶۹ مکرر به طریقی است که چنانچه نظام جامع مالیاتی مستقر و زیرساخت های الکترونیکی آن فراهم شود انتظار می رود که قرار مالیاتی کاهش یابد.

اما برای گسترش چتر مالیاتی، سامانه جامع اطلاعات مالیاتی باید به طور فعال اجرا شود. تا آنجا که اطلاع دارم طراحی سامانه نظام جامع مالیاتی از سال ۱۳۸۵ با همکاری موسسه خدمات مشاوره دیلویت کانادا شروع و سپس شرکت بول فرانسه با صرف هزینه ای که گفته می شود بالغ بر ۴۵ میلیون دلار بوده در آخرین مراحل طراحی این نظام قرار دارد. بدون شک اجرای هر سیستم جدیدی چالش های خاصی را به وجود خواهد آورد، به ویژه آن که مبنای این سیستم، رایانه ای و مخابراتی بوده و مشکلات مخابراتی کشور می تواند مودیان مالیاتی را در تنگناهای خاصی قرار دهد. از طرف دیگر، سازمان مالیاتی باید با آموزش فراگیر کارکنان خود و اطلاع رسانی های مستمر، اعتماد مودیان مالیاتی را نیز جلب کند، برای این که ماموران مالیاتی از اجتهاد مالیات خودداری کنند و سیستم خوداظهاری مالیاتی را تشویق کنند تا مردم بر اساس خدماتی که دولت ارائه می دهد علاقه مند به پرداخت مالیات شوند.

اصولاً طراحی سیستم های مالیاتی باید ساده و آسان اما غیر قابل تفسیر باشد اما در مورد قانون اصلاحیه قانون مالیات های مستقیم به نظر نمی رسد که این هدف محقق شده باشد. همچنین اگر بخواهیم واقع بینانه به اصلاحات قانون مالیات های مستقیم بنگریم، این اصلاحیه، متضمن توسعه اقتصادی کشور نخواهد بود زیرا جهت گیری های آن به ویژه در ماده ۱۳۲ قانون مالیات ها و مفاد مواد ۱۳۴ تا ۱۳۹ ناقض حقوق یکسان مالیاتی برای همه مودیان مالیات گریز برای نهادهای مالیات گریز فراهم شده است.

مالیات ابزار حکومتی و منبع مالی توسعه اقتصادی است و دولت ها از طریق برنامه های مالیاتی سمت گیری اقتصادی کشور را نشان می دهند. دولت در فقدان منابع نفتی و سیر نزولی بهای نفت و عدم دسترسی به منابع ارزان قیمت خارجی (به دلیل بحران فراگیر اقتصاد جهانی) و همچنین عدم استقبال جدی سرمایه گذاران خارجی (حداقل در کوتاه مدت) راهکاری مگر توسل به مالیات ستانی ندارد، اما باید توجه کند که توسل به مالیات ستانی بیشتر جز از طریق گسترش پایه های مالیاتی و فراگیر کردن چتر مالیاتی امکان پذیر نیست. بنابراین این اصلاحات چنانچه با فراگیر کردن چتر مالیاتی و پایه های مالیاتی باشد می تواند در مسیر خود، بخش قابل توجهی از منابع مالی مورد نیاز دولت را فراهم سازد. در غیر این صورت با توجه به رکود اقتصادی و شرایط خاص اقتصاد نگون شده، مشکلات عدیده ای را در سطح سیاسی و اقتصادی فراهم خواهد کرد.

باید به این موضوع توجه کنیم که مالیات هدف نیست بلکه وسیله و ابزار توسعه اقتصادی و تامین کننده هزینه های دولت است. با این تعریف به نظر می رسد اولاً دولت باید با برقراری نظام کارآمد، دستگاه دیوان سالاری خود را کوچک کند تا متعاقب آن هزینه های جاری دولت نیز کاهش یابد. همچنین اگر برخی واحدهای تجاری، صنعتی و به ویژه واحدهای کوچک توانستند بدون استفاده از کمک و مساعدت دولت و بانک ها، چند نفر را در کارگاه های کوچک خود به کار مشغول کنند، سازمان امور مالیاتی نیز نباید بر اخذ مالیات مضاعف از آنها اصرار ورزد. با این احوال و با توجه به موضوعاتی که به آن اشاره کردم به نظر می رسد قانون اصلاح قانون مالیات های مستقیم که از سوی مجلس تصویب شده و به تازگی از سوی دولت به سازمان امور مالیاتی ابلاغ شده است، رسیدن به دو هدف عمده را دنبال کرده است:

گسترش چتر مالیاتی بر همه فعالان اقتصادی جامع نگری معافیت های مالیاتی از طریق اعمال مالیات با نرخ صفر. متأسفانه هدف اول اصلاحیه قانون مالیات های مستقیم محقق نشده است زیرا نهادهای انقلاب اسلامی و موسسات مذهبی دارای فعالیت اقتصادی عملاً با الحاق بند ۴ ماده ۲ قانون مالیات ها از شمول مالیات خارج شدند و به این طریق رقمی بالغ بر ۲۰ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی را از دایره چتر مالیاتی خارج کرده اند. این موضوع موجب خواهد شد تا فشار مضاعفی بر مالیات دهندگان شفاف به وجود آید. این در حالی است که ویژگی یک نظام مالیاتی کارآمد، عدالت مالیاتی است. این عدالت که در نظام مالیاتی به عدالت افقی (اخذ یکسان مالیات از درآمدهای یکسان) و عدالت عمودی (اخذ مالیات بیشتر از دارندگان درآمد بالاتر) موسوم است اساساً هیچ گاه در ایران به طور جدی از سوی قانون گذار مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین مودیان مالیاتی عموماً دستگاه مالیات ستانی را همچون داروغه و گزمه تلقی می کنند.

اما در مورد هدف دوم یعنی جامع نگری معافیت های مالیاتی از طریق اعمال مالیات با نرخ صفر، باید گفت که با اعمال نرخ صفر مالیاتی

این اصلاحیه متضمن توسعه اقتصادی کشور نخواهد بود زیرا جهت گیری های آن به ویژه در ماده ۱۳۲ قانون مالیات ها و مفاد مواد ۱۳۴ تا ۱۳۹ ناقض حقوق یکسان مالیاتی برای همه مودیان مالیاتی است و در آن راه های متعدد گریز برای نهادهای مالیات گریز فراهم شده است

تحلیل علی اصغر سعیدی، جامعه‌شناس از اثرات اجتماعی اصلاحیه قانون مالیاتی کشور

فرار مالیاتی در زمان جنگ کمتر بود

عادلان بودن مالیات یعنی تبعیض و توصیه و تفسیری در کار نباشد

مریم موسی‌پور

دکتر علی اصغر سعیدی جامعه‌شناسی است که تحقیقات فراوانی در حوزه اقتصاد انجام داده است. وی در خصوص مبحث مالیات نیز معتقد است مسائل مالیاتی بسیار کمتر از منظر جامعه‌شناسی اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد و همین موضوع موجب می‌شود که به طور اساسی به آن نگاه نکنیم. به گفته او، در جامعه‌شناسی اقتصادی، بحثی تحت عنوان جامعه‌شناسی مالی یا مالیاتی وجود دارد که به رابطه اقتدار دولت و اقتصاد می‌پردازد. گفت‌وگوی آینده‌نگر با این استاد دانشگاه تهران را در خصوص قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم می‌خوانید.

شاید بهتر باشد بحث را از حوزه تخصصی شما یا همان جامعه‌شناسی اقتصادی شروع کنیم. بحث مالیات در این جامعه‌شناسی چه جایگاهی دارد و به آن چگونه نگاه می‌شود؟

متأسفانه به دلایلی، مسائل مالیاتی بسیار کمتر از منظر جامعه‌شناسی اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد و همین موضوع موجب می‌شود که به طور اساسی به آن نگاه نکنیم. در جامعه‌شناسی اقتصادی، بحثی تحت عنوان جامعه‌شناسی مالی یا مالیاتی وجود دارد که به رابطه اقتدار دولت و اقتصاد می‌پردازد. موضوع محوری جامعه‌شناسی مالی وسیع‌تر است و می‌تواند به صورت چگونگی تأثیر تولید در آمد و هزینه‌های دولت و سایر امور و اقتدار سیاسی آنها بر اقتصاد و جامعه توصیف شود. در جامعه‌شناسی مالی دو عنصر کلیدی وجود دارد؛ از یک سو، تولید در آمد و هزینه و از سوی دیگر، اثری که این دو عنصر بر امور و اقتدار سیاسی می‌گذارد. در آمد به شیوه‌های مختلف می‌تواند ایجاد شود که از جمله مهم‌ترین آنها مالیات‌ها و تعرفه‌ها هستند. همان‌طور که نظام تعرفه‌ها یک نظام سیاسی خاص دارد، صرف نظر از تأثیر اقتصادی بر تولید داخلی، انواع مالیات‌ها نیز ساخت سیاسی خاص خود را ایجاد می‌کند و در حقیقت هر نوع مالیاتی اعم از مالیات بر درآمد، مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر ارث، مالیات مستقیم و مالیات غیرمستقیم نیز نمایش جامعه‌شناختی خود را دارد. توانایی یا ناتوانی دولت برای افزایش و ایجاد در آمد نیز مسئله مهمی است. به نظر من، دولت هنگامی می‌تواند درآمدهای مالیاتی خود را افزایش دهد که نظام هزینه‌ای شفاف و منطقی داشته باشد و اهدافش نیز برای هزینه‌کرد این درآمدها از جمله کاهش فقر، آموزش، بهداشت و رفاه مشخص باشد. مثلاً نگاه کنید فشار افکار عمومی بر صاحبان در آمد در هنگام جنگ آن قدر زیاد است که کمترین فرار مالیاتی مشاهده می‌شود و هر نوع نظام جریمه مالیاتی نیز توجیه اجتماعی دارد چرا که هزینه‌های دولت اگر هم گزارش نشود، روشن است. بنابراین از منظر جامعه‌شناسی اصلاح نظام مالیاتی بر اقتدار و منابع سیاسی تأثیر می‌گذارد در حالی که از منظر اقتصادی، اصلاح آن تنها بر انگیزه اقتصادی و رشد تأثیر گذار است.

پس به نظر شما اصلاح نظام مالیاتی بر اقتدار سیاسی دولت نیز تأثیر گذار است و در این زمینه اصلاح قانون نظام مالیات‌های مستقیم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من، اگر به اقتدار سیاسی توجه نشود، اصلاح نظام مالیاتی بی‌اثر است و درآمدهای دولت را نه تنها افزایش نمی‌دهد بلکه با کاهش رابطه اعتماد دولت و بخش خصوصی به رشد اقتصادی نیز لطمه می‌زند. به عبارت دیگر، در چنین شرایطی اصلاح نظام مالیاتی می‌تواند نتیجه برعکس داشته باشد و بحران مالیاتی ایجاد کند. در حال حاضر نیز به نظر می‌رسد که قصد دولت از اصلاح نظام مالیاتی افزایش میزان درآمدش از مالیات و نه اصلاح این نظام است. چرا که در اصلاح قانون دیده می‌شود که سه سال به دولت برای اجرای سامانه جامع اطلاعات مالیاتی که در حقیقت شفاف‌کننده اطلاعات مودیان مالیاتی است، زمان داده شده است و البته معلوم نیست که آیا در این سه سال این کار عملیاتی خواهد شد یا خیر؟ این در حالی است که از ابتدای سال آینده، قانون جدید اجرایی می‌شود پس باز هم ممیزان مالیاتی که انتقادات فراوانی به عملکرد آنها وجود دارد، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و به نظر می‌رسد که همان‌طور که اشاره کردم، هدف از اصلاح، رسیدن هر چه سریع‌تر به درآمدهای بیشتر مالیاتی از سوی دولت باشد و نه اصلاح واقعی قانون. اگر تنها هدف افزایش درآمد باشد، این نوع اصلاح بحران ایجاد می‌کند. یکی از نگرانی‌ها در چنین مواردی می‌تواند این موضوع باشد که چنین اصلاحی می‌تواند به اخذ مالیات بیش از حد، به‌ویژه از کارآفرینان منجر شود. بیشتر تحقیقات جامعه‌شناختی مالی نشان داده است که اگر فرار مالیاتی در انحصارها و سودها وجود داشته باشد، زینش از این که از کارآفرینان بیش از حد مالیات اخذ شود کمتر است زیرا اخذ مالیات زیاد برای رشد اقتصادی زیان‌آور است. همچنین اگر مالیات تصاعدی بر مدیران و سایر اقشار دارای درآمدهای بالا بسته شود، بسیار زود علاقه به کار سخت را از دست می‌دهند. سومین موقعیتی که دولت مالیاتی را به دردمر می‌اندازد، حالتی است که مردم، روز به روز، تقاضا از دولت را افزایش دهند و این در عین حال، مشروعیت مالکیت خصوصی و زندگی سرمایه‌گذارانه را زیر سوال می‌برد. به طور خلاصه اصلاح نظام مالیاتی ضروری است اما باید آن را به بحث عمومی گذاشت تا پیچیدگی‌های آن روشن شود؛ در غیر این صورت هر قانونی مانند قوانین گذشته با شکست روبه‌رو می‌شود.

تاکنون چه ضعف‌هایی بر سیستم مالیاتی ما حاکم بود و آیا اصلاحات قانون می‌تواند به شفاف شدن در آمد اقشار مختلف جامعه بینجامد؟

مانند انواع مختلفی از مالیات داریم و هر کدام تأثیر خاصی بر ساخت سیاسی و اجتماعی و رابطه دولت بر اقشار مختلف می‌گذارد. اینها ناشی از سیاست‌گذاری اجتماعی دولت است. معمولاً مالیات از درآمدها و به‌ویژه انحصارات گرفته می‌شود تا امکان رقابت را برای اقشار مختلف ممکن سازد. به نظر می‌رسد اخذ این نوع مالیات در برنامه اصلاحی دولت نیست زیرا هنوز هم انحصارات دیده می‌شود و این خود از نظر کارآفرینان یک نقض عدالت است. چرا که در برابر هر نوع مالیاتی که اخذ می‌شود نه تنها دولت باید توجیه اقتصادی داشته باشد اقشار مشمول در آمد نیز باید بدانند در مقابل آن چه خدمتی دریافت می‌کنند. مثلاً بخش خصوصی مالیات می‌دهد چون دولت

اگر به اقتدار سیاسی توجه نشود، اصلاح نظام مالیاتی بی‌اثر است و درآمدهای دولت را نه تنها افزایش نمی‌دهد بلکه با کاهش رابطه اعتماد دولت و بخش خصوصی به رشد اقتصادی نیز لطمه می‌زند



سرک کشیدن تبعات خوبی ندارد. زیر نظر داشتن موجودی حساب‌ها در شرایط کنونی و بدون انجام اصلاحات لازم، آثار بدی خواهد داشت. یکی این که ممکن است سرمایه‌ها به مناطق امن مالی منتقل شود. این که جلوی پولشویی را باید گرفت، یا فرار مالیاتی را باید متوقف کرد یک چیز و بررسی حساب‌های مردم چیز دیگری است



در حال حاضر، نظام موجود مالیاتی به دلیل عدم نیاز دولت به درآمدهای مالیاتی و تامین در آمد از طریق نفت تقریباً موضوعی رها شده است و بنابراین چون دولت مانند اقتصادهای متعارف، در آمدش بر دوش مردم مالیات‌دهنده نبود، هیچ‌گاه هم پاسخ‌گوی هزینه‌هایش نبوده است به طوری که در حال حاضر، اتکای دولت به درآمد نفت و اتکای مردم هم به دولت است. این موضوع، ساخت خاص خود را ایجاد کرده، یک ساخت سیاسی و اقتصادی که به آن اصطلاحاً «دولت رانتیه» می‌گویند. موفقیت هر گونه اصلاحاتی در نظام مالیاتی به توجه به این ساخت برمی‌گردد در غیر این صورت مطمئناً انجام‌نشده محکوم به شکست است. در اثر همین ساختار در نظام مالیاتی دولت با بحران اقتدار روبه‌روست. مثلاً با یک بررسی ساده می‌توانید نگاه کنید که بدنه نظام مالیاتی در حقیقت مستقل عمل می‌کند چون این نظام مالیاتی در حال حاضر، هر طور که بخواهد تشخیص می‌دهد و ممیزانش به جای این که ابزار دولت باشند نقش‌های مختلفی در برابر مودی مالیاتی بازی می‌کنند که تنها در نوع دولت‌های رانتیه دیده می‌شود. نظام مالی کشورها رانتیه بسیار با کشورهای توسعه‌یافته متفاوت است. در آن کشورها دولت چارهای جز اخذ مالیات ندارد لذا ساخت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به نحوی است که دولت از مردم به صورت انواع مالیات‌ها درآمد کسب می‌کند و در مقابل هزینه کردن آن نیز پاسخ‌گوست. در غیر این صورت در انتخابات بعدی مردم کمتر اعتماد می‌کنند و از قدرت خلع می‌شود. حالا برخی دولت‌های محلی هر هزینه‌ای را به مردم گزارش می‌کنند. مثلاً شما هیچ‌وقت صورت‌ریزی از هزینه‌های شهرداری‌ها ندارید، هر چند که از درآمدهایش هم ندارید.

به نظر شما اگر بر اساس هدف تعیین‌شده در قانون جدید، میزان مالیات در یافتی افزایش پیدا کند، مردم باید چه توقعی از دولت داشته باشند؟

دولت در فشار مالی زیادی قرار دارد و به هر حال می‌توان انتظار داشت که با اجرای قانون جدید و با توجه به اقتداری که دارد میزانی از درآمدش افزایش پیدا می‌کند و مسلمان این موضوع نیز پیامدهایی دارد. اما اگر دولت بخواهد شروعی بر پاسخ‌گو بودن داشته باشد در مقابل هر مقدار افزایش درآمد خود از محل مالیات باید به مردم گزارش دهد و همان‌طور که اضافه درآمدهایش را گزارش می‌کند باید محل هزینه‌های ناشی از این درآمدها را آن هم به‌ریز گزارش کند. به علاوه، روشن کند که چه بخش‌های انحصاری یا «خصولتی» هستند که مالیات نمی‌دهند و تلاش کند به هر نحو آن بخش‌ها کم‌کم مالیات بدهند. این بسیار به صداقت و رابطه اعتماد مردم و دولت کمک می‌کند. اگر می‌خواهیم اصلاحات راه به جایی ببرد باید شیوه اجرا را درست کنیم.

وظیفه‌اش حفاظت از حقوق مالکیت خصوصی، ضمانت اجرایی قراردادها، کاهش هزینه معاملاتی و آن‌طور که نهادگرایان اقتصادی می‌گویند، دادن خدمات امنیت عمومی و توسعه زیرساخت‌های آموزشی، فناوری و غیره است. در قانون قبلی، ساختار نظام مالیاتی ما منطق اخذ مالیات نداشت و این مشکل اساسی بود. ضابطه‌ای حاکم نبود و البته این مسئله‌ای تاریخی است. میزان کمیسیون‌های تجدیدنظر، مالیات علی‌الراس، و تجدیدنظرهای مختلف که تفسیر رای فراوانی در آن می‌شد همگی نه تنها نیاز به اصلاحات را بالا می‌برد، که اصلاحات اساسی را سخت می‌کند. اما در قانون جدید نیز برخی از این نقص‌ها همچنان دیده می‌شود به خصوص که با راه‌اندازی نشدن سیستم جامع اطلاعات مالیاتی، امکان انجام هر خطایی را به‌دور از شفاف شدن اطلاعات مودیان که سازمان امور مالیاتی بر اجرای آن در قانون جدید با راه‌اندازی سیستم جامع اطلاعات مالیاتی تاکید دارد، فراهم می‌کند. به نظر من بحث اصلاح مالیاتی اخیر تنها پیدا کردن راهی برای افزایش درآمد است و چون اصلاح اساسی به همان دلالی که گفتم به نظر کسی نمی‌آید، یا فشار مختلف باز هم اعتراض می‌کنند و یا کسانی باز هم با یافتن روش‌هایی از پرداخت مالیات خود فرار می‌کنند.

به‌جز کسانی که در سیستم اقتصادی کشور فعالیت می‌کنند، برخی نیز در حوزه اقتصاد غیر رسمی یا همان اقتصاد زیرزمینی فعالیت دارند و در برابر نهادهای اقتصادی و اجتماعی جامعه نیز پاسخ‌گو نیستند؛ آیا فکر می‌کنید با اجرای قانون تور مالیاتی گسترده‌تر شود؟

مسئله‌ای که شما هم به خوبی اشاره کردید به ساخت اقتصادی کشور برمی‌گردد. وقتی اندازه اقتصاد غیر رسمی بزرگ باشد کسب اطلاعات از آن غیر ممکن است. علل جامعه‌شناسی بزرگ بودن اقتصاد غیر رسمی نیز متعدد است به نظر من نخستین مسئله اساسی، عدم احترام به مالکیت خصوصی است. سابقه تاریخی این قضیه هم همواره این‌طور بوده که به اسم کسب مال نامشروع و فرار مالیاتی هر اقدامی صورت گرفته است. بنابراین موضوعی که شما به آن اشاره کردید به نوع عملکرد دولت در اجرای درست قانون نیز برمی‌گردد. اگر موارد برای مردم شفاف شود و اگر سیستم به‌درستی و شفاف کار کند، ممکن است اقتصاد غیر رسمی تا حد زیادی شناسایی شود؛ در غیر این صورت باز هم ممکن است راه‌فراری پیدا کنند. معمولاً هم این‌طور است چون کسانی که رشوه می‌دهند، پولشویی می‌کنند و متخلف هستند از معر که به نحوی فرار می‌کنند، چون که مکانیسم‌های مالیاتی و بدنه نظام مالیاتی را خوب می‌شناسند و تنها کسانی می‌مانند که به تولید و رشد اقتصادی خدمت می‌کنند.

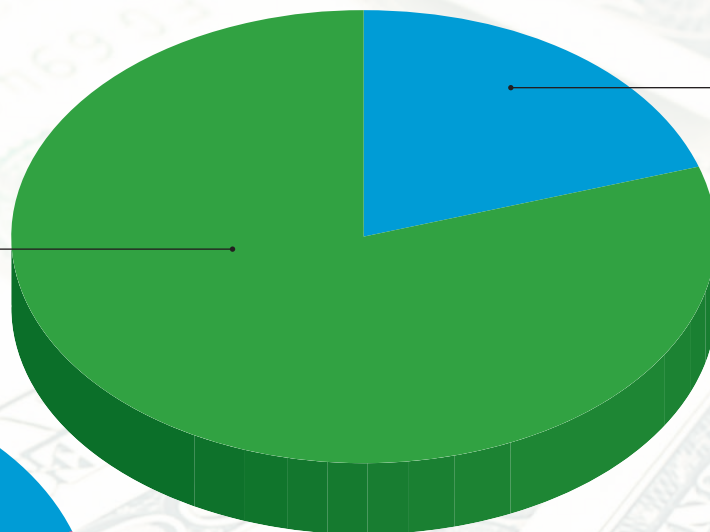
برخی معتقدند که اجرای این قانون به خروج پول از بانک‌ها منجر می‌شود. نظر شما در این خصوص چیست و آیا فکر نمی‌کنید دولت باید به مردم در خصوص اجرای این قانون بیشتر اطلاع‌رسانی کند؟

کاملاً درست است. سرک کشیدن تبعات خوبی ندارد. زیر نظر داشتن موجودی حساب‌ها در شرایط کنونی و بدون انجام اصلاحات لازم، آثار بدی خواهد داشت. یکی این که ممکن است سرمایه‌ها به مناطق امن مالی منتقل شود. این که جلوی پولشویی را باید گرفت، یا فرار مالیاتی را باید متوقف کرد یک چیز و بررسی حساب‌های مردم چیز دیگری است و ممکن است رابطه اعتماد دولت و مردم را خدشه دار کند. در مورد اطلاع‌رسانی به مردم نیز همان‌طور که گفتم اصلاح نظام مالیاتی ضروری است اما باید آن را به بحث عمومی گذاشت تا پیچیدگی‌هایش روشن شود. در حقیقت برای مردم به عنوان مودیان مالیاتی باید روشن شود که چه کاری در حال انجام است.

در بسیاری از کشورها بخش زیادی از بودجه به وسیله مالیات تامین می‌شود. به عقیده شما چه تفاوتی بین ایران و این کشورها در این حوزه وجود دارد؟

در حال حاضر به نظر می‌رسد که قصد دولت از اصلاح نظام مالیاتی افزایش میزان درآمدش از مالیات و نه اصلاح این نظام است

بخش خصوصی نظرش را درباره زمان تحقق ارز تک نرخی اعلام کرد



۲۰ درصد تا پایان سال ۹۵

۳۰ درصد بدون نظر

۵۰ درصد ۳۰۰۰ تومان

۸۰ درصد نامشخص

۲۰ درصد بین ۲۹۰۰ تا ۳۳۰۰ تومان

رقم ارز تک نرخی روی چه عددی می ایستد؟

پرواز به سوی ارز تک نرخی

تک نرخی شدن ارز به سال ۹۴ می رسد؟

سمیرا قزوینی

توافق نامه هسته ای و ایجاد مراودات خارجی ارز تک نرخی می شود. در همین خصوص ۲۰ درصد اعلام کردند که این اتفاق در اوایل سال ۹۵ رخ می دهد، در مقابل، ۸۰ درصد از فعالان و کارشناسان مورد نظر، زمان مشخصی را اعلام نکردند. در ارتباط با قیمت تک نرخی شده ارز، ۵۰ درصد بر این باورند که نرخ ارز روی قیمتی حدود ۳۰۰۰ تومان تک نرخی می شود و دیگران عدد خاصی را مدنظر نداشتند، از ایشان ۲۰ درصد معتقدند عدد ارز، عددی بین نرخ رسمی و نرخ بازار خواهد بود. فعالان و کارشناسان اقتصادی ای که نظرشان را جویا شدیم، ۱۰۰ درصد اعتقاد داشتند تک نرخی شدن ارز هیچ ضرری برای تولید کشور ندارد، بلکه جلوی برخی رانت ها را نیز می گیرد. در ادامه، گمانه زنی های مختلف برخی از فعالان اقتصادی، محمدرضا بهرامی، کوروش پرویزیان، پدram سلطانی، اسدالله عسگر اولادی، حسن فروزان فرد، احمد کیمیایی اسدی، مرتضی لطفی و مهدی شریفی نیک نفس از اعضای هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران و همچنین دو تن از کارشناسان اقتصادی، مهدی تقوی و سید بهاء الدین حسینی هاشمی رادر خصوص تک نرخی شدن قیمت ارز می خوانیم.

در برنامه پنجم توسعه به مدیریت شناور ارز و تعیین نرخ آن با توجه به تورم داخلی و جهانی و شرایط اقتصاد کلان تاکید شده است. در حالی که مسئولان اقتصادی دولت یازدهم، در سخنرانی ها و مصاحبه ها گریزی به تک نرخی کردن ارز می زنند، این موضوع بیش از گذشته مورد بررسی و توجه فعالان و کارشناسان اقتصادی قرار گرفته است. ولی الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی نیز با اعلام این که بانک مرکزی قصد دارد در سال ۹۴ ارز را تک نرخی کند، به داغی تنور بحث و بررسی های ارز تک نرخی اضافه کرده است، هر چند در صحبت هایش پیش بینی شده است که سال ۹۴، سال حرکت به سمت ارز تک نرخی است، اما باید دید این هدف بانک مرکزی چه زمانی محقق می شود. در این خصوص نظرات برخی از فعالان و کارشناسان اقتصادی را جویا شدیم. ۴۰ درصد از این فعالان و کارشناسان اقتصادی معتقدند تک نرخی شدن قیمت ارز به کنترل بانک مرکزی و دولت بستگی دارد، اما ۶۰ درصد اعتقادشان بر این است که با اجرایی شدن



۴۰ درصد از این فعالان و کارشناسان اقتصادی معتقدند تک‌نرخی شدن قیمت ارز به کنترل بانک مرکزی و دولت بستگی دارد، اما ۶۰ درصد اعتقادشان بر این است که با اجرایی شدن توافق‌نامه هسته‌ای و ایجاد مراودات خارجی ارز تک‌نرخ می‌شود.

تک‌نرخی شدن قیمت ارز چه زمانی محقق می‌شود؟

مهدی تقوی
اقتصاد دان



پیش‌بینی من این بود که وقتی برجام اجرا شود و پول‌های بلو که شده به کشور برگردد، قیمت ارز باید پایین بیاید. بنابه تئوری اقتصادی هم با توجه به این که مقداری دلار به ما داده شود، چون عرضه زیاد می‌شود، قیمت باید پایین بیاید، اما عکس این دارد اتفاق می‌افتد نرخ ارز در حال بالا رفتن است.

کوروش پرویزیان

کمیسیون تسهیل کسب و کار



فکر می‌کنم کم‌کم شرایط برای تک‌نرخی شدن ارز مهیاست، الان هم بانک مرکزی به خوبی بازار ارز را مدیریت می‌کند. لان می‌بینیم فاصله نرخ ارز آزاد و مبادله‌ای حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد بیشتر نیست. این شرایط را آماده کرده است برای این که ارز تک‌نرخ شود.

مهدی شریفی نیک‌نفس

کمیسیون تسهیل تجارت و توسعه صادرات



این مسئله در اختیار بانک مرکزی و دولت است. با توجه به روندی که می‌بینیم، به نظر من، در شش ماهه اول سال ۹۵ باید به ارز تک‌نرخ برسیم.

سید بهاء‌الدین حسینی هاشمی

مدیر عامل اسبق بانک سرمایه



بهترین شرایط ارز این است که سیستم بازار، با سیستم مدیریتی ارز، نرخشان به هم نزدیک شود. این ثبات باعث اطمینان می‌شود و بازار رسمی می‌تواند تقاضای کافی و لازم ارز را از شبکه خودش تامین کند و دیگر ضرورتی نباشد تا مردم به بازار سیاه یا آزاد مراجعه کنند. اما با توجه به کاهش شدید قیمت نفت، تقاضای ارزی جامعه بیشتر از منابع ارزی ماست، دولت منتظر است که با اجرایی شدن توافق‌نامه، بانک‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی منابعی را با خود بیاورند و روی بازار ارز و عرضه آن تاثیر بگذارند. اما، به این زودی‌ها دسترسی به آن بعید به نظر می‌رسد.

مرتضی لطفی

صنعت و معدن



امروز، با فراهم شدن فضای مبادلات بین‌المللی و عملیاتی شدن تفاهم‌نامه بهترین شرایط است و فکر می‌کنم بهبود مراودات خارجی در حوزه اقتصادی و تجارت می‌تواند وسیله خوبی برای دسترسی به این امر باشد.

اسدالله عسکراولادی

کمیسیون تسهیل تجارت و توسعه صادرات



با توجه به شرایط اقتصادی کشورمان هیچ‌گاه ارز تک‌نرخ نخواهد شد. به این دلیل که ارز به اندازه کافی وجود ندارد که بتواند تامین‌کننده نیاز واردکنندگان باشد. جدای از این، عده‌ای سوءاستفاده‌چی، امکان دسترسی به ارز ارزان قیمت را دارند. دولت تا با این فساد برخورد نکند، عدم نزدیک شدن نرخ‌های ارز به هم وجود دارد.

احمد کیمیایی اسدی

کمیسیون بازار پول و سرمایه



تک‌نرخ شدن قیمت ارز، بستگی به سیاست دولت دارد. قبل از توافق دولت فکر می‌کرد ارز در بازار آزاد، روند نزولی می‌گیرد، اما، رفتار بازار عکس این بود. بعید می‌دانم امسال به نرخ یکسانی برسیم.

محمدرضا بهرامن

کمیسیون صنعت و معدن



به هر حال یکی از لازمه‌های اقتصاد پایدار تعیین تکلیف پول ملی کشور با سایر ارزهاست. بهترین زمان برای تک‌نرخ شدن ارز در شرایطی است که فاصله‌های بین نرخ بیرون و مرکز مبادلات نزدیک باشد. ثبات قیمت ارز برمی‌گردد به این که بانک مرکزی توانایی کنترل بازار را داشته باشد تا نوسانات غیرعادی تبدیل به نوسانات شدید نشود.

حسن فروزان فرد

کمیسیون کشاورزی



باید دید توان بانک مرکزی برای اداره امور در چه سطحی است. باید امیدوار باشیم برجام نهایی شود و بانک مرکزی دوباره به منابع خود دست پیدا کند و نگرانی برای تامین ارز مورد نیاز وجود نداشته باشد. من پیش‌بینی می‌کنم در نیمه اول سال ۲۰۱۶ میلادی از نظر ظرفیتی برای بانک مرکزی شرایطی مهیا شود.

پدرام سلطانی

کمیسیون اقتصاد سلامت



به نظر من، بعد از برقراری ارتباط بانک‌های ایرانی و خارجی و ظرف چهار الی شش ماه آینده احتمال تک‌نرخ شدن ارز وجود دارد.

قیمت ارز تک‌نرخی چقدر خواهد بود؟

مهدی تقوی
اقتصاد دان



پیش‌بینی من این بود که بعد از اجرای برجام و برگشتن پول‌های بلوکه‌شده به کشور، قیمت ارز کاهش پیدا کند و به حدود ۲۹۰۰ تومان برسد و کم‌کم به سمت تک‌نرخی شدن پیش رود. ولی می‌بینیم که پیش‌بینی ما فعلاً درست نبوده است.

سید بهاء‌الدین حسینی هاشمی
مدیرعامل اسبق بانک سرمایه



پتانسیل کشور ما تحمل ارز بیشتر از ۳۰۰۰ تومان را ندارد، یعنی درآمد مصرف‌کننده قدرت جذب کالایی با ارز بیش از ۳۰۰۰ تومان را ندارد. با توجه به جمع‌بندی‌ها، دلار بالای ۳۰۰۰ تومان در اقتصاد ما اثر رکودی دارد و اگر نرخ ارز یکسان شود، بازار خودش را تطبیق می‌دهد.

پدرام سلطانی
کمیسیون اقتصاد سلامت



نمی‌توانم قیمت در نظر بگیرم. قیمت باید خودش به تناسب عرضه و تقاضا در بازار معین شود. پیش‌بینی من بیشتر از ۳۳۰۰ نیست.

مرتضی لطفی
صنعت و معدن



با توجه به این که دولت در بودجه ۹۴ ارز را دوهزار و خرده‌ای دیده است و بعد از توافق هم نرخ آزاد و دولتی مقداری به هم نزدیک شد، پیش‌بینی من روی ۳۰۰۰ تومان است.

کوروش پرویزیان
کمیسیون تسهیل کسب و کار



نمی‌توانم عدد خاصی را بیان کنم، عدد دادن روی نرخ ارز موضوع ثانویه است. ممکن است برنامه زمانی مشخصی را بخواهد اما به هر جهت امکان این به وجود می‌آید. این از اختیارات بانک مرکزی و سیستم بازرگانی کشور است و می‌توانند روی نرخ ارز یک محدود انعطافی ایجاد کنند. البته باید در نظر بگیریم که خود نرخ ارز هم یک محدودی از نوسان جزئی را دارد. تک‌نرخی به این معنا نیست که یک عدد ثابت را در همه بازارها اعلام کرد، ممکن است در جایی ۳۰۰۰ تومان باشد و در جای دیگر ۲۹۹۵ تومان و یک عدد جزئی در حدود ۱ تا ۲ درصد اختلاف دارد.

اسدالله عسگر اولادی
کمیسیون تسهیل تجارت و توسعه صادرات



این نرخ در حال حاضر قابل پیش‌بینی نیست. بستگی به این دارد که تحریم نفتی برداشته شده باشد یا نه و این که ارز کافی در کشور داشته باشیم یا خیر. اگر ارز فراوان داشته باشیم، قیمت بالای ارز بازار، خودش را به قیمت ارز مبادله‌ای می‌رساند و اگر نه قیمت پایین‌تر خودش را به قیمت بالاتر خواهد رساند.

احمد کیمیایی اسدی
کمیسیون بازار پول و سرمایه



وقتی صحبت از تک‌نرخی شدن ارز است، منظور قیمتی نزدیک به نرخ ارز دولتی است. اگر قیمت ارز روی نرخ بازار آزاد تک‌نرخی شود که کار خاص و مهمی انجام نشده است.

محمدرضا بهرامن
کمیسیون صنعت و معدن



نمی‌توانم بگویم چه قیمتی خواهد داشت، فکر می‌کنم. هر چه فاصله این دو کاهش پیدا کند، ثبات در بازار بیشتر می‌شود. در شرایط فعلی دلار ۳۴۰۰ تومان، وقتی برای تقاضا وجود دارد، نمی‌تواند برای تولید مشکلی ایجاد کند، این قیمتی نیست که تاثیر نامطلوبی داشته باشد، مشروط بر این که چرخه تولید هم حرکت خوبی داشته باشد. اگر شرایط عادی در کشور داشتیم، با قیمت ۳۴۰۰ تومان تاثیر منفی وجود نداشت.

حسن فروزان فرد
کمیسیون کشاورزی



فکر می‌کنم ارز تک‌نرخی بینابین قیمت بازار و نرخ رسمی باشد. نمی‌توانم دقیقاً اظهار نظر کنم چون در ماه‌های آینده ممکن است تفاوت کند. هنوز برآورد منطقی از رفتار اقتصادی مردم بعد از گام‌های عملی برجام را نمی‌دانیم. اما چیزی بین عدد بازار و بانک مرکزی خواهد بود.

مهدی شریفی نیک‌نفس
کمیسیون تسهیل تجارت و توسعه صادرات



قیمت ارز به خیلی شرایط بستگی دارد، برآورد من این است که زیر ۳۰۰۰ تومان نمی‌تواند بیاید. با توجه به شرایط اقتصادی کشور و این که نیاز داریم که صادرات را توسعه دهیم نباید زیر ۳۰۰۰ تومان باشد تا بازارهای صادراتی مان را از دست ندهیم.



۴۰ درصد از این فعالان و کارشناسان اقتصادی معتقدند تک‌نرخی شدن قیمت ارز به کنترل بانک مرکزی و دولت بستگی دارد، اما ۶۰ درصد اعتقادشان بر این است که با اجرایی شدن توافق نامه هسته‌ای و ایجاد مراودات خارجی ارز تک‌نرخ می‌شود

آیا تک‌نرخی شدن ارز به تولیدکنندگان مضر می‌رساند؟

مهدی تقوی
اقتصاد دان



اگر روی ۲۹۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان تک‌نرخ شود، به نفع تولید است، چون برخی از ماشین آلات و مواد اولیه تولید وابسته به دلار است و هزینه تولید با این قیمت تک‌نرخ شده، پایین می‌آید، اما اگر ارز قیمت‌های بالاتری داشته باشد، آن دسته از واحدهای تولیدی که قرار است یک سری ماشین آلات و مواد اولیه از خارج بخرند، هزینه‌هایشان بالاتر می‌رود.

کوروش پرویزیان
کمیسیون تسهیل کسب و کار



من فکر می‌کنم تولید هم از تک‌نرخ شدن ارز منتفع می‌شود. این طور نیست که تولید از تک‌نرخ شدن ارز ضرر کند. بخش تولید از این نوساناتی که در بازار ارز وجود دارد، بیشتر آسیب می‌بیند، تا این که ارز در یک نرخ قابل پیش‌بینی و مشخصی معامله شود. وقتی ارز با یک قیمت معین و با یک روش مشخصی در دسترس باشد، امکان و قدرت پیش‌بینی به تولیدکنندگان را می‌دهد.

محمد رضا بهرامن
کمیسیون صنعت و معدن



نمی‌توانم بگویم در شرایط فعلی این اتفاق به آن صورت خواهد افتاد. شرایطی که برای تک‌نرخ شدن ارز داریم، اگر ۳۰۰۰ تومان به ۳۳۰۰ تومان تبدیل شود، ۱۰ درصد افزایش خواهیم داشت. امروز شرایط تحریم هزینه‌های مازادی را تحمیل می‌کند، هنوز سایه تحریم در بخش پولی کشور وجود دارد و هنوز هزینه می‌دهیم، حتی در ورود پول از طریق صادرات هم چالش داریم. ما از این ۱۰ درصد، حداقل ۷ درصدش را خودمان هزینه می‌دهیم. اگر بانک مرکزی شرایط ثبات را ایجاد کند ۳ درصد رقیمی نیست که دل‌نگرانی ایجاد کند. اگر فضای جابه‌جایی پولمان سالم بود، نباید دیگر به دنبال این باشیم. این نشان می‌دهد که نتوانسته‌ایم فضا را بسازیم. فضای تقاضا باید توسط بانک مرکزی درست ایجاد شود.

سید بهاء‌الدین حسینی هاشمی
مدیرعامل اسبق بانک سرمایه



با تک‌نرخ شدن قیمت ارز، تولیداتی که به رانت وابسته‌اند، ضرر می‌کنند که بهتر است ضرر کنند. البته مشکل تولید ما فقط نرخ ارز نیست. اتفاقاً تولیداتی که به تبعیض وابسته‌اند خیلی شکننده هستند و در بازار رقابتی می‌بازند. در یک بازار رقابتی، تولید باید با برنامه‌ریزی، تدبیر و مطالعه پیش‌برود تا تولید خود را بالا ببرد.

مهدی شریفی نیک‌نفس
کمیسیون تسهیل تجارت و توسعه صادرات



هر چقدر که قیمت ارز تک‌نرخ و شفاف باشد، رانت‌ها از بین می‌رود و همه بر اساس عرضه و تقاضا و نیاز بازار کالا وارد یا صادر می‌کنند. در واقع توان خود را وسط می‌گذارند، به جای این که از یارانه و یا از تفاوت نرخ ارز استفاده کنند. بنابراین، برای تولیدی که در جهت صادرات باشد، مضر نیست.

حسن فروزان فرد
کمیسیون کشاورزی



به اعتقاد من با تک‌نرخ شدن قیمت ارز، تولید ضرر نمی‌کند. در بلندمدت تک‌نرخ شدن ارز، حتماً به سود کل فضای کسب و کار و تولید کشور خواهد بود، برای این که تکلیف تولیدکننده و فعال اقتصادی را روشن می‌کند و می‌تواند تصمیم‌های منطقی بگیرد.

اسدالله عسگر اولادی
کمیسیون تسهیل تجارت و توسعه صادرات



تک‌نرخ شدن قیمت ارز هم به نفع اقتصاد کشور و هم به نفع صادرکنندگان است.

پدرام سلطانی
کمیسیون اقتصاد سلامت



تک‌نرخ شدن ارز قطعاً به نفع تولید خواهد بود. اولاً رانت و سوءاستفاده را از بازار جمع می‌کند. معمولاً تولیدکننده واقعی به رانت دسترسی ندارد ولی تولیدکننده‌های صوری از این رانت استفاده می‌کنند. همچنین با تک‌نرخ شدن ارز گرفتاری تولیدکننده با سیستم بانکی و بانک مرکزی برای این که وارد لیست انتظار دریافت ارز شوند و ارز از مسیرهای مشخص و زمان‌بر، جابه‌جا شود، رفع می‌شود.

مرتضی لطفی
صنعت و معدن



من فکر می‌کنم تولیدکنندگانی که بخش عمده‌ای از مواد اولیه خود را وارد می‌کنند، با تک‌نرخ شدن ارز قیمت تمام‌شده کالایشان به یک قیمت ثابت می‌رسد و این به نفع آنها است.

احمد کیمیایی اسدی
کمیسیون بازار پول و سرمایه



برای تولید شفاف بودن و قابل پیش‌بینی بودن نرخ ارز از همه چیز مهم‌تر است تا بشود برنامه‌ریزی کرد. ثبات نرخ ارز روی هر قیمتی باشد، باید بیشتر به نفع تولیدکنندگان باشد.

میزگرد بررسی نرخ ارز و تاثیر آن بر تولید و تجارت با حضور رضی میری، علیرضا کلاهی و محمد لاهوتی

حفظ ارزش پول ملی تابو نیست

محمد عدلی

از سال ۹۱ که التهابات بازار ارز به اوج رسید و طلاق میان نرخ رسمی ارز و قیمت بازار آزاد را رقم زد، هنوز شرایط برای برپایی نظام ارز تک‌نرخ‌ی فراهم نشده است. هرچند از سال ۹۲ و با روی کار آمدن دولت جدید، هیجان بازار ارز جای خود را به آرامش داد، اما پابرجایی تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های نقل و انتقال ارز با بانک‌های بین‌المللی، مانع پیوند دوباره نرخ ارز در بانک مرکزی و بازار آزاد شده است. رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرده است که شش ماه پس از لغو تحریم‌ها می‌توان نظام ارز تک‌نرخ‌ی را پیاده کرد. در این شرایط چالشی دیگر در مورد نرخ ارز که نقشی تاثیرگذار در جهت‌دهی به اقتصاد کشور دارد، به وجود آمده است. این که نرخ واقعی ارز در اقتصاد ایران چقدر است و با چه نرخ‌ی می‌توان به افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد رسید با دیدگاه‌های متفاوتی مواجه است. معمولاً تولیدکنندگان، واردکنندگان و صادرکنندگان هر کدام با منطق خود به موضوع می‌نگرند. برای بررسی دقیق این موضوع میزگردی با حضور سه فعال اقتصادی از اعضای هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران برگزار کرده‌ایم. رضی میری عضو هیات‌مدیره کنفدراسیون صادرات ایران به همراه محمد لاهوتی رئیس کنفدراسیون صادرات ایران به عنوان فعالان بخش صادرات در این میزگرد حاضر شدند و علیرضا کلاهی که در صنعت برق و تولید کابل فعالیت می‌کند، نیز با دیدگاه تولیدکننده در این جمع حاضر شد.

در مورد نرخ نوعی دوقطبی بین تولیدکنندگان و صادرکنندگان وجود داشت، یک گروه از تثبیت نرخ ارز استقبال می‌کنند و عده‌ای هم افزایش آن را می‌خواهند. در سال ۹۱ به یکباره نرخ ارز پس از تثبیت چندین ساله افزایش یافت و در حال حاضر برخی معتقدند که این اتفاق هرچند شوک آور بود اما به واقعی‌تر شدن نرخ آن کمک کرد. می‌خواهم دیدگاه شما را در مورد ارز در اقتصاد ایران بدانم. در شرایط حاضر که هنوز ارز تک‌نرخ‌ی نشده و اختلاف ۱۳ درصدی بین این دو نرخ وجود دارد، برآوردتان از اوضاع بازار و نرخ رسمی ارز چیست؟ با توجه به این که در تولید و صادرات نقش دارد نظر‌تان را در مورد نرخ مناسب ارز در ایران بگویید.

میری: بنده معتقدم اگر بخواهیم خود را از بن‌بست اقتصادی فعلی خارج کنیم، هیچ راهی جز این نداریم که همه‌چیز را در اقتصاد واقعی کنیم؛ از جمله نرخ ارز. این موضوع فقط منحصر به ارز نیست. کشوری که سال‌های متمادی است اموراتش با سوبسید گذشته و عامل اصلی این سوبسید پول نفت بوده، برای این که به این سمت واقعی شدن حرکت کند، نیاز به شجاعت و شهامت دارد. چون ما کشوری سیاست‌زده داریم و کسانی که عهده‌دار مناصب در سیستم‌های دولتی می‌شوند، از نظر تبلیغاتی بر روی افکار عمومی خیلی حساب می‌کنند. به گمان من برای بسیاری از افرادی که در مناصب حاکمیتی فعالیت می‌کنند خیلی مهم است که افکار عمومی در مورد عملکرد آنها چه نظری می‌دهد؛ صرف‌نظر از این که نظر افکار عمومی در کوتاه‌مدت، مطالعه‌نشده و بدون مال‌اندیشی و دورنگری است یا نه. ممکن است در مقطعی از زمان تصمیمی گرفته شود که شوک وارد کند و مردم از این بابت ناراحت شوند اما درازمدت منجر به فایده برای مردم شود. در همین مورد هم کمتر کسی را داریم که شهامت انجام چنین حرکتی را داشته باشد. نرخ ارز در بسیاری از دوره‌های زمانی تابع همین طرز تفکر،

کسانی که در بخش اقتصاد دولت یازدهم کار می‌کنند این موضوع را به درستی درک کردند و تصمیمات درستی هم گرفتند که آن تصمیمات منجر به کنترل تورم و ثبات ماندن نرخ ارز شد

قربانی شده است. حتی در دولت اصلاحات هم به نرخ ارز این گونه نگاه شد. ما با تاخیر زیادی به این نکته می‌پردازیم. گرچه مشاهده می‌کنم رویکرد در دولت آقای روحانی تغییر کرده است و در این یکی، دوساله این تغییر رویکرد را نسبت به نرخ منصفانه می‌بینیم. خیلی‌ها انتظار داشتند بعد از این که آقای روحانی انتخاب شد، برای این که یک علامت مثبتی به جامعه‌ای که به او رای داده بود، نشان دهد، نرخ ارز را پایین بیاورد و به تعبیر غلطی که در اذهان وجود دارد، پایین آوردن نرخ ارز منجر به ارزان شدن و کم شدن تورم شود که این از نظر اقتصادی و علمی فرضیه درستی نیست. کسانی که در بخش اقتصاد دولت یازدهم کار می‌کنند این موضوع را به درستی درک کردند و تصمیمات درستی هم گرفتند که آن تصمیمات منجر به کنترل تورم و ثبات ماندن نرخ ارز شد. با توجه به این که در آن شرایط ما از امتیازات نفتی هم برخوردار نبودیم یعنی نفت زیادی در اختیارشان نبود، پول قابل توجهی حاصل از فروش نفت به خزانه دولت واریز نمی‌شد، برعکس؛ پول‌ها آنجا گیر کرده بود. با وجود تمام این مشکلاتی که وجود داشت، دولت خود را کنترل کرد و نرخ ارز را به نوعی ثابت نگه داشت؛ به این امید و با این سیاست که ثبات در اقتصاد، نه فقط در مورد نرخ ارز بلکه در مورد مسائل دیگر نیز می‌تواند کمک‌کننده باشد. هیجان‌زدگی و گرفتن تصمیمات بدون مطالعه و بیشتر تبلیغاتی صدمه‌زننده است. اما نکته مهم این است که آیا ثبات ماندن نرخ ارز به نفع اقتصاد است یا واقعی شدن آن. ثبات نرخ ارز در شرایط فعلی مثبت است. اما آیا باید به همین صورت آن را حفظ کنیم؟ به نظر من از حالا به بعد حفظ کردن نرخ ارز در میزان فعلی به نوعی کمک گرفتن و وام گرفتن از امکانات نفتی است. برای این که بدانیم نرخ واقعی ارز چقدر است، بایستی به تدریج نفت را از اقتصاد بیرون بکشیم و بگذاریم صادرات غیر نفتی تکلیف ما را روشن کند. به این ترتیب خواهیم دید نرخ واقعی ارز این نیست و باید افزایش پیدا کند. در قانون برنامه قبلی هم راجع به این موضوع تصمیم‌گیری شده بود که نرخ ارز با فرمولی، متناسب با مابه‌التفاوت تورم داخلی و تورم بین‌المللی، سال به سال ارتقا پیدا کند. این کار به آن صورت انجام نشده گرچه دولت تاحدودی این کار را کرده است. یعنی خیلی نامحسوس اجازه داده نرخ ارز مقداری بالا رود. اما هنوز آن ترس و عدم شهامت وجود دارد و شاید هم نوعی خردمندی باشد که این کار نباید یکباره انجام شود. در عین حال همان تصمیماتی که درباره نرخ سوخت گرفتند که یکباره انجام دهند، در مورد نرخ ارز هم - نه به آن شکل - اما تا حدودی باید انجام دهند. اگر بگذارند ثابت بماند باز هم آن مابه‌التفاوت جمع می‌شود و آن وقت ناچار می‌شوند در یک تصمیم‌گیری ناگهانی این کار را انجام دهند که در این صورت باز آن تجربه تلخ تکرار می‌شود. به نظر من در شرایط فعلی هم باید اجازه داد نرخ ارز ارتقا پیدا کند. دونه‌ی بودن را برداریم و اجازه دهیم امکان سوبسید نیز به خاطر جلوگیری از فساد و بسیاری مسائلی که در اقتصاد کشور ما مطرح است، از بین برود. زمانی هم که ارز تک‌نرخ‌ی شد به تدریج براساس ضوابطی معقول و تایید شده توسط متخصصان اقتصادی (که الان تورم را کنترل می‌کنند) نرخ ارز بالا رود. بنده معتقدم بالا رفتن نرخ ارز عامل تورم نیست بلکه بالا رفتن نرخ تورم عامل افزایش نرخ ارز است. وقتی نرخ تورم به این شکل می‌تواند کنترل شود، قطعاً نرخ ارز فقط به جهت افزایش



در صنعت آلومینیوم کشور، در هر کیلو ۷۰ سنت سوبسید برق به صنعت آلومینیوم می‌دهیم. نزدیک به ۵۰ درصد کل قیمت آلومینیوم را در قالب برق به این صنعت سوبسید می‌دهیم. یادر صنایع پتروشیمی، در بازه ده ساله (بین سال‌های ۸۲ تا ۹۲) به طور متوسط در سال ۱۳۰ درصد کل سرمایه پرداختی سوبسید داده‌ایم. با این رویکرد تمام صنایع ما که عمق ساخت و ارزش افزوده داشتند، روز به روز پُرسرفت کردند و تبدیل به مونتاژ کار شدند. بنابراین آن حجم ارزش افزوده داخلی از بین رفته است. در این شرایط ملاحظه کنید که چه اتفاقی برای بخش لوازم خانگی و خودرو افتاده که فقط با حمایت ۹۰ درصدی زنده است. مثالی دیگر در این زمینه این است که مادر سال ۷۶ صادر کننده رب گوجه‌فرنگی بودیم، رب در بسته‌های ۴۰ کیلوپی از ایران به ایتالیا می‌رفت و آنجا بسته‌بندی مجدد می‌شد اما الان رب گوجه‌فرنگی از چین وارد می‌کنیم. چه اتفاقی افتاده که ما از آنجا به اینجا رسیده‌ایم. باید این مسائل را تحلیل کنیم. اصلی‌ترین اثر تورم این است که قدرت رقابت شرکت‌های ایرانی را کاهش می‌دهد.

برای جبران کاهش رقابت‌پذیری باید تمهیداتی ببندیم. یکی از این تمهیدات، جبران نرخ ارز است. عرض کردم تمهیدات دیگری نیز وجود دارد؛ افزایش بهره‌وری که کاری بلندمدت است. صنایع باید ورودی، جریان نقدینگی، فضایی برای تنفس و سودی داشته باشند که به مقوله بهبود بهره‌وری بپردازند. دولت هم می‌تواند برنامه‌های بهبود بهره‌وری ارائه دهد و یارانه‌هایی برای بهبود بهره‌وری تعیین کند. این موضوع در دولت آقای خاتمی با بحث‌های وزارت صنایع برای ایجاد شرکت‌های مشاور مدیریتی، آوردن سیستم‌های نوین مدیریتی و کمک مالی به استقرار این سیستم‌ها، در حال شکل‌گیری بود که متأسفانه ناقص ماند. نوع دیگر، کاهش بار مالیاتی و تامین اجتماعی شرکت‌ها و حتی پرداخت سوبسید به آنها در مقابل ایجاد اشتغال و سوبسید در پرداخت بهره بانکی است. ما باید این سبک را کنار هم ببینیم و روی آن کار کارشناسی اقتصادی انجام دهیم.

در این شرایط در حوزه ارز، قطعاً نظر من این است که نرخ ارز باید بالا رود. اگر نفت را از اقتصاد ایران خارج کنیم، نقطه تعادل نرخ ارز پیدا می‌شود.

نرخ تورم به طور غیر معقول افزایش پیدا می‌کند. معقول بودن این افزایش نرخ ارز برای پیدا کردن نرخ واقعی ارز است که شامل مسائل دیگری می‌شود و ربطی به نرخ تورم ندارد. گرچه اگر به دلیل نرخ تورم و مسائل ناگهانی مانند دفعه قبل، نرخ ارز افزایش یابد، ممکن است ماجرایی تخم‌مرغ و مرغ به وجود آید و این موضوع موجب شرایط نامتعادل مقطعی شود که نوعی بحران محسوب می‌شود و به ضرر اقتصاد است.

کلاهی: مبحث نرخ ارز بحث پایه اقتصادی ماکرواقتصادی است. باید تحلیل کنیم که واقعاً نرخ تعادل ارز ما کجاست. اتفاقی که در دوران آقای احمدی‌نژاد افتاد این بود که با ورود بی‌رویه درآمدهای نفتی که حاصل از فروش دارایی بود، درآمد ارزی را وارد جریان بودجه جاری کشور کردیم و با متوسل شدن به آن نرخ را به طور مصنوعی پایین نگه داشتیم که حرکتی کاملاً اشتباه بود. نشانه‌اش هم این است که هشت سال پس از آن تجربه، می‌توان مقایسه کرد که در دولت‌های قبل از آن چه حجم ارز وارد اقتصاد کشور شد و چه سطحی از رفاه و اشتغال وجود داشت و در آن هشت سال که نرخ ارز هم تثبیت شد، چه مقدار ارز وارد اقتصاد شد. آیا واقعا رفاه و اشتغال بهبود پیدا کرد؟ جواب قطعاً منفی است. وقتی رقابت‌پذیری هر اقتصادی افت می‌کند باید دولت تمهیداتی برای افزایش رقابت‌پذیری و بهره‌وری آن اقتصاد ببندد.

رقابت‌پذیری از چند جهت مختلف به دست می‌آید؛ یکی افزایش بهره‌وری است. افزایش بهره‌وری برنامه‌ریزی بلندمدت می‌خواهد، بخش خصوصی و بخش دولتی باید با هم در این راستا کار کنند. مطالعات و تجربه‌های مختلفی هم در این زمینه در دنیا وجود دارد که می‌توان از آن استفاده کرد. اقدام دیگر در جهت رقابت‌پذیری، کاهش هزینه‌های جانبی است که کارفرمایان و تولیدکنندگان از طریق کاهش بار مالیاتی و تامین اجتماعی به آن می‌رسند. هیچ کدام از اینها هم در کشور ما اتفاق نیفتاد. بخش خصوصی کشور که ارزش افزوده و اشتغال ایجاد می‌کند و نه آن بخشی که آشکارا و پنهان وابسته به رانت‌های مواد اولیه، انرژی و... است با رعایت این موارد از سوی دولت می‌تواند به افزایش بهره‌وری ببندد. مثلاً

میری:

ارزشی که ما
الان برای ریال
قابلیت ارزشی
تصنعی، کاذب
و توهمی است.
وقتی از نظر قدرت
اول اقتصادی،
پایین بودن ارزش
پول اهمیت مثبت
دارد نه منفی،
چرا فکر می‌کنیم
اگر ریال ما قیمت
واقعی خود را پیدا
کند، دنیا به آخر
می‌رسد

اقتصاددانان به راحتی در قبال فرمول‌های ماکرواقتصادی می‌توانند تعیین کنند که بدون درآمدهای نفتی نرخ ارز ما چه خواهد بود و نرخ ارز امروز چیست. واقعاً باید تصمیم بگیریم که آیا با تلفیق سیاست و اقتصاد می‌خواهیم پیش برویم؟ اگر تصمیم خالص اقتصادی باشد، باید مثل نروژ عمل کنیم؛ درآمدهای فروش نفت را سرمایه‌گذاری کنیم و درآمدهای ناشی از آن سرمایه‌گذاری را در هزینه‌های جاری کشور بیاوریم. اگر به آن صورت عمل کنیم، امروز قیمت دلار در ایران در محدوده ۱۰ هزار تومان خواهد بود.

نکته مشترکی که از صحبت‌های آقای کلاهی و میری استنباط کردم این است که درآمدهای نفتی در عرضه ارز اثر نگذارد تا نقطه‌ای از عرضه و تقاضای ارز به عنوان نقطه تعادلی نرخ ارز خود را نشان دهد. آقای لاهوتی، نظر شما در این زمینه چیست؟ آیا اقتصاد ایران این ظرفیت را دارد که با جدا کردن ارز نفتی، ارز حاصل از صادرات را به عنوان عرضه بازار قرار دهد؟

لاهوتهی: قطعاً خیر. در آن صورت هزینه‌های جاری کشور از کجا پرداخت شود؟ میزان ارز وارداتی که از محل صادرات عاید کشور می‌شود، تنها می‌تواند ارز مورد نیاز واردات را تأمین کند. اولین مشکلی که در کشور سده راه جدا کردن نفت از اقتصاد است، اشکال ساختاری در بحث دریافت از مالیات است. در تمام دنیا مالیات را برای هزینه‌های جاری استفاده می‌کنند. تا زمانی که بحث مالیات را به صورت ریشه‌ای حل و فصل نکنیم کماکان کشور نیازمند عرصه‌های نفتی است و به جای این که این درآمدها در زیرساخت‌ها هزینه شود، هزینه جاری و مصرف می‌شود. همان طور که طی هشت سال گذشته با حجم بسیار بالایی (حدود ۷۰۰ میلیارد دلار) اتفاق افتاد. نکته دوم در خصوص بحث نرخ ارز این است که اگر همه دولتمردان، چه به عنوان حاکمیت و چه ما به عنوان فعالان اقتصادی، می‌پذیریم که قانون برنامه چهارم و پنجم برای نرخ ارز تعیین تکلیف کرده و دولت در همان روش گام برمی‌داشت و اگر نرخ دلار افزایش پیدا می‌کرد ما به عنوان فعالان بخش خصوصی داد و فریاد نمی‌کردیم که امروز به دلیل واردات مواد اولیه کالای ما گران می‌شود، این اتفاقات نمی‌افتاد. هم ما سروردا کردیم که چرا نرخ ارز بالا رفت و هم دولت برای آرام کردن جو روید پیدا کرد و نرخ را متناسب با مصلحت و نه واقعیت اقتصاد، کنترل کرد تا نرخ‌های دستوری را اعمال کند. نمی‌توان گفت اگر قانون برنامه پنجم بعد از ابلاغ، اجرایی می‌شد، نرخ ارز امروز چقدر بود. در آوردن فرمول آن کار سخت و پیچیده‌ای نیست. مسلم است که تنش‌ها و هیجانات است که به بازار لطمه می‌زند. دولتی براساس خواسته و ایدئولوژی خود فکر می‌کند اگر ریال در مقابل دلار قوی باشد یعنی قدرت کشور بالا رفته است. بعد این اتفاق می‌افتد که واحدهای تولیدی ما همه وارد کننده می‌شوند و کالای وارداتی از کالای تولیدی ارزان‌تر در می‌آید. نکته دیگر این که اگر قرار است نرخ ارز براساس تکلیف برنامه رعایت شود، راهکار ساده‌ای است. اگر امسال تورم را ۱۵ درصد پیش‌بینی می‌کنیم حداقل اجازه دهیم دلار ماهانه ۱.۲ درصد افزایش پیدا کند. نگه نداریم تا آخر سال و ناگهان ۱۵ درصد افزایش قیمت بدهیم به این بهانه که دولت در هزینه‌های جاری خود کم آورده است و برای پرداخت یارانه یک‌شبه دلار را به رقم بالایی برساند. این مسائل باعث می‌شود اقتصاد لطمه ببیند و زمانی که این اتفاقات می‌افتد شاهد نگرانی‌های سطح جامعه هم هستیم که با افزایش بهای دلار می‌گویند همه چیز گران شد. دولت هم برای کنترل این فشار افکار عمومی، وارد کردن دلارهای نفتی به بازار را افزایش دهد. نظر کلی بنده این است که باید علم اقتصاد را بپذیریم، یا دستور از بالا به پایین. دستور از بالا به پایین شرایط امروز را رقم زده است؛ نرخ رشد منفی، واردات آن‌چنانی و لجام گسیخته، متوقف شدن تولید و افزایش بیکاری. اما اگر بحث اقتصادی را مطرح می‌کنیم باید براساس قوانینی که برای ما ابلاغ شده عمل کنیم و

کلاهی:
اگر نفت را از اقتصاد ایران خارج کنیم، نقطه تعادل نرخ ارز پیدا می‌شود؛ اقتصاددانان به راحتی می‌توانند تعیین کنند که بدون درآمدهای نفتی نرخ ارز ما چه خواهد بود و نرخ ارز امروز چیست

نگران این نباشیم که اگر امروز صادرات کالایی در داخل، برای مصرف کننده لطمه ایجاد کرد سریع جلوی صادرات را بگیریم و با واردات بازار را مدیریت کنیم. تا زمانی که نگاه ماستوری و حاکمیتی باشد، قطعاً همین طور است. اما اگر دولت بازدهم، دولت تدبیر و امید، بر اجرای قوانین پافشاری کند و به مَر قانون عمل کند می‌تواند مشکلات را برطرف کند.

آقای لاهوتی به چالشی که بر سر ارزش ریال مطرح است، اشاره کردند. عده‌ای معتقدند ارزش ریال باید حفظ شود و نباید قدرت پول ملی تضعیف شود. این چالش را چطور تحلیل می‌کنید؟

میری: هیچ تابلویی نیست. ما به اشتباه این را به صورت یک تابو به وجود آورده‌ایم؛ اگر ارزش ریال پایین بیاید برای ما مثل این است که انگار مملکت را داریم از دست می‌دهیم! اگر یک تابو و ارزش بود که در کشوری به بهانه این که ارزش پول ملی اش کاهش پیدا کند، دنیا به آخر می‌رسد و تمام منافع اقتصادی را از دست می‌دهد، کشوری نظیر چین این کار را نمی‌کرد. در شرایط فعلی، چین از طرف آمریکا تحت فشار است که باید حتماً ارزش پولش را ارتقا دهد و چین مقاومت می‌کند. بنده به یاد دارم چند کشور صنعتی پیشرفته جهان، در مقاطع مختلف زمانی، خودشان عمداً ارزش پول ملی را کاهش دادند. سوئد، فرانسه، ترکیه و آمریکا در مقاطع مختلف این کار را کردند. آمریکا بخش قابل توجهی از قدرت و هژمونی خود را در پایین نگه داشتن نرخ دلار به کار گرفته است تا بتواند از نظر اقتصادی تسلط پیدا کند. وقتی از نظر قدرت اول اقتصادی، پایین بودن ارزش پول اهمیت مثبت دارد نه اهمیت منفی، چرا فکر می‌کنیم اگر ریال با قیمت واقعی خود را پیدا کند (که آن را کاهش هم تلقی نمی‌کنم) دنیا به آخر می‌رسد. ارزشی که ما الان برای ریال قایلیم ارزشی تصنعی، کاذب و توهمی است. اصلاً پول ما چنین قیمتی ندارد. محاسبه قیمت پول ما مثل محاسبه دارایی یک خانواده است. مشخص است که یک خانواده خانه دارد، ماشین دارد، چقدر پول در بانک دارد. حساب می‌کنند که این قدر پول دارد. وضع ما مشخص است. میزان تولید ناخالص ملی و داخلی، صادرات و واردات، این که کدام بخش صادرات ما منتهی به تولید غیر نفتی و کدام بخش به منابع طبیعی بستگی دارد، مشخص است. چرا فکر می‌کنیم چیزهایی داریم که وجود خارجی و فیزیکی ندارد؟ وقتی کسی دچار توهم می‌شود با گذشت زمان باورش می‌شود، در حالی که واقعیت ندارد. این نگاه مختص دوره آقای احمدی نژاد نبود، در دوره آقای خاتمی هم همین طور بود.

کلاهی: قبل از انقلاب هم بود.

میری: حتی زمان آقای هاشمی ارزش پول ملی را بی جهت به شکل وحشتناکی افزایش دادند. از همان جا گرفتاری شروع شد. اگر نگاهی تاریخی به آن دوره داشته باشید، می‌بینید که این اقدام جنبه تبلیغاتی - سیاسی داشت نه ریشه اقتصادی. بعد از جنگ می‌بایستی دولتی می‌آمد و آن دولت نشان می‌داد که در حال از بین بردن آثار جنگ است و می‌خواهد اقتصاد کشور را شکوفا کند. اما تصمیم غیر علمی اتخاذ شد.

لاهوتهی: دستوری بود.

میری: بله، دستوری بود و این روش ادامه پیدا کرد. به نظر من، تنها زمانی که دولت باور کرده این یک توهم است و باید این توهم زایل شود، دولت آقای روحانی است. البته هنوز اقدام شایسته‌ای را که باید، انجام نداده و انتظار هم ندارم به سرعت این کار را انجام دهد چون برای بقا و ادامه رفتارهای اصلاح گرانه سیستم، باید مقداری تحمل داشته باشیم. امیدوارم ناگهان در میانه کار، عقب‌نشینی نکند اما اگر آن طور که به نظر می‌رسد برای کارهای اصلاحی برنامه دارند اما نیاز به زمان دارند، اشکالی ندارد. می‌توانیم به اندازه لازم حوصله کنیم. در غیر این صورت نمی‌توانیم امید داشته باشیم که وضع کشور با نگاه‌های این چنینی تغییر کند.



اگر می‌خواهیم امنیت ملی را تضمین کنیم و طبق برنامه‌های ایران ۱۴۰۴ می‌خواهیم قدرت منطقه باشیم، باید رشد اقتصادی واقعی و تداوم دار داشته باشیم که این رشد با تزریق مصنوعی، فروش و هزینه کردن از دارایی‌ها پیش نمی‌آید.

همه اینها نشانه‌ای به ما می‌دهد که نرخ ارز ما واقعی نیست. وقتی خانهای کلنگی در زعفرانیه تهران هم قیمت خانهای مجلل در بهترین نقطه لندن (شهری که همه پولدارهای تهران می‌خواهند آنجا باشند) است، یعنی یک جای کار ایراد دارد.

نکته دیگری که گاهی از سوی برخی تولیدکنندگان مطرح می‌شود این است که اگر قیمت دلار پایین‌تر بیاید، با واردات مواد اولیه ارزان‌تر می‌توان تولید را ارزان‌تر تمام کرد که از این طریق تولید ما در بازارهای صادراتی رقابت‌پذیرتر می‌شود. آقای کلاهی، شما این فرضیه را چطور تحلیل می‌کنید؟

میری: قبل از این که آقای کلاهی صحبت کنند، باید بگویم که ما سه نفر ضمن این که صادرکننده هستیم، تولیدکننده‌ایم. این گونه نیست که نظر ما راجع به نرخ ارز تنها وابسته به نگاه صادراتی باشد.

کلاهی: بنده واردکننده هم هستم.

میری: یعنی مطالبی که می‌گوییم به صلاح مملکت است، موضوع صنفی و منافع شخصی مطرح نیست.

کلاهی: اگر می‌خواهیم امنیت ملی را تضمین کنیم و طبق برنامه‌های ایران ۱۴۰۴ می‌خواهیم قدرت منطقه باشیم، باید رشد اقتصادی واقعی و تداوم دار داشته باشیم که این رشد با تزریق مصنوعی، فروش و هزینه کردن از دارایی‌ها پیش نمی‌آید. فروش دارایی برای رشد اقتصادی مثل خانواده‌ای است که زمین و سرمایه‌اش را می‌فروشد و بی‌امو می‌خرد که بگوید پولدار است. آیا به چنین آدمی می‌گویند عاقل؟! کسی دارایی را نمی‌فروشد که هزینه کند؛ نه انسان عاقل در زندگی روزمره و نه یک کشور عاقل این کار را می‌کند. جناب لاهوتی اشاره کردند؛ نفت دارایی است. ما نفت را می‌فروشیم تا هزینه پروژه‌های عمرانی کنیم. اگر نمی‌توانیم و واقعیت‌های سیاسی ما اجازه نمی‌دهد، در صدی از آن را در بودجه جاری بیاوریم، نه این که لجام گسیخته سهم نفت را در بودجه کشور بالا ببریم. آقای دکتر آزمون در مرکز پژوهش‌های مجلس یک بررسی روی قیمت جهانی نفت و اثر آن در اقتصاد ایران از ۱۳۳۰ تا امروز انجام داده است که نشان می‌دهد هر زمان قیمت نفت بالا رفته، دولت ایران از برنامه اقتصادی خارج شده، سلیقه‌ای عمل کرده، یک سری حرکات سیاسی کرده تا رفاه کاذب برای مردم به وجود آورد و شعارهای سیاسی بدهد. هر زمان این اتفاق افتاده رشد اقتصادی و اشتغال ما کاهش پیدا کرده است. قبل از انقلاب، بعد از انقلاب و همیشه این اتفاق افتاده است. چندم تبه دیگر باید یک خطا را بیاوریم؟ مورد روشنی وجود دارد؛ جزیره ناوورو در اقیانوس آرام. کمپ پناهندگان استرالیایی در کشور ناوورو است. در دهه ۶۰ این کشور یکی از بالاترین درآمدهای سرانه جهان را داشت. منبع درآمدشان فروش فسفات طبیعی بود که از این جزیره استخراج می‌کردند. نتیجه این شد که محیط زیستشان نابود شد، این جزیره بسیار زیبا به حفره معدانی که از میانه جزیره استخراج شده تبدیل شده است. الگوی زندگی مردم آن تغییر کرد. الگوی تغذیه آنها تغییر کرد. مردمی که به خوردن میوه تازه و ماهی عادت داشتند شروع به مصرف فست‌فود و غذاهای وارداتی کردند. اضافه وزن و دیابت در این جزیره بیداد می‌کند. امروزه در عکس‌ها می‌بینیم که دور تادور این جزیره لاشه‌های زنگ‌زده خودروهای لوکس آمریکایی دهه ۷۰ و ۸۰ افتاده است. آن زمان پولدار شدند، خودروها را خریدند، حالا حتی نمی‌توانند هزینه نگهداری آن را پرداخت کنند و خودروها افتاده و زنگ‌زده است. منابعی هم که قرار بود سرمایه‌گذاری کنند در پروژه‌های بی‌حاصل سوخت شد. هیچ صندوق سرمایه‌گذاری هم برایشان نمانده است. امروزه در آمد این دولت از اسکان پناهنده‌هایی که دولت استرالیا نمی‌خواهد در سرزمین خود بپذیرد و فروش رای در سازمان ملل است.

آن‌طور که نقل شده زمانی که مرحوم نوربخش قصد داشت نظام ارز تک‌نرخ را در ایران پیاده کند، همه گروه‌ها در کشور مخالف بودند. آقای نوربخش گفته بود که «اگر یک نفر در دنیا بخواهد مخالف تک‌نرخ شدن ارز باشد، آن شخص باید بنده به عنوان رئیس بانک مرکزی باشم. چون می‌توانم با این شرایط به راحتی به هر که خواستم ارز دولتی بدهم و به هر که نخواستم ندهم. نمی‌دانم چرا بقیه مخالف‌اند.» با گذشت این سال‌ها در حال حاضر همه گروه‌ها از تک‌نرخ شدن ارز دفاع می‌کنند. اکنون درباره حفظ ارزش پول ملی، این تصور وجود دارد که اگر ارزش پول ملی پایین بیاید اتفاق ناخوشایندی رخ خواهد داد. شاید این هم مشابه جریان تک‌نرخ کردن ارز باشد و پس از چند سال دیدگاه‌ها در این باره تغییر کند. راجع به این موضوع صحبت کنیم. آقای کلاهی، اگر امکان دارد دیدگاهتان را در این زمینه بفرمایید.

کلاهی: به کشورهای دیگر توجه کنید که چه می‌کنند. ببینید ارزش پول ترکیه در دو، سه سال گذشته چقدر افت کرده است. ما تصور کاذبی داریم که قدرت ملی و اقتدار به ارزش پول است. ارزش پول یک رقم است. مثلاً کویت که یک دینارش ۳ دلار آمریکا است، کشور خیلی قدرتمندی است؟ اصلاً این حرف‌ها بی‌جانه است. در علم اقتصاد بی‌معنی است. آیا اقتصاد کویت که یک دینارش ۳ دلار است قدرتمندتر است یا ژاپن که ۱۰۰ یین آن یک دلار می‌ارزد؟ امروزه قدرت در دنیا از خلق ثروت می‌آید. فعالان اقتصادی و اقتصاددان‌های ما باید این قضیه را روشن کنند. درباره تأثیر نرخ ارز بر رشد اقتصادی و اشتغال باید بحث شود. ما، دویی، کویت و قطر نیستیم. حتی عربستان هم دیگر نمی‌تواند روش قبلی را ادامه دهد به این صورت که نفت را بفروشد و به شهر و نداشت پول مجانی دهد. این کار را فقط کشورهای کوچک با جمعیت‌های بسیار کم می‌توانند انجام دهند. بوظلی ۱.۵ تریلیون دلار در صندوق ثروت ملی خود ذخیره دارد. یعنی تقریباً برای هر شهروند یک میلیون دلار ذخیره کرده است. این یک میلیون دلار هر جا سرمایه‌گذاری شود، حداقل سالی ۵۰ هزار دلار برمی‌گرداند. ما کشوری ۷۵ تا ۸۰ میلیونی هستیم با منابع طبیعی مشخص و بحران‌های بسیاری که در ۲۰ سال آینده پیش رو خواهیم داشت؛ مثل بحران آب و اشتغال. بسیاری از جوان‌های ما ورود به بازار کار را به دلیل نبودن کار مناسب به تأخیر انداخته‌اند. ادامه تحصیل داده‌اند و دوره‌های متفاوتی را گذرانده‌اند و دیر یا زود وارد بازار کار خواهند شد. باید حواسمان باشد. در علم اقتصاد به این هرم جمعیتی ما سرمایه‌دموگرافیک گفته می‌شود. این سرمایه‌دموگرافی یک نرخ طبیعی رشد اقتصادی را با خود به همراه می‌آورد. برخلاف ژاپن جمعیت مسن یک نرخ رشد منفی برایش به همراه دارد. شرایط سنی جمعیت ایران اگر اتفاق دیگری نیفتد، نرخ رشد اقتصادی طبیعی دارد. اگر این امر محقق نشود و رشد اقتصادی، اشتغال و خلق ارزش را در این دوره نداشته باشیم، ۲۰-۳۰ سال دیگر که این جمعیت پایه‌ساز نسل‌های می‌گذارند چه کسی هزینه دارو و درمان و بازنسل‌سازی این جمعیت را می‌دهد؟ باید چشم‌هایمان را باز کنیم. درباره بحران‌های آب، زیست‌محیطی و جمعیت که پیش رو داریم فکر کنیم. باید روشن‌نگری کنیم. این یک وظیفه ملی است. متأسفانه تفکری در جامعه حاکم است که با این دغدغه‌ها فاصله دارد. به عنوان مثال زمانی که توافق هسته‌ای امضا شد، در جمعی تحصیل کرده و طبقه خاص اجتماعی بودم، بحثی که در آن جمع شکل گرفت این بود که سفر بعدی آنها به اروپا ارزان می‌شود. این تفکر چه معنی‌ای دارد؟ به جای سفر به نقاط مختلف داخل کشور به فکر خارج کردن ارز از کشور هستند. این همه جاذبه گردشگری داخلی داریم. در گردشگری هم قضیه نرخ ارز مطرح می‌شود. امروز سفر به کیش به مراتب از سفر به ترکیه گران‌تر است.

لا هوتی:

دولتی براساس خواسته و ایدئولوژی خود فکر می‌کند اگر ریال درمقابل دلار قوی باشد یعنی قدرت کشور بالا رفته است؛ بعد این اتفاق می‌افتد که واحدهای تولیدی ما همه واردکننده می‌شوند و کالای وارداتی از کالای تولیدی ارزان‌تر درمی‌آید

توصیه‌های محمد طبیبیان به فعالان اقتصادی

کارآفرینان ایرانی درست فکر کردن را بیاموزند

مریم موسی‌پور

«روش علم» نام جدیدترین کتاب محمد طبیبیان، یکی از معروف‌ترین اقتصاددانان مدافع بازار آزاد است. کتابی که در آن به بازخوانی اسلوب‌های اندیشه علمی از عصر روشنگری تاکنون پرداخته شده است تا به گفته خودش، بخشی از مهوریت آن را در نظام آموزش دانشگاهی جبران کند: «متأسفانه این زمینه در آموزش دانشگاهی کشور ما مهجور مانده است، در صورتی که بحث روش علم در تمام رشته‌های علمی در دانشگاه‌های معتبر و همچنین در مباحث روشنفکری جدی، موضوع سمینارها و سخنرانی‌های متعدد است.» این کتاب که حاصل یادداشت‌هایی است که به عنوان بخشی از مطالب درسی از سوی این اقتصاددان در کلاس روش علم ارائه می‌شد، به زبانی ساده به رشته تحریر درآمده است تا فهم مطالب عنوان شده در آن را برای همه خوانندگان، تسهیل کند. کتاب «روش علم» در سال ۹۳ و از طرف انتشارات دنیای اقتصاد منتشر شده است. گفت‌وگوی آینده‌نگر با محمد طبیبیان را در خصوص هدف از انتشار این کتاب و مباحث مطرح شده در آن می‌خوانید.

نام شما و اقتصاد به نوعی به هم گره خورده است، اما نام کتابتان «روش علم» از همان ابتدا این سوال را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا این کتاب هم در جهت نظریات اقتصادی شما نوشته شده است و بهتر است بگوییم که چرا «روش علم» را نگاشته‌اید؟

این پرسش دو جزء دارد. یکی ارتباط روش علم با رشته اقتصاد است و دیگری این که آیا منظور من در این کتاب جانب‌داری از یک حیطه خاص از علم اقتصاد بوده است یا خیر؟ در مورد بخش اول باید بگویم که اقتصاد هم علم است و به همین دلیل نیز بررسی روش علمی در این رشته، جایگاه خاصی دارد. در بیشتر دوره‌های دکترای دانشگاه‌های مختلف یک درس روش شناسی یا روش علم هم ارائه می‌شود. امروزه اقتصاددانان واقعی هم دانشمند هستند و باید همانند رشته‌های دیگر در تحقیق و پژوهش دقیق درگیر باشند. به همین دلیل در این رشته نیز جایزه نوبل می‌دهند. بنابراین بحث روش علم از نقطه نظر اقتصاد، کاملاً قابل توجیه است. مادر برنامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی نیز چنین درسی را داشتیم. همان گونه که در مقدمه کتاب هم آمده است این کتاب حاصل یادداشت‌هایی است که به عنوان بخشی از مطالب درسی در کلاس روش علم ارائه می‌شد. متأسفانه این زمینه در آموزش دانشگاهی کشور ما مهجور مانده است، در صورتی که بحث روش علم در تمام رشته‌های علمی در دانشگاه‌های معتبر و همچنین در مباحث روشنفکری جدی، موضوع سمینارها و سخنرانی‌های متعدد است. در کتاب «روش علم» ابتدا سعی کرده‌ام جدا شدن تدریجی و همراه با تنش و معارضة علم از خرافه و جادوگری را برای دانشجویان معرفی کنم و ظهور عصر خرد و ویژگی‌های آن را به اختصار نشان دهم. برای بسیاری از دانشجویان تاریخچه

از خاک بلند شدن علم، ماجرای ناشناخته‌ای است. با خواندن کتاب‌های دبیرستانی و دانشگاهی تصور می‌کنند که رشته علم از ارشمیدس یونانی و محمد زکریای رازی تا گالیله و نیوتن و اینشتین به صورت متصل ادامه داشته است، در صورتی که اگر توجه کنند محاکمه گالیله به وسیله کلیسای کاتولیک در سال ۱۶۳۳ به دلیل اعلام این که زمین به گرد خورشید می‌چرخد، به جرم کفر گویی شروع شد و چون توبه کرد و خود را گمراه خواند از سوزانده شدن نجات یافت و منجر به حبس خانگی او تا زمان مرگش شد.

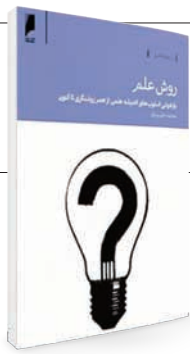
پس فکر می‌کنید اطلاعات پایه‌ای دانشجویان ما حتی در مورد ظهور عصر علم نیز ناچیز است چه برسد که با روش علم نیز آشنایی داشته باشند؟

بله، اگر سرگذشت بسیاری اندیشمندان دیگر از جمله دکارت را بخوانیم، متوجه می‌شویم که انقلاب فکری که به نام عصر روشنگری یا عصر خرد مشهور است با مرارت آغاز شد و البته نتایج این انقلاب یعنی دستاورد پیشرفت علوم و فنون نیز در سصد سال اخیر برای همه کس آشکار شده است. عصر خرد هم که رسماً با کتاب «گفتار در روش درست راه بردن عقل و جست‌وجوی حقیقت در علوم» تألیف دکارت در سال ۱۶۳۷ شروع می‌شود بر مبنای یک اعتقاد استوار است و آن این که انسان توان آموختن و خردورزی را دارد، پس آزاد است. این تصور ابتدا بر تحول اندیشه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و سپس بر تحول در علوم فیزیکی و فنون تأثیر گذاشت، چه این که اگر محیط فکری و سیاسی و اجتماعی مهیا نبود امکان رشد دانشگاه‌ها، صنایع، پژوهشگاه‌ها و موسسات اقتصادی نیز فراهم نمی‌شد. در نتیجه کسانی که توسعه علم را توسعه فیزیک و شیمی می‌دانند شاید نسبت به مقدمات و نظام‌های حامل و حامی این توسعه بی‌توجه هستند و یکی از تلاش‌های کتاب «روش علم» نیز معرفی این وجه قضیه است. این تحول علمی و فنی در یک سیستم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی استبدادی، نمی‌توانست تحقق یابد، کما این که یک مورد تحقق آن را هم در سیستم‌های استبدادی نمی‌یابیم، حتی در زمانی که دستاوردهای علمی حاصل از عصر خرد و ادامه آن در دسترس بوده است. بنابراین اگر به نظر شما می‌رسد که در کتاب احیاناً از اقتصاد آزاد هم مطلبی آمده برای این است که این رشته نیز همراه همان سنت فکری متولد شد و رشد کرد و به آن تحول نیز بسیار ثمر رساند. چنان که اقتصاددانان تأثیرگذارترین دانشمندان حدود ۲۰۰ سال اخیر بر حیات بشر بوده‌اند.

چقدر در نگارش این کتاب دیدتان به ایران و مشکلات کشور در زمینه اندیشیدن درست و علمی و مشکلات مرتبط با آن بوده است؟

طبعاً یکی از دلایل من برای تدریس درس روش علم طی سال‌های متمادی و نهایتاً نگارش این کتاب ضعفی بود که در این مورد در آموزش دبیرستانی و

در کتاب «روش علم» ابتدا سعی کرده‌ام جدا شدن تدریجی و همراه با تنش و معارضه علم از خرافه و جادوگری را برای دانشجویان معرفی کنم و ظهور عصر خرد و ویژگی‌های آن را به اختصار نشان دهم



روش علم
محمد طبیبیان
انتشارات دنیای اقتصاد

هم ساری است و دیده می‌شود. به عنوان مثال در بیشتر مواقع اگر کودکی خطایی کرده و به آن اقرار کرد، تنبیه می‌شود چون اقرار او، گستاخی تلقی می‌شود. اگر دروغ بگوید با این که بزرگ‌ترها می‌فهمند ولی او را آسان‌تر می‌بخشند، چون دروغ‌گویی او را نشان تسلیم و پشیمانی به حساب می‌آورند. در جامعه ما اگر فردی برای منافع شخصی، خلاف مکتون ذهنی خود و بنا بر فرصت‌طلبی که آن را مصلحت‌طلبی می‌خوانیم، سخن گفت و رفتار کرد که به آن «سرکار گذاشتن دیگران» نیز می‌توان گفت، او را زیرک و هوشیار تلقی می‌کنیم. کسی که صادقانه و صریح سخن گفت او را ساده لوح به حساب می‌آوریم. یعنی جدول ارزش‌ها بعضاً زیر و رو است، به نحوی که وقتی هم که دروغ‌ها ظاهر می‌شود، گوینده شرمسار نیست و شنونده هم عادت دارد که آن را عادی تلقی کند. یک سیاح اروپایی که در زمان قاجار مدتی در ایران زندگی کرده بود در خاطراتش نوشته بود که ایرانیان دروغ می‌گویند و از این که نتیجه آن هم معلوم شود، شرمسار نمی‌شوند. او دلیل ریشه‌دار این هنجار را که در اصل مجازات شدن راست‌گویی توسط همه نهاد‌های اقتدار بودند نمی‌توانست درک کند. به همین دلیل نیز گفتمان‌های لازم برای درک و تعریف صورت مسائل و یافتن راه‌حل‌های مورد قبول و معقول به نتیجه نمی‌رسد. ما پیوسته از مسائل شکایت می‌کنیم و بر سر راه‌حل نیز نمی‌توانیم توافق کنیم چون گفتمان صادقانه و صریحی را پیگیری نمی‌کنیم. به عنوان یک مورد واقعی، در یک مجموعه مسکونی شبی مهمانی پرسر و صدایی تا دیر وقت برقرار بوده است. یک همسایه با مدیر مجموعه برای خبر کردن پلیس تماس می‌گیرد، پلیس که سر می‌رسد صاحب مهمانی به مدیر معترض می‌شود و او نیز دلیل این امر را اعتراض و خواهش همسایه ذکر می‌کند و همسایه هم کلام‌طلب را انکار می‌کند. پس از ختم غائله مدیر از فرد معترض دلیل این رفتار را می‌پرسد و توضیح او این بود که ما با همسایگان چشم‌در چشم هستیم، چگونه می‌توانم در مقابل او بگویم من درخواست آمدن پلیس را کرده‌ام! شما تصور کنید از یک مجموعه کوچک مسکونی تا یک جامعه بزرگ این چنین هنجارهای فکری و رفتاری چگونه می‌تواند به طرح صحیح مسائل و حل آنها بینجامد؟

به موضوع آموزش رسمی به عنوان یکی دیگر از دلایل عدم موفقیت در بخش اندیشه‌ورزی اشاره کردید. به نظر می‌رسد که بسیاری از روش‌های غلط فکر کردن ما یا حتی فکر نکردن، ریشه در شیوه آموزشی کشورمان دارد.

درست است. همان‌طور که اشاره کردم نکته دوم شیوه آموزش رسمی خصوصاً در سطح دبستان نیز بر شیوه اندیشیدن تأثیر گذار است. کتاب‌های درسی کشورمان از دیرباز، ملغمه‌ای از شعر و گفتار و پند و اندرز بوده که کمکی به انسجام و تقویت اندیشه و اندیشیدن نمی‌کند. هیچ رابطه‌ای بین این شعر از سعدی و آن قصه از کلیله و دمنه و آن مطالب شعاری و ایدئولوژیک و مطلب دیگری از قابوس‌نامه و غیره که در صفحات پشت سر هم آمده، وجود ندارد و قرار نیز نبوده که وجود داشته باشد. ریاضی تدریس می‌شود بدون این که دانش آموز دریابد که این در واقع برای سازمان دادن اندیشه است و برای این منظور ایجاد شده است. درس‌های دیگر هم اصولاً آموختنی نبوده‌اند. مثلاً کمتر کسی از دبستان و دبیرستان تاریخ و جغرافیا و زبان انگلیسی و عربی آموخته است. اگر کسی در این زمینه‌ها دستاوردی داشته، آموخته‌هایش را خارج از نظام رسمی کسب کرده است. از این مهم‌تر این که طی سال‌های طولانی آموزش رسمی دانش‌آموزان مهارت‌های اجتماعی مانند مشارکت، همکاری، استدلال منطقی، نقادی و تفاهم و سازش را نمی‌آموزند. بنابراین مشکلات ما اگرچه ابتدایی‌تر از کاربرد روش علمی در زندگی شخصی و اجتماعی است، لیکن بی‌ارتباط با آن حیطة نیست و باید برای آنها نیز فکری کرد تا مردم ما اندیشه‌ورزی درست را بیاموزند.

خصوصاً دانشگاهی دیده‌ام. شاید بهترین کتاب‌ها در این زمینه مربوط به آقای دکتر موسی غنی‌زاد است که البته توجه ایشان بیشتر به معرفت‌شناسی بوده است. خارج از این بحث، ادبیات چندانی در این باب به جز برخی ترجمه‌ها از آثار پوپر و مانند آن تولید نشده است. تلاش من این بود که مطلب را از زاویه‌ای مطرح کنم که برای خواننده ایرانی قابل پیگیری و توجه باشد. البته نمی‌دانم در این باب چه میزان این کتاب موفق بوده است.

به نظر می‌رسد شمار کتاب‌تان بر عکس بسیاری از تالیفات و ترجمه‌های علمی در ایران، سعی کرده‌اید که ساده‌نویسی را ملاک قرار دهید و به این ترتیب مخاطب را با خود همراه سازید، آیا فکر نمی‌کنید زبان علم در ایران زبان سختی است یا این که بزرگان علمی ما در شیوه ارائه علم خود به زبان فارسی با مشکل مواجه‌اند و همین موضوع موجب گریز مخاطب از خواندن کتاب‌های علمی می‌شود؟

این یک امر شناخته‌شده است که بارزترین دانشمندان رشته‌های مختلف کسانی هستند که می‌توانند نتایج پیچیده را به زبان ساده نیز بیان کنند. اگر به همین کتاب توجه کنید یک بخش از بحث، مربوط به محاوره علمی است. در نیمه دوم قرن بیستم یک مکتب مهم در این زمینه به تبیین ضوابط محاوره و گفتمان علمی و پرهیز از یاهوگویی پرداخت. گذر از پیچیده و مغلق‌گویی به سوی گویش و نگارش با محتوای مشخص و روشن یک مرحله گذار به تحول علمی است. در کشور مادر گذشته اگر کسی مطالب نامفهوم و پیچیده مطرح می‌کرد او را بسیار «پُر» به حساب می‌آوردند. در بسیاری موارد اگر از نتیجه مباحث یک سخنرانی سر در نمی‌آوردند سخنران را بسیار دانشمند و سطح بالا به حساب می‌آوردند؛ این پینش اشتباه است. من هم همیشه سعی کرده‌ام که اگر مطلبی را فهمیده‌ام، آن را به زبان ساده برای دیگران بنویسم یا بیان کنم و امیدوارم توانسته باشم در این راه گامی بردارم.

همان‌طور که در کتاب هم به آن اشاره کرده‌اید، از سه قرن قبل دور شدن از افکار بدون پایه و اساس و روی آوردن به علم یا همان تحول اندیشه از سوی غرب، بالاخره پاسخ داد و موجب توسعه آن شد. ایران را در چه مرحله‌ای می‌بینید و به عقیده شما ما چقدر توانسته‌ایم «علم» را در مکانیسم‌های اداره کشورمان به کار ببندیم و آیا فکر می‌کنید دلیل عقب ماندنمان از غرب در برخی زمینه‌ها از جمله اقتصاد تا چه حد به دلیل ضعف روش‌های علمی مان بوده است؟

به نظر من شیوه اندیشه‌ورزی بین عموم و خصوصاً روشنفکران ما یک عامل عدم موفقیت‌های ما در امر توسعه و پیشرفت بوده است. این مسئله هم طبعاً ریشه‌های فرهنگی و تاریخی دارد. اگر بخواهم بر دو عامل که بر اساس تجربه من مهم بوده است، انگشت بگذارم یکی از آنها کمبود و ضعف گفتمان اجتماعی صادقانه و صریح میان ما ایرانیان است و نکته دوم مربوط به آموزش رسمی خصوصاً در سطح دبستان است. عقلانیت با گفتمان نقادانه رشد می‌کند. ما از طریق محاوره صریح و نقادانه با یکدیگر می‌توانیم به ذهنیت مشترک، همخوان و کارساز برسیم. امروزه مطالعاتی که در مورد هوش انجام می‌شود نیز نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی کودکان در افزایش ضریب هوشی آنها موثر است. در کشور ما استبداد تاریخی، آزادی بیان را برای قرن‌ها سرکوب کرده است. همین عامل از بعد اجتماعی خود را در تعارف و تکلف و رودربایستی و شرم از اظهار نظر و مانند آن تجلی بخشیده که نوعی خودسانسوری و ریاکاری است. این جمله معروف از ولتر است که «حکومتی که مرا برای راست‌گویی مجازات می‌کند، شایسته آن است که به آن دروغ بگویم».

پس به عقیده شما ریشه‌های فرهنگی و تاریخی یکی از دلایل کمبود و ضعف گفتمان اجتماعی صادقانه و در نتیجه آن شکل گرفتن اندیشه‌ورزی صحیح است؟

بله، این امر در مورد سایر نهاد‌های اجتماعی از جمله مدرسه و خانواده

کتاب‌های درسی کشورمان از دیرباز، ملغمه‌ای از شعر و گفتار و پند و اندرز بوده که کمکی به انسجام و تقویت اندیشه و اندیشیدن نمی‌کند

در گفت‌وگو با معاون وزیر نفت مطرح شد

۳ استراتژی نفتی در پساتحریم

صادرات نفت ۶ ماه پس از تحریم، دو برابر می‌شود

محمد عدلی

صادرات نفت خام ایران تا پیش از اعمال تحریم‌های سرسختانه به ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز می‌رسید اما پس از آن و تا قبل از توافق ژنو در اواخر سال ۹۲ به ۸۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته بود. بعد از توافق ژنو صادرات یک میلیون بشکه‌ای نفت ایران تثبیت شد اما همچنان فاصله‌ای قابل توجه با دوران پیش از تحریم وجود دارد. کاهش قیمت نفت نیز طی یک سال اخیر، به کاهش قابل توجه درآمدهای نفتی انجامید و نیاز به افزایش صادرات و بازپس‌گیری بازارهای از دست رفته بیشتر احساس شد. بیژن زنگنه وزیر نفت دولت یازدهم از همان روز نخست گرفتن دوباره کرسی وزارت، اعلام کرد که اولین هدفش رساندن سطح تولید نفت به میزان ۸۴ است. بعد از دو سال از عمر دولت، تلاش‌های دیپلماتیک به ثمر نرسیده است تا مدت انتظار برای رفع موانع صادرات و تولید نفت کوتاه‌تر شده باشد. بر این اساس وزارت نفت در تدارک بازگشت به شرایط پیش از تحریم قرار دارد. برای مطلع شدن از برنامه‌های این وزارتخانه در دوران جدید با منصور معظمی، معاون برنامه‌ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری وزارت نفت گفت‌وگو کرده‌ایم. معظمی که عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیز محسوب می‌شود، ریاست کمیسیون انرژی را در اتاق بر عهده گرفته است. او در این گفت‌وگو از سه استراتژی وزارت نفت در دوران پس از تحریم پرده برداشت و به تشریح آن پرداخت.

بعد از انجام توافق هسته‌ای و چشم‌انداز لغو تحریم‌ها، بیشترین

نگاه‌ها به سمت صنعت نفت معطوف شده است تا در شرایط جدید

توانند با رفع موانع به بازار گشایی و توسعه صنعت بپردازند. در حال

حاضر اصلی‌ترین اولویت وزارت نفت برای دوران جدید چیست؟

یکی از اصلی‌ترین اولویت‌های وزارت نفت در دوران پساتحریم افزایش صادرات نفت است. به دلیل تحریم‌های ظالمانه که در سال‌های اخیر اتفاق افتاد، سهم بازار ما توسط دیگران اشغال شده است. بنابراین اولین کاری که دنبال آن هستیم این است که پس از تحریم به سمت افزایش صادرات برویم. فکر می‌کنیم که در اولین فرصت می‌توانیم حدود ۵۰۰ هزار بشکه، توان صادراتی مان را افزایش دهیم. پس از آن در یک دوره زمانی کوتاه‌مدت مثلاً تا شش ماه بعد از آن می‌توانیم ۵۰۰ هزار بشکه دیگر به حجم صادرات بیفزاییم. به این معنی که توان صادراتی ایران در شش ماه پس از لغو تحریم‌ها به میزان یک میلیون بشکه در روز افزایش یابد و با توجه به شرایط فعلی صادراتمان به دو میلیون بشکه در روز برسد.

رسیدن به این میزان صادرات در شرایط فعلی بازار و رقابتی که در

طول زمان تحریم جایگزین ما شده‌اند، امکان‌پذیر است؟

طبیعی است که با شرایط و بیزه‌های مواجه هستیم اما بحث ما این است که قبلاً در اوپک یک سهمیه مشخصی داشتیم و حالا هم سهم خود را می‌خواهیم. قبلاً ۱۴٫۲ درصد از سهمیه بازار اوپک در اختیار ایران بوده است به این معنی که از مجموع صادرات کشورهای عضو اوپک، ۱۴٫۲ درصد مربوط به ایران بود. در سال‌های اخیر این سهم نادیده گرفته شده است و دیگران آن را اشغال کرده‌اند اما این بازار سهم ما است. هم به لحاظ توانمندی و هم از نظر مجموعه شاخصه‌ها مثل توان تولید، جمعیت، تولید ناخالص ملی، سابقه حضور در صنعت نفت و... در اوپک شرایطی داریم که

در سال‌های اخیر دیگران، سهم ایران از بازار نفت را اشغال کرده‌اند اما این بازار سهم ما است. تلاش ما این است که ابتدا سهم بازار گذشته را دوباره به دست بیاوریم و پس از آن به سمتی برویم که سهم جدیدی از بازار بگیریم

بسیار خاص و برتر محسوب می‌شود. بنابراین تلاش ما بر این است که ابتدا سهم بازار گذشته را دوباره به دست بیاوریم و پس از آن به سمتی برویم که سهم جدیدی از بازار بگیریم. این اولین اقدامی است که بعد از لغو تحریم‌ها در دستور کار وزارت نفت قرار دارد. در حال حاضر برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی برای پیگیری امور در دوران پس از تحریم انجام شده و بر همین اساس اولویت اول افزایش صادرات است که کارهای اجرایی آن نیز شروع شده است.

در شرایط فعلی بازار نفت که با افزایش عرضه مواجه است، آیا در رقابت با اعضای اوپک و سایر صادرکنندگان نفت با دست‌انداز مواجه خواهیم بود؟

طبیعی است که با دست‌انداز و چالش مواجه باشیم. می‌خواهیم سهم خود را در بازاری افزایش دهیم که موضوع عرضه و تقاضا در آن بسیار شکننده است و شرایط خاص خودش را دارد. این چالش‌ها قطعاً در مسیر بازار گشایی وجود دارد اما ما هم برنامه‌ریزی خود را برای این کار داریم و از سهم خود در بازار نمی‌گذریم تا بتوانیم به هدف افزایش یک میلیون بشکه‌ای صادرات طی شش ماه برسیم.

لازمه این کار به طور طبیعی افزایش تولید نفت است، برای این بخش

چه برنامه‌ای دارید؟

بله، همان‌طور که گفتیم ابتدا ۵۰۰ هزار بشکه و سپس در فاصله شش ماه ۵۰۰ هزار بشکه دیگر به توان صادراتی اضافه خواهیم کرد. این کار با ظرفیت‌های فعلی تولید نفت در کشور انجام خواهد شد اما برای پس از آن نیاز به برنامه افزایش ظرفیت تولید داریم. بر همین اساس برنامه‌ریزی در وزارت نفت صورت گرفته است. اولویت دومی که برای دوران پس از تحریم طراحی کرده‌ایم، افزایش ظرفیت تولید است. می‌دانیم که یکی از مشخصه‌های قدرت در صنعت و بازار نفت، ظرفیت بالا در تولید است. اگر بخواهیم در اوپک یار بین کشورهای شرکت‌های تولیدکننده نفت در جهان جایگاه و نقشی داشته باشیم و به عنوان مثال بازگر یا بازی گردان باشیم، باید توان و ظرفیت تولید بالایی داشته باشیم. بنابراین استراتژی دوم ما این است که ظرفیت تولید نفت خام را بالا ببریم. بر این اساس برنامه داریم تا علاوه بر این که حفظ وضع موجود را دنبال می‌کنیم به این معنی که توان فعلی تولیدمان را ننگ می‌داریم، در طول برنامه ششم توسعه سعی می‌کنیم حدود ۷۴۰ هزار بشکه که حتی تا یک میلیون بشکه نیز قابل افزایش است، به ظرفیت تولید اضافه کنیم. لازم است تأکید کنم که افزایش ظرفیت تولید به معنای تولید نیست، بلکه برنامه داریم در این مدت توان تولید خود را به میزانی که اشاره کردم، افزایش دهیم.

یکی از چالش‌هایی که به خصوص با کاهش قیمت نفت و محدودیت‌های بودجه‌ای دولت سدر راه برنامه‌های توسعه‌ای صنعت نفت قرار دارد، منابع مالی برای توسعه است. برای این مشکل و

رسیدن به اهداف افزایش ظرفیت تولید چه فکری کرده‌اید؟

بله، موضوع تأمین مالی برای رسیدن به اهداف تعیین شده بسیار اهمیت دارد. به همین منظور استراتژی‌ای سومی که در وزارت نفت برای دوران پس

می‌خواهیم سهم خود را در بازاری افزایش دهیم که موضوع عرضه و تقاضا در آن بسیار شکننده است و شرایط خاص خودش را دارد. این چالش‌ها قطعاً در مسیر بازار گشایی وجود دارد اما ما هم برنامه‌ریزی خود را برای این کار داریم و از سهم خود در بازار نمی‌گذریم تا بتوانیم به هدف افزایش یک میلیون بشکه‌ای صادرات طی شش ماه برسیم.



شرکت‌های خارجی از دست داده بود به طوری که برخی از این شرکت‌ها اعلام کرده بودند به غیر از تحریم‌ها، نوع قراردادهای نفتی ایران مانع سرمایه‌گذاری در ایران است. به همین دلیل این بازنگری انجام شد. در قراردادهای جدید، حلقه‌های مختلف صنعت نفت شامل اکتشاف، توسعه و تولید به صورت یکپارچه واگذار می‌شود اما در این قرارداد مالکیت مخزن قابل انتقال نیست. تولید صیانتی از مخازن به دلیل حفاظت از ذخایر نفتی و به منظور حفظ تولید در طول عمر میدان بسیار ضروری است که در قراردادهای جدید مورد تأکید قرار گرفته است. یکی دیگر از موضوعات مورد توجه در قراردادهای جدید واگذاری عملیات اکتشاف به پیمانکار است چراکه باید سعی کنیم شرکت‌های خارجی را به مناطق دارای ریسک بالا برای اکتشاف نیز وارد کنیم تا از منابع ملی صرف هزینه اکتشاف نشود. طبیعی است که در این قراردادها در برابر ریسک‌پذیری، دریافت پاداش هم به طور متناسب دیده شده است. نکته دیگری که در این قراردادها به دنبال آن هستیم این است که انتقال تکنولوژی به داخل اتفاق بیفتد. به همین دلیل همکاری کارشناسان ایرانی در کنار شرکت‌های سرمایه‌گذار دیده شده است.

همان‌طور که گفتیم جزئیات قراردادهای جدید نفتی موضوعی تخصصی و مفصل است که در اینجا به ذکر همین چند نکته اکتفا می‌کنم. در مجموع پیش‌بینی ما این است که استقبال خوبی از این قراردادها شود و با استفاده از منابع خارجی و همچنین حداکثر استفاده از منابع داخلی بتوانیم به توسعه قابل توجهی دست پیدا کنیم.

در مذاکراتی که در این مدت داشته‌اید، با کدام شرکت‌ها و برندهای معتبر جهان به توافقات اولیه رسیده‌اید؟

شرکت‌های بسیار معتبری برای مذاکره قدم جلو گذاشته‌اند. اکثر برندهای این صنعت به مذاکره آمده‌اند اما به نتیجه رسیدن و تبدیل شدن آن به قرارداد همکاری به لغو تحریم‌ها موکول شده است. مذاکرات همچنان در جریان است اما همه منتظر لغو تحریم‌ها هستند. به دلیل مزیت‌های رقابتی موجود در صنعت نفت ایران، شرکت‌های خارجی استقبال قابل توجهی از حضور در ایران خواهند کرد. اگر بتوانیم شرکت‌های معتبر و صاحب‌نام در حوزه سرمایه و تکنولوژی جذب را کنیم به رشد و توسعه صنعت نفت در ایران کمک بزرگی کرده‌ایم. ما باید این هنر مدیریتی را داشته باشیم که از همه منابع استفاده کنیم. آمادگی داریم تا با همه شرکت‌های معتبر جهان مذاکره کنیم. منطق ما رسیدن به قراردادی برد-برد است و با این منطق مانعی برای مشارکت با شرکت‌های خارجی نداریم.

از تحریم‌ها طراحی شده، تامین منابع مالی است. در سال‌های گذشته حقیقتاً صنعت نفت ایران بسیار بسیار مورد بی‌مهری قرار گرفته است. این بی‌مهری‌ها حتی از سطح تحریم‌های بین‌المللی هم فراتر رفته است. تحریم موضوع جداگانه‌ای است. می‌دانیم که محور همین تحریم‌ها این بوده که از ورود سرمایه و تکنولوژی به این صنعت جلوگیری شود. در بخش صادرات هم طی دو-سه سال اخیر موانعی ایجاد شد که این موضوعات در جای خود قابل بررسی است اما موضوع مورد اشاره من این است که در داخل هم این صنعت مورد بی‌مهری مضاعف قرار گرفته است. طی سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری لازم در صنعت نفت انجام نشده است. این مربوط به تمام بخش‌های این صنعت مهم در کشور است. در بخش پتروشیمی، در صنعت گاز، خطوط انتقال آن، در بخش نفت، پروژه‌های تزریق و به طور کلی توسعه این صنعت بزرگ، خیلی کم سرمایه‌گذاری شده است. به طور معمول در سال حدود ۲۵ تا ۳۰ میلیارد دلار نیاز به سرمایه‌گذاری در مجموعه صنعت نفت داریم اما اگر اشتباه نکنم در طول ۴ سال اول برنامه پنجم مجموع سرمایه‌گذاری در صنعت نفت شامل بخش‌های نفت، گاز، پتروشیمی و سایر متعلقات آن ۶۰ میلیارد دلار بوده است. یعنی به طور میانگین سالانه ۱۵ میلیارد دلار که این مبلغ بسیار کم است. نتیجه این موضوع این شده است که امروز مواجه هستیم با تالیفات نفتی فرسوده که نیاز به نوسازی دارد. بنابراین راهبرد سوم وزارت نفت در شرایط فعلی تامین منابع مالی هم برای حفظ وضع موجود و هم برای توسعه است که با جدیت آن را دنبال می‌کنیم و برنامه‌های آن را نیز مشخص کرده‌ایم. یکی از اصلی‌ترین این برنامه‌ها، جذب سرمایه‌گذاری خارجی با شیوه‌های جدید است که اقدامات اولیه برای آن از ماه‌ها قبل آغاز شده است و در حال تجهیز خود برای مواجهه با شرایط پس از تحریم هستیم.

برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی به برنامه‌های جدید اشاره کردید، آیا منظور آن طراحی قراردادهای جدید نفتی و تغییرات جدید در این زمینه است؟ اگر امکان دارد در این زمینه بیشتر توضیح دهید. بله، برای این کار مدل جدید قراردادهای نفتی ایران طراحی کرده‌ایم که این قراردادها به زودی در لندن رونمایی می‌شود. شرکت‌های خارجی برای حضور در این اجلاس و شنیدن شرایط جدید قراردادهای نفتی ایران رغبت نشان داده‌اند و استقبال زیادی کرده‌اند. بر اساس برنامه‌ریزی وزارت نفت، لیست پروژه‌ها و قراردادهای آماده شده است که در این اجلاس عرضه می‌شود. برنامه ما این است که در این اجلاس به طور کامل با همه جزئیات به تبیین و تشریح قراردادهای جدید بپردازیم. همه سرمایه‌گذاران خارجی در این اجلاس حضور خواهند داشت. امیدوار هستیم که نوع قراردادهای نفتی که مدل جدیدی است و تقریباً برای ایران منحصر به فرد است، مورد توجه قرار گیرد و مسیر جدیدی را پیش روی صنعت نفت قرار دهد. برای تدوین قراردادهای جدید همه قراردادهای نفتی موجود را مطالعه کرده‌ایم. قراردادهای بیع متقابل که خودمان در گذشته داشتیم نیز مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین قراردادهایی را نیز که در سال‌های اخیر در سطح منطقه بسته شده است مورد واکاوی و مطالعه قرار داده‌ایم و از بررسی این شرایط مدلی استخراج شده است که تحت عنوان IPC مطرح کرده‌ایم. فکر می‌کنیم این مدل جذابیت کافی برای سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی داشته باشد. امیدوار هستیم که این مدل قراردادهای مورد استقبال قرار بگیرد و بتوانیم مشکلی را که در زمینه تامین منابع مالی داریم از این محل حل کنیم.

اگر امکان دارد چند ویژگی قراردادهای جدید را بگویید. جزئیات این قراردادها مفصل است اما اگر بخواهم به چند مورد اشاره کنم باید بگویم که قراردادهای گذشته ایران، جذابیت خود را برای

امیدوار
هستیم که نوع
قراردادهای
نفتی که مدل
جدیدی است و
تقریباً برای ایران
منحصر به فرد
است، مورد توجه
قرار گیرد و مسیر
جدیدی را پیش
روی صنعت نفت
قرار دهد

سرمنزل مقصود

روایت تصویری آینده نگر از کشتی های باربری و بنادر



▲ کشتی برای رسیدن به بندر حرکت می کند.





رضا معطریان
عکاس

بنادر، سرمنزل مقصود کشتی‌ها محسوب می‌شوند. کشتی‌هایی که مسیری طولانی را طی می‌کنند به امید اینکه روزی به خشکی برسند. براساس گزارش‌های منتشر شده، ۳۲ میلیون و ۵ هزار و ۵۹۴ تن کالا در سه ماهه ابتدایی امسال از بنادر ایران تخلیه و بارگیری شد. آمار عملیات بندری فروردین امسال نشان می‌دهد که در مجموع ۹ میلیون و ۸۲۲ هزار و ۱۹۹ تن کالای نفتی و غیرنفتی از بنادر کشور تخلیه و بارگیری شد. در بخش کالاهای غیرنفتی از مجموع ۶ میلیون و ۲۰۵ هزار و ۸۰۱ تن تخلیه و بارگیری در نخستین ماه امسال ۳ میلیون و ۵۲۷ هزار و ۵۷۴ کالا تخلیه و ۲ میلیون و ۶۷۸ هزار و ۲۲۷ تن کالا بارگیری شد. سهم واردات کالاهای غیرنفتی در فروردین امسال ۲ میلیون و ۸۱۶ هزار و ۱۳۰ تن و سهم صادرات این نوع کالاها در این مدت ۲ میلیون و ۱۸۱ هزار و ۲۵۵ تن بود. در فروردین امسال همچنین ۳۵۵ هزار و

۳۲۶ تن کالای غیرنفتی از بنادر ایران ترانزیت شد. در اردیبهشت ماه امسال هم ۱۱ میلیون و ۳۰۳ هزار و ۹۵۲ تن کالای نفتی و غیرنفتی از بنادر ایران تخلیه و بارگیری شد که سهم تخلیه و بارگیری کالای غیرنفتی ۷ میلیون و ۷۰۴ هزار و ۲۵۰ تن و سهم کالاهای نفتی ۳ میلیون و ۵۹۹ هزار و ۶۹۹ تن بود. در دومین ماه امسال ۲۹ هزار و ۴۸۳ کانتینر تخلیه و بارگیری شد. امادر سومین ماه سال ۹۴ در مجموع ۱۰ میلیون و ۸۷۹ هزار و ۴۴۳ تن کالای نفتی و غیرنفتی در بنادر ایران تخلیه و بارگیری شدند. در خردادماه امسال ۷ میلیون و ۳۸۰ هزار و ۱۶۵ تن کالای غیرنفتی تخلیه و بارگیری شد که سهم کالاهای تخلیه شده ۳ میلیون و ۵۸۱ هزار و ۱۰۷ تن و سهم کالاهای بارگیری شده در بنادر ایران ۳ میلیون و ۷۹۹ هزار و ۵۸ تن بود. در سومین ماه سال در مجموع ۱۸۲ هزار و ۶۶۵ کانتینر در بنادر ایران تخلیه و بارگیری شدند.



▼ کانتینر‌ها در بندر تخلیه شده‌اند.





▲ مجتمع بندری شهید رجایی، با برخورداری از موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی در نزدیکترین نقطه به تنگه هرمز و دهانه ورودی خلیج فارس قرار دارد.



▲ مجتمع بندری شهید رجایی مهمترین دروازه واردات و صادرات جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود.



▲ مجتمع بندری شهید رجایی، با ۲۴۰۰ هکتار وسعت، از ظرفیت پذیرش ۹۰ میلیون تن کالای نفتی و غیرنفتی در سال برخوردار است.

▼ حجم گسترده ای از عملیات جابجایی کالای عمومی خصوصاً محصولات فولادی، فله خشک، فله مایع و فرآورده های نفتی خام در این بندر انجام می شود.





▲ در پنج ماه اول سال ۹۴، در مجموع ۲۵ میلیون و ۳۶۷ هزار و ۴۴۳ تن کالای نفتی و غیر نفتی در بزرگترین بندر تجاری ایران تخلیه و بارگیری شد.



▲ یک هزار و ۶۰۱ فروند انواع شناورهای بزرگ و کوچک در بندر شهید رجایی طی پنج ماه اول سال ۹۴ پهلوگیری کرده‌اند.



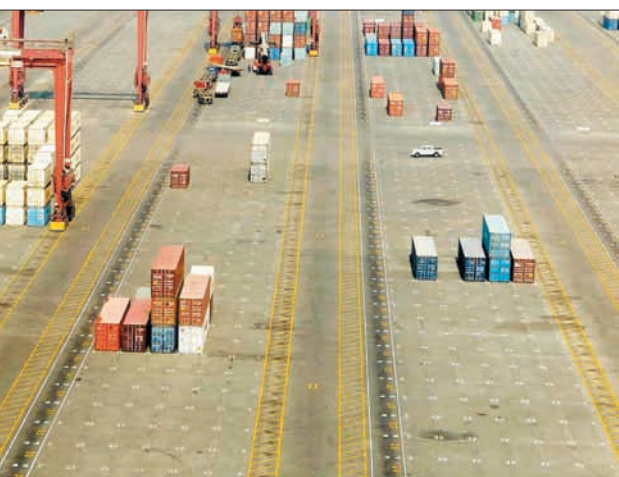
▲ ۹ هزار میلیارد ریال سرمایه بخش خصوصی در این بندر جذب شده است.



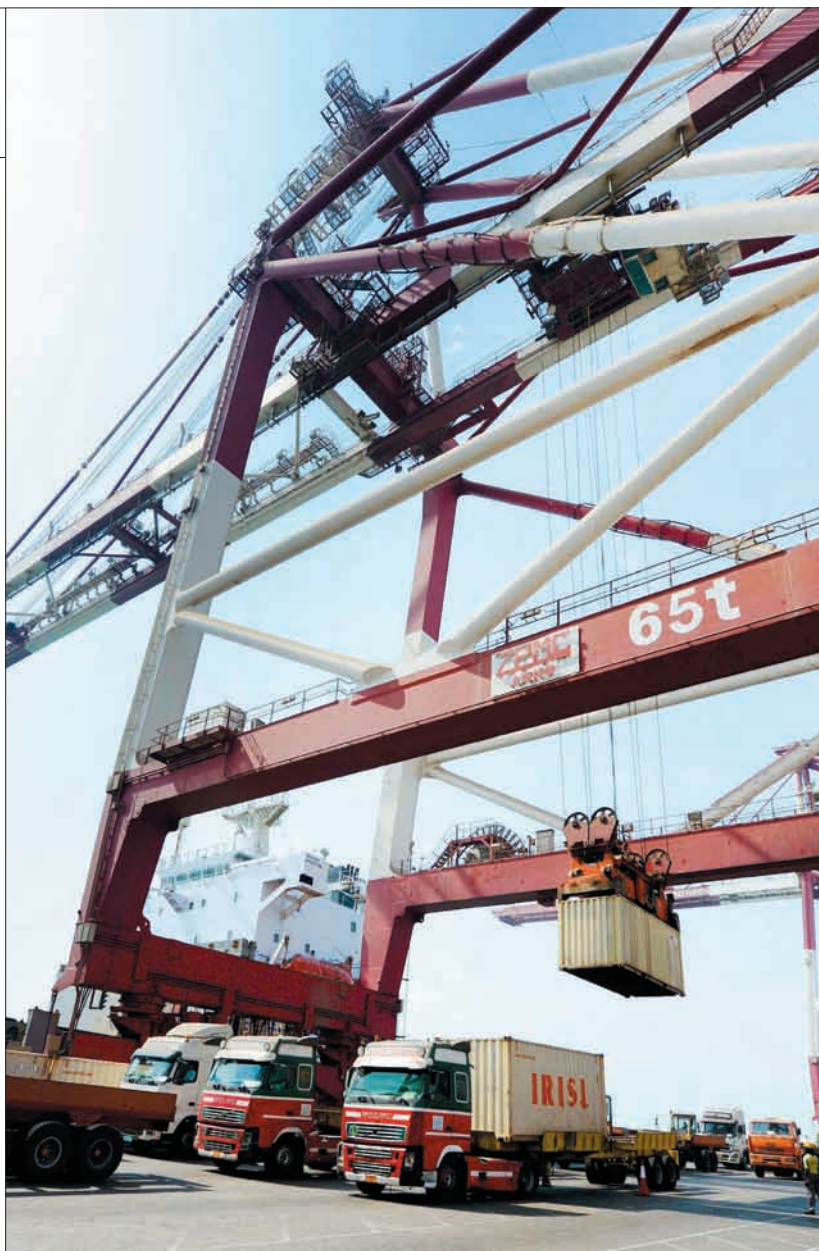
▲ ۳۲ میلیون و ۵ هزار و ۵۹۴ تن کالا در سه ماهه ابتدایی امسال از بنادر ایران تخلیه و بارگیری شد.



▲ بندر شهید رجایی در سال ۲۰۱۱ میلادی با رشدی معادل ۴۶ درصد، در میان ۳۵۰۰ بندر مهم دنیا دست یافته است.



▲ بندر شهید رجایی، با بیش از ۸۰ بندر معروف جهان از طریق ۳۵ خط برتر کانتینری دنیا تبادل کالا



▲ این مجتمع عظیم بندری که در نقطه مرکزی نوار ساحلی جنوب کشور و در استان هرمزگان بیش از ۲ هزار و ۳۰۰ کیلومتر مرز دریایی دارد.





▲ بندر شهید رجایی، بزرگترین و پیشرفته ترین ترمنال کانتینری کشور را در اختیار دارد.



یا با ۲۸ پله صعود از رتبه ۷۲ به رتبه ۴۴



▲ این مجتمع عظیم بندری بعنوان دروازه واردات و صادرات و تنظیم کننده نبض اقتصاد کشور است.



و مراوده بازرگانی دارد.



▲ کشتی بعد از تخلیه بار به سمت بندری دیگر روانه می شود.



سیمان، خمیر مایه توسعه

آینده نگر در گفت و گو با رئیس و نایب رئیس انجمن صنفی کارفرمایان سیمان
چالش های این صنعت را بررسی می کند

از این انجام می داد و انجام دیر هنگام این مصوبه باعث این شده که بنیه اقتصادی شرکت های سیمانی ضعیف شود. او در ادامه می گوید: «سیمان زمانی مشمول قیمت گذاری بود که ما ۱۰ میلیون تومان کسری داشتیم، از سال ۸۹ به بعد که ما با مازاد روبه رو شدیم سیمان در مقطعی از مشمول قیمت گذاری خارج شد و ما با دولت دهم تفاهم نامه ای امضا کرده بودیم که این محصول در مجموعه داخلی انجمن از نظر قیمت تعیین تکلیف شود. البته با تعهد به این که سیمان به وفور در بازار وجود داشته باشد. اما متأسفانه وزارت صنعت، معدن و تجارت با حضور آقای نعمت زاده تفاهم نامه را بر هم زد و الان که دو سال از کار دولت جدید می گذرد و صنعت سیمان در رکود کامل به سر می برد تازه به این نتیجه رسیده اند که باید قیمت سیمان را عرضه و تقاضا تعیین کند. در حالی که در این مدت قیمت سیمان باید به صورت دوره ای با توجه به تورم و متناسب با آن افزایش پیدا می کرد، اما متأسفانه جلوی آن گرفته شد. ببینید مایه عنوان انجمن در زمان دولت گذشته با دولت تفاهم نامه امضا کرده بودیم و نه با شخص که با تغییر آن رویه کلا عوض شود. آقای نعمت زاده به عنوان وزیر صنعت، معدن و تجارت نباید از تفاهم نامه ای که در زمان وزیر قبلی برای قیمت گذاری

بعد از ماه ها تلاش از سوی انجمن های صنفی حوزه سیمان از جمله انجمن صنفی کارفرمایان و تولید کنندگان سیمان، بالاخره دولت بر اساس مصوبه تیر ماه امسال سیمان را از مشمول قیمت گذاری خارجی کرد؛ و این به معنی آن است که از این پس قیمت سیمان را عرضه و تقاضای بازار تعیین خواهد کرد و نه دولت. البته این تحول عمده و مهم در صنعت سیمان و بازار این کالا در شرایطی رخ داده است که به اعتقاد برخی از کارشناسان و متخصصان، واحدهای تولیدی سیمان هم اکنون در وضعیت بسیار سختی به سر می برند و شاید این تحول عمده «نوش دار» بعد از مرگ سهراب» باشد. ایران به عنوان چهارمین تولید کننده سیمان و کلینکر جهان با حدود ۸۰ میلیون تن ظرفیت به نظر می رسد حالا در وضعیت سختی قرار گرفته است.

قیمت گذاری که دولتی بود

محمد اتابک رئیس هیات مدیره انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان درباره منع قیمت گذاری سیمان از سوی دولت می گوید: «بر اساس مصوبه شماره ۴۸۰۲۱ مورخ ۰۶/۰۴/۹۴ دولت، سیمان از مشمول قیمت گذاری خارج شد. یعنی قیمت سیمان را از این پس عرضه و تقاضای بازار تعیین خواهد کرد؛ البته دولت باید این کار را بسیار قبل تر



قیمت گذاری و تصمیمات دولتی در صنعت سیمان، باعث شد امروز اکثر شرکت های سیمانی در رکود بسیار سختی باشند و بسیاری از فعالیت های خود به خصوص طرح های توسعه را متوقف کنند، در شرایطی که باید توجه داشت سیمان خمیر مایه توسعه در کشور محسوب می شود.



تیر ماه امسال، سیمان از شمول قیمت گذاری خارج شد. یعنی قیمت سیمان را از این پس عرضه و تقاضای بازار تعیین خواهد کرد؛ البته به اعتقاد فعالان این بخش، دولت باید این کار را بسیار قبل تر از این انجام می داد و انجام دیر هنگام این مصوبه باعث این شده که بنیه اقتصادی شرکت های سیمانی ضعیف شود

سیمان خمیر مایه توسعه در کشور محسوب می شود.

او با اشاره به این که در سال های گذشته واحدهای تولیدی سیمان با روز های سختی روبه رو بودند، ادامه می دهد: «برای مثال با افزایش نرخ دلار و تغییر پایه پولی کشور و ضعیف شدن ریال عملاً شرکت ها و واحدهای تولیدی سیمان مجبور شدند تسهیلات دریافتی خود را با شرایط جدید و نرخ روز باز پرداخت کنند و این مشکل به نظر نمی رسد با توجه به ماده ۲ و ۲۱ قانون فعلی رفع موانع تولید (بر اساس این ماده واحدهای تولیدی باید باز پرداخت خود به بانک ها را با توجه به نرخ روز دریافت تسهیلات پرداخت کنند) هم حل شود و عملاً واحدها مجبورند رقمی سه برابر رقم گشایش شده بپردازند، زیرا بسیاری از بانک هایی که ما از آنها وام گرفتیم اصلاً خودشان را مشمول این قانون و ماده نمی دانند. حالا در این بین به این نکته هم توجه داشته باشید که نگاه ها و واحدهای تولیدی سیمان این وام ها را بابت اجرای طرح های توسعه که سیاست دولت بود، دریافت کردند. آن زمانی که ما طرح های توسعه را اجرا کردیم قرار بود قیمت سیمان در کمیته ماده ۱ تعیین شود که این اقدام را دولت انجام نداد و جلوی آزاد سازی را هم گرفت و حالا بعد از این که ما ۱۹ میلیون تن سیمان و کلینکر مازاد داریم و پیش بینی می کنیم با ادامه تولید این حجم تا پایان سال به حدود ۳۰ میلیون تن هم برسد که واقعا عددی نجومی است، به فکر آزاد سازی افتاده اند؛ البته ما باز به این اتفاق دیر هنگام هم خیلی خوشبین هستیم.»

اتابک البته می گوید همین که صنعت سیمان را دولت و وزارت صنعت، معدن و تجارت رها کنند اتفاق مثبتی است به شرط آن که دوباره از تصمیم خود برنگردند. مثلاً اگر عرضه و تقاضا قیمت را بالا برد یا نهادهای قیمت تمام شده مانند آب و برق و زیر ساخت ها بالا رفتند و به دنبال آن قیمت سیمان نیز افزایش یافت، دوباره مانند گذشته با اعمال فشار های مختلف بر روی تولید کننده برای کاهش قیمت عمل نکنند. محمد رضا لطفی، مدیر عامل هلدینگ سیمان فارس - خوزستان نیز با اشاره به بدهی های کلان صنعت سیمان به بانک ها می گوید:

سیمان امضا شده بود، عدول می کردند زیرا دولت یک رژیم حقوقی است و نباید در آن سلیقه های عمل شود.»

علاوه بر محمد اتابک، مرتضی لطفی نایب رئیس انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان و مدیر عامل هلدینگ سیمان فارس - خوزستان هم به «عدم تعامل جدی بین عوامل دولتی و تشکلهای مرتبط با حوزه سیمان» اشاره می کند و از آن به عنوان «چالش جدی» نام می برد و می گوید: «دولت تدبیر و امید و به خصوص آقای روحانی از ابتدای مسئولیشان در حوزه اجرایی تاکید داشتند که اعتقاد به واگذاری بخش مهمی از تصدیگری های دولتی به بخش خصوصی و تشکلهای دارند، اما هنوز این اتفاق نیفتاده است و متاثر از آن، انجمن ها و تشکلهایی همچون انجمن صنفی کارفرمایان سیمان اقتدار لازم را در برنامه ریزی (هم در توزیع و هم تولید) ندارند و گاه با دستگاه های دولتی دچار مشکل می شوند، چنان که تا دو ماه گذشته همچنان سیمان مشمول قیمت گذاری دولت بود.»

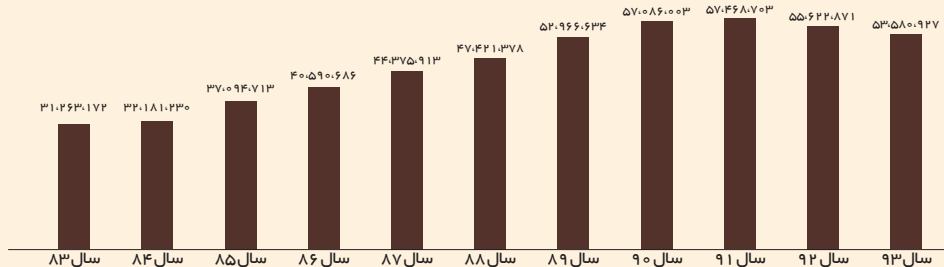
او ادامه می دهد: «در سال های گذشته تولید کنندگان سیمان در جهت تامین منافع مردم و کشور حرکت کرده و افزایش قیمت نداشته اند در صورتی که قیمت های تمام شده متاثر از حامل های انرژی، هزینه نیروی انسانی و... افزایش پیدا کرده است و باعث شده شکاف غیر منطقی بین قیمت تمام شده و عرضه به وجود بیاید و حالا با غیردولتی شدن قیمت گذاری امیدواریم این شکاف به مرور زمان منطقی شود.»

❖ قیمت گذاری دولتی و توقف طرح های توسعه

البته در این بین سوال اصلی این است که در سال های گذشته قیمت گذاری و تصمیمات دولتی چه تاثیری بر صنعت سیمان در کشور گذاشته و چه چالش هایی را به وجود آورده است؟ محمد اتابک در این باره می گوید: «این موضوع باعث شد امروز اکثر شرکت های سیمانی در رکود بسیار سختی باشند و بسیاری از فعالیت های خود به خصوص طرح های توسعه را متوقف کنند، در شرایطی که باید توجه داشت



روند مصرف داخلی سیمان کشور در دهه اخیر (تن)



ساخت و توسعه پروژه‌های عمرانی هم، همچنان در کشور فعال نشده و عملاً متوقف است؛ بودجه عمرانی کشور که در سه ماه ابتدایی سال ابلاغ شده به قدری جزئی است که به جز پول ننگهبان به چیزی نمی‌رسد و پروژه اجرایی تعریف نشده است.»

اتابک می‌گوید بودجه عمرانی کشور برای سال جاری حدود ۵۱ هزار میلیارد تومان بوده که حدود ۳۲ هزار میلیارد آن متعلق به بخش ساختمان و محدثات است ولی متأسفانه در سه ماه اول سال، عملکرد زیر ۱۰ درصد این مبلغ بوده و حاصل این هم عدم پیشرفت پروژه‌ها و عدم مصرف سیمان بوده است. پس با توجه به این دو موضوع یعنی موفق نبودن در تحرک حوزه مسکن و عدم پیشرفت پروژه‌های عمرانی نباید انتظار خروج سیمان از رکود را داشته باشیم.

رقابت منفی

اما در این بین آنچه به شرایط کنونی رکود در بازار سیمان دامن زده شکل‌گیری یک رقابت منفی است که رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان آن را اعلام می‌کند. اتابک می‌گوید: «رقابت منفی شکل گرفته بین بنگاه‌ها چالش دیگری است که حوزه سیمان دچار آن شده و بیشترین آسیب را به این بخش وارد کرده است، در حالی که ما باید به منافع ملی کشور نگاه کنیم و تولید را با میزان مصرف و صادرات قابل انجام در کشور تنظیم کنیم و از تولید بیش از مصرف داخلی و صادرات خودداری کنیم. رقابت منفی در مجموعه شرکت‌های سیمانی در اثر مازاد تولید به وجود آمده و در عمل لطمه زیادی هم به شرکت‌ها و بازار زده و می‌زند؛ سیمان و کلینکر تولیدشده در کشور منافع و سرمایه ملی است زیرا اگر از یک حد بیشتر روی زمین بماند و مصرف نشود شرایط مناسب و کیفیت خود را از دست می‌دهد.»

صادرات لغت و پیلهوری سیمان

در کنار چالش‌های به وجود آمده در بخش تولید و رکود اقتصادی، واحدهای تولیدی سیمان از نظر صادرات هم با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند. این در شرایطی است که با توجه به رکود داخلی، صادرات سیمان می‌توانست فرصت مناسبی برای عبور از شرایط کنونی باشد، اما این فرصت هم اکنون آن چنان که باید مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

لطفی، نایب رئیس انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان و مدیرعامل هلدینگ سیمان فارس - خوزستان به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده سیمان در کشور با بیان این که صادرات سیمان در کشور لغت است، می‌گوید: «وزارت امور خارجه و وزارت صنعت، معدن و تجارت باید در این زمینه فعال شوند و از سوی دیگر باید مشکلات

واحدهای تولیدکننده سیمان کشور امروز در بازپرداخت تسهیلات بانکی که برای اجرای برنامه‌های توسعه کشور و دولت طبق برنامه پنجم توسعه و سند چشم‌انداز دریافت کرده‌اند با مشکل جدی روبه‌رو هستند، به صورتی که با حدود ۱۰۰ میلیون یورو بدهی ارزی و حجم قابل توجهی بدهی ریالی مواجه هستند که من‌الان عدد دقیق آن را ندارم تا اعلام کنم اما همه اینها در شرایطی اتفاق افتاده است که صنعت سیمان براساس برنامه پنج‌ساله توسعه پیشگام‌ترین صنعت برای تحقق برنامه‌های دولت بوده است.»

به گفته او برای راه‌اندازی هر واحد یک میلیون تنی سیمان ۳۵۰ میلیارد تومان سرمایه لازم است و این عدد زمانی خیلی به چشم می‌آید و بزرگ می‌شود که توجه داشته باشیم ظرفیت تولید سیمان در کشور از ۱۵ میلیون تن با تلاش شبانه‌روزی صنعتگران و تولیدکنندگان این حوزه با توجه به طرح توسعه سیمان در کشور به حدود ۸۰ میلیون تن رسیده است.

شوکرکود و پول ننگهبان

اگر از کارشناسان اقتصادی درباره بزرگ‌ترین چالش کنونی اقتصاد ایران نظر سنجی شود، به اتفاق بزرگ‌ترین چالش کنونی را رکود می‌دانند؛ مشکلی که دامن بخش‌های مختلف اقتصاد را گرفته و به دور باطلی در تمام بخش‌ها تبدیل شده است و در این بین صنعت سیمان نیز مستثنای نیست.

مرتضی لطفی نایب رئیس انجمن صنفی کارفرمایان سیمان با تایید «جدی بودن رکود» در صنعت سیمان، می‌گوید: «اولین و بزرگ‌ترین چالشی که امروز صنعت سیمان درگیر آن است رکودی است که بر کشور حاکم شده؛ عدم رونق در بخش ساخت و ساز و پیشرفت در پروژه‌های عمرانی صنعت سیمان را تقریباً با یک شوک جدی مواجه کرده و این رکود آثار و تبعات دیگری را هم از نظر مدیریتی در حوزه اداره این صنعت ایجاد کرده است. اولاً کارخانه‌جات با ظرفیت پایین ادامه کار می‌دهند و ثانیاً امکان تامین نقدینگی را به لحاظ این رکود ندارند. بنابراین در تامین قطعات، ابزار نوسازی و بهینه‌سازی کارخانه و... با مشکلات جدی مواجه شده‌اند.»

در این بین محمد اتابک هم با اشاره این که دولت قادر نبوده بخش مسکن را فعال کند، می‌گوید: «آنچه در عمل اتفاق افتاده تنها میزانی وعده و وعید بوده که تا زنگی هم نداشته است زیرا در دهه‌های قبل هم گوش ما با این مطالب آشنا بوده است.»

او همچنین در بخش دیگری از صحبت‌های خود به عدم پیشرفت پروژه‌های عمرانی و تامین مالی آنها می‌پردازد و می‌گوید: «متأسفانه

در ۴۰ سال گذشته اصلاً مادر کشور با شرایطی روبه‌رو نبوده‌ایم که مصرف سیمان نزولی شود و این اتفاق در دو سال اخیر رخ داده است، این موضوع نشان می‌دهد که ما با مازاد بسیار روبه‌رو هستیم و در نتیجه عمده واحدهای مادر در حال حاضر مشکل دارند؛ سیمان کالایی نیست که بتوانید در درازمدت آن را انبار کنید، سیمان کالایی مصرفی است



اولین و بزرگ‌ترین چالشی که امروز صنعت سیمان درگیر آن است رکودی است که بر کشور حاکم شده؛ عدم رونق در بخش ساخت و ساز و پیشرفت در پروژه‌های عمرانی صنعت سیمان را تقریباً با یک شوک جدی مواجه کرده و این رکود آثار و تبعات دیگری را هم از نظر مدیریتی در حوزه اداره این صنعت ایجاد کرده است.

روند صادرات سیمان کشور در دهه اخیر (تن)



بودجه عمرانی کشور برای سال جاری حدود ۵۱ هزار میلیارد تومان بوده که حدود ۳۲ هزار میلیارد آن متعلق به بخش ساختمان و محدثات است ولی متأسفانه در سه ماه اول سال، عملکرد، زیر ۱۰ درصد این مبلغ بوده و حاصل این هم عدم پیشرفت پروژه‌ها و عدم مصرف سیمان بوده است

خود را در سیمان‌های فروش نرفته و در اصطلاح «روزی زمین مانده» نشان می‌دهد و خود به بن‌بستی مهم برای واحدهای تولیدی تبدیل شده است؛ تولیداتی که میلیون‌ها تومان ارزش دارند و به دلیل مصرفی بودن سیمان امکان خراب شدن و نامرغوب شدن آنها نیز می‌رود و حالا در انبار کارخانه‌جات خاک می‌خورند.

رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی کارفرمایان سیمان می‌گوید: «در مجموع ۱۹ میلیون تن سیمان و کلینکر (۱۷۸ میلیون تن کلینکر و ۱۰۲ میلیون تن سیمان) روی زمین مانده و در انبار ۷۱ واحد تولیدی وجود دارد و بسیاری از خط‌های تولید در حال متوقف شدن هستند؛ خطوطی که سرمایه‌های کشور محسوب می‌شوند و برای راه اندازی آنها سرمایه‌گذاری‌های کلانی انجام شده است.»

او می‌گوید: «در ۴۰ سال گذشته اصلاً مادر کشور با شرایطی روبه‌رو نبوده‌ایم که مصرف سیمان نزولی شود و این اتفاق در دو سال اخیر رخ داده است، این موضوع نشان می‌دهد که ما با مازاد بسیار روبه‌رو هستیم و در نتیجه عمده واحدهای مادر در حال حاضر مشکل دارند؛ سیمان کالایی نیست که بتوانید در درازمدت آن را انبار کنید، سیمان کالایی مصرفی است و همه این تحولات باعث شده برنامه ما در حال حاضر کاهش تولید باشد. در نظر بگیرید که واحدهای تولید با مشارکت بانک‌ها و با اصرار دولت وارد کارزار توسعه شده‌اند ولی حالا با توجه به شرایط سخت به وجود آمده نه دولت حمایت می‌کند و نه بانک‌ها خیلی راحت اعلام می‌کنند که تنها در سود شریک هستند و از تمام ضرر و زیان شانه خالی می‌کنند و دولت هم اقدامی انجام نمی‌دهد؛ در شرایطی که باید این واقعیت را پذیرا باشد که عدم تحرک صنعت و مسکن به معنی رکود عمیق و اقتصادی رمق خواهد بود.»

زیرساخت‌ها نیز حل شود. در حال حاضر سیستم صادرات کشور در مبادی خروجی و ورودی مکانیزه نیست؛ همچنین مشکلات تحریم‌ها و ارز فشار زیادی به بخش صادرات وارد کرده است و هر چه ما صادر می‌کنیم ریال تحویل می‌گیریم و بخش عمده‌ای از سرمایه کشور مان در این راه عملاً از بین می‌رود.»

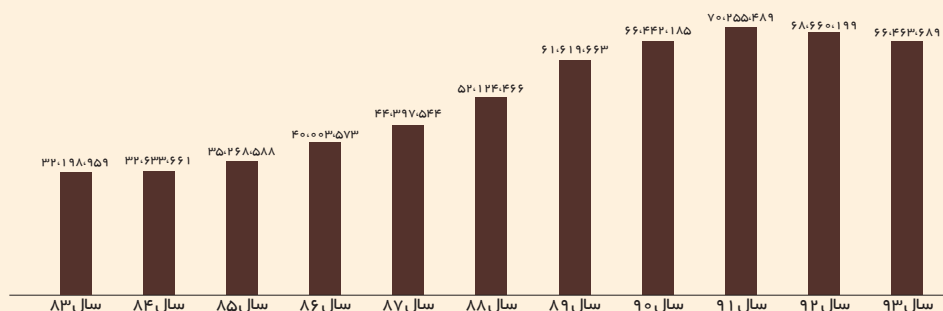
علاوه بر مرتضی لطفی، محمد اتابک هم در پاسخ به این سوال که چرا تولیدکنندگان ایران در شرایط رکود صادرات به عنوان راهکاری برای خروج از رکود و فروش سیمان استفاده نمی‌کنند، می‌گوید: «اولاً ما فاقد پروتکل‌های بین‌المللی فی‌مابین کشورهای هم‌جوار برای صادرات هستیم و این اشکال فقط از طریق دولت‌ها قابل مرتفع شدن است؛ از طرف دیگر پایانه‌های صادراتی ما قادر به صادر کردن حجم سیمانی که ما داریم نیستند؛ علاوه بر اینها تحریم‌ها در سال‌های گذشته باعث عدم بازگشت پول به صورت ارزی به تولیدکنندگان شده است و نتیجه همه این چالش‌ها این است که ما سیمان تولیدی خود را به صورت پیلهوری به فروش می‌رسانیم.»

او با اشاره به این که این مسائل خارج از دست تولیدکنندگان است ولی آسیب‌های شدیدی را وارد کرده است، می‌گوید: «در حالی که کیفیت سیمان تولیدشده در کشور بسیار بالا و کاملاً قابلیت رقابت با محصولات کشورهای دیگر است اما متأسفانه ما در زمینه صادرات موفق نبوده‌ایم و با توجه به تولید مازاد بسیار بالا اگر هم مشتری پیدا شود سیمان ما را به قیمت واقعی و بین‌المللی خریداری نمی‌کند.»

سیمان مازاد

در این بین حاصل تمام چالش‌های شکل گرفته در صنعت سیمان از رکود تا فروش پیلهوری و صادرات پایین به نظر می‌رسد این روزها

روند تولید سیمان کشور در دهه اخیر (تن)



بازار مسکن به کدام سمت می‌رود؟

آینده‌نگر آینده بازار مسکن را بررسی می‌کند

آیا بازار مسکن از رکود سختی که در آن گیر افتاده است خارج می‌شود و خرید و فروش در بازار مسکن رونق می‌گیرد؟ آیا تا پایان سال می‌توان انتظار افزایش قیمت مسکن را داشت یا قیمت‌ها باز هم پایین‌تر خواهند آمد؟ بازار مسکن همچون دیگر بازارهای مالی و اقتصادی ماه‌های سختی را پشت سر گذاشته و می‌گذارد اما سوال اصلی این است که تا چه زمانی این شرایط حاکم خواهد بود و آیا باید منتظر جهشی در بازار مسکن بود یا خیر؟ البته در این بین اگر تا ماه‌های پایانی سال گذشته پیش‌بینی‌ها و گزارش تحولات مسکن چنگی به دل نمی‌زد اما به نظر می‌رسد با توجه به آمارهای جدید بانک مرکزی کم‌زمستان مسکن رو به پایان است و یخ رکود این بازار در حال آب شدن است تا بهار فرارسد؛ موضوعی که گزارش تحولات مسکن بانک مرکزی در مرداد ماه به خوبی آن را نشان می‌دهد و شاهد این ماجرا افزایش شاخص‌های این بخش است. برای بررسی آینده این بازار با تعدادی از کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه گفت‌وگو کرده‌ایم:



درآمد دولت به نفت وابسته است، وضعیت قیمت نفت هم که مشخص است و هر روز کمتر می‌شود. قرار بوده دولت بخشی از درآمد خود را در قالب وام‌ها و تسهیلات بانکی به بخش صنعت ساختمان‌سازی تزریق کند تا این صنعت جان دوباره بگیرد ولی از آنجایی که دستش خالی است نتوانسته این تعهدش را عملیاتی کند

رونق بازار مسکن حداقل به یک سال زمان نیاز دارد

عضو هیات مدیره انجمن انبوه‌سازان مسکن استان تهران
و رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر پیش‌بینی می‌کند:



بازار مسکن در ماه‌های گذشته چنان راكد شده كه نه كسی می‌خرد و نه كسی می‌فروشد و این موضوع نه تنها بر اقتصاد بخش مسكن كه در حوزه‌های دیگر نیز تأثیرات منفی بسیاری داشته است. با محمد سالاری عضو هیات مدیره انجمن انبوه‌سازان مسكن استان تهران، عضو انجمن صنفی كارفرمایان انبوه‌سازان استان تهران و رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر درباره ر كود در بخش مسكن و پیش‌بینی از آینده بازار گفت و گو كر ده ایم:

قیمت‌ها كاهش شدیدی پیدا می‌كنند مانند چیزی كه حالا شاهد آن هستیم. البته متأسفانه در كشور ما همه چیز برعكس است زیرا وقتی باید مردم در دوران ر كود خرید انجام دهند منتظر كاهش می‌نشینند و وقتی يك باره جنب و جوش شكل می‌گیرد در بازار از ترس افزایش قیمت هجوم ناگهانی می‌برند به بازار و قیمت‌ها را به صورت كاذب رشد می‌دهند.

دولت در ایجاد این ر كود مسكن تا چه حد دخیل است؟

درآمد دولت به نفت وابسته است، وضعیت قیمت نفت هم كه مشخص است و هر روز کمتر می‌شود. قرار بوده دولت بخشی از درآمد خود را در قالب وام‌ها و تسهیلات بانكي به بخش صنعت ساختمان‌سازی تزریق كند تا این صنعت جان دوباره بگیرد ولی از آنجایی كه دستش خالی است نتوانسته این تعهدش را عملیاتی كند بنابراین خود این موضوع عاملی شده برای تشدید ر كود بازار مسكن و عدم اعتماد به شرایط بازار.

با همه این‌ها فكر می‌كنید چه زمانی بازار مسكن دوباره رونق بگیرد؟

به عقیده من با امضای «برجام» و رفع تحریم‌ها و رونق دادوستد بین‌المللی می‌توان امیدوار بود كه این صنعت هم جانی دوباره بگیرد. البته این رونق حداقل به يكسال زمان نیاز دارد.

بازار مسكن هم مانند بخش‌های دیگر اقتصاد كشور بار كودی شدید مواجه است، تحلیل شما از این ر كود و دلایل آن چیست؟ چرا یکی از اقتصادی‌ترین بازارهای كشور تا به این حد زمین خورده است؟

ر كود بازار مسكن مولفه‌ای چند مجهولی است. چرا كه اصولا خود ساخت‌وساز به عوامل مختلفی وابسته است. از نیروی انسانی گرفته تا صنایع وابسته به آن. از آن جایی كه در گذشته سرمایه‌گذاری در بخش‌های دیگر توام بانگرانی و بی‌ثباتی بود به همین دلیل شاهد بودیم سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دادند سرمایه خود را در بخش ساخت‌وساز كه بازاری مطمئن بود، سرمایه‌گذاری كنند. چون هم سود آن بیشتر بود و هم عوایدش تضمین شده بود؛ بنابراین همین موضوع باعث شده بود بازاری كاذب و حبابی شكل بگیرد تا جایی كه بررسی‌های ما حكایت از آن دارد كه در تهران و خیلی از كلانشهرها، خرید و فروش‌ها و ساخت‌وسازها تنها برای رفع نیاز مسكن شهروندان نبوده است بلكه مسكن به نوعی می‌شود گفت به كالایی برای سرمایه‌گذاری تبدیل شده بود. شاهد این مثال هم خانه‌های خالی بسیار زیادی است كه امروز در تهران و سایر شهرهای بزرگ وجود دارند. از سویی رونق مسكن به بازارهای دیگری هم وابسته است، بازارهایی مانند بازار طلا، سكه، خودرو، بورس و... روی این بازار تأثیر می‌گذارند. البته در كنار این عوامل پروژه مسكن مهر هم در ایجاد این ر كود بی‌تأثیر نبوده است.

فكر می‌كنید چرا با وجود اقدامات دولت و حتی توافق هسته‌ای كه امیدهای بسیاری را به وجود آورد باز هم رونقی اتفاق نیفتاد؟ توافق هسته‌ای باعث شده تا مردم منتظر بمانند و بخواهند ببینند سرنوشت قیمت مسكن چه خواهد شد.

خب واقعا چه خواهد شد؟ آیا اجرای این توافق باعث كاهش قیمت مسكن خواهد شد و یا افزایش؟

كاهش قیمتی اتفاق نخواهد افتاد ما شاهد افتد قیمت در ماه‌های گذشته بوده ایم و به نظرم دیگر نباید منتظر كاهش بود، در ساخت و قیمت تمام شده مسكن عوامل موثری دخیل هستند، از انواع عوارض‌هایی كه گرفته می‌شود تا قیمت زمین، نیروی انسانی، تجهیزات ساختمانی و... افزایش این‌ها در سال‌های گذشته باعث شده تا قیمت مسكن افزایش پیدا كند و بالاخره باید در نظر داشته باشید كه مسكن هم يك قیمت تمام شده‌ای دارد و نمی‌شود كه از آن قیمت پایین‌تر عرضه شود بنابراین تنها تا حدی می‌تواند پایین بیاید كه به نظرم آماده است و اتفاقا بخش مهمی از ر كود و نبود فروش هم به همین دلیل است چون سرمایه‌گذاران دست نگه داشته‌اند چون خیلی از آنها ترجیح می‌دهند سرمایه‌هایشان را نگه دارند تا آن را چوب حراج بزنند.

باتوجه به این حرف‌ها یعنی الان شما پیشنهاد خرید مسكن را می‌دهید و معتقد هستید كه قیمت‌ها دیگر كاهش پیدا نمی‌كند؟ بله، صددرصد من پیشنهاد خرید را در حال حاضر می‌دهم و در همه جای دنیا هم خرید در دوران ر كود معمولا اتفاق می‌افتد كه

عملكر د معاملات انجام شده در شهر تهران

مردامه سال ۱۳۹۳	مردامه سال ۱۳۹۴	درصد تغییر
۱۲۶۸۳	۱۳۰۹۲	۳٫۲
۳۹۵۹۹٫۵	۳۸۴۹۵٫۸	-۲٫۸

منبع: محاسبات گزارش برگرفته از آمارهای خام سامانه ثبت معاملات املاك و مستغلات كشور

عملكر د معاملات انجام شده در شهر تهران در پنج ماه نخست سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴

سال ۱۳۹۳	سال ۱۳۹۴	درصد تغییر
۷۵۴۲۴	۵۹۶۶۵	-۲۰٫۹
۳۸۹۱۶٫۳	۳۸۴۶۶	-۱٫۲

منبع: محاسبات گزارش برگرفته از آمارهای خام سامانه ثبت معاملات املاك و مستغلات كشور

راه معاملات در بخش مسکن باز شده است

پیش بینی بیت‌الله ستاریان، عضو هیات علمی دانشگاه تهران از بازار مسکن



فاطمه سادات نجفیان

یکی از کسانی که سابقه بیش از ۲۵ سال پژوهش و کار کارشناسی در بخش مسکن دارد، بیت‌الله ستاریان است. این عضو هیات علمی رشته معماری دانشگاه تهران معتقد است تا پایان سال با شرایط موجود احتمال خروج از رکود در بخش مسکن کم است اما باید به سال آینده خوش بین بود. عضو هیات علمی دانشگاه تهران با اشاره به وابسته بودن تمام صنایع به شکل غیر مستقیم به مسکن، سیاست انقباضی را ناپذیرنده سایر صنایع دانست و گفت: باید برای خروج از این وضعیت، با اقتصاد سیاسی بر خورد نکنیم و گزینه سیاست انقباضی، صنایع را از میدان به در و نابود می‌کند. با بیت‌الله ستاریان درباره آینده بازار مسکن و افزایش یا کاهش قیمت گفت‌وگو کرده ایم:

پیش‌بینی شما برای بازار مسکن ایران چیست؟ آیا تغییری در رشد معاملات یا افزایش قیمت با توجه به شرایط پیش آمده خواهیم داشت؟

این واضح و مبرهن است که وضعیت مسکن در گیر اقتصاد کلان کشور است و تابعی از کلیات اقتصادی، بنابراین از آنجایی که اقتصاد هم‌اکنون در حالت رکود است و دولت اراده‌ای برای خروج از رکود مسکن ندارد، احتمال می‌رود تا زمان انتخابات پایان سال هیچ تغییر محسوسی اتفاق نیفتد و شاخص رونق و تورم تغییری نکند. اما آنچه مسلم است، این خواهد بود که به محض این که رونقی اتفاق بیفتد، با توجه به کسری فراوانی که در بخش مسکن داریم و افزایش روزافزون حاشیه‌نشینی شهرهای بزرگ و فشار زیاد در بخش مسکن، در نتیجه افزایش شدیدی را در بخش مسکن شاهد خواهیم بود. ولی این زمانی اتفاق می‌افتد که از سوی دولت اراده‌ای

معاملات افزایش و قیمت ثابت خواهد بود

رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران از پیش‌بینی بازار مسکن می‌گوید:



«افزایش معاملات در ماه‌های اخیر نوید خروج از رکود را می‌دهد.» حسام عقابایی، رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران با بیان این مطلب پیش‌بینی می‌کند که روند معاملات تا آخر سال با ثبات در قیمت مسکن رو به افزایش باشد. او با اشاره به تصمیمات سیاسی - اقتصادی در کشور می‌گوید: زمان خروج از رکود بازار مسکن فرار سیده است. او عدم وجود نقدینگی و کاهش قدرت خرید مردم را از عوامل ثبات قیمت مسکن در حال حاضر می‌داند. با حسام عقابایی، رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران در خصوص پیش‌بینی بازار مسکن در ماه‌های آینده و قیمت مسکن گفت‌وگو کرده ایم:

شما صحبت از افزایش معاملات کردید، آیا در قیمت مسکن تغییری رخ داده است؟

وضعیت قیمت مسکن به ثبات رسیده است. با توجه به ثبات قیمت و کاهش قدرت خرید مردم و عدم وجود نقدینگی برای خرید، قیمت مسکن تغییری نکرده است و به نظرم تا پایان سال هم تغییری در قیمت خرید مسکن رخ نخواهد داد زیرا شاهد کاهش توانایی خرید مردم و عدم وجود نقدینگی هستیم.

در ماه‌های آینده زمان اجرای توافقی هسته‌ای فرامی‌رسد، آیا این تحول تاثیری بر بازار مسکن می‌گذارد؟

توافقی هسته‌ای هیچ تاثیری در بازار مسکن نداشته و نخواهد داشت. شاید فقط کمی کمک کند تا سرمایه‌ها بیشتر به سمت بازار مسکن بیایند و گر نه اثر محسوسی در این بازار نداشته است.

با اجرایی شدن توافقی هسته‌ای سرمایه‌گذاران خارجی وارد کشور می‌شوند و مسکن هم می‌تواند یکی از بخش‌های سرمایه‌گذاری باشد، پیش‌بینی شما در این بخش چگونه است، آیا سرمایه‌گذاران خارجی علاقه‌ای به حضور در بازار مسکن ایران خواهند داشت؟ در بحث خرید از آنجایی که آنها نمی‌توانند مسکنی خریداری کنند این بحث منتفی است. قاعدتا اگر بخواهند در این بخش سرمایه‌گذاری کنند، در بخش تولید و مشارکت در ساخت خواهد بود که ممکن است این اتفاق بیفتد.

با توجه به شرایط موجود در بازار مسکن، به نظر شما آیا بازار مسکن از رکود خارج می‌شود یا خیر؟

ما خیز خروج از رکود را برداشته‌ایم، ولی باید بدانیم که این اتفاق نیاز به زمان دارد و من امیدوارم تا آخر سال ۱۳۹۴ از رکود خارج شویم. چرا که ما نشانه‌های خروج از رکود را در بازار شاهدیم و با تصمیمات سیاسی - اقتصادی که در کشور شکل گرفته، زمان خروج از رکود بازار مسکن فرار سیده است تا جایی که شاهد نشانه‌های آن مانند افزایش معاملات مسکن در ماه‌های اخیر نسبت به ماه گذشته هستیم که این خود نشان از خروج از رکود در بازار مسکن می‌دهد. پیش‌بینی من این است که این روند تا آخر سال رو به افزایش خواهد بود.



با توجه به ثبات قیمت و کاهش قدرت خرید مردم و عدم وجود نقدینگی برای خرید، قیمت مسکن تغییری نکرده است و تا پایان سال هم تغییری در قیمت خرید مسکن رخ نخواهد داد زیرا شاهد کاهش توانایی خرید مردم و عدم وجود نقدینگی هستیم

وضعیت مسکن درگیر اقتصاد کلان کشور است و تابعی از کلیات اقتصادی، بنابراین از آنجایی که اقتصاد هم‌اکنون در حالت رکود است و دولت اراده‌ای برای خروج از رکود مسکن ندارد

به نظر می‌رسد می‌خواهد آن را تا زمان انتخابات و پایان سال حفظ کند، این سیاست انقباضی مانع از چرخش مالی می‌شود و ما در رکود به سر خواهیم برد؛ البته در این بین اتفاق نگران‌کننده این است که واحدهای تولیدی و صنعتی در کشور در شرایط بسیار سختی به سر می‌برند و در حال ورشکستگی هستند که از آن جمله باید به صنعت ساختمان هم اشاره کرد که از سیاست‌های انقباضی آسیب بسیاری خورده. توجه داشته باشید که صنعت ساختمان به صورت مستقیم و غیرمستقیم با صنایع بسیار دیگری نیز درگیر است و ضربه به این صنعت در واقع ضربه به تعدادی از صنایع دیگر نیز محسوب می‌شود.

❖ **راهکار شما برای برون‌رفت از وضعیت موجود چیست؟**

با اقتصاد سیاسی برخورد نشود.

❖ **آیا ممکن است با ورود شرکت‌های خارجی به کشور شاهد سرمایه‌گذاری در بخش مسکن هم باشیم؟**

مسکن این قدر جذاب است که سرمایه‌گذار در هر بخشی سرمایه‌گذاری کند، بالاخره از مسکن سر در خواهد آورد. انتهای گردش پول در بسیاری از بخش‌ها به مسکن می‌رسد و مسکن همیشه به عنوان سپاه‌چاله اقتصاد نو محسوب می‌شود. بنابراین با ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشور این بخش تحت تاثیر قرار خواهد گرفت، علاوه بر این که به صورت مستقیم نیز در این بخش امکان سرمایه‌گذاری خارجی وجود خواهد داشت.

برای رونق اقتصادی وجود داشته باشد و گام‌های توسعه پیش گرفته شود. با تمام این موارد، به نظرم کشور تا انتهای سال جاری از شرایط رکود خارج نخواهد شد. اما از اوایل سال آینده گمان می‌کنم کم‌کم به سمت خروج از رکود حرکت کنیم.

❖ **با توجه به شرایط موجود وضعیت قیمت مسکن در ماه‌های آینده به چه شکل خواهد بود؟**

این کاملاً قابل مشاهده است که در لایه‌های مخفی مسکن، قیمت زمین رشد کرده است اما بنا رشدی نداشته. گرچه عرضه و تقاضا کاهش پیدا کرده اما قیمت خود به خود افزایش داشته است. به نظرم به محض این که در اوضاع اقتصادی تغییر و تحولی رخ دهد و رونقی اتفاق بیفتد، ما با جهش سنگینی در قیمت‌ها مواجه خواهیم بود. واقعیت این است که برخی شاخص‌ها نشان از فشرده شدن قیمت مسکن دارد که منتظر تقاضای موثر است تا افزایش پیدا کند.

❖ **با توجه توافق هسته‌ای صورت گرفته آیا در بازار مسکن شاهد اتفاق خاصی بوده‌ایم؟**

توافق جنبه روانی ابتدایی را داشت و تاثیر خود را گذاشت و راه معاملات را باز کرد. از سویی اعتمادسازی در مردم شکل گرفت و مردم مطمئن شدند که بازار رو به جلوست و بازگشت نخواهد داشت. اما از آنجایی که دولت به شدت سیاست انقباضی در پیش گرفته و

بازار مسکن در سال‌های گذشته قارچ گونه بوده است

محمدرضا انصاری مدیرعامل شرکت کیسیون و نایب رئیس اتاق ایران از بازار مسکن می‌گوید:



یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های مسکن‌ساز در کشور شرکت کیسیون است که در سال‌های گذشته پروژه‌های بزرگ مختلفی را در داخل و خارج از کشور در دست داشته؛ بنابراین مدیران و مسئولان این شرکت بیش از دیگران شرایط رکود بازار مسکن را در این سال‌ها لمس کرده‌اند؛ اما آیا این رکود ادامه خواهد داشت؟ و آینده بازار چه می‌شود؟ این سوالات را با محمدرضا انصاری، مدیرعامل شرکت کیسیون و نایب رئیس اتاق ایران که سال‌ها تجربه حضور در حوزه مسکن را دارد، در میان گذاشته ایم:

❖ **اصلاحاتی که می‌گویید به رونق بازار منجر می‌شود، چیست؟**

فکر می‌کنم باید در سیاست‌ها تجدید نظر صورت گیرد. باید توجه داشته باشیم که در حال حاضر دولتمردان با استفاده از ابزار رکود، تورم را کنترل می‌کنند در حالی که باید تعادل ایجاد کنیم و دولت به دنبال آن باشد که تورم را در طولانی مدت با رونق تولید کنترل کند. اتفاقی که الان شاهد آن هستیم این است که رکود در همه بخش‌ها از جمله مسکن حاکم شده و این موضع بسیار نگران‌کننده و خطرناک است زیرا هر لحظه ممکن است تورم در کشور مانند یک فتر فشرده شده در برود و دیگر کسی نتواند جلوی آن را بگیرد. همچنین این تحولات باعث می‌شود دروازه‌های کشور به گونه‌ای باز شود که بازار داخل از جنس‌های بنجل خارجی پر شود.

❖ **شاهد رکود شدید در بازار مسکن هستیم؛ شما فکر می‌کنید این بازار از رکود خارج خواهد شد؟**

جدا از بحث رکود، مسکن به نظرم باید روال طبیعی خود را پیدا کند. معتقدم اگر بازار مسکن در سال‌های گذشته فعال بوده، قارچ گونه بوده است؛ یعنی مسکن به عنوان یک کالا در اقتصاد کشور ما نقش بازی می‌کرده و می‌کند و مردم در نبود تولید سرراغ ملک، مسکن و... برای سرمایه‌گذاری رفته‌اند و عملاً مسکن به یک کالا تبدیل شده است و نقدینگی جامعه به گونه‌ای روی آن فشار آورده که قیمت مسکن انفجار گونه بالا رفته است و حالا اگر به دنبال تعادل در بازار مسکن هستیم باید ابتدا تولید رونق پیدا کند و بعد شاهد خواهیم بود که مسکن نیز در جایگاه واقعی خود قرار می‌گیرد.

❖ **بسیاری از کارشناسان معتقدند مسکن می‌تواند در این شرایط نقش محرک را در اقتصاد کشور داشته باشد و به تولید رونق دهد، نظر شما چیست؟**

ببینید، طبیعی است که نقش مسکن به عنوان محرک اقتصاد نقش مهمی است ولی در عین حال نباید مسکن تنها جایی باشد که اقتصاد کشور در آن می‌چرخد. به نظرم باید در بازار مسکن اصلاحاتی صورت گیرد و تنظیم برنامه‌ها به گونه‌ای باشد که ضمن این که مسکن فعال می‌شود و مردم صاحب خانه می‌شوند، ساخت و ساز هم رونق بگیرد و اشتغال خوبی هم در کشور ایجاد شود.

سایه سنگین نبود مدیریت منابع آبی بر سر کشاورزی

رسیدن به توسعه پایدار در بخش کشاورزی نیازمند سرمایه‌گذاری ۱۴۰ میلیارد دلاری است



عیسی کلاتری
دبیر کل خانه کشاورز

سرسبزی مانند گیلان قبل از سایر مناطق از بی‌آبی تأثیر خواهند پذیرفت. بنابراین افتخار نیست که بگوییم تولید کرده‌ایم بلکه تولید با حفظ منابع پایه مایه افتخار است؛ همان‌طور که اکنون، کشاورزی کشور در راستای توسعه پایدار نیست و مسیر کشاورزی باید اصلاح شود.

رسیدن به توسعه پایدار در بخش کشاورزی نیازمند سرمایه‌گذاری ۱۴۰ میلیارد دلاری است، در عین حال اگر سرمایه‌گذاری اتفاق نیفتد منابع پایه کشور به صورت کامل از بین می‌رود. بنابراین کشاورزان نباید اجازه دهند حتی یک قطره از منابع آبی هدر رود. هرچند دولت نیز در تامین زیرساخت نقش اساسی دارد اما بی‌توجهی به این مهم موجب شده است بخش عمده‌ای از باغات کشور به دلیل برداشت بی‌رویه آب از بین برود. نمونه این گروه از باغات در رفسنجان و کرمانشاه است و علاوه بر این در دشت اردبیل که یکی از دشت‌های حاصل‌خیز است در سی سال گذشته سطح آب‌ها ۳۰ متر پایین آمده است.

شاید بهتر باشد این طور بیان کنیم که خروجی سیاست‌گذاری‌ها در حوزه کشاورزی در هشت سال گذشته را می‌توان در کشت و صنعت مغان مشاهده کرد. مکانی که قرار بود محل فعالیت افراد جویای کار باشد امروز با

بحران آب این روزها از هر محفل کارشناسی که برای بررسی منابع آبی کشور و حتی پتانسیل‌های کشاورزی برگزار می‌شود، سر در می‌آورد. همگان می‌دانند که این روزها بحران‌های آبی در کشور بی‌سابقه‌تر از هر زمان دیگری بروز و ظهور پیدا کرده است. از سوی دیگر، بررسی‌ها نشان می‌دهد که منابع پایه‌ای کشور به‌ویژه منابع آبی رو به اتمام بوده و با ادامه این روند ایرانی‌ها باید در سال‌های آتی مکان دیگری برای زندگی پیدا کنند.

اما این که چالش از کجا آغاز می‌شود و چگونه باید راهبرد مناسبی را برای مدیریت منابع آبی کشور در نظر گرفت، سوالی اساسی است که باید به آن پاسخ داده شود؛ اما به هر حال پاسخ هر چه باشد، مهم این است که عمده مشکل، در چگونگی صرف منابع آبی است و روند کاهش ۲۷ درصدی منابع آبی تجدیدپذیر همچنان به قوت خود باقی است. به عبارت دیگر، در سال‌های اخیر تجربه تبدیل آب تجدیدپذیر به آب تجدیدناپذیر به‌وفور مشاهده شده و نمونه آن برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی و رسیدن به آب شور است. این در حالی است که نسل امروز بی‌توجه به مخاطرات مصرف بی‌رویه منابع، صرفاً برای رفاه حال خود منابع نسل‌های بعد را به خطر می‌اندازد. این در شرایطی است که برخلاف تصور عموم استان‌های

راهبردهایی برای توسعه

لیزینگ برون‌مرزی، کلید توسعه صنعت در پسا تحریم



محمد کاظم
مدیر عامل لیزینگ اقتصاد نوین

لیزینگ برون‌مرزی (cross-border leasing) یکی از روش‌های مهم اجاره اعتباری است که عوامل تشکیل‌دهنده عملیات لیزینگ را در بیش از یک کشور میسر می‌سازد و محل استقرار جغرافیایی این عوامل از یکدیگر را مجزای می‌سازد. به عبارت ساده‌تر وقتی شرکت لیزینگ، متقاضی و تأمین‌کننده منابع هر کدام در یک کشور مجزا مستقر باشند به قراردادهای اجاره اعتباری منعقد فی‌مابین آن‌ها لیزینگ برون‌مرزی گفته می‌شود.

از آنجا که در لیزینگ برون‌مرزی موجر و مستأجر و تأمین‌کننده منابع در کشورهای مختلف اقامت دارند، منافع قابل توجهی برای آنها در ارتباط با کاهش مالیات با روش‌های قانونی و یا تر تیبات مالی صورت می‌گیرد که از طریق سرمایه‌گذاری بدون پرداخت مالیات می‌تواند برای هر سه گروه در قالب شخصیت حقیقی و یا حقوقی قابل انتفاع باشد. این نوع از عملیات لیزینگ معمولاً بخش عمده‌ای از جریان انتقال کالاهای سرمایه‌ای از کشورهای صنعتی به کشورهای در حال توسعه را تحت پوشش قرار می‌دهد. ضرورت این شیوه از لیزینگ ایجاب می‌کند که موجر به منظور پوشش ریسک‌های احتمالی ناشی از بروز تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره که ممکن است بر نحوه نقل و انتقال هزینه‌های مالی حاصل از عملیات

اجاره و نیز مسائل و مقررات ارزی و سایر موارد، تحت تأثیر قرار دهد را کاهش و قابل پیش‌بینی کند. لیزینگ برون‌مرزی به صورت گسترده در بعضی کشورهای اروپایی رایج است، آریترائی (به معنای بهره‌گرفتن از تفاوت قیمت بین دو یا چند بازار برای کسب سود) که ناشی از تفاوت قوانین مالیاتی و رویه‌های قضایی بطور معمول مابین کشور وجود دارد، می‌تواند منافع را برای طرفین به همراه داشته باشد. یکی از ویژگی‌های آریترائی این است که می‌تواند به عنوان عاملی در برابر تحریم‌های اقتصادی عمل کند. دوم اینکه سود سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف جهانی برابر شود و فقط مزیت‌های نسبی طبیعی مانند عوامل جغرافیایی به‌علاوه احساسات ملی‌گرایانه، تعیین‌کننده ترجیحات سرمایه‌گذاران خواهد بود.

مزایای لیزینگ برون‌مرزی برای کشورهای در حال توسعه:

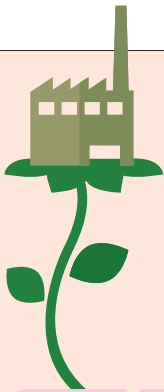
۱- لیزینگ برون‌مرزی دارای اثرات بسیار مثبتی بر توسعه زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور دارد. بطور مثال در بخش‌های صنایع و تجهیزات ریلی، حمل‌ونقل هوایی، تجهیزات مخابراتی و ارتباطاتی می‌تواند به توسعه و نوسازی این بخش‌ها منجر شود.



هم اکنون بهداشت و سلامت مردم از سوی دریاچه ارومیه تهدید می شود و باید تلاش خود را در جلوگیری از بحرانی تر شدن وضعیت انجام داد. همه ما به همت و توجه دولت برای احیای این دریاچه ایمان داریم و برخلاف گذشته که مسائل دریاچه ارومیه را امنیتی کرده بودند.



بخش کشاورزی
باید خود را
برای مصرف ۴۰
میلیارد متر مکعب
در سال آماده
کند، در حالیکه
هم اکنون این
میزان حدود ۸۵
میلیارد متر مکعب
است



به رغم پیچیدگی
فرآیند لیزینگ
برون مرزی،
یکارگیری این
روش، نقش
مؤثری در انتقال
تکنولوژی از
کشورهای
توسعه یافته
به کشورهای
در حال توسعه دارد

مشکلات عدیده ای مواجهه است، بنابراین باید گفت که توسعه باید همراه با عدالت باشد و نمی توان بی توجه به عدالت محوری، توسعه و سرمایه گذاری را پیش برد. این در حالی است که در سال های اخیر حتی فارغ التحصیلان دانشگاهی کشاورزی نیز در روند کشاورزی کشور تأثیر مطلوبی ایجاد نکرده اند. از هر ۳۰۰ هزار مهندس کشاورزی ۲۳۰ هزار نفر بیکار است، پس با این وضعیت حتی درس خوانده های کشاورزی نمی توانند برای خود شغل ایجاد کنند. هر دانشکده کشاورزی سهم اندکی از اراضی کشاورزی را دارا است و ۸۵ درصد دانشکده های کشاورزی کشور مازاد است. پس کشاورزی کشور برای گریز از بن بست های فعلی نیازمند برنامه ریزی مدون بر اساس استفاده بهینه از منابع پایه ای است. نکته حائز اهمیت دیگر این است که با توجه به این موضوع و کاهش شدید منابع آبی، هم اکنون تصور باطلی است که ایران را کشوری با استعداد زیاد در حوزه آب بدانیم، چرا که در تامین حق آبه های زیست محیطی با توجه به کاهش بارش ها با مشکل مواجه هستیم. پس باید بخش کشاورزی خود را برای مصرف ۴۰ میلیارد متر مکعب در سال آماده کند، در حالیکه هم اکنون این میزان حدود ۸۵ میلیارد متر مکعب است. متأسفانه به امکانات موجود در کشور نگاه جامعی وجود نداشته و استفاده خودخواهانه از منابع به ویژه آب در حال انجام است. این اقدام در حالی انجام می شود که حق و حقوق نسل بعد را ضایع می کنند و به تاراج می برند. در کنار این اوضاع بد کشاورزی، هم اکنون همه تالاب های کشور دچار کمبود آب اند، اکثر رودخانه های مازاز کارون تا هورالعظیم و از ارومیه تا بختگان خشک شده، به طوریکه در شوری آب کشور مشکل آب بیش از ۴۰ شهر مطرح شده که در خصوص آب دریاچه ارومیه اگر آگاهی لازم را در اجرای عملیات احیای این دریاچه داشته باشیم، می توانیم در

راستای نجات آن موفق باشیم. از سوی دیگر، هم اکنون بهداشت و سلامت مردم از سوی دریاچه ارومیه تهدید می شود و باید تلاش خود را در جلوگیری از بحرانی تر شدن وضعیت انجام داد. همه ما به همت و توجه دولت برای احیای این دریاچه ایمان داریم و برخلاف گذشته که مسائل دریاچه ارومیه را امنیتی کرده بودند، مردم باید بدانند که صاحب نظران و متخصصان با ارائه راهکارهای علمی و عملی در راستای حل این بحران تلاش می کنند. با وجود برخی محدودیت های ایجاد شده در حل بحران دریاچه ارومیه، مشکلات اقتصادی مردم و بخش کشاورزی نیز مهم است. سالانه بالغ بر یک میلیارد دلار برای حوضه آبریز دریاچه ارومیه هزینه شده که عدم توجه به اصول زیربنایی و عدم توجه به زیستگاه ها، زندگی مردم را به شدت تهدید می کند. دولت دستورالعمل ۱۹ گانه ای در راستای حل معضل دریاچه ارومیه مطرح کرده که با بررسی و اجرای کردن آن می توانیم به نتایج قابل قبولی در این راستا برسیم. همکاری ها و تعاملات بین دستگاهی بسیار خوبی برای احیای دریاچه ارومیه شکل گرفته است ولی نبود بودجه کافی و مختص احیای دریاچه ارومیه یکی از مهم ترین چالش های پیش رو بوده که این مشکل نیز به زودی برطرف می شود. در این میان، با نگاه منطقی و درست دولت تدبیر و امید و حذف نگاه امنیتی به مسئله دریاچه ارومیه، همچنین استفاده از پتانسیل نهادهای مردمی و بومی منطقه، به ویژه دانشگاه ها و سایر نهادهای مرتبط، مردم به طور کامل و شفاف از تمام اطلاعات و اخبار مربوط به دریاچه ارومیه، ابعاد چالش و به وجود آمده، راهکارها و سایر مسائل مطلع شدند. اما چالش دیگری، ادغام وزارت صنعت و بازرگانی بوده که آن هم مزید بر علت برای بی توجهی به صنعت کشاورزی کشور است.

۲- از اثرات مثبت دیگر در لیزینگ برون مرزی، کاهش مجموع مالیات قابل پرداخت موجرین (فروشنندگان کالا که اغلب در کشورهای توسعه یافته هستند) است که این موضوع از طریق کاهش هزینه های کلی ناشی از تأمین مالی برای موجرین تحقق می یابد.

۳- در لیزینگ برون مرزی با توجه به اینکه مالکیت کالاهایی که توسط موجر در اختیار مستأجر قرار می گیرد به فروشنده ای که در کشور خارجی مقیم است، تعلق دارد، اما بهر مبراری از آن در داخل کشور صورت می گیرد. امروزه عملیات لیزینگ برون مرزی در بیشتر کشورهای جهان شناخته شده و از آنها استفاده می شود و مؤسسات بین المللی مانند مؤسسه مالی بین المللی وابسته به بانک جهانی، IFC گزارش های دستاوردهای صنعت لیزینگ را بر اساس متغیرهای اقتصاد و ملی کشورها بررسی می کنند. بدین ترتیب متعادل کردن عرضه و تقاضا، تأمین نیازهای مالی و پولی تولیدکنندگان، کارآمدی صنعت لیزینگ برای استمرار و پویایی تولید، برنامه ریزی و تنظیم بودجه ای مطمئن برای تولیدکنندگان، نقش آفرینی در کاهش تورم، کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال، تخصیص منابع مالی کمیاب برای سرمایه گذاری های مولد و در نهایت نقش صنعت لیزینگ در ارتقای رفاه اجتماعی، اندازه گیری و به عنوان ضریب نفوذ صنعت لیزینگ در اقتصاد ملی آن کشور تعیین و منتشر می شود.

در مؤسسه یورومانی در اروپا، سالانه گزارشی از اثربخش بودن این صنعت در کشورهای مختلف، از نظر تخصیص منابع مالی کمیاب برای سرمایه گذاری های مولد و آثار آن در بهبود اقتصاد ملی کشورها منتشر می شود و بر اهمیت سازوکارهای ابزارهای مالی پیشرفته در اجاره اعتباری (لیزینگ) در اصلاح ساختار اقتصادی کشورها با شاخص های تأثیرگذار در

افزایش رقابت میان تأمین کنندگان مالی که موجب تقلیل هزینه های تأمین منابع مالی در سرمایه گذاری می شود تأکید می کند.

یکی از مواردی که در اقتصاد کشور ما مغفول مانده، توجه به همین نوع از عملیات لیزینگ است که متأسفانه در زمان تحریم ها به آن توجهی نشده و ریسک تأمین مالی و تجهیزات را افزایش داده است.

نمونه موفق این روش در ایران، اجاره هواپیماها از شرکت هواپیمایی امارات در دبی از سوی یک شرکت هواپیمایی ایرانی است. البته روش های مشابه دیگری نیز وجود دارد که از نظر شریعت اسلام مورد تأیید است و به صورت گسترده از سوی شرکت های غربی مورد استفاده قرار می گیرد، بطوریکه مؤسسات مودیز و فیچ دوره های آموزشی خاصی را طراحی و کارشناسان مالی را در سراسر جهان با روش های تأمین مالی اسلامی آشنای می کنند.

به طور کلی به رغم پیچیدگی فرآیند لیزینگ برون مرزی، یکارگیری این روش، نقش مؤثری در انتقال تکنولوژی از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه دارد و این به معنی آن است که این روش، ظرفیت های قابل توجهی را در تأمین مالی برای توسعه صنعت و بازاریابی و نوسازی تجهیزات آن دارد.

در هر حال اینک با توجه شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم در کشور بویژه پس از مذکرات ۵+۱ به نظر می رسد فرصت دوباره ای ایجاد شده که در مرحله پساتحریم از این ابزار مؤثر مالی برای توسعه و حمایت از صنایع داخلی بهره مند شد و بطور طبیعی برای رسیدن به چنین مقصودی نیازمند به بازنگری برخی از قوانین محدودکننده با پیشتازی بخش خصوصی نفوذ این صنعت را در اقتصاد ملی افزایش داد.

دلایل موفق نبودن مالیات بر ارزش افزوده

تاکنون بسیاری از اصناف در ایران کم‌اظهاری‌های مالیاتی داشته‌اند که تلاش کرده‌ایم این موارد حل و فصل شود



علی فاضلی
رئیس اتاق اصناف ایران

می‌دانند. از نظر من با توجه به پایین بودن سهم مالیات در تولید ناخالص داخلی و نارسایی‌های فراوان موجود در نظام مالیاتی، کشور به یک سیستم مالیاتی جدید و کارآمد نیاز دارد. بر همین اساس هم اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده به روش کنونی، آثار اقتصادی متعددی بر جای خواهد گذاشت. از سوی دیگر این نگرانی نیز وجود دارد که تورم یا همان افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، متقابلاً بر میزان مالیات بر ارزش افزوده کالاها و خدمات اثر بگذارد. در واقع افزایش مالیات بر ارزش افزوده آن هم در شرایطی که کشور از یک سو با تورم ساختاری و از سوی دیگر با تورم ناشی از تحریم‌ها دست به گریبان است، در نهایت موجب تورم افسارگسیخته در کشور می‌شود.

اصولاً ابزار مالیات بر ارزش افزوده در بعضی کشورها در شرایط رونق مفید بوده، اما بررسی سوابق اجرای مالیات بر ارزش افزوده در کشورهای مختلف نشان از تأثیرات مختلف بر اساس ساختار اقتصادی آن کشورها دارد و نمی‌توان بررسی تجارب خاص را الگویی برای ایران قرار داد.

ضمناً تجزیه و تحلیل آثار تورمی معرفی سیستم مالیات بر ارزش افزوده در شرایط موجود ایران نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی و به خصوص تراز بودجه دولت مطرح شود. تقریباً دوره‌ای طولانی است که

اخذ مالیات بر ارزش افزوده این روزها به یک مسئله اساسی در اقتصاد ایران تبدیل شده است. طی سال‌های اخیر، ر کد و مسائل اقتصادی بفرنجی که در اقتصاد ایران بروز و ظهور پیدا کرده، در کنار مسائل بین‌المللی و مشکلات ناشی از تحریم باعث شده تا بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی کشور با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم کنند. در چنین شرایطی و زمانی که بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی که به اصناف هم مربوط می‌شوند به لحاظ مالی ضعیف شده‌اند، نمی‌توان از آنها مالیات بر ارزش افزوده‌ای که مد نظر دولت است دریافت کرد. واقعیت این است که مالیات بر ارزش افزوده یا همان حلقه آخر اخذ مالیات از مصرف‌کننده در بسیاری از کشورهای دنیا مرسوم است و در ایران نیز این اقدام بر اساس یک قانون پنج‌ساله به تصویب رسیده است؛ آنچه برای امسال لحاظ شده آن است که این مالیات یک درصد نسبت به سال قبل افزایش پیدا کرده و به ۹ درصد رسیده است.

از سویی دیگر، کاهش درآمدهای نفتی، توجه به تأمین مالی دولت و کاهش کسری بودجه با اتکا به درآمدهای مالیاتی از دغدغه‌های مهم حال حاضر دولت است. در چنین شرایطی گاه می‌شنویم که اقتصاددانانی افزایش مالیات بر ارزش افزوده را راه‌حلی مطمئن و بدون تأثیرات مخرب بر اقتصاد

چشم‌انداز تجارت با چین در پساتحریم

اقتصاد ایران در روزهای پساتحریم، امیدوار است به سمت توسعه روابط با کشورهای دیگر جهان برود. با این حال چین همچنان به عنوان شاخص‌ترین شریک تجاری ایران باقی می‌ماند.

رو به پیشرفت بود و در دولت یازدهم نیز کماکان این روابط وجود دارد. بنابراین گسترش روابط ایران و چین هرگز به تحریم‌ها وابسته نبوده است. تحریم حتی جلوی سرعت گسترش روابط ایران و چین را گرفت. در جریان تحریم با ایجاد محدودیت‌های بانکی، سرعت رابطه با چین کاهش یافت و در سال‌های اول تحریم یعنی سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ حجم روابط ۳۰ تا ۳۵ درصد افت کرد. این کشور بزرگ‌ترین تاجر دنیا و دومین اقتصاد بزرگ دنیا است به همین دلیل بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران است. منحنی روند پیشرفت رابطه اقتصادی ایران با چین تقریباً شبیه منحنی بزرگ شدن اقتصاد چین در دنیاست. از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد روابط اقتصادی ما با چین تقریباً دوبرابر شده و به همین نسبت، اندازه اقتصاد چین در جهان هم دوبرابر شده است. بر همین اساس روابط اقتصادی ایران و چین با تحریم و بی‌تحریم بر اساس نیاز دوجانبه ادامه پیدا خواهد کرد. البته در این مسیر تجارت با چین تفاوت‌هایی در دوره جدید با دوران تحریم خواهد کرد. در سال ۲۰۱۴ مجموع مبادلات تجاری چین با دنیا ۴ هزار و ۶۰۰ میلیارد دلار عبور کرده است. در این سال مبادلات این کشور با ایران حدود ۴۶ میلیارد دلار بوده است که با این حساب سهم ایران از تجارت چین با دنیا،

تجارت ایران و چین طی سال‌های اخیر تحت تأثیر تحریم‌های اقتصادی علیه ایران قرار داشته است. این اثرگذاری اما از دو جهت، هم منفی و هم مثبت برای چین خود را نشان داد. تأثیر مثبت تحریم برای چین این بود که در میدان رابطه با ایران، رقیب‌های غربی حضور نداشتند و چین در این شرایط به شکل کاملتری وارد رابطه اقتصادی با ایران شده است اما تأثیر منفی تحریم این است که آن‌ها برای مبادلات بانکی با ایران و خرید نفت در فضای بین‌المللی فشارهایی را تحمل می‌کردند. در شرایط فعلی که چشم‌انداز مثبتی برای لغو تحریم‌ها طی ماه‌های آینده ایجاد شده است، باز تعریف روابط اقتصادی با دنیا مورد هدف قرار گرفته است. سوال این است که نقش چین در این بازتعریف روابط اقتصادی ایران چگونه تعریف می‌شود. باید بدانیم که رابطه اقتصادی ایران با چین به واسطه وجود تحریم‌ها شکل نگرفته است به این معنی که حتی اگر هیچ تحریمی از ابتدای انقلاب به بعد وجود نداشت هم چین در حال حاضر اصلی‌ترین شریک تجاری ایران بود. دوران بعد از جنگ و دولت سازندگی به عنوان دوران تقویت روابط تهران-پکن شناخته می‌شود. در دوران اصلاحات نیز سالانه رابطه ما با چین دو برابر شد. در دولت نهم و دهم هم روابط اقتصادی تهران و پکن



مجید زحریری
نایب‌رئیس اتاق ایران و چین



هر چند در حالت کلی نظام مالیات بر ارزش افزوده می تواند جایگزینی مناسب برای مالیات های درآمدی باشد، ولی با توجه به نکات گفته شده این نوع مالیات در ایران موجب تغییر در قیمت های نسبی کالاها و خدمات تولیدی می شود



فقدان نظام جامع اطلاعات مالیاتی، نبود نرخ های مالیاتی متعدد در بخش های مختلف اقتصادی، معافیت های وسیع و متنوع، و گسترش فساد برخی از مهم ترین کاستی های نظام مالیاتی است

بر ارزش افزوده معترض هستیم و حال که دولت دارد این قانون را اصلاح می کند به نظر می رسد که باید نکاتی را به او گوشزد کرد.

متأسفانه طی سال های گذشته، به دلیل عدم هماهنگی میان برخی از بنگاه ها با وزارت امور اقتصادی و دارایی که بیشتر سازمان امور مالیاتی در آن دخیل است، قرار بود مالیات بر ارزش افزوده اخذ نشود و حالا دولت قصد دارد پولی را که قرار نبوده از این بنگاه ها اخذ شود از آنها در قالب مالیات بر ارزش افزوده مطالبه کند. البته اصناف تایید می کنند که مالیات بر ارزش افزوده باید پرداخت شود اما نه به این شیوه که در طول پنج سال در حدود ۹ درصد از اصناف و تولید کنندگان مالیات بر ارزش افزوده اخذ شود. رئیس جمهور می گوید اقتصاد را با تورم ۴۳ درصدی تحویل گرفته است و در اصلاح ساختاری آن تلاش می کند. درست که تورم در دولت یازدهم کاهش پیدا کرد اما در ساختار بهبود فضای کسب و کار نیز تغییری ایجاد شده است؟ ما شاهد کم رونقی در محیط کسب و کار هستیم و همیشه باید راهی را طی کرد که بنگاه ها آسیب نبینند.

اما موضوعی که همواره در خصوص فعالیت اصناف مطرح شده این بوده که اصناف در ایران از پویایی لازم برخوردار نیستند. نه این که اصناف پویا نباشند اما باید پذیرفت که در حال حاضر اقتصاد ما بنگاه محور است در همان سال های ۹۲-۹۱ که نرخ دلار در کشور ناگهانی افزایش پیدا کرد در واقع دولت ارزش مادی سرمایه بنگاه های اقتصادی را به یک سوم کاهش داد، یعنی کاسبی که می توانست برای مثال با یک میلیون تومان برای واحد خود کالا خریداری کند و آن را به فروش برساند حالا با ۳ میلیون تومان هم قادر به این کار نخواهد بود. بنابراین نقدینگی یعنی ابزار اصلی را از دست بنگاه گرفته ایم، پس این بنگاه نخواهد توانست به سمت بهسازی پیش برود.

دولت با کسر بودجه مواجه است و اگر بعضی از اقلام در آمد بودجه دولت را که در واقع روش جبران کسر بودجه هستند مانند فروش اوراق مشارکت یا فروش دارایی های دولت خارج کنیم، کسر بودجه قابل توجهی را در طی سال های گذشته شاهد خواهیم بود. از سوی دیگر مطالعات نشان داده اند که عامل اصلی تورم در اقتصاد ایران، افزایش نقدینگی ناشی از کسر بودجه دولت است. فقدان نظام جامع اطلاعات مالیاتی، نبود نرخ های مالیاتی متعدد در بخش های مختلف اقتصادی، معافیت های وسیع و متنوع، اعمال نظرات شخصی در فرایند وصول مالیات ها، عدم تسلط کافی برخی از مأموران مالیاتی به اجرای صحیح قوانین و مقررات مربوطه، و گسترش فساد در برخی از حوزه های مالیاتی به دلیل ناکافی بودن نظارت های فنی بر فرآیندهای تشخیص و وصول مالیات از جمله مهم ترین آسیب ها و کاستی های نظام مالیاتی محسوب می شود که در مجموع موجب شده نظام مالیاتی در ایران در حوزه های نظارت و اجرا کارایی لازم بهر مهند نباشد.

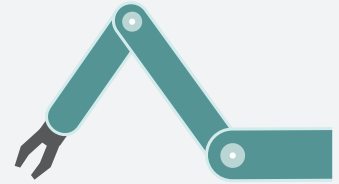
بنابراین هر چند در حالت کلی نظام مالیات بر ارزش افزوده می تواند جایگزینی مناسب برای مالیات های درآمدی باشد، ولی با توجه به نکات گفته شده این نوع مالیات در ایران موجب تغییر در قیمت های نسبی کالاها و خدمات تولیدی می شود و از این طریق تقاضای مؤثر برای این کالاها و خدمات را متأثر می سازد. بررسی های مختلف نشان می دهد افزایش میزان مالیات بر ارزش افزوده سبب کاهش میزان تولید ناخالص ملی می شود و در نهایت این امر می تواند موجب افزایش میزان تورم موجود باشد. ایراد اساسی عدم استفاده از نظر صاحب نظران، به خصوص در بخش خصوصی است. نکته قابل انتقاد آن است که همه این تصمیم گیری ها از سوی دولت به بخش خصوصی ابلاغ می شود. به همین جهت ما به نحوه اخذ مالیات

و چین را هموار ساخته است. در دوران پس از تحریم اصل موضوع تجارت با چین خدشه ناپذیر است اما در کیفیت روابط امکانات بهتری برای ایران فراهم خواهد شد به این صورت که با افزایش حق انتخاب ایران، چینی ها باید با شرکت های غربی رقابت کنند.

یک هزارم است. همچنین آمارهای تجارت جهانی نشان می دهد که سهم ایران از تجارت جهان کمتر از ۰.۴ درصد است در حالی که سهم واقعی کشور با توجه به حجم اقتصاد ایران باید ۱.۲ درصد باشد با این تعریف ظرفیت افزایش ۳ برابری تجارت ایران با دنیا در شرایط جدید و با ورود ایران به چرخه اقتصاد جهانی وجود دارد. در این ظرفیت جدید، چین هم سهم خواهد داشت و این موضوع نشان می دهد که لغو تحریم های ایران می تواند برای چین هم مزیت محسوب شود. اقتصاد ایران و چین مکمل یکدیگر هستند چرا که چین خریدار بزرگ انرژی محسوب می شود و ایران در این بخش فروشنده محسوب می شود. با این حساب نمی توان پذیرفت که رابطه اقتصادی با چین با توجه به وجود تحریم رونق گرفته است. همانطور که سایر کشورهای خاور میانه نیز بدون داشتن تحریم اقتصادی با چین رابطه تجاری قدرتمندی دارند. اگر تحریم هم نبود، چین اولین شریک تجاری ایران می شد. نوع اقتصاد دو کشور و الزامات تجارت بین المللی مسیر تجارت ایران

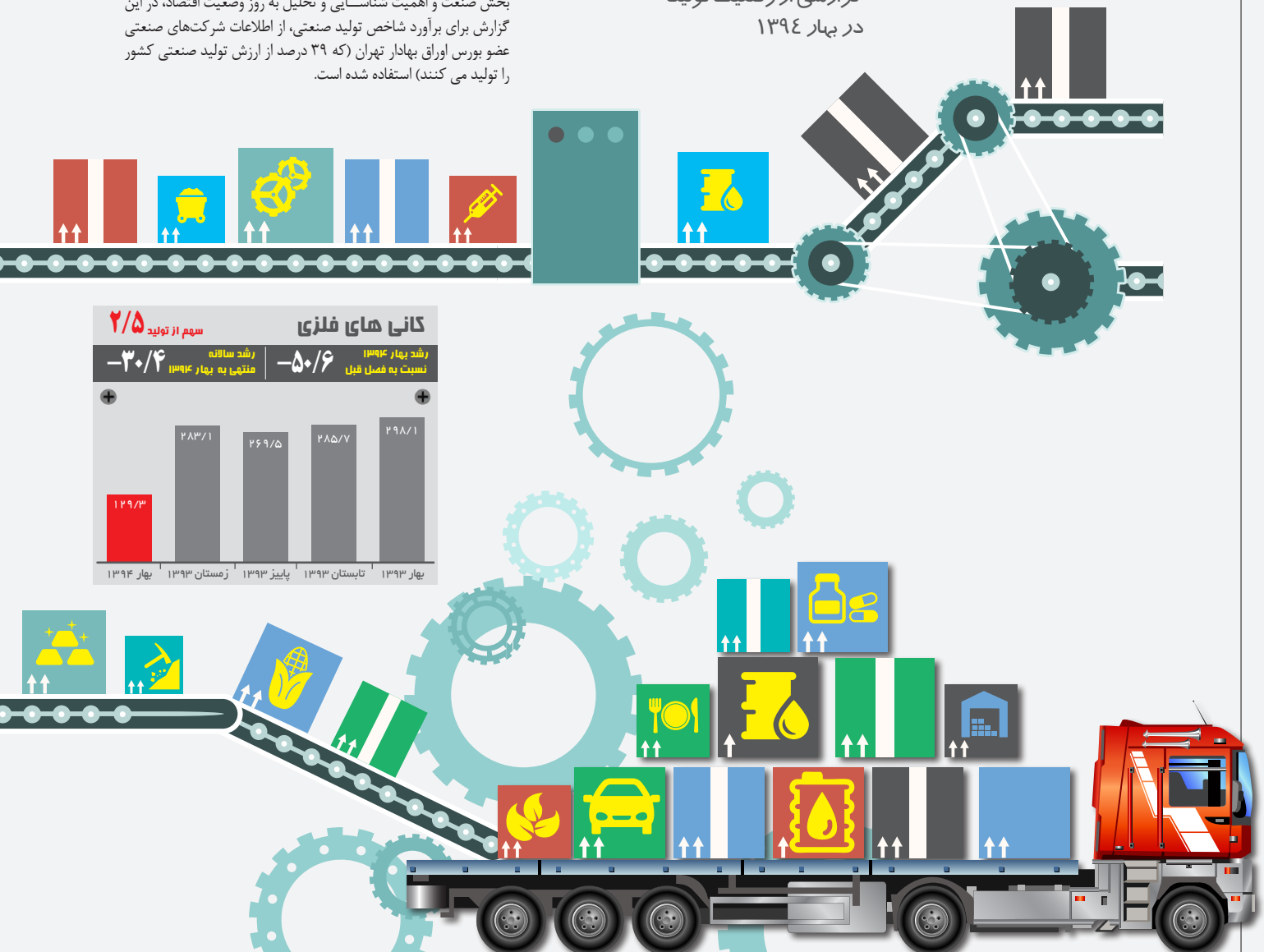


برگ‌ریزان تولید



گزارشی از وضعیت تولید
در بهار ۱۳۹۴

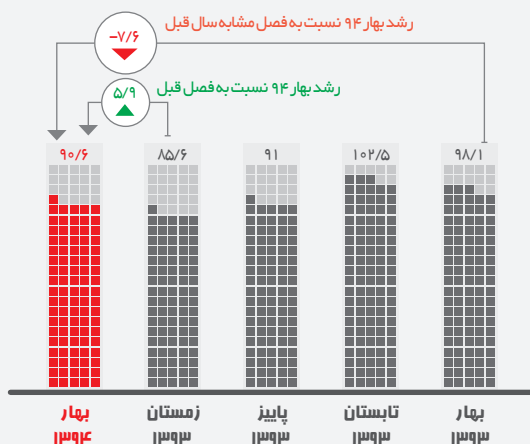
تولید صنعتی به عنوان موتور رشد اقتصادی و محرک تولید در سایر بخش‌ها در نظر گرفته می‌شود. از این رو در بررسی وضعیت اقتصاد کشورهای مختلف، شاخص تولید صنعتی از اهمیت بالایی برخوردار است و سطح فعالیت اقتصادی برای بسیاری از کشورها به صورت ماهانه و روزآمد برپایه این شاخص رصد می‌شود. بررسی و تحلیل روزآمد وضعیت اقتصاد ایران با توجه به نوسانات زیادی که در دوره‌های اخیر داشته از اهمیت بسزایی برخوردار است. با توجه به کمبود اطلاعات روزآمد از بخش واقعی اقتصاد و بخش صنعت و اهمیت شناسایی و تحلیل به روز وضعیت اقتصاد، در این گزارش برای برآورد شاخص تولید صنعتی، از اطلاعات شرکت‌های صنعتی عضو بورس اوراق بهادار تهران (که ۳۹ درصد از ارزش تولید صنعتی کشور را تولید می‌کنند) استفاده شده است.



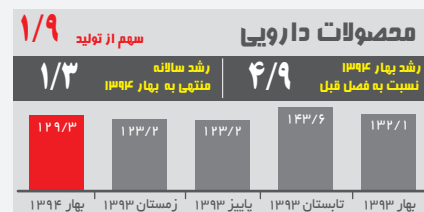
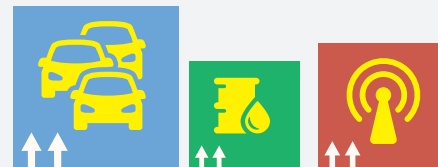
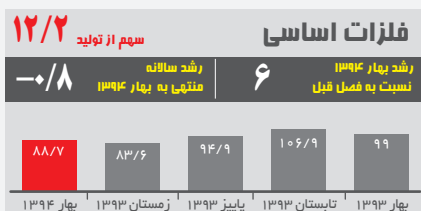
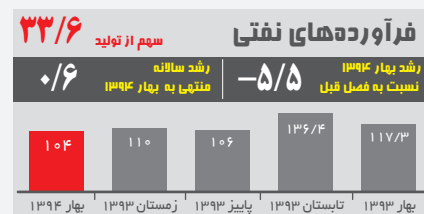
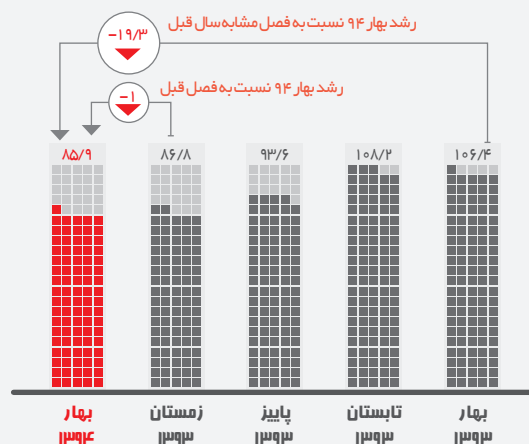
بر اساس برآوردهایی که با استفاده از اطلاعات شرکت‌های بورسی انجام شده است، رشد تولید صنعتی در فصل اول ۱۳۹۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل با کاهش تولید مواجه بوده است. این برخلاف روند تولید صنعتی در سال ۱۳۹۳ است که رشد مثبت را نشان می‌داد. بر این اساس رشد تولید صنعتی بدون فرآورده‌های نفتی نسبت به فصل مشابه سال قبل ۷/۶- درصد و نسبت به فصل قبل ۵/۹ درصد است. در این فصل عملکرد صنعت فرآورده‌های نفتی بدتر از سایر صنایع بود، به طوری که اگر تغییرات تولید این صنعت هم در محاسبه شاخص تولید صنعتی در نظر گرفته شود، شاهد بدتر شدن رشد تولید خواهیم بود. از طرف دیگر عملکرد صنعت خودرو کماکان رو به بهبود است و در فصل اول ۱۳۹۴ نیز نسبت به مدت مشابه



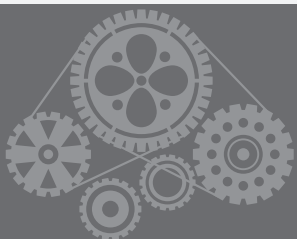
تولید صنعتی (بدون صنعت فرآورده‌های نفتی)



شاخص تولید صنعتی با استفاده از اطلاعات شرکت‌های بورسی



رشد را نشان می‌دهد. از این رو اگر شاخصی تولید صنعتی بدون در نظر گرفتن صنعت خودرو رشد تولید را پایین‌تر نشان می‌دهد. شرایط اقتصادی در فصل اول ۱۳۹۴ به‌گونه‌ای بود که باقی ماندن بخش عمده‌ای از تحریم‌ها و کاهش قیمت نفت و فرآورده‌های آن باعث محدود کردن بخش تقاضا شده و از این طریق بر رشد تولید بخش‌های مختلف اثرگذار بوده است. همچنین برخی از صنایعی که بعد از توافق موقت ژنو توانسته بودند برخی از ظرفیت بلا استفاده خود را بکار گیرند و از این مسیر رشد در تولید ایجاد کنند، در فصول اخیر با توجه به پر شدن آن ظرفیت خالی و وجود برخی محدودیت‌ها نتوانستند رشد خود را ادامه دهند و در فصل اول ۱۳۹۴ شاهد کاهش تولید در بخشی از محصولات صنعتی بودیم.



نگاه صنعتی به موسیقی در ایران و جهان چه جایگاهی دارد؟

تتلیست‌ها علیه کنسرت‌های میلیاردری

آینده‌نگر «صنعت موسیقی» را به صورت تحلیلی و آماری بررسی کرده است

لایک به اندازه جمعیت ایران، به تصویر کشیده بود. مسائل این چینی‌ها فارغ از تمام حواشی آنها، نشان داد «موسیقی» جایگاهی فراتر از غفلت سیاست‌گذاران در ایران و جهان دارد.

موسیقی، کالایی مصرفی مانند کفش و ماشین

کارل مارکس اولین بار عبارت «کالایی شدن» را در جامعه‌شناسی به کار برد و بعد از آن، فرانکفورتی‌ها، زیمل و دیگران، نظریات او را با استفاده از عبارات «فرم» و «محتوا» بسط دادند. نظریات و بحث‌های مارکس به خوبی روشن می‌کند چطور در جامعه مدرن، همه چیز از ذات و محتوای واقعی خود تهی و به کالایی برای مصرف تبدیل می‌شود. از نظر او «هنر» نیز از این قاعده مستثنا نیست. به عقیده مارکس سرمایه‌داران توسط «صنعت فرهنگ» کالایی را تولید می‌کنند و برای ایجاد «آگاهی کاذب» در کارگران، محصولات فرهنگی را به آنها می‌فروشند. از آن زمان تاکنون، جوامع تحولات زیادی را از سر گذرانده و طبقات اجتماعی نیز دستخوش تغییراتی شده‌اند، اما هنوز بحث‌ها و نزاع‌های جامعه‌شناسان بر سر «صنعت فرهنگ» باقی مانده است. بحث‌هایی که البته به مذاق خود هنرمندان چندان خوش نمی‌آید. عده‌ای از جامعه‌شناسان معتقد به «ویکتر باز تاب» می‌گویند اشکال مختلف هنر، وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه را مانند آینه‌ای نشان می‌دهد. تئودور آدورنو، منتقد فرهنگی مارکسیست، در خصوص موسیقی می‌گوید: «کار در نظام سرمایه‌داری کسالت‌آور است و بنابراین انسان‌ها را به فکر جست‌وجوی راهی برای فرار می‌اندازد، اما از آنجا که در عین حال خسته نیز می‌کند، انرژی کمی را برای فرار واقعی - مبتنی بر ملزومات فرهنگ اصیل - باقی می‌گذارد؛ در عوض پناهگاه در اشکالی مانند موسیقی مردم‌پسند جست‌وجو می‌شود.» عبارت «صنعت فرهنگ» بیش از هر چیز دیگر در نظریات انتقادی مکتب فرانکفورت ریشه دارد. آنها این صنعت را صنعتی متشکل از شرکت‌های تجاری می‌دانند که برای کسب منفعت مادی در حوزه تولید محصولات فرهنگی فعالیت می‌کنند. مارکسیست‌ها می‌گویند فرهنگ توده‌ای کالایی است که از تکنیک‌های تولید انبوه حاصل می‌شود و هیچ تفاوت اساسی با کالاهای دیگر نظیر ماشین و کفش ندارد. باین حال آدورنو معتقد است در جای از تفاوت‌های سطحی، یعنی نوعی شبه‌فردیت به محصولات فرهنگ توده اعطا شده است تا طبیعت کالایی آنها پنهان شود. فرانکفورتی‌ها معتقد بودند صنایع فرهنگی نیازهای کاذب در مصرف‌کنندگان به وجود می‌آورند و مانع از آن می‌شوند که مردم بفهمند نیازهای حقیقی‌شان برآورده نشده است. به عقیده آنها اقتصاد، زیربنای یک جامعه است و فرهنگ، روبنای آن. و این زیربنای اقتصادی است که رونق یا تعیین می‌کند. البته منتقدان فرانکفورتی‌ها می‌گویند آنها مردم را کاملاً فاقد قدرت و صنایع فرهنگی را به طور مطلق قدرتمند تلقی می‌کردند. اما هر چه باشد، مارکس و پیروانش نخستین کسانی بودند که توجه دنیا را به «صنعت فرهنگ» جلب کردند. و آدورنو، بیش از سایر هم‌فکرانش از «صنعت موسیقی» صحبت کرد و در مورد خطرات نوع عامه‌پسند آن به خاطر تهی کردن جامعه از فکر و محتوا هشدار داد. به هر حال آگاهی این صنعت کاذب باشد یا راستین، حق با فرانکفورتی‌ها باشد و نباشد، صنعت فرهنگ و در دل

ریحانه سادات یاسینی

مانتوهای سورمه‌ای یک‌دست نشان است، مقنعه‌های مشکی روی موهای بعضی هایشان را پوشانده و بعضی‌ها نیز حالتی به موی مدل چتری‌شان داده‌اند. ابتدای کلاس است اما بایی حوصلگی مدام ساعت‌هایشان را نگاه می‌کنند و شبیه بیشتر دختران دبیرستانی، حواسشان پیش هر کسی هست جز معلمی که به آنها اقتصاد درس می‌دهد. یکی از دانش‌آموزان کنکوری زودتر از بقیه کلافه می‌شود و می‌گوید: «آخر خانم، ندیدید مرتضی پاشایی دو روز پیش فوت کرد؟ توقع دارید حواسمان به شیوه حساب کردن تولید ناخالص داخلی باشد؟» اگر چه از روایت دبیر آنها ۹ ماهی می‌گذرد، اما می‌گوید هنوز روی گوشه‌ای از دیوار کلاسشان، خط مشکی پهنی نقاشی شده و کنار آن با دست خط دخترانه‌ای نوشته شده است: «مرتضی جان! تا ابد جاودانه خواهی ماند. طرفداران تو؛ یکس ۴۰۳». مرگ مرتضی پاشایی و حاشیه‌های پس از آن، مهم‌ترین اتفاق اخیر در حوزه موسیقی ایران بود که توجه جامعه‌شناسان و استادان ارتباطات و رسانه را به خود جلب کرد. نه تنها توجه‌شان را جلب کرد، بلکه بسیاری از آنها و حتی سیاست‌مداران را غافلگیر ساخت. تاجایی که یوسف ابادری در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران فریاد زد: «سرانجام این موسیقی، فاشیسم است.» ماه گذشته نیز، بیش از ۴۰ هزار نفر به فراخوان امیر تلو برای «غیغو» کردن پاسخ داده بودند. فراخوان فیس‌بوکی رپری زیرزمینی با اسم واقعی امیر مقصدلو، که اخیراً ناو و سربازان زیادی نیز برای اجرای ترانه‌ای ارزشی، در اختیارش قرار گرفته بود. چند هفته پیش نیز خبر بستری شدن محمدرضا شجریان، مرد آواز ایران، در رسانه‌ها انعکاس زیادی پیدا کرد. طرح جلد هفته‌نامه «صدا» در آن زمان به شجریان اختصاص یافت، طرحی از بزرگمهر حسین پور که این خواننده را در پستی اینستاگرامی با ۷۸ میلیون

بر اساس گزارش و آماری که بعضی از موسسات اواخر سال گذشته ارائه کرده‌اند، آلبوم‌های «نه فرشته‌ام، نه شیطان»، «باران تویی»، «قطره‌های باران»، «آقای بنفش»، «مهر و ماه» و «عشق یعنی» در صدر پرفروش‌ها بوده‌اند

۱۰ کشور اول دنیا در بازار فیزیکی و دیجیتال موسیقی در سال ۲۰۱۴ بر اساس آمار IFPI (فدراسیون بین‌المللی صنعت موسیقی)

ردیف	کشور	ارزش بازار
۱	آمریکا	۴ میلیارد و ۸۹۸ میلیون دلار
۲	ژاپن	۲ میلیارد و ۶۲۷ میلیون دلار
۳	آلمان	یک میلیارد و ۴۰۴ میلیون دلار
۴	انگلستان	یک میلیارد و ۳۳۴ میلیون دلار
۵	فرانسه	۸۴۲ میلیون دلار
۶	استرالیا	۳۷۶ میلیون دلار
۷	کانادا	۳۴۲ میلیون دلار
۸	کره شمالی	۲۶۵ میلیون دلار
۹	برزیل	۲۴۶ میلیون دلار
۱۰	ایتالیا	۲۳۵ میلیون دلار



مارکسیست‌هایی گویند فرهنگ توده‌ای کالایی است که از تکنیک‌های تولید انبوه حاصل می‌شود و هیچ تفاوت اساسی با کالاهای دیگر نظیر ماشین و کفش ندارد؛ با این حال آدورنو معتقد است درجه‌ای از تفاوت‌های سطحی، یعنی نوعی شبه‌فردیت به محصولات فرهنگ توده اعطا شده است تا طبیعت کالایی آنها پنهان شود

آن صنعت موسیقی، جایگاه ویژه‌ای در دنیای مدرن دارد و کشورها در آمد بالایی از آن کسب می‌کنند. سیاست‌گذاران دنیا چه بخواهند مردمشان را سرگرم کنند و چه بخواهند اجازه فکر کردن به آنها دهند، گریزی از استفاده از قالب فرهنگ و هنر نخواهند داشت.

صنعت جهانی موسیقی رو به افول رفته است

در خیالان راه می‌روند و روبه‌رویشان را می‌بینند، اما نگاهشان در دنیای دیگری است. در مترو، اتوبوس، تاکسی، در تمام شهر حرکت می‌کنند و جابه‌جا می‌شوند، اما اگر صدایشان کنی، چیزی نخواهند شنید. صدای دنیای آنها، فردی است، حتی اگر در جمع باشند. هیچ‌کس از ترانه‌ای که در سرشان می‌گذرد خبر ندارد و نمی‌داند در دنیای آنها چه صدایی پخش می‌شود. تنها سیم‌های باریکی که کنار صورتشان است، از غرق شدن آنها در دنیای موسیقی خبر می‌دهد. تصویر چنین آدم‌ها و جوان‌هایی، در تمام دنیا مشترک است. قریب ۱۵ سال پیش در ایران تازه سی‌دی جای نوارهای پلاستیکی را گرفته بود، اما حالا تمام دنیا در گوشی‌های موبایل جمع شده است. برای شرکت‌های تولید و پخش موسیقی و برای خود هنرمندان، خاطره شدن خود کارهایی که برای باز کردن گره نوار در دایره وسط کاست‌ها می‌چرخید، غمناک بود. غمی نه از جنس نوستالژی، بلکه از جنس پایین آمدن شدید سود و فروششان. در سال ۱۹۹۹ درآمد صنعت موسیقی حدود ۲۶ میلیارد دلار و بخش اعظم آن حاصل از فروش سی‌دی‌ها و نوارهای پرتعداد بود. اما با رشد ضرب نفوذ اینترنت و گسترش دانلودهای غیرقانونی، درآمد آنها بسیار کاهش یافت. در سال ۲۰۰۱، زمانی که اپل دستگاه جدید «آی‌پاد» را با قابلیت پخش صدها قطعه موسیقی با فرمت فشرده MP۳ به بازار عرضه کرد، تحولی در صنعت موسیقی دنیا شکل گرفت. تحولی که ابتدا در شیوه و سهولت مصرف بود، اما بعدها بالای جان تولیدکنندگان و عرضه کنندگان موسیقی شد. به گزارش «آینده‌نگر» به نقل از «فدراسیون بین‌المللی صنعت صوت و موسیقی» این بازار در سال ۲۰۰۵ در جهان ۲۰ میلیون دلار گردش مالی داشته است، اما رقم آن در سال ۲۰۱۴ به ۱۴ میلیارد دلار رسیده است. آمریکا با ۴ میلیارد و ۸۹۸ میلیون دلار، رتبه اول گردش مالی را بین کشورهای جهان در این صنعت داراست و بعد از آن ژاپن با ۲ میلیارد و ۶۲۷ میلیون دلار قرار دارد. اختلاف دو میلیارد دلاری بین جایگاه اول و دوم، به خوبی نشان می‌دهد آمریکا یک‌هزار صنعت موسیقی در جهان است. در بین ۲۰ کشور اول جهان در این صنعت، دو کشور آسیایی چین و هند نیز در رتبه‌های نوزدهم و بیستم قرار دارند. سهم چین در این صنعت در سال ۲۰۱۴، ۱۰۵ میلیون دلار و سهم هند، ۱۰۰ میلیون دلار بوده است. دانلودهای غیرقانونی و تحول در شیوه مصرف تولیدات موسیقی، شرکت‌های دنیا را مجبور کرد با نیازهای روز همگام شوند. به همین دلیل آی‌توز، فروشگاه مجازی اپل برای دانلود کردن موسیقی، در سال ۲۰۰۳ راه‌اندازی شد. اما با روی کار آمدن شرکت سوئدی «اسپاتیفای» رشد اپل متوقف شد. اسپاتیفای به کاربران خود امکان می‌دهد به هر تعداد ترانه‌ای که می‌خواهند، گوش دهند. اما در میان آنها آگهی پخش می‌شود و اگر کاربران بخواهند از شنیدن آگهی‌ها خلاص شوند، با پرداخت ماهانه حدود ۱۰ دلار می‌توانند از میلیون‌ها ترانه بایگانی این وبسایت لذت ببرند. این شرکت سوئدی از سال ۲۰۰۶ کار خود را شروع کرد و اکنون حدود ۲۰ میلیون مشترک پرداخت‌کننده و ۵۵ میلیون مشترک رایگان دارد. اپل نیز دو ماه پیش روش کاری خود را تغییر داد و به جمع شرکت‌هایی پیوست که به جای فروش، روی پخش موسیقی در خواستنی از طریق اشتراک متمرکز شده‌اند. سرویس جدید «اپل میوزیک» به صورت خودکار روی میلیون‌ها آیفون و آی‌پد در سراسر جهان دانلود شده و مشترکان می‌توانند سه ماه به صورت رایگان از آن استفاده کنند. بعضی از خوانندگان سرشناس

دنیا نیز قرار است اولین کارهایشان را از طریق این سیستم عرضه کنند. تیم اینگهام، سردبیر وبسایت تجارت موسیقی جهانی می‌گوید هدف شرکت اپل این است که پس از دوره آزمایشی سه‌ماهه و رایگان، حداقل ۱۰۰ میلیون نفر مشترک پولی جذب کند. اینگهام همچنین معتقد است «اسپاتیفای» با این نوآوری اپل در رتبه دوم بازار ادامه حیات خواهد داد. البته این شرکت دو ماه پیش اعلام کرده بود بیش از ۵۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری جدید کسب کرده و ارزش تجاری آن به ۸.۵ میلیارد دلار رسیده است.

اندازه بازار موسیقی در ایران

جست‌وجوی عبارت «Music Industry» ۳۸۱ هزار نتیجه در گوگل به دنبال دارد. صدها نمودار تحلیلی از اندازه بازار موسیقی در جهان و در کشورهای مختلف به دست می‌آید. تحلیل‌های دقیق آماری و حتی پیش‌بینی‌هایی از آینده این بازار روی وبسایت‌های معتبری مانند «Statistics» قرار دارد. اما جست‌وجوی «صنعت موسیقی» به اشکال مختلف جز چند خبر پراکنده در سایت‌های خبری، راه به جایی نخواهد برد. جست‌وجو برای به دست آوردن گردش مالی و اندازه بازار موسیقی ایران نیز بی‌فایده است. حتی آمار دقیقی از پرفروش‌ترین آلبوم‌ها نیز در دست نیست. به گزارش خبرگزاری فارس، موسسات و ناشران موسیقی، حاضر به ارائه اطلاعات فروش آلبوم‌های خود نیستند و مراکز فروش نیز، به دلیل سیستم‌تیک نبودن، آمار دقیقی از فروش آلبوم‌های موسیقی خود در دست ندارند. اما بر اساس گزارش و آماری که بعضی از این موسسات اواخر سال گذشته ارائه کرده‌اند، آلبوم‌های «نه فرشته‌ام، نه شیطان»، «باران تویی»، «قطره‌های باران»، «آقای بنفش»، «مهر و ماه» و «عشق یعنی» در صدر پرفروش‌ها بوده‌اند. البته برآوردها نشان می‌دهد حتی این پرفروش‌ترین‌ها نیز سود چندانی عاید تولیدکنندگان نکرده‌اند. به گفته حسین خانی، مدیر شرکت ایران گام، ۷۰۰ میلیون تومان برای تهیه آلبوم آنها توسط بخش خصوصی هزینه شده و تیراژ آن نیز ۵۰ هزار عدد بوده است. این در حالی است که پیش از رواج سبک‌های جدید مصرف موسیقی، تیراژ بعضی نوارهای کاست به صدهزار تا هم می‌رسید. همین مسئله باعث شده است تا تولیدکنندگان آثار موسیقی، به سود آلبوم‌ها دل نبندند و با کنسرت‌های متعدد، به فکر کسب در آمد باشند. آلبوم همایون شجریان، در صدر «ترین»‌های سال گذشته قرار گرفته بود، کنسرت این آلبوم با نام «چرا رفتی؟» سال گذشته چندین بار در تهران و شهرستان‌ها برگزار شد و بیشترین فروش بلیت را از آن خود کرد. شجریان در اواسط مردادماه ۹۳ و در کورن لگو کنسرت‌ها، توانست ۱۲ اجرای موفق در تالار بزرگ وزارت کشور روی صحنه ببرد، اجراهایی که در اوایل آبان نیز تکرار شد. بر اساس آمار اعلام‌شده، در همان ۱۲ اجرای نخست ۳۸ هزار بلیت ۳۵ تا ۱۰۰ هزار تومانی فروخته شد. با میانگین قیمت بلیط ۶۷ هزار تومانی، درآمدی در حدود ۲ میلیارد و ۵۴۶ هزار تومان برای این کنسرت‌ها به دست می‌آید. درآمد کلی این کنسرت با احتساب آمار شهرستان‌ها نیز، میانگینی ۵ میلیارد تومانی تخمین زده می‌شود. آمارهای دیگری نیز پرفروش بودن اثر همایون شجریان را تأیید می‌کند. سایت «بیپ‌توز» نخستین مرجع دانلود موسیقی قانونی ایران است. آلبوم «نه فرشته‌ام، نه شیطان» پرفروش‌ترین آلبوم سال گذشته این سایت با بیش از ۲۰ میلیون تومان خرید اینترنتی و قیمت ۹۹۹ تومان برای هر آهنگ بوده است. آلبوم‌های «باران تویی» گروه چارتار و «ساعت خواب» رضا یزدانی نیز در مراتب بعدی فروش قرار داشته‌اند. راه‌اندازی و استقبال مردم از سایت بیپ‌توز نشان داده است مخاطبان ایرانی موسیقی نیز فرق زیادی با دیگر مردم جهان ندارند. اگر به جای مقابله با اقتضائات روز در بستر آن عمل شود، اتفاقات خوبی خواهد بود. مانند آنچه در تمام دنیا به شناخت صنعت موسیقی و مصرف‌کنندگان آن در حال اتفاق افتادن است.

۱۴

میلیارد دلار

گردش مالی صنعت موسیقی جهان در سال ۲۰۱۴

۵

میلیارد تومان

حدود درآمد کنسرت‌های همایون شجریان در سال ۹۳

۵/۸

میلیارد دلار

ارزش تجاری شرکت «اسپاتیفای»، سایت ارائه‌دهنده آلبوم‌های موسیقی

دولت بدهکار، پیمان کار طلب کار

بدهی دولت به پیمانکاران در حال پرداخت است

مهرسا را سخ

گفته شده خواهد رسید. «بدهی دولت به شبکه بانکی»، «بدهی دولت به صندوق های بازنشستگی به خصوص تامین اجتماعی»، «بدهی دولت از ناحیه فروش اوراق مشارکت»، «بدهی های خارجی کشور»، «بدهی دولت به صندوق توسعه ملی» و «بدهی دولت به پیمانکاران بخش خصوصی» از جمله آن هاست.

سعید لیلانز، اقتصاددان و استاد دانشگاه شهید بهشتی، معتقد است کشور در بحرانی ترین وضعیت در طول تاریخ معاصر قرار گرفته و بخش بزرگی از این بحران، به دلیل بدهی دولت به پیمان کاران است. او برای «آینده نگر» توضیح می دهد: «وقتی به بعضی اطلاعات و آمارها نگاه می کنم، ویژگی های عینی بحران را به روشنی می بینم. مجموع تعهدات دولت در هزینه های عمرانی حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان است. علاوه بر این دولت ۲۵۰ هزار میلیارد تومان انواع بدهی ها و تعهدات را دارد؛ از جمله به پیمان کاران، که سرمایه های اجتماعی کشور به حساب می آیند. کسب و کار پیمان کاران به دلیل عدم وصول مطالبات، در معرض فروپاشی قرار گرفته است، این مسئله سرمایه اجتماعی ایران را به صورت غیرقابل جبران و بازسازی از بین می برد.» او ادامه می دهد: «۶۵۰ هزار میلیارد تومان مجموعه بدهی ها و تعهدات دولت، در حالی است که دولت در سال ۹۴، حداکثر قادر خواهد بود ۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه به این بخش اختصاص دهد که ۱/۲۲ این تعهدات را پوشش می دهد. یعنی تقریباً ۴ درصد، کل اعتبار امسال دولت برای اجرای تعهدات است.»

بدهکارترین وزارتخانه ها را بشناسید

وزارت خانه های نیرو، راه و شهرسازی، و نفت، بدهکارترین وزارت خانه ها به پیمانکاران هستند و آمار متفاوتی نیز از میزان بدهی آنها عنوان می شود. سال گذشته عباس آخوندی بدهی وزارت راه و شهرسازی به پیمانکاران را ۵۱ هزار میلیارد تومان عنوان کرده و گفته بود قرار است این بدهی از طریق انتشار اوراق بهادار یک جا پرداخت شود. حمید چیت چیان، وزیر نیرو هم اسفندماه سال گذشته بدهی انباشته شده بخش برق را حدود ۲۴ هزار میلیارد تومان عنوان کرده و گفته بود با این شرایط سرمایه گذاری در این بخش کاهش می یابد. اما معاون او خردادماه امسال رقم بدهی های این وزارت خانه به پیمانکاران بخش خصوصی و شبکه بانکی کشور را ۲۸ هزار میلیارد تومان اعلام کرده بود. اسفندماه سال گذشته نیز مدیرعامل توانیر، میزان بدهی دولت به پیمانکاران صنعت آب و برق را ۳۰ هزار میلیارد تومان عنوان کرده بود.

بدهی وزارت نفت از همه سنگین تر است. مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در نشست خبری اردیبهشت سال جاری خود رقم بدهی های شرکت ملی نفت ایران را حدود ۵۰ میلیارد دلار اعلام کرده بود. بدهی ای ۱۶۲ هزار میلیارد تومانی که این شرکت را دچار بحران مالی کرده است. وزیر اقتصاد چندی پیش گفته بود قرار است ۳۰ هزار میلیارد تومان از اعتبارات یارانه های نقدی را کاهش دهند تا بتوانند با آن طلب پیمانکاران را بپردازند. رقم دقیق بدهی ها هر چه باشد قدر مسلم این است که عدم پرداخت این بدهی ها توسط دولت، پیمانکاران بخش خصوصی و در

«سخت ترین شرایط بعد از انقلاب» عبارتی بود که عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی دهم شهر یور ماه برای توصیف وضعیت اداره کشور به کار برد. از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم و مواجهه آن با میراث مرثیه وار احمدی نژاد، از این دست عبارات زیاد به کار برده شده است، اما این بار، صحبت آخوندی فرقی اساسی با دیگر همکارانش داشت. او عبارت سخت ترین شرایط بعد از انقلاب را به دلیل بدهی گسترده دولت به بخش خصوصی و پیمانکاران عنوان کرده بود. از دو سال پیش تا کنون، ارقام متفاوتی از بدهی دولت به بخش خصوصی عنوان می شود. روحانی ۱۰۰ روز پس از روی کار آمدنش در گزارش ۱۰۰ روزه، بدهی دولت به پیمانکاران و بخش های مختلف خصوصی را حدود ۵۵ هزار میلیارد تومان اعلام کرده بود. شهر یور سال گذشته هم رئیس سازمان حسابرسی بدهی های دولت به پیمانکاران بخش خصوصی را ۹۴ هزار میلیارد تومان عنوان کرده و گفته بود بخش هایی از آن تسویه شده و اعداد آن قطعی نیست.

در سال جاری نیز آمار متفاوتی ارائه شد و در تازه ترین اظهار نظر آخوندی، وزیر راه و شهرسازی از بدهی ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی پرده برداشت. او در گردهمایی سراسری مدیران کل راه و شهرسازی گفت: «میزان بدهی دولت به پیمانکاران و عرضه کنندگان کالا و خدمات عدد بسیار بزرگی است. در اوایل دولت بحث این بود که دولت چه مقدار به بانک ها، پیمانکاران و عرضه کنندگان کالا بدهکار است؛ شوربختانه این رقم مشخص نبود و ارقام مختلفی اعلام می شد. یک مسئول میزان بدهی را ۱۰۰ هزار میلیارد و مسئولی دیگری ۲۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام می کرد. نهایتاً دولت از وزارت امور اقتصادی و دارایی خواست تا دفتری تأسیس و میزان بدهی های دولت را برآورد کند.» به گفته او، نتیجه کار این دفتر به دست آوردن رقم ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی بوده. آخوندی همچنین گفته است: «البته رقم به دست آمده که اخیراً وزیر امور اقتصادی و دارایی آن را ۳۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرده صرفاً بدهی های مسجل دولت است و در آن میزان بدهی های تعهدی و آتی لحاظ نشده است در حالی که در سال های گذشته میزان مطالبات کسری از هزار بود.»

نخستین بار بحث بالا بودن رقم بدهی های دولتی، در نیمه اردیبهشت سال ۱۳۹۲ و از سوی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح شده بود. در آن مقطع، آیت الله هاشمی رفسنجانی با بیان این که «دولت ۵۰۰ هزار میلیارد تومان به مردم بدهی دارد»، این مسئله را یکی از چالش های رئیس جمهور بعدی برای مدیریت دستگاه اجرایی و شرایط اقتصادی کشور دانسته بود. در ابتدا رقم اعلام شده از سوی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش از حد زیاد به نظر می رسید، اما بررسی های بعدی نشان می داد که در صورت احتساب اقلام مختلفی که می تواند بالقوه در ردیف بدهی های دولت قرار بگیرد، مجموع این بدهی ها به رقم

پیمان کاران،
سرمایه های
اجتماعی کشور
به حساب می آیند.
کسب و کار
پیمان کاران به
دلیل عدم وصول
مطالبات، در
معرض فروپاشی
قرار گرفته است،
این مسئله سرمایه
اجتماعی ایران را
به صورت غیرقابل
جبران و بازسازی
از بین می برد



سلیمی: برنامه‌هایی که در بودجه لحاظ شده بود عملیاتی شده و غیر از بودجه، در قانون رفع موانع تولید نیز ساز و کارهایی طراحی شده است؛ صدور اوراق مشارکت انجام شده و طی چند مرحله نیز طلب برخی را پرداخت کرده‌اند

خود را به بخش‌های مختلف اقتصادی پرداخت کنند. قدم دیگر دولت نیز تغییر چهره نظام بانکی کشور با استفاده از افزایش سرمایه و خارج کردن دارایی‌های سمی از بانک‌ها است.»

سیدحسین سلیمی، نایب رئیس کمیسیون پول و بازار سرمایه اتاق تهران، معتقد است دولت یازدهم برای تسویه بدهی پیمانکاران خوب عمل کرده است. او به «آینده‌نگر» می‌گوید: «بعد از سال‌ها مطالبات معوق، بالاخره در دولت روحانی تصمیم گرفته شد تا این بدهی‌ها پرداخت شود. برای همین وصول بدهی‌ها را در برنامه بودجه گذاشتند تا بتوانند آن را سامان دهند.» او درباره نحوه تسویه بدهی‌ها نیز می‌گوید: «در برنامه بودجه مصوب شده تا دولت اوراق مشارکت صادر کند و پول آنها را برای طلب‌های پیمانکاران پرداخت کند. در بورس هم شرایطی را ایجاد می‌کنند تا از طریق اسکنت کردن بتوانند مطالبات را به طلبکاران برگردانند.» سلیمی می‌گوید طی دو سال اخیر بدهی دولت به پیمانکاران افزایش یافته است: «اگرچه رقم مطالبات مقداری افزایش یافته اما عمده آن مربوط به سال‌های پیشین و دولت قبلی بوده است.» او می‌گوید پرداخت بدهی پیمانکاران تنها در حد حرف باقی نمانده است: «برنامه‌هایی که در بودجه لحاظ شده بود عملیاتی شده و غیر از بودجه، در قانون رفع موانع تولید نیز ساز و کارهایی طراحی شده است. صدور اوراق مشارکت انجام شده و طی چند مرحله نیز طلب برخی را پرداخت کرده‌اند. حتی شنیده‌ام عده‌ای هم برای وصول طلب‌هایشان اسکنت کرده‌اند.»

در لایحه حمایت از تولید، دولت پیش‌بینی کرده بخشی از بدهی‌های خود را از طریق اوراق تسویه خزانه پرداخت کند. اوراق خزانه برگه‌هایی است که در اختیار طلبکاران قرار می‌گیرد تا از طریق آن بتوانند بدهی‌ها را با دولت تهاوت کنند. از این رهگذر هم دولت و هم بخش خصوصی از بدهی‌های خود تا اندازه‌ای رهایی خواهند یافت. اقتصاددانان و فعالان اقتصادی اعتقاد دارند این روش بدون افزایش نقدینگی و تورم می‌تواند باعث نقد شدن مطالبات بخش تولید شود.

بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد در سال‌های گذشته یکی از دلایل اصلی تعطیلی برخی از بخش‌های تولیدی و شرکت‌های خصوصی، بدهی‌های دولت بوده است. اما حالا اظهار نظر کج دار و مریز مقامات و رصد فعالان اقتصادی از فضای کشور نشان می‌دهد پوتین از روی گلولی سرباز زخمی، بالاخره پرداخت شده است.



مرحله بعد بانک‌ها را با چالش مواجه کرده است. دولت توان بازپرداخت بدهی پیمانکاران را ندارد و پیمانکاران امکان وصول مطالبات خود را ندارند و توان پرداخت مطالبات بانک‌ها را بانک‌ها هم توان وصول مطالبات معوق و امکان پرداخت مجدد وام و تسهیلات به واحدها و پیمانکاران دیگر را ندارند. آخرین رقم مطالبات معوق بانکی نیز ۸۴ هزار میلیارد تومان عنوان شده که با ۲۴ درصد از نقدینگی کل کشور برابر است.

بدهی‌ها پرداخت می‌شوند؟

«هم‌سنگر شما زخمی و خونین روی زمین افتاده است. هر جای بدن او پر از ترکش و زخم است. حالا یک نفر هم با پوتین پایش را روی گلولی این زخمی گذاشته است. شما با اصرار از او می‌خواهید تا پایش را بردارد و او هم قبول می‌کند. حالا چه اتفاقی رخ داده است؟ زخمی درمان می‌شود؟ خیر، همه زخم‌ها سر جایش هست و تنها پوتین از روی گلولی او برداشته شده تا خفه نشود. وضع ما هم الان همین است.» تحلیلی که فرهاد نیلی، اقتصاددان و مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور، هفته اول مردادماه در حاشیه نشستی در اتاق تهران درباره دوران پساتحریم ایران ارائه داد، یک ماه بعد در صحبت‌های عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی تکرار شد. آخوندی قبل از پرده برداشتن از بدهی ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت گفته بود: «همه ما واقفیم که شرایط پساتحریم به معنی حل مشکلات ساختاری اقتصاد نیست؛ تحریم به معنی این است که فردی دست و پایش شکسته است و فردی دیگر گلولی او را می‌فشارد؛ حالا با رفع تحریم‌ها فشار از گلو برداشته شده، ولی آیا دست و پای شکسته درمان خواهد شد؟ البته همین که فشار برداشته شود امکان درمان و زندگی بهتر نیز فراهم خواهد شد.» آخوندی این مقدمه را پیش از صحبت از طرح‌های دولت برای تسویه بدهی پیمانکاران بخش خصوصی چیده بود. صحبت‌های وزیر راه و شهرسازی، جدیدترین اظهار نظر یک مقام دولتی در این مورد است. او درباره نحوه تسویه بدهی‌ها گفته است: «تدبیری که دولت برای حل مشکل بدهی‌های خود اندیشیده ایجاد بازار بدهی با استفاده از انتشار اوراق بهادار و واگذاری آن به طلبکاران است تا با خرید و فروش این اوراق بتوانند آنها نیز بدهی‌های

۳۰۰

هزار میلیارد تومان

بدهی دولت به
پیمانکاران بخش
خصوصی

۱۶۲

هزار میلیارد تومان

بدهی وزارت نفت
به پیمانکاران بخش
خصوصی

مصارف بودجه کل کشور طی سال‌های ۹۳ و ۹۴ (ارقام به میلیارد ریال)			
عنوان	قانون ۹۳	لایحه ۹۴	تغییرات (درصد)
هزینه‌های	۱,۴۹۳,۳۲۵	۱,۶۶۰,۱۸۶	۱۱,۲
تملك دارایی‌های سرمایه‌ای	۴۱۲,۵۰۹	۴۷۷,۶۹۴	۱۵,۸
تملك دارایی‌های مالی	۲۰۵,۸۲۶	۱۰۵,۷۳۴	-۴۸,۶
از محل درآمدهای اختصاصی	۲۳۸,۴۲۵	۴۲۹,۹۶۴	۸۰,۳
مصارف شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و موسسات انتفاعی	۵,۹۷۱,۲۵۸	۵,۹۶۶,۶۷۰	-۰,۱
بودجه کل کشور	۸,۰۳۳,۴۸۵	۸,۳۷۹,۰۷۵	۴,۳

بدهی بخش دولتی به بانک‌ها در دولت دهم								
سال ۸۹	درصد تغییر	سال ۹۰	درصد تغییر	سال ۹۱	درصد تغییر	سال ۹۲	درصد تغییر	
بدهی بخش دولتی	۳۳۰٬۷۵۹٬۰۳	۴۴	۴۱۹٬۵۶۷٬۴	۲۶٫۸	۵۹۶٬۰۸۲٬۳	۴۲٫۱	۷۵۸٬۵۶۴٫۱	۲۷٫۳
دولت	۲۹۵٬۸۹۶٫۶	۵۳٫۶	۳۹۴٬۵۹۸٫۱	۳۳٫۴	۵۶۷٬۳۷۵٫۰	۴۳٫۸	۷۲۷٬۴۹۹٫۸	۲۸٫۲
شرکت‌ها و موسسات دولتی	۳۴٬۸۶۲٫۷	۵۸-	۲۴۹۶۹٫۱	۲۸٫۴-	۲۸۷٬۰۷۳	۱۵٫۰	۳۱۳۴۳٫۳	۹٫۱

یخ زدگی صنعتی

در کارنامه مجوزهای صنعتی چه گذشت؟

بهاره چراغی

کارنامه صدور مجوزهای صنعتی در چهار ماه منتهی به تیرماه مردود است. جدیدترین آمارهای منتشر شده از وزارت صنعت، معدن و تجارت منفی بودن صدور این مجوزها را نشان می دهد. این در حالی است که براساس آمار اعلام شده، حتی توافق ایران با شش قدرت جهانی نیز نتوانسته روند کاهشی صدور مجوز را که از ماه های پیش آغاز شده بود بهبود بخشد. کارشناسان و فعالان صنعتی امیدوار بودند که با حصول نتایج مذاکرات روند صدور مجوز و سرمایه گذاری صنعتی نیز بهبود پیدا کند، امیدی که با گذشت نزدیک به دو ماه از توافق ایران با گروه ۵+۱ در تیرماه نسبت به خردادماه نیز تکرار شد. براساس آمار اعلام شده در تیرماه، در مجموع ۱۲۹۸ فقره جواز تاسیس صنعتی در کشور صادر شد که این میزان در ماه ماقبل آن افت بیش از ۹ درصدی را تجربه کرده است. آمار اعلام شده بیانگر آن است که مجوزهای صادر شده در خردادماه برابر با ۱۴۳۳ فقره بوده است.

افت پشت افت

روند منفی صدور جواز تاسیس صنعتی تنها منحصر به تیرماه نبوده به طوری که در چهار ماه ابتدایی سال جاری صدور جواز تاسیس صنعتی با افت نزدیک به ۹ درصدی همراه بوده است. مجوزهای صادر شده در این مدت برابر با ۴ هزار و ۹۵۳ فقره بوده و این در حالی است که در مدت زمان مشابه سال قبل در مجموع ۵ هزار و ۴۳۵ فقره جواز تاسیس صنعتی صادر شده بود. از سوی دیگر اگرچه روند صدور جواز صنعتی در تیرماه کاهشی بوده، اما سرمایه پیش بینی شده برای این بخش در این مدت روندی مثبت داشته است. در تیرماه در مجموع بیش از ۱۱۵ هزار میلیارد ریال سرمایه برای مجوزهای صنعتی صادره پیش بینی شد که این رقم در مقایسه با بیش از ۷۱ هزار میلیارد ریال سرمایه گذاری پیش بینی شده در مدت مشابه سال قبل رشدی نزدیک به ۶۲ درصد داشته است.

اشتغال روی مدار منفی

علاوه بر مجوز و سرمایه پیش بینی شده صنعتی در چهار ماه منتهی

حتی توافق ایران با شش قدرت جهانی نیز نتوانسته روند کاهشی صدور مجوز را که از ماه های پیش آغاز شده بود بهبود بخشد. کارشناسان و فعالان صنعتی امیدوار بودند که با حصول نتایج مذاکرات روند صدور مجوز و سرمایه گذاری صنعتی نیز بهبود پیدا کند

به تیرماه میزان اشتغال پیش بینی شده نیز روندی کاهشی داشته، به طوری که در این مدت برای ۱۰۶ هزار و ۹۱۲ نفر اشتغال پیش بینی شده بود. این در حالی است که در مقایسه با مدت زمان مشابه سال قبل افت حدود ۲۶ درصدی داشته است؛ اشتغال پیش بینی شده برای این بخش در چهار ماه نخست سال گذشته برابر با ۱۴۳ هزار و ۸۱۵ نفر بوده است. در تیرماه نیز اشتغال پیش بینی شده نسبت به ماه ماقبل آن روندی منفی داشت، در این ماه در مجموع برای ۲۵ هزار و ۹۴۰ نفر شغل پیش بینی شد و این در حالی است که در تیرماه سال گذشته در مجموع ۳۰ هزار و ۴۵۹ نفر شغل مد نظر قرار گرفته بود که این امر از افت نزدیک به ۱۴ درصدی اشتغال در مجوزهای صنعتی حکایت دارد. علاوه بر تعداد مجوزهای صادره برای پروانه های بهره برداری صنعتی ایجاد در مدت زمان مورد بررسی، مجوزهای صادره برای پروانه بهره برداری صنعتی نیز با افت همراه بوده، به طوری که در تیرماه سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال قبل شاهد افت بیش از ۳ درصدی در صدور پروانه های بهره برداری بوده ایم. در این مدت تعداد پروانه های بهره برداری صنعتی ایجاد شده برابر با ۴۲۳ فقره بوده و این در حالی است که در مدت زمان مشابه سال قبل نیز ۴۴۷ فقره پروانه های بهره برداری صنعتی ایجاد شده بود. بررسی روند پروانه های بهره برداری صنعتی ایجاد شده در چهار ماه منتهی به تیرماه در سال جاری نیز بیانگر افت ۱۰ درصدی این بخش بوده است.

شاخص هایی که در سرازیری اند

علاوه بر جواز تاسیس و پروانه بهره برداری صنعتی در مدت زمان مورد بررسی مجوزهای صادره برای گواهی اکتشاف نیز با افتی در حدود ۱۱ درصد در تیرماه همراه بوده است. افت صورت گرفته در این بخش در چهار ماه منتهی به تیرماه نیز تکرار شده به طوری که با صدور ۱۸۲ فقره گواهی کشف در چهار ماه منتهی به تیرماه در مقابل ۲۳۹ فقره گواهی کشف صادره در مدت زمان مشابه سال قبل افتی نزدیک به ۲۴ درصد تجربه شد. مجوزهای صادره در بخش پروانه اکتشاف نیز در تیرماه با افت ۱۶ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل همراه بوده است. در چهار ماه منتهی به تیرماه نیز پروانه اکتشاف صادره افت بیش از ۲۰ درصدی داشته است. از سوی دیگر پروانه بهره برداری معدنی صادره نیز با وجود رشد بیش از ۳۸ درصدی در تیرماه در مجموع چهار ماه منتهی به تیرماه افتی ۳۹ درصدی را تجربه کرد. رشد این بخش در تیرماه را می توان به فال نیک گرفت تا شاید در ماه های آینده روند منفی این بخش جبران شود. مجوز برداشت نیز که در تیرماه سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال قبل رشدی نزدیک به ۱۵ درصد را تجربه کرد در مجموع چهار ماه با افتی بیش از ۴۱ درصد همراه بود.

اما مجوز واحدهای صنفی صادره در چهار ماه منتهی به تیرماه تنها بخشی است که از گزند روند منفی در امان بوده، به طوری که در تیرماه سال جاری در مجموع ۲۲ هزار و ۷۵۲ مجوز برای واحدهای صنفی صادر شد که در مقایسه با ۲۴ هزار و ۸۲۲ مجوز سال گذشته این بخش افت حدود هشت درصد را تجربه کرد.

تعداد مجوزهای صادر شده (فقره)						
نام مجوز	تیر ۹۴	خرداد ۹۴	درصد تغییر	۴ ماهه اول ۹۴	۴ ماهه اول ۹۳	درصد تغییر
جواز تاسیس	۱۲۹۸	۱۴۳۳	-۹,۴	۴۹۵۳	۵۴۳۵	-۸,۹
پروانه بهره برداری صنعتی	۴۳۳	۴۴۷	-۳,۲	۱۴۷۳	۱۶۳۲	-۱۰
گواهی کشف	۷۴	۸۳	-۱۰,۸	۱۸۲	۲۳۹	-۲۳,۸
پروانه کشف	۶۸	۸۱	-۱۶	۲۳۹	۳۰۰	-۲۰,۳
پروانه بهره برداری معدن	۷۶	۵۵	۳۸,۲	۱۸۳	۳۰۰	-۳۹
مجوز برداشت	۶۲	۵۴	۱۴,۸	۲۸۹	۴۹۳	-۴۱,۴
مجوز واحدهای صنفی	۲۲۷۵۲	۲۴۸۲۲	-۸,۳	۷۹۶۹۱	۶۸۱۲۵	۱۷
مجوز نمایندگی های خارجی	۱۲	۲۱	۴۲,۹	۶۱	۲۲۰	-۷۲,۳
کارت بازرگانی	۶۶۰	۶۶۳	-۰,۵	۲۲۹۴	۲۳۳۲	-۱,۶



ایجاد اشتغال ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر براساس برنامه راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت تا سال ۱۳۹۶ این روزها موضوع گپ صنعتی ها شده است؛ عددی که در سال ۱۳۹۹ باید به ۴ میلیون نفر برسد

ناگفته‌های اشتغال صنعتی

پیش‌ران راهبردی وزارت صنعت راه افتاد

ریز و درشت اشتغال صنعتی

پیش‌بینی‌های برای وضعیت اشتغال در ۱۰ سال آینده در حالی است که براساس آمار اعلام‌شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت از میان ۳۲ گروه فعالیت صنعتی، برای طرح‌های با پیشرفت صفر تا ۲۰ درصد، پیش‌بینی اشتغال برای ۲ میلیون و ۱۳۵ هزار و ۱۶۰ نفر صورت گرفته است. برای طرح‌های با پیشرفت فیزیکی ۲۰ تا ۴۰ درصد نیز پیش‌بینی ایجاد اشتغال برای ۲۵۷ هزار و ۲۰۶ نفر است. از سوی دیگر، برای طرح‌های دارای پیشرفت فیزیکی ۴۰ تا ۶۰ درصدی نیز ۱۸۹ هزار و ۳۴۱ فرصت شغلی پیش‌بینی شده که این میزان اشتغال برای طرح‌های با پیشرفت فیزیکی ۶۰ تا ۸۰ درصدی به میزان ۱۲۸ هزار و ۳۵۱ نفر است.

در گروه محصولات غذایی و آشامیدنی هانیز برای سال جاری اشتغال ۱۵ هزار و ۳۷ نفری برای طرح‌های با پیشرفت ۸۰ تا ۱۰۰ درصدی پیش‌بینی شده است. سومین گروه صنعتی با بیشترین پیش‌بینی اشتغال صنعتی با پیشرفت فیزیکی ۸۰ تا ۱۰۰ درصد به گروه ساخت فلزات اساسی اختصاص دارد؛ برای این گروه ایجاد فرصت شغلی برای ۱۲ هزار و ۸۵۲ نفری پیش‌بینی شده است. اما در طرح‌های با پیشرفت فیزیکی ۶۰ تا ۸۰ درصد نیز ساخت فلزات اساسی، سایر محصولات کانی غیر فلزی و محصولات غذایی و آشامیدنی‌ها بیشترین میزان پیش‌بینی اشتغال را به خود اختصاص داده‌اند. میزان اشتغال پیش‌بینی شده برای گروه ساخت فلزات اساسی بالغ بر ۲۵ هزار و ۴۲۸ نفر، در گروه سایر محصولات کانی غیر فلزی ۲۱ هزار و ۸۲۷ نفر و برای گروه محصولات غذایی و آشامیدنی هانیز ۱۶ هزار و ۸۳ نفر بوده است.

ایجاد اشتغال ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر براساس برنامه راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت تا سال ۱۳۹۶ این روزها موضوع گپ صنعتی‌ها شده است؛ عددی که در سال ۱۳۹۹ باید به ۴ میلیون نفر برسد و تا سال ۱۴۰۴ نیز پیش‌بینی شده که میزان اشتغال این بخش به ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر خواهد رسید. این در حالی است که برای پیشبرد رشد اشتغال صنعتی مولفه‌های مختلفی در نظر گرفته شده و در این میان تولید بیشتر در برخی از صنایع به معنای زنده شدن توسعه اشتغال صنعتی خواهد بود. وزارتخانه گرفتار صنعت و معدن و تجارت برنامه‌ای راهبردی در سر می‌پروراند که در راس آن برخی از تولیدات صنایع مانند شیمیایی، فلزات اساسی و وسایل نقلیه جزو یک تازان و توسعه‌آفرینان اصلی اشتغال صنعتی به شمار می‌آیند. از دیدگاه وزارتخانه مذکور این به این معنا خواهد بود که این بخش هانیز، مانند سرمایه‌گذاری بیشتری برای رشد تولید در نتیجه ایجاد اشتغال هستند. براساس آمارهای اعلام‌شده بخش صنعت، معدن و تجارت بیش از یک سوم سهم اشتغال کل کشور را به خود اختصاص داده، از این رو با برنامه‌ریزی صحیح و تمرکز بر صنایع اشتغال‌زایی می‌توان علاوه بر حفظ وضع موجود و افزایش اشتغال بخش، به کاهش نرخ بیکاری کشور نیز کمک کرد.

همچنین بر اساس شاخص سهم اشتغال بخش بر مبنای اطلاعات کارگاه‌های ۱۰ نفر کارکن و بیشتر مرکز آمار ایران، رشته فعالیت‌های صنایع مواد غذایی و آشامیدنی، تولید محصولات کانی غیر فلزی، وسایل نقلیه زمینی، ریلی و دریایی (خودرو)، تولید فلزات اساسی، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی و تولید منسوجات به ترتیب بیشترین نقش را در اشتغال بخش داشته‌اند.

۱۲ پیش‌ران کدام‌اند؟

دوازده رشته فعالیت‌های صنعتی که بیشترین نقش را در شاخص‌های منتخب از جمله سهم ارزش افزوده، اشتغال‌زایی، صادرات، سهم از بازار، مزیت نسبی و زنجیره تامین نیز دارد، مشخص شده که در این خصوص می‌توان به صنایع تولید فرآورده‌های نفتی، مواد و محصولات شیمیایی، محصولات کانی غیر فلزی، وسایل نقلیه زمینی، ریلی و دریایی، معدن و استخراج معدنی، فلزات اساسی، صنایع پیشرفته، محصولات لاستیکی و پلاستیکی، مواد غذایی و آشامیدنی، ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی و تولیدی، نساجی و پوشاک و ماشین‌آلات مولد و انتقال برق اشاره کرد. علاوه بر برنامه راهبردی در بودجه سال جاری ۴ هزار میلیارد تومان منابع برای کمک به برنامه‌های اشتغال‌زاد در نظر گرفته شده تا به این طریق فرصت‌های شغلی بیشتری در عرصه فعالیت تولیدی (اعم از صنعت و معدن) ایجاد شود، رقمی که تزیق آن می‌تواند به خروج از رکود بخش تولید منجر شود.

صنعت، معدن و تجارت بیش از یک سوم سهم اشتغال کل کشور را به خود اختصاص داده، از این رو با برنامه‌ریزی صحیح و تمرکز بر صنایع اشتغال‌زایی می‌توان علاوه بر حفظ وضع موجود و افزایش اشتغال بخش، به کاهش نرخ بیکاری کشور نیز کمک کرد

پیش‌بینی اشتغال طرح‌های در دست اجرا به تفکیک گروه صنعتی					
گروه فعالیت پیشرفت (درصد)	۰-۲۰	۲۰-۴۰	۴۰-۶۰	۶۰-۸۰	۸۰-۱۰۰
کشاورزی	۹۰۹	-	-	-	۱۵
استخراج سایر معادن	۱۵۶۸۶	۵۱۳	۲۰۳	۳۳۶	۶۷۳
محصولات غذایی و آشامیدنی	۳۴۸۵۶۷	۳۷۹۹۸	۲۷۸۱۶	۱۶۰۸۳	۱۵۰۳۷
منسوجات	۸۴۳۵۴	۱۰۸۳۰	۱۶۰۹۸	۱۳۵۱۶	۹۷۱۴
کاغذ و محصولات کاغذی	۶۱۳۳۲	۶۷۶۲	۴۱۷۷	۳۹۷۵	۳۳۵۸
محصولات پتروشیمی	۱۶۴۱۵۲	۲۷۷۹۵	۱۳۵۸۲	۷۳۳۸	۱۱۶۴۹
پلاستیک و لاستیک	۱۳۹۶۴۴	۱۵۴۳۵	۱۳۴۲۴	۷۷۶۹	۶۸۲۵
کک و فرآورده‌های حاصل از نفت	۵۴۳۷۵	۳۴۱۱	۲۱۸۱	۲۵۰۶	۸۴۱۸
فلزات اساسی	۲۵۳۱۱۷	۴۱۷۱۲	۲۸۱۶۷	۲۵۴۲۸	۱۲۸۵۲
ماشین‌آلات و تجهیزات	۱۰۵۶۱۳	۱۱۱۶۸	۱۲۰۷۷	۵۲۴۰	۶۶۷۲
منبع: آمار مقدماتی دفتر آمار و فراوری داده‌ها					

تولیدی تولید

چهار ماه به روایت آمار

کمباین، نخ فلامنت پلی استر، انواع سواری، نخ سیستم پنبه‌ای و ترکیبی الیاف مصنوعی و کامیون کشنده بیشترین رشد تولید را تجربه کرده‌اند. رشد چهار ماهه این محصولات در حالی است که تمام این محصولات در تیرماه نسبت به خردادماه افت تولید داشته‌اند.

آمار اعلام شده بیانگر آن است که تولیدکنندگان کمباین در این مدت رشدی حدود ۱۳۴ درصدی را ثبت کرده‌اند؛ رشدی که در تیرماه نسبت به ماه قبل نیز ۹۶ درصدی داشته است. نخ فلامنت پلی استر نیز که در مدت زمان مورد بررسی رشد حدود ۳۴ درصدی را ثبت کرده، در تیرماه نسبت به خردادماه با افت ۱۵ درصدی در تولید مواجه بوده است. اما خودرو سواری به عنوان سومین محصول که از آن در کنار فولاد خام و محصولات پتروشیمی به عنوان محصول استراتژیک یاد می‌شود نیز با وجود رشد بیش از ۱۷ درصدی در چهار ماه منتهی به تیرماه، در تیرماه نسبت به ماه قبل افت بیش از ۸ درصدی را تجربه کرد.

سراشیبی تولید

از سوی دیگر بر اساس آمار اعلام شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت میان ۱۹ محصول منتخب صنعتی که در مدت زمان مورد بررسی افت تولید را تجربه کردند، وانت، تراکتور، ماشین لباس شویی، الیاف اکریلیک و انواع تلویزیون تخت بیشترین افت تولید را تجربه کردند. بر اساس آمار اعلام شده وانت در مدت زمان مورد بررسی افتی حدود ۴۹ درصد را تجربه کرد و به این طریق بیشترین افت تولید را در مدت زمان مورد بررسی میان محصولات منتخب صنعتی به نام خود ثبت کرد. افت تولید این محصول در چهار ماه منتهی به تیرماه در حالی است که در تیرماه نسبت به خردادماه تولید کنندگان وانت توانستند به رشد نزدیک به ۵ درصد دست پیدا کنند. تراکتور دومین محصول صنعتی است که در مدت زمان مورد بررسی افت تولید حدود ۴۸ درصد را تجربه کرد. تولید تراکتور در تیرماه نسبت به خردادماه نیز با افت بیش از ۳۱ درصدی همراه بوده است.

نبض تولید کندتر شده و همچنان این رکود است که در صحنه رشد اقتصادی به خوبی در حال نقش آفرینی است. رکود که روزگاری با همتای خود، تورم جولان می‌داد حال تنها شده و تورم با رسیدن به نرخ ۱۵،۴ درصدی در لیست بهبود یافتگان شاخص‌های اقتصادی قرار گرفته است.

آمارهای اعلام شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت از وضعیت تولید ۳۰ محصول منتخب صنعتی در چهار ماه منتهی به تیرماه از تعمیق بیش از پیش رکود در بخش تولید حکایت دارد. افت تولید محصولات منتخب صنعتی در مدت زمان مورد بررسی در حالی است که وزارت صنعت در فصل بهار نسبت به شدت گرفتن این روند هشدار داده بود. بر اساس آمار اعلام شده در چهار ماه منتهی به تیرماه نسبت به مدت مشابه سال قبل از مجموع ۳۰ محصول منتخب صنعتی ۱۹ محصول افت تولید را تجربه کردند، این در حالی است که تولید این محصولات در تیرماه نسبت به خرداد سال جاری افت بیشتری را تجربه کرده است. بر اساس آمار اعلام شده در تیرماه ۲۱ محصول با افت تولید مواجه بوده‌اند و تنها ۹ محصول رشدی اندک را ثبت کردند. انتظار برای دسترسی به مواد اولیه ارزان قیمت و بعضاً تکنولوژی جدید از یک سو و انتظار خریداران برای کاهش قیمت دلایلی است که فعالان صنعتی افت تولید صورت گرفته در چهار ماه منتهی به تیرماه را به آن نسبت می‌دهند. فعالان صنعتی این وضعیت را نگران کننده توصیف و اعلام می‌کنند که با کاهش تدریجی تولید، مطمئناً دوباره صنعت کشور با رشد منفی روبه‌رو خواهد شد. تحریک تقاضا و اجرای سیاست‌های رکودزدایی از جمله راهکارهایی است که فعالان صنعتی معتقدند می‌تواند روند تولید را بهبود ببخشد.

صنعتگران پیشران

بر اساس آمار اعلام شده از سوی وزارت خانه محمدرضا نعمت زاده، از میان ۳۰ محصول منتخب صنعتی در چهار ماه منتهی به تیرماه

آمارهای اعلام شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت از وضعیت تولید ۳۰ محصول منتخب صنعتی در چهار ماه منتهی به تیرماه از تعمیق بیش از پیش رکود در بخش تولید حکایت دارد؛ از مجموع ۳۰ محصول منتخب صنعتی ۱۹ محصول افت تولید را تجربه کردند

آمار تولید کالاهاى منتخب صنعتی

نام محصول	واحد سنجش	تیر ۹۴	خرداد ۹۴	درصد تغییر	۴ ماهه اول ۹۴	۴ ماهه اول ۹۳	درصد تغییر
انواع سواری	هزار دستگاه	۸۴،۶۶	۹۲،۵	-۸،۵	۳۲۹،۰۵۵	۲۷۹،۸۵۲	۱۷،۵۸
وانت	هزار دستگاه	۷،۰۴	۶،۷	۴،۸	۲۲،۹۰۵	۴۴،۸۵۴	-۴۸،۹۳
کامیون کشنده	هزار دستگاه	۰،۶۷	۱،۱	-۳۷	۳،۸۷۴	۳،۴۴	۱۲،۶۲
کمباین	دستگاه	۱۱	۲۸۰	-۹۶،۱	۳۷۴	۱۶۰	۱۳۳،۷۵
تراکتور	دستگاه	۷۸۹	۱۱۴۵	-۳۱،۱	۳۸۲۹	۷۴۲۶	-۴۸،۴۴
روغن نباتی	هزار تن	۱۱۸،۲۹	۱۳۵،۱	-۱۲،۴	۴۸۵،۵۳۱	۴۸۲،۸۹۲	۰،۵۵
دارو	میلیارد عدد	۳،۳۰	۳،۳	-۰،۳	۱۱،۶۳۳	۱۱،۶۳۵	-۰،۰۲
لاستیک خودرو	هزار تن	۱۵،۸	۱۶،۱	-۶،۶	۶۲،۱۲	۷۵،۷۴	-۱۷،۹۸
کاغذ	هزار تن	۴۸،۲۳	۵۱،۶	-۶،۵	۱۸۸،۲۰۵	۲۰۰،۱۵۱	-۵،۹۷
نئوپان	هزار مترمکعب	۴۳،۲۲	۵۸،۹	-۲۶،۶	۲۵۲،۶۳۴	۳۴۵،۰۱۴	-۲۶،۷۸

منبع: آمار مقدماتی دفتر آمار و فراوری داده‌ها



ایران در مارا تن جهانی رشد تولیدات صنعتی با رشد ۹,۷ درصدی تولیدات در میان ۱۱۸ کشور جهان در رتبه هفدهم قرار گرفته است؛ در این رتبه بندی ایران گوی رقابت را از برخی غول های صنعتی ربوده و بالاتر از کشورهای مثل چین، انگلیس، آمریکا و فرانسه قرار گرفته است

سبقت ایران از غول های صنعتی

برنده مارا تن رشد تولیدات صنعتی چه کشوری است؟

ایران در مارا تن جهانی رشد تولیدات صنعتی با رشد ۹,۷ درصدی تولیدات در میان ۱۱۸ کشور جهان در رتبه هفدهم قرار گرفته است. این در حالی است که این بار ایران در این رتبه بندی گوی رقابت را از برخی غول های صنعتی ربوده و بالاتر از کشورهای مثل چین، ترکیه، انگلیس، آمریکا و فرانسه قرار گرفته است. اما در هفته دوم شهریور ماه اتاق تهران گزارشی مبنی بر رشد تولیدات صنعتی منتشر کرد که طبق آن توسعه تولیدات صنعتی بافت ۱۹ درصد همراه بود.

با این حال آمارهای منتشر شده از گزارش های بانک های مرکزی نشان می دهد ایران از نظر تولیدات صنعتی در سه ماهه نخست سال جاری میلادی در رتبه ۱۷ جهان قرار داشته است. در میان ۱۱۸ کشوری که آمار تولیدات صنعتی آنها در سه ماهه نخست ۲۰۱۵ مورد بررسی قرار گرفته تنها ۱۶ کشور رشد بیشتری نسبت به ایران در تولیدات صنعتی خود داشته اند.

از سوی دیگر رشد تولیدات صنعتی ایران که در پی تحریم ها به شدت کاهش یافته بود در سه ماهه نخست ۲۰۱۵ به ۹,۷ درصد رسیده است و به گفته برخی از کارشناسان این عدد می تواند شروع دوباره ای برای تولیدات صنعتی در کشور باشد. اما این موضوع پیش شرط هایی هم دارد که تامین نقدینگی لازم برای بنگاه های کوچک و متوسط می تواند از آن جمله باشد.

رکورددار رشد تولیدات صنعتی

تولیدات صنعتی ایران در سال های ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۵ به طور متوسط رشد ۶,۱۹ درصدی داشته است، رکورد رشد تولیدات صنعتی ایران مربوط به سه ماهه چهارم ۱۹۷۹ است. تولیدات صنعتی ایران در این دوره ۱۰۲,۸۲ درصد رشد داشته است. کمترین رقم رشد تولیدات صنعتی ایران مربوط به سه ماهه چهارم ۱۹۷۸ بوده که منفی ۶۱,۲۹ درصد گزارش شده است.

بر اساس گزارش بانک های مرکزی، نیچر بیشترین رشد تولیدات صنعتی در جهان طی سه ماهه نخست ۲۰۱۵ را داشته است. رشد تولیدات صنعتی نیچر در این دوره ۵۵,۵ درصد اعلام شده است.

مالی با رشد ۳۸,۲۸ درصدی در رتبه دوم و موزامبیک با رشد ۲۸,۷۷ درصدی در رتبه سوم از این نظر قرار گرفته اند. کشورهای قرقیزستان، ماکائو، برون دی، ایرلند، کوبا، مغولستان، و نیکاراگوئه به ترتیب رتبه های چهارم تا دهم را از نظر رشد تولیدات صنعتی در جهان طی سه ماهه نخست ۲۰۱۵ داشته اند.

در میان ۱۱۸ کشور جهان، ۳۸ کشور در سه ماهه نخست ۲۰۱۵ رشد منفی در تولیدات صنعتی خود داشته اند که از آن جمله عبارتند از: ایتالیا منفی ۰,۳ درصد، فنلاند منفی ۱,۱ درصد، سوئد منفی ۱,۹ درصد، کانادا منفی ۲ درصد، هلند منفی ۲,۶ درصد، روسیه منفی ۴,۷ درصد، و برزیل منفی ۸,۹ درصد.

رشد تولیدات صنعتی برخی کشورهای دیگر عبارت است از: دانمارک ۱۰,۶ درصد، چین ۶ درصد، ترکیه ۵,۵ درصد، اسپانیا ۴,۵ درصد، اردن ۳,۹ درصد، الجزایر ۳,۴ درصد، پاکستان ۲,۹۸ درصد، عربستان ۲,۷ درصد، استرالیا ۲,۷۱ درصد، انگلیس ۱,۷ درصد، آمریکا ۱,۳ درصد، فرانسه ۱ درصد.

توسعه یافته ترین کشورها

از سال ۱۹۶۱ سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی اروپا، با ارائه آمارهایی، وضعیت اقتصادی و روند پیشرفت و توسعه در کشورهای واقع در این حوزه را تشریح می کند. این سازمان حدود ۱۰ سال است که با بررسی و ارزیابی سایر شاخص هایی از جمله مسکن، امنیت و حتی محیط زیست وضعیت هر یک از این کشورها را مورد بررسی قرار می دهد. اولین تحقیقات صورت گرفته در اکتبر ۲۰۱۱ با در نظر گرفتن ۱۱ شاخص در ۳۴ کشور مورد بررسی قرار گرفت.

اما در آمارهای ارائه شده از سوی این سازمان بهترین کشورها برای کار کردن سوئیس در رتبه نخست کشورهایی قرار دارد که به راحتی می توان در آن کار یافت. نرخ اشتغال به میزان جمعیت رقم ۷۹ درصد را در این کشور نشان می دهد و نرخ بیکاری سالیان متمادی است که از ۱,۴۶ درصد تجاوز نکرده است.

سوئیس در این دو شاخص از برخی کشورها همچون ایسلند جلوتر رده است. سوئیس مشخصه های مهم دیگری نیز دارد و آن سهولت یافتن شغل برای جوانان است. از سویی ثابت کار در این کشور در بهترین وضعیت ممکن قرار دارد و حتی از استانداردهای سازمان توسعه و همکاری اروپا نیز جلوتر است.

فرانسه در شاخص کار در میان ۳۶ کشور در رتبه ۱۹ قرار دارد. نرخ اشتغال در فرانسه رقم ۶۴ درصد را نشان می دهد و میزان بیکاران بیش از یکسال با رقم ۳,۷۴ درصد این کشور را در لیست ۱۰ کشور مهم مورد مطالعه قرار داده بود. کشورهای سوئیس، هلند، نروژ، لوکزامبورگ و ایسلند در این شاخص در رتبه اول تا پنجم قرار دارند.

اما در انتهای این جدول کشورهای ترکیه، استونی، اسلواکی، اسپانیا و شیلی قرار دارند که نرخ اشتغال قابل توجهی ندارند و شاخص آنان در شرایط مطلوبی به سر نمی برد. این در حالی است که آمریکا با حقوق ۳۷۷۰۸ دلار (۲۹۸۲۸ یورو) درآمد خالص سالانه برای خانوارها، در رتبه اول بهترین درآمد ها قرار دارد. فرانسه به لحاظ سطح درآمد در رتبه دهم در اروپا قرار دارد، درآمد سالانه خانوارها به طور متوسط رقم ۲۱۹۹۰ یورو را نشان می دهد. ایالات متحده آمریکا، لوگزامبورگ، سوئد، بلژیک و کانادا به ترتیب رتبه های اول تا پنجم را در بالاترین درآمدها از آن خود کرده اند.

این در حالی است که برزیل، شیلی، ترکیه، مکزیک، استونی در قعر کشورهای با حقوق بالا قرار گرفته اند.

جدول رشد تولیدات صنعتی در ۵ کشور اول و آخر دنیا و بعضی کشورهای مطرح

کشور	رشد تولیدات صنعتی
نیچر	۵۵,۵
مالی	۳۸,۲۸
موزامبیک	۲۸,۷۸
قزاقستان	۲۱,۴
ماکائو	۲۰,۶
چاد	۱۴,۵
ایران	۹,۷
چین	۶
ترکیه	۵,۵
اسپانیا	۴,۵
مالزی	۴,۳
هند	۳,۸
عربستان سعودی	۲,۷
انگلستان	۱,۵
امریکا	۱,۳
فرانسه	۱
عراق	۰,۹
ونزوئلا	۰,۸۱
سنگاپور	-۰,۱۱
فیلیپین	-۰,۳
موریتانی	-۰,۵۳
برزیل	-۰,۸۹
مالاوی	-۱,۰۵

گشایش مرزهای اقتصادهای بزرگ اروپا به روی پناهجویان

بازار کار اروپا پناهگاه پناهجویان

اتحادیه پذیرفت که با بحران مهاجرت روبه‌رو است



پلیس مرزی اروپا به مهاجران غیر قانونی آب می‌رساند
عکس، Newsweek

حال، پناهجویانی که در هفته‌های اخیر در مجارستان معطل مانده بودند، به همراه تلاش رسانه‌ای فعالان حقوق بشر و پیدا شدن جسد کودک سه ساله اهل کوبانی در سواحل بدروم در ترکیه، اقتصادهای بزرگ اروپا مثل آلمان را وادار کرد که مرزهای خود را به نام انسانیت بگشایند و پناهجویان را به داخل راه دهند.

قاره اروپا در یک سال اخیر مدام در حال بحث درباره بحران مهاجرت بوده اما هیچ‌گاه مثل هفته‌های اخیر، در دنیای واقعی این بحران را لمس نکرده بوده است. از زمان جنگ داخلی یوگسلاوی در دهه ۱۹۹۰، اروپا هرگز شاهد این همه پناه‌جو نبوده و حتی کسانی گفته‌اند که از زمان جنگ جهانی دوم به این سو، چنین تعداد پناه‌جو و مهاجری بی سابقه بوده است. در هر



پذیرفتن بحران مهاجرت توسط اروپا

رک‌گویی مجارستان اتحادیه اروپا را به واکنش واداشت و در اینجا نیز آلمان نقش محوری دارد

در حالی است که تنها در همین امسال حدود ۳۵۰ هزار پناه‌جواز کشورهای یونان و ایتالیا خود را به اروپا رسانده‌اند و شانس خود را امتحان می‌کنند تا بلکه بتوانند در جایی از این قاره ساکن شوند. اتریش و آلمان در ۱۴ مهر ماه مرزهای خود را به روی هزاران نفر از مهاجران جان به لب رسیده باز کردند. چند قدم مانده به مرز اتریش، پناهجویان غرق در باران، با اتوبوس‌های تندرو و قطار به سرعت در حال رفتن به وین هستند؛ جایی که کسانی می‌گویند از آنجا به سوی آلمان هدایت خواهند شد. آلمان در اولین روز باز کردن مرزهایش، اعلام کرد که بیش از ۱۰ هزار نفر از پناهجویان را اسکان خواهد داد. اما در روزهایی که اروپا تحت فشار پذیرش پناهجویان در بحران مهاجرت بی‌سابقه از جنگ یوگسلاوی در دهه ۱۹۹۰ به این طرف است، انتظار می‌رود که تعداد افراد بسیار بیشتری از مرز رد شوند.

نیمه شبی که دولت مجارستان پناهجویان را با حدود ۱۰۰ اتوبوس به مرز اتریش و آلمان رساند، بوداپست، پایتخت این کشور، تقریباً خالی از مهاجران شده بود، اما ایستگاه راه‌آهن دوباره پر از پناهجویان جدیدی شد. صدها نفر با پای پیاده نیز به سمت مرز اتریش حرکت کردند. در اوج ساعت‌هایی که مقامات مسئول در مجارستان مانع سوار شدن تعدادی از مهاجران به قطاری که در آلمان می‌رفت شده بودند، تقریباً در ایستگاه کلتی در بوداپست یک درگیری شدید رخ داد. بیرون از ایستگاه، مهاجران شعار می‌دادند: «آلمان، آلمان». در بحران مهاجرت تابستان امسال، برای چندمین بار آلمان خود را در مرکز داستان پرماجرای اروپا یافت؛ همان‌طور که در بحران تمام‌نشدۀ بدهی یونان و تقابل با روسیه بر سر اوکراین نیز همین نقش را داشت. آلمان با ثروت و قدرت فراوان خود و در غیاب رهبری بروکسل و دیگر دولت‌های اتحادیه اروپا، نقش رهبری این قاره را بر عهده گرفته است. در حالی که آلمان تقلاً می‌کند که یک اتفاق نظر برای بحران مهاجرت پیدا کند، یک تحرک مشابه نیز به موازات آن جریان دارد؛ برلین سرکای خود را به این سمت سوق می‌دهد که با قوانینی زندگی کنند که هیچ‌کس راغب نیست از آنها تبعیت کند. این تنش که از جهتی، به وسیله وادعای بحران مهاجرت و یونان درست شده، دو سوی یک مسئله واحد هستند. در یونان که بزرگ‌ترین بدهکار در اتحادیه اروپاست، مردم این کشور با اعتبار آلمان حمایت می‌شوند و از سوی دیگر، وقتی که اقتصاد این کشور به بحران منجر می‌شود، آلمان کشوری است که به شدت انتظار دارد سیاست‌های ریاضت اقتصادی در یونان اعمال شود. به طور مشابه، مردمی که در کشورهای شرقی اروپا زندگی می‌کنند، این اجازه را دارند که با اتصال به اروپا، به بازارهای آلمان دسترسی داشته باشند اما وقتی که بحث بحران مهاجرت پیش می‌آید، همین آلمان است که از کشورهای اروپای شرقی می‌خواهد تعداد مهاجران را محدود کنند و به غیراروپایی‌ها اجازه ورود به اروپا را ندهند. کریستوفر شولت، تحلیل‌گر در روزنامه اشپیگل می‌نویسد: «ماجرای اوکراین، بحران یونان و مسئله مهاجرت، نشان می‌دهد که آلمان چقدر در اروپا قدرتمند شده و چقدر دولت آلمان نقش مرکزی در پاسخ به سوالات بزرگ اروپا دارد.» اما مسئله اینجاست که شولت می‌گوید فکر نمی‌کند که مقامات آلمان، به خصوص صدراعظمش، از داشتن این نقش راضی نیستند و ترجیح می‌دهند که دیگران در این رهبری مشارکت داشته باشند.

منابع: اکونومیست، رویترز، نیویورک تایمز

در چند هفته گذشته، مجارستان به عنوان خط مقدم بحران مهاجرت در اروپا ظاهر شد. نخست‌وزیر این کشور که تلاش می‌کرد تمایلات شهروندانش را نمایندگی کند، تا مدت‌ها اجازه انتقال مهاجرانی را که از جنگ داخلی سوریه فرار کرده بودند یا از جاهای دیگر خود را به یونان و سپس مجارستان رسانده بودند، نداد. امسال این کشور به یک خط ارتباطی مهاجران تبدیل شده است. این مهاجران امیدوار بودند که از مجارستان به کشورهای نظیر آلمان یا سوئد بروند اما در ایستگاه راه‌آهن بوداپست روزها سرگردان مانده بودند و اجازه حرکت به سمت غرب اروپا را نداشتند. مسئله این بود که دولت مجارستان تلاش می‌کرد مهاجران را وادار کند فرم‌های مهاجرت و پناهندگی را برای ادامه مسیر خود پر کنند اما بی‌نظمی و اختلالی که در آنجا راه افتاده بود، اجازه این چنین فرآیندهای اداری را نمی‌داد. اتفاق بسیار مهمی که رخ داد، این بود که کودکی سه‌ساله، غرق شده در سواحل ترکیه پیدا شد که اهل کوبانی بود و پدر و مادرش برای مهاجرت به کانادا، سوار قایق شده بودند اما نهایتاً آب جسد کودک را به ساحل ترکیه رسانده بود. عکس کودکی که دمر روی زمین افتاده بود و موج‌ها از رویش رد می‌شدند، به سرعت در رسانه‌های جهان و شبکه‌های اجتماعی بازتاب یافت و خشم عمومی را برانگیخت. فشار افکار عمومی به حدی بود که کشورهای اروپایی که مهاجران را در مجارستان معطل نگه داشته بودند، باید سریعاً تصمیم می‌گرفتند. نهایتاً آلمان و اتریش که همسایه مجارستان است، مرزها را باز کردند و پس از حدود یک سال بحث و جدل در اتحادیه اروپا بر سر مهاجرت و کشته شدن و دستگیری بسیاری از مهاجران غیرقانونی که از یونان به اروپا می‌آیند، اروپا پذیرفت که با بحرانی در زمینه مهاجرت روبه‌رو است. نخست‌وزیر مجارستان، ویکتور اوربن، به همراه بسیاری از کشورهای اروپای شرقی، با پذیرش مهاجران در اتحادیه اروپا مخالف هستند. با این حال، بسیاری از رهبران اروپایی مثل آلمان و کمیسیون اروپا با این کار موافق‌اند و اعلام کرده‌اند که میزان جابجایی برای پناهجویان را در کشورهای مختلف اروپایی افزایش خواهند داد و امسال به ۱۶۰ هزار مورد خواهند رساند. این

ماجرای اوکراین، بحران یونان و مسئله مهاجرت، نشان می‌دهد که آلمان چقدر در اروپا قدرتمند شده و چقدر دولت آلمان نقش مرکزی در پاسخ به سوالات بزرگ اروپا دارد



پناهجویان منتظر سوار شدن به قطار به مقصد غرب اروپا/ عکس: رویترز



تأثیر کاهش رشد اقتصادی چین در هزینه کردن یا سرمایه گذاری برای تقاضا در طول زمان مشخص خواهد شد. بنابراین به جای پیش بینی آژانس بین-المللی انرژی که گفته است تقاضای نفت در سال جاری و سال آینده ۳۵۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد داشت، تخمین زده شده است که تقاضای نفت امسال ثابت بماند و در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ نیز به میزان ناچیزی افزایش یابد.

چرخه بازار نفت چقدر طول می کشد؟

کاهش مازاد تولید و رسیدن به تعادل عرضه و تقاضا دست کم پنج سال زمان می برد



نیک باتلر
تحلیل گر بازار نفت

بازار و باقی ماندن قیمت نفت در حدود بشکه ای ۵۰ دلار که به روشنی نشان دهنده یک روند کاهشی از شش ماه گذشته بوده، از تولید نفت در آمریکا یا هر جای دیگری خواهد کاست؟ در مورد نفت شیل، تولید خیلی منعطف است و به سادگی می تواند کاهش پیدا کند. مسئله اینجاست که آیا تولید نفت می تواند هزینه ۴۰ تا ۴۵ دلاری برای استخراج هر بشکه نفت را پوشش بدهد؟ کسی نمی تواند در این باره مطمئن باشد اما باید گفت که هزینه های تولید نفت شیل در آمریکا تا دو سال آینده ۲۰ درصد کاهش خواهد یافت. ماجر از زاویه تقاضا چطور است؟ آژانس بین المللی انرژی تخمین زده است اقتصادهایی که دارای رشد بیشتری هستند، تولید خود را در نیمه دوم امسال و در طول سال ۲۰۱۶، کاهش دهند. اما این پیش بینی قبل از اطمینان از کاهش رشد اقتصادی در چین انجام شده بود و حالا به کار نمی آید. در بسیاری از سال های دهه گذشته، چین به موتور رشد اقتصاد جهان، نه تنها در آسیا بلکه در کشورهای بزرگ غربی مثل آلمان، تبدیل شده بود. در بازار نفت، چین همچنان منبع عمده رشد تقاضای نفت باقی خواهد ماند؛ در حالی که تقاضا در آمریکا، اروپا و ژاپن بدون تغییر و حتی نزولی خواهد بود. اگر ریاض با سیاست های فعلی جلو برد، دست کم در دو سال آینده مازاد کنونی تولید بر تقاضا ادامه خواهد یافت. اگر عرضه و تقاضا در بازار نفت به تعادل هم برسند، بازار باید با ارزش سهام در بازارهای بورس دست و پنجه نرم کند. بنابراین چرخه بازار نفت تنها زمانی باز خواهد گشت که به تاخیر انداختن پروژه های نفتی جدید در تولید کل تأثیر داشته باشد. در حال حاضر بسیاری از پروژه های نفتی با تاخیر مواجه اند و در ماه های آینده نیز به این میزان افزوده خواهد شد. اما تا پروژه های در حال تولید نفت از کار بیفتند و پروژه های به تاخیر افتاده مورد نیاز باشند، دست کم پنج سال طول خواهد کشید.

منبع: فایننشیل تایمز

نفت اکنون در دوره مازاد تولید، یک کالا با قیمت چرخه ای است. بر اساس گزارش اخیر آژانس بین المللی انرژی، اختلاف عظیم تولید نفت با مصرف آن در سطح جهانی که به ۲ میلیون بشکه در روز رسیده، دلیل اصلی سقوط قیمت نفت در فصل دوم سال جاری بوده است. سوال تولید کنندگان، مصرف کنندگان و سرمایه گذاران این است که چقدر طول خواهد کشید تا قیمت ها دوباره بالا برود؟ نکته اساسی این است که بازار نفت متعادل، در هر زمانی با تصمیم های سیاسی به هم ریخته است. عربستان سعودی برای رسیدن به بیشترین سهم بازار و مواجه کردن دیگران با بیشترین ضررها، برای حفظ ثبات در منطقه و پادشاهی خود، ممکن است که تولید نفت خود را کاهش دهد و به موازنه جدیدی دست پیدا کند. عربستان تحت فشار شدید اعضای دیگر اوپک است اما ریاض همچنان از خود مقاومت نشان می دهد و به نظر می رسد که تولید در همین سطح در عربستان باقی بماند و ملک سلمان عبدالعزیز آل سعود و فرزندان، در آینده سیاست های کنونی خود را ادامه دهند. نگاه از زاویه تولید، این چشم انداز را به ما می دهد که دست کم تا دو سال آینده، تولید نفت افزایش داشته باشد. در ۱۲ ماه آینده، ایران به آهستگی تولید و صادرات نفت خود را افزایش خواهد داد. این کار، حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار بشکه نفت را به تولید روزانه نفت جهان اضافه خواهد کرد. بریتیش پترولیوم و چند شرکت آمریکایی، تمایل فراوانی دارند که وارد ایران شوند و اگر تحریم ها برداشته شود، ایران بسیار مایل است که تولید و صادرات خود را بیشتر نیز افزایش دهد. براساس تخمین های احتیاط آمیز، تولید نفت ایران تا انتهای سال ۲۰۱۷، یک میلیون بشکه افزایش خواهد داشت. از سوی دیگر، به دلیل آشوب در لیبی و ناامنی در عراق، به خصوص در اقلیم کردستان تولید نفت در این نواحی افزایش نیافته است. اما حال سوال دیگری پیش می آید: آیا چند هفته ثبات در

تا پروژه های در حال تولید نفت از کار بیفتند و پروژه های به تاخیر افتاده مورد نیاز باشند، دست کم پنج سال طول خواهد کشید





چرا گوگل شرکت مادر «آلفابت» را درست کرد؟

بسیاری از ماموریت‌های برند یک موتور جست‌وجو با اهدافش همخوان نبوده است



کوین لین کِلر
استاد بازاریابی در کالج
دارتماوث

تاریخچه دو برند «استارباکس» و «ویرجین» درس گرفتند. آنها استراتژی خانه‌ای از برندها را پیش بردند؛ به این معنی که موتور جست‌وجوی گوگل در کنار دیگر برندها مثل عینک گوگل یا «گوگل پلی»، همه در یک خانه از برندها باشند که ترکیبی از برندهای مختلف با حوزه‌های کاری مختلف خواهد بود. این خانه از برندها همان شرکت مادر «آلفابت» است که حالا موتور جست‌وجوی گوگل زیرمجموعه آن است و باید گفت که حالا دیگر برندی با نام کلی گوگل وجود ندارد. استراتژی برند پیوندی غیر معمول نیست اما مهم است که اطمینان حاصل شود تمام جنبه‌های استراتژی برند به درستی در آن طراحی و پیاده‌سازی شده است.

اگر گوگل هر روز بیشتر از این حوزه دور شود و به حوزه‌هایی مثل خودروهای بدون سرنشین یا درمان بیماری‌ها وارد شود، میزان ارتباط این ماموریت‌های شرکت با آنچه برند برای آن تشکیل شده، دور تر و حتی حذف خواهد شد. در طول این سال‌ها، برند گوگل وارد حوزه‌هایی بسیار متفاوت شده است که معنا و فلسفه وجود برند را زیر سوال می‌برد و تشخیص هدف آن را با مشکل مواجه می‌کند. این اتفاق باعث سردرگمی در مشتریان و نیز تحلیل گران مالی خواهد شد. با ایجاد شرکت مادر «آلفابت»، برند گوگل استراتژی دوگانه خود را مرزبندی کرد و اجازه داد که هر دو شرکت، راه خود را بروند و دنیا‌های متفاوت خود را داشته باشند؛ «آلفابت» این اجازه را به گوگل خواهد داد که بیشتر از گذشته روی اهداف و ماموریت‌های خود تمرکز کند. این تمرکز شدید و مستقیم باعث خواهد شد که سود بیشتری به شرکای شرکت برسد و میزان سوددهی بالا رود و از سوی تحلیل گر مالی نیز با تشویق روبه‌رو شود.

این جدایی همچنین به «آلفابت» اجازه خواهد داد مثل یک چتر روی دیگر برندها باشد و هریک از برندها را مدیریت کند. این شرکت مادر، در پس‌زمینه هریک از برندهای جداگانه خواهد بود. اکنون اگر می‌خواهد روی خودروهای بدون راننده یا درمان بیماری‌ها کار کند، «آلفابت» می‌تواند آنها را نه به سوی گوگل بلکه به سوی شرکتی که اهدافش با این حوزه‌ها همخوان است، هدایت کند.

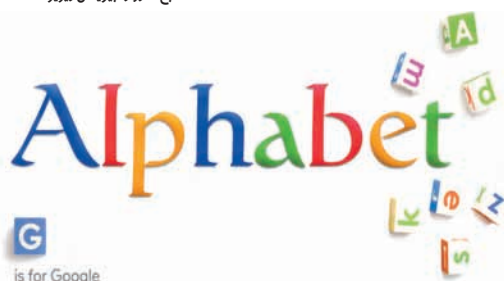
منبع: هاروارد بیزینس ریویو

برند گوگل یکی از باارزش‌ترین برندهای جهان است. در سال ۲۰۱۴، موسسه «اینترنت برند» ارزش گوگل را ۱۰۷،۴۳ میلیارد دلار ارزیابی کرد که تنها برند اپل را از نظر ارزش جلوی خود داشت. یک آدم منطقی ممکن است از خود بپرسد اگر گوگل یک برند به خوبی شناخته شده است، چرا با معرفی برند مادر آن که «آلفابت» باشد، باید پدر آب‌های گل آلود گذاشت؟ برای کمک به پاسخ دادن به این سوال، داستان دو برند دیگر یعنی «استارباکس» و «ویرجین» مفید خواهد بود. در ابتدای قرن جاری میلادی، «استارباکس» دو دهه رشد چشمگیر را پشت سر گذاشته بود و شروع کرد به فعالیت‌هایی که به حوزه کاری آن، یعنی فروش قهوه، مربوط نبود؛ مثلاً شرکت‌هایی تاسیس کرد که میلمان را به صورت آنلاین بفروشند.

نگرانی‌ها بر سر نبود تمرکز در این شرکت، باعث شد وال استریت به آن فشار بیاورد و سهامش به قدری کاهش پیدا کرد که در یک روز، ۲۸ درصد از ارزش سهام «استارباکس» کم شد و سرمایه‌گذاران ۲ میلیارد دلار ضرر کردند. نشانه‌های منفی که شرکت از بازار مالی گرفت، باعث شد که دوباره به حوزه سنتی خود یعنی فروش و سرو قهوه بازگردد. اما دوباره تلاش کرد که در حوزه‌های مختلفی که مربوط به قهوه بود، کار کند. مثلاً قهوه آماده تولید کند یا از راه دور با مشتریان خود تماس بگیرد. باز هم مشتریان این شرکت کم شدند و دوباره «استارباکس» ناچار شد که به ریشه‌های خود بازگردد و بر سرو قهوه تازه تمرکز و جبران مافات کند.

اما شرکت «ویرجین» به طور کلی با «استارباکس» متفاوت بود چون از همان ابتدا، در هفت حوزه مختلف کار می‌کرد و تمرکزش تنها بر یک حوزه نبود. حوزه فعالیت «ویرجین» از صنعت سرگرمی و لوازم لوکس تا مخابرات و سفر را شامل می‌شد. شعار شرکت این بود که به نیازهای مشتری پاسخ می‌دهد و حوزه‌هایی که مشتریانش در آن کالا یا خدماتی را می‌خواهند، در آنجا حاضر است تا احتیاجات مشتریان خود را تأمین کند. بنابراین چنین برندی با چنین هدفی، باید در حوزه‌های بسیار متنوعی فعالیت کند. این کار بسیار سخت بود و در عمل هم برای برند «ویرجین» مشکل ساز شد. مسئله اینجاست که این شرکت، محصولات را تولید می‌کند که مورد نیاز مشتریان خود نبوده و هیجان آنها بر نمی‌انگیزد. یک برند مثل یک حساب بانکی است که با ابتکارات و نوآوری‌ها به آن حساب پول ریخته می‌شود اما اگر محصولات بدی عرضه شوند، عملاً از آن حساب برداشت می‌شود و اگر جریان محصولات نامطلوب ادامه پیدا کند، این حساب مقروض خواهد شد. این اتفاق برای «ویرجین» رخ داد. مدیران گوگل با هوشمندی بسیار از

با ایجاد شرکت مادر «آلفابت»، برند گوگل استراتژی دوگانه خود را مرزبندی کرد و اجازه داد که هر دو شرکت، راه خود را بروند و دنیا‌های متفاوت خود را داشته باشند





یکی از کارشناسان ارشد صندوق بین‌المللی پول می‌گوید: «سال‌ها بعد، تلاش‌های اروپا برای تکروی به عنوان درسی در تاریخ آورده می‌شود. بچه‌ها می‌خوانند که همه مشغول بازی و سرگرمی بودند؛ در حالی که رم در حال سوختن بود.» به این ترتیب صندوق و اروپا هر کدام به مسیری رفته‌اند که نباید می‌رفتند.

نقش صندوق در ایجاد بحران یونان چه بود؟

ماجرای اجوبی‌های اشتباه صندوق بین‌المللی پول در دوره اشتراوس کان، مسیر اروپا را تغییر داد

مالی به یونان مخالفت کرده است. صندوق از اروپا می‌خواهد اجازه بدهد بدهی‌ها را با مقیاس جدیدی ساختار بندی کنند اما اروپا هنوز موافقت نکرده است. اکنون این وضعیت برای صندوق مشکل ساز شده است. واقعیت امر این است که کمک مالی به یونان از شیوع این مشکل در بازارهای مالی به صورت قطعی جلوگیری کرد. بسیاری از بانک‌های اروپایی از کسری‌های فاجعه‌بار نجات پیدا کردند. اما یونان هزینه گزافی پرداخته است. در حقیقت، کمک‌های مالی به کشوری صورت گرفته که همین الان هم نمی‌تواند بدهی‌های خود را پرداخت کند. یکی از دلایلی که صندوق بین‌المللی پول برای مشارکت در کمک مالی با مشکل مواجه بود این است که اروپا بدو تلاش می‌کند دست صندوق را از این ماجرا کوتاه کند. صندوق بین‌المللی پول به عنوان یک وام‌دهنده جهانی بعد از جنگ جهانی دوم به بعد، سعی کرده کشورهای مختلف جهان را به هم متصل کند. مشتریان اصلی صندوق نیز اغلب اقتصادهای نوظهور هستند که به وام‌هایی برای تغییرات ساختاری نیاز دارند. اما یونان با این اقتصادها فرق داشت؛ هر چند در میان اقتصادهای اروپا، اقتصاد یونان کوچک است اما کشور یونان در حوزه

صندوق بین‌المللی پول تصور می‌کرد به آن کمک می‌کند اما شواهد نشان می‌دهد تمامی برنامه‌های این سازمان اشتباه و همراه با نقص بوده است. بسیاری از مقامات صندوق بین‌المللی پول همیشه نگرانی‌هایی در مورد برنامه‌ها و کمک‌های مالی به یونان داشته‌اند. مثلاً اگر به نهم ماه می سال ۲۰۱۱ بازگردیم، می‌بینیم که ۲۴ مدیر صندوق بین‌المللی پول در واشنگتن دور هم جمع شدند تا در کنار دیگر موسسات اروپایی در کمک ۱۱۰ میلیارد یورویی (۱۲۵ میلیارد دلاری) مشارکت کنند. بررسی‌های رابرتز از صورت جلسه آن روز حاکی از آن است که در آن جلسه، اکثر مدیرانی که دور میز جمع شده بودند تا در این مورد تصمیم بگیرند، بر این باور بودند که برنامه یونان راه به جایی نخواهد برد. پائولو نوگویی‌راتیستا که بعداً مدیر نمایندگی صندوق در برزیل شد، گفت مانسیت به این رویکرد، تردید داریم. او نسبت به پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول انتقاد و آن را بسیار خوش‌بینانه تلقی کرد. آروین دورمانی مدیر وقت صندوق در هند نیز تأکید کرد که این برنامه «بار سنگینی» را بر دوش یونان خواهد گذاشت که اقتصاد این کشور از عهده پرداخت آن بر نخواهد آمد. اما این افراد و بسیاری دیگر که می‌ترسیدند صندوق بین‌المللی پول در باتلاق فرو برود، فضای کمی برای مانور داشتند. مدیران قدرتمند صندوق نظیر دومینیک اشتراوس کان و بسیاری از مشاوران او، وضعیت یونان را یک خطر جدی برای کل نظام حوزه یورو تلقی می‌کردند. آنها تصمیم خود را از قبل گرفته بودند و می‌خواستند وارد بحران بشوند. در صورت جلسه آمده است که متقابلاً پاسخ‌هایی به کسانی که تردید داشتند داده شد. پنج سال بعد، پس از بزرگ‌ترین کمک مالی تاریخ، یونان نتوانست ۱,۷ میلیارد دلاری را که باید تا پایان ماه ژوئن پرداخت می‌کرد، بپردازد. این نخستین بار بود که یکی از اقتصادهای توسعه‌یافته جهان نتوانسته بود وام خود را به صندوق بین‌المللی پول پرداخت کند. از آن بدتر این بود که اقتصاد یونان با وجود دریافت بیش از ۲۴۰ میلیارد یورو کمک مالی بین‌المللی، باز هم نتوانسته روی پای خود بایستد. در ماهی که گذشت، اروپا تصمیم گرفت کمک مالی ۸۶ میلیارد یورویی دیگری به این کشور بکند. مصاحبه‌ها و صحبت‌های بسیاری با بیش از ۲۰ مقام مسئول در این زمینه صورت گرفت که بی‌نظمی بر سر این تصمیم را تشدید کرد. اکنون گفته می‌شود در آن زمان، سهام‌داران غیراروپایی تردید خود را در مورد احتمال موفقیت یونان در بازپرداخت بدهی‌ها اعلام کردند اما از آنجا که تصمیمات به صورت سنتی از طرف اروپایی‌ها قطعی می‌شود، اشتراوس کان و مشاورانش تصمیم گرفتند این وام را بپردازند. البته کان اصرار دارد که در آن زمان چاره‌ای جز اجرای این تصمیم نداشتند.

صندوق قوانین جدیدی را وضع کرد تا از این معضل عبور کند. این سازمان، وام در قالب پول را به کشورهای مثل یونان که توان پرداخت بدهی‌های خود را نداشتند، تحریم کرد. همچنین به سیاستمداران اروپایی اجازه داد اقداماتی برای نجات یونان از بدهی‌ها و آغاز دوباره این کشور انجام دهند. در نهایت نیز به پیش‌بینی‌های اقتصادی برای تنظیم روابط سیاسی سامان داد. گفته می‌شود تمامی این اقدامات صندوق، برای جلوگیری از وسعت گرفتن بحران مالی یونان و سرایت آن به دیگر نقاط است.

در شرایط فعلی، صندوق بین‌المللی پول با مشارکت در آخرین کمک

کان (راست) و لاگارد رؤسای پیشین و کنونی صندوق بین‌المللی پول/عکس: رابرتز



یورو سهم دارد. پس برای اروپایی‌ها چندان قابل قبول نبود که این کشور از صندوق کمک بگیرد. در حقیقت آنها تلاش می‌کنند این مشکل را درون خانه خودشان حل کنند. در میان این کشورهای اروپایی، فرانسه بیشتر از بقیه با حضور و مشارکت صندوق مخالف بود. نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور سابق فرانسه، همیشه می‌گفت: «هیچ وقت به صندوق بین‌المللی پول اجازه نمی‌دهم به اروپا داخل شود.» کریستین لاگارد نیز با سارکوزی هم عقیده بوده است. لاگارد یک بار در مصاحبه با رابرتز گفته بود که امیدوار است اروپا بتواند با کمک خودش از عهده کارهایش بر بیاید.

بافتون، اقتصاددان و مورخ پیشین صندوق بین‌المللی پول، می‌گوید: «صندوق، امروز بعد از پنج سال به این حقیقت دست یافته است که مشکلات بدون تغییرات ساختاری در بدهی‌ها حل نخواهد شد. خوب است که امروز این حرف را می‌زنند اما باید خیلی زودتر و در سال ۲۰۱۰ به این نتیجه می‌رسیدند»

منبع: رابرتز

نیکولا سارکوزی،
رئیس‌جمهور
سابق فرانسه،
همیشه می‌گفت:
«هیچ وقت به
صندوق بین‌المللی
پول اجازه
نمی‌دهم به اروپا
داخل شود.»

موفقیت جهانی بانهادهای مختص حمایت از نوآوری

چطور نمایشگاه بزرگ ۱۸۵۱ هنوز هم بر فناوری و صنایع پیشرفته تاثیر می‌گذارد



نایجل ویلیامز

دبیر کمیسیون سلطنتی نمایشگاه ۱۸۵۱

شش میلیون نفر از کریستال پالاس که نمایشگاه بزرگ ۱۸۵۱ در آن برگزار شده بود، برای دیدن علم و فناوری پیشگام بازدید کردند. یکی از اولین نمایشگاه‌هایی که مردم و صاحبان صنایع را با فناوری‌های نوین آشنا کرد، نمایشگاه بزرگی بود که در سال ۱۸۵۱ در لندن برگزار شد. تولید سودی هنگفت از صنایع پیشرفته، با هزینه کردن برای نوآوری تا همین امروز ادامه دارد.

هر سال بیش از سه میلیون نفر از موزه علم بازدید می‌کنند و این نقطه، محبوب‌ترین مقصد در انگلستان است که به علم، فناوری و مهندسی اختصاص داده شده است. هنوز این آمار غرور انگیز است که در سال ۱۸۵۱، وقتی که نمایشگاه بزرگ علوم و فناوری در هاید پارک لندن برگزار شد، بین ماه‌های مه و اکتبر آن سال، حدود شش میلیون نفر از نمایشگاه بازدید کردند که معادل یک سوم جمعیت انگلستان در آن زمان به شمار می‌رفت. بازدید کنندگان از کریستال پالاس که در زمان خود اعجازی به شمار می‌رفت، با نمایش فناوری‌های پیشگام آن روزگار برخورد می‌کردند که شامل تلگراف الکتریکی، میکروسکوپ، یک نمونه ابتدایی از ماشین کپی، یک چراغ گردان برای فانوس دریایی و یک زیر دریایی ابتدایی می‌شد. این اولین و شاید تنها زمانی بود که تلاشی با این مقیاس بزرگ با هدف تبلیغ فناوری برای توده‌ها انجام می‌شد. این کار که به ابتکار پرنس آلبرت انجام شد، سودی به اندازه ۱۸۶ هزار پوند داشت که معادل ده میلیون پوند امروز می‌شود. کمیسیون سلطنتی نمایشگاه ۱۸۵۱ که یک سال قبل‌تر از آن، برای سازماندهی آن نمایشگاه تشکیل شد، بعد از آن نیز به کار خود ادامه داد تا سود به دست آمده از نمایشگاه را در نوآوری هزینه کند. پرنس آلبرت دستور داد که این پول‌ها برای افزایش راه‌های آموزش صنعتی و گسترش تاثیر علوم و هنر بر صنایع سودآور خرج شود.



اولین کاری که این کمیسیون انجام داد، این بود که زمینی در جنوب کنزینگتون خرید و در پنجاه سال بعدی، موزه بزرگ از تاریخ طبیعی و علم و نیز رویال کالج و امپریال کالج را در آنجا بنانهد. خیلی‌ها نمی‌دانند که با این که در اواخر قرن نوزدهم این موزه‌ها به دولت فروخته شد، کمیسیون سلطنتی برای نمایشگاه، صاحب این نقطه مهم از فرهنگ و نوآوری امروز انگلستان باقی ماند و همچنان کار خود را در زمینه صنعتی کردن علوم انجام می‌دهد. این بورسیه‌ها هنوز هم یک قرن بعد از آن ماجرا، با قدرت به کار خود ادامه می‌دهند و فهرستی طولانی و متنوع از دانشجویان را در خود جای داده‌اند. در میان یکی از اولین استفاده کنندگان از این بورسیه‌ها، فیزیک‌دان جوانی از نیوزیلند بود به نام ارنست رادرفورد که تحقیقات پیشرواش درباره ساختار مواد، سرانجام به اخذ جایزه نوبل شیمی منجر شد. تاکنون سیزده نفر از کسانی که بورسیه کمیسیون سلطنتی نمایشگاه ۱۸۵۱ بوده‌اند، موفق به دریافت جایزه نوبل در رشته‌های مختلف علمی شده‌اند. هر سال حدود ۲ میلیون پوند خرج بورسیه‌های جدید این نهاد می‌شود.

نمایشگاه بزرگ ۱۸۵۱ این هدف را داشت که نشان دهد فناوری کلید رسیدن به یک آینده بهتر است؛ عقیده‌ای که با نیروی بانگیزه پشت سر انقلاب صنعتی ثابت شده بود. میراث این نمایشگاه در ۱۵۰ سال گذشته با اختراع و نوآوری صدها تن از مخترعان و محققانی که بورسیه کمیسیون این نمایشگاه بوده‌اند، حمایت شده است و وضعیت را به گونه‌ای رقم زده است که امروزه شکی در این واقعیت نیست که انگلستان یکی از کشورهای پیشرو در زمینه تحقیق و توسعه (R&D) شرکت‌ها و صنایع است.

از دهه ۱۹۸۰ تاکنون، اولویت مهم کمیسیون سلطنتی نمایشگاه ۱۸۵۱ کمک به کسب و کارها بوده تا خروجی تحقیقاتی دانشگاه‌ها را در کنند و از آنها به طور انبوه در تولید صنعتی استفاده کنند. یکی از ناراحتی‌های آن زمان که نمایشگاه بزرگ برگزار می‌شد، این بود که صنایع با این که می‌توانستند اهمیت سرمایه‌گذاری را در تحقیقات فناوری ببینند، اغلب منابعی در اختیار نداشتند که تمام آزمایشگاه‌ها را خود دایر کنند یا به نیروهای انسانی واحدهای تحقیق و توسعه دستمزد تمام وقت بپردازند. همین مشکلات وجود داشت که کمیسیون سلطنتی تصمیم گرفت بورسیه‌های خود را راه بیندازد. این بورسیه‌ها باعث شدند که کسب و کارها با نیروهای تحقیقاتی در سطح دکتری در طول سه سال همکاری و هدف تولید، حق اختراع یا روندهای صنعتی نوآوری‌ها را دنبال کنند. همچنین هنوز هم به محققان اجازه داده می‌شود که در هر سال، یک سفر با هدف مطالعه تحقیقاتی داشته باشند.

این بورسیه‌ها به کسب و کارها نیز این فرصت را داده است که از نیروهای انسانی با استعداد خود حمایت کنند و از سود نوآوری فناوری‌ها و دسترسی به تحقیقات جهانی پیشرو که در اختیار دانشگاه‌هاست، بهره‌مند شوند.

منبع: گاردین



بازدید کنندگان از کریستال پالاس که در زمان خود اعجازی به شمار می‌رفت، با نمایش فناوری‌های پیشگام آن روزگار برخورد می‌کردند



آمریکا سالانه ۱۳۰ میلیارد دلار در زمینه تحقیق روی فناوری های جدید پزشکی سرمایه گذاری می کند که یک سوم این هزینه توسط دولت پرداخت می شود. نیمی از هزینه های تحقیقات پزشکی نیز با مشارکت کارخانه ها و مراکز داروسازی تامین می شود. در این کشور، هزینه مراقبت های بهداشتی با یک شیب ۱۰ درصدی در حال افزایش است.

ورود وسیع تر فناوری به کسب و کار سلامت

دکترها به زودی به صفحه نمایشی نزدیک شما می آیند



امروزه فناوری بیش از هر زمان دیگری به کمک پزشکی آمده است / عکس: رویترز

این جریانی است که از هر جهت می آید و جابجایی کار بسیار دارد. امروزه پزشکی از راه دور، با استفاده از مخابرات و فناوری اطلاعات و تکنولوژی های ارتباطی برای فراهم آوردن مراقبت سلامت و خدمات و حمایت از بیمار یا امدادگیرنده در زمانی که فاصله ای بین دو گروه پزشکی و گیرنده خدمات پزشکی وجود داشته باشد تعریف می شود. از جمله اهداف پزشک از راه دور بهبود مراقبت از بیمار، بهبود دسترسی و مراقبت پزشکی برای نواحی روستایی و محروم، دسترسی بهتر به پزشکان جهت مشاوره، در دسترس قرار دادن امکانات برای پزشکان جهت هدایت معاینات خودکار، کاهش هزینه های مراقبت های پزشکی، ایجاد خدمات مراقبت پزشکی در سطح جغرافیایی و جمعیتی وسیع، و کاهش نقل و انتقال بیماران به مراکز درمانی است. پزشکی از راه دور شامل مشاوره از راه دور، آموزش الکترونیکی، پایش از راه دور، جراحی از راه دور، درمان امراض پوستی از راه دور، تصویربرداری اولتراسوند از راه دور، آسیب شناسی از راه دور، و درمان اختلالات شناختی از راه دور است. پزشکی از راه دور تاحدی پیشرفت کرده است که امکان انجام جراحی از راه دور نیز به وجود آمده است. یعنی یک جراح در منطقه ای دورتر از بیمار در یک کشور با بهره گیری از ارتباطات اینترنتی بسیار قوی و زیرساخت های فنی دقیق، این امکان را می یابد که در یک اتاق جراحی در کشور دیگری، به وسیله ربات ها، عمل جراحی انجام دهد. سلامت و بهداری آنلاین، برای مشتریان، تجربه ای شبیه مراجعه به مراکز درمانی اورژانسی برای مشکلات کوچکی چون چرک کردن سینوس ها یا جوش های ریز پوستی است. کارن کوریگان، مشاور از نورفولک ویرجینیا، اولین بار سال گذشته از سرویس بهداشت آنلاین استفاده کرد، بعد از آن که دیروقت روز جمعه از یک سفر کاری بازگشت و احساس کرد دچار برونشیت شده است. او می گوید: «چیزی شبیه یک تبلیغ تجاری یا شبیه آن دیده بودم. فقط به اینترنت متصل شدم و به دنبالش گشتم.» پس از آن دفعه، این خانم ۶۱ ساله هنگامی که می داند با چه بیماری ای روبه روست، تنها از خدمات بهداشت آنلاین استفاده می کند. کوریگان می گوید: «قطعا وقتی بیماری جدی تری پیش بیاید، به مرکز مراقبت های اورژانس یا پیش یک پزشک جدید می روم.»

منبع: رویترز

هنگامی که سرماخوردگی های تابستانه خانوادهم را گرفتار کرد، به ضرب سوپ، دستمال کاغذی و تلویزیون سرپاشیدیم. ولی بعد از آن، تازه سرفه های من شروع به بدتر شدن کرد. چون بسیار کسل کننده بود که بخش قابل توجهی از روزم را صرف مراجعه به نزدیک ترین خدمات اورژانس یا پزشک خانوادگی کنم، کامپیوترم را روشن کردم و یک پزشک من را به صورت آنلاین ویزیت کرد. مراجعه به پزشک در دسترس تنها چند کلیک لازم داشت. کمتر از نیم ساعت بعد، نسخه من در داروخانه ام انتظار مرا می کشید. اینها سخنان کسی است که به تازگی از امکانات سلامت آنلاین استفاده کرده و شمار افرادی مثل او هر روز بیشتر هم می شود. این روزها شاهد هستیم که فناوری به سرعت به همه عرصه های کسب و کار وارد می شود و یکی از مهم ترین و البته حساس ترین این حوزه ها، فناوری سلامت و پزشکی است. بر اساس یک تحقیق توسط گروه ملی کسب و کار در بهداشت، ملاقات های دکتر آنلاین امسال به شدت بالا رفته است. سال گذشته، ۴۸ درصد از ۱۴۰ کارفرمای بزرگ شرکت کننده در آمارگیری های گروه ملی کسب و کار در بهداشت، گزینه مشاوره بهداشت تلفنی را برای شرکتشان فراهم کرده اند. پیش بینی شده است که در سال ۲۰۱۶، این تعداد تا ۷۴ درصد بالا رود. این حوزه، بخشی از یک صنعت در حال پیشرفت است که سرمایه خطرپذیر را جذب می کند و به گفته تاورز واتسون، مشاور کسب کار، پیش بینی می شود بیش از ۶ میلیارد دلار در سال در هزینه های بهداشتی شرکت های ایالات متحده صرفه جویی کند. شما نباید منتظر کارفرمایان یا شرکت بیمه برای فراهم کردن امکان ملاقات با پزشک مجازی بمانید، مهم ترین خدمات رسانی بهداشت تلفنی مانند «آمریکن ول» پزشک آنلاین، «ام دی لایو» و «تلاک» سرویس های آنلاین را با قیمتی حدود ۴۰ تا ۵۰ دلار برای هر جلسه ۱۵ دقیقه ای پیشنهاد می کنند.

«بهداشت آنلاین می تواند گستره ای از رفتارهای درمانی اولیه باشد، در جهت آزادسازی وقت پزشکان برای تمرکز بر مسائل پیچیده تر.» برایان مارکوت، نماینده و مدیر اجرایی گروه ملی کسب و کار در بهداشت، این را می گوید که سازمان متبوعش در وبسایت خود آن را به عنوان «یک سازمان غیر سودده صرفا علاقه مند به نمایش دادن دیدگاه کارفرمایان بزرگ در موضوعات مربوط به خط مشی بهداشت ملی» معرفی می کند.

بر اساس پیمایشی که توسط گروه ملی کسب و کار در بهداشت انجام شده است، شرکت هایی که خدمات بهداشت آنلاین را به کارمندان پیشنهاد می دهند نرخ هماهنگی خود را به سایر مراکز بهداشتی، ۱۲ درصد اعلام کرده اند. نزدیک به نیمی از شرکت ها این خدمات را در قالب برنامه بهداشتی خود پیشنهاد می دهند؛ در حالی که ۲۲ درصد آنها مستقیما با یک مشتری قرارداد دارند. فعالان کسب و کار بهداشت آنلاین رشد بسیار بزرگی را گزارش می دهند. برای نمونه، «آمریکن ول» رشدش را در سال ۲۰۱۴ نسبت به سال ۲۰۱۳ حدود ۱۱۰ درصد محاسبه کرده است و طبق اظهارات مدیر اجرایی، روی شون برگ، در سال ۲۰۱۵ قوی تر هم خواهد شد. ملاقات بیماران در «تلاک» بنا بر مستندات شرکت، از ۱۲۷ هزار نفر در ۲۰۱۳، به ۲۹۹ هزار نفر در ۲۰۱۴ رسیده است. دسترسی کنونی شرکت در بازار وسیع این کسب و کار ۱۰۰ میلیون نفر است. شون برگ می گوید

به گفته تاورز واتسون، مشاور کسب کار، پیش بینی می شود پزشکی از راه دور بیش از ۶ میلیارد دلار در سال در هزینه های بهداشتی شرکت های ایالات متحده صرفه جویی کند

رونق قاره آفریقا با استارت آپ‌های نسل جدید

کسب و کارهای نوپا در آفریقا کمک می‌کنند که درک از کسب و کار در قاره سیاه تغییر کند.



اندرو انگلند

رئیس دفتر فایننشیل تایمز در آفریقای جنوبی

همان طور که تعداد خودروهای خیابان‌های شهرهای آفریقایی به اندازه بی‌سابقه‌ای زیاد شده، تجارت در امتداد بزرگراه‌های شلوغ آنها نیز رونق گرفته است. دست‌فروش‌ها در بزرگراه‌ها همه چیز، از روزنامه و آب خنک تا سیم کارت تلفن همراه و سیگار را می‌فروشند. خودروها نیز اینچ به اینچ حرکت می‌کنند تا به مقصد برسند.

در مرکز شهرها و حاشیه‌های شهری، دهکده‌های سردستی درست شده، گستره وسیعی از جنس‌ها را به مشتریان عرضه می‌کنند؛ از میوه تازه و برنج تا شکر و پودر ماشین لباس‌شویی. چنین صحنه‌های متداولی، یکی از معمول‌ترین شکل‌های کسب و کار در آفریقا و کار آفرینی آفریقایی است. سهم غالب تجارت در این قاره در بخش‌های غیر رسمی انجام می‌شود و تاجران دست‌تنها به همین نوع از کسب و کار که از دستشان بر می‌آید، قناعت می‌کنند. سلومون اسامو، معاون رئیس بانک توسعه آفریقا، می‌گوید: «مردم به طور کلی میزان کار آفرینی‌ای را که در آفریقا اتفاق می‌افتد، دست‌کم می‌گیرند. میزان کار آفرینی به شدت بالاست، عمدتاً به این علت که در بسیاری از کشورها شبکه اجتماعی وجود ندارد یا این شبکه‌ها محدود هستند، بنابراین افراد باید راهی برای بقا پیدا کنند.»

با این که بخش غیر رسمی هنوز بر بخش رسمی اقتصاد غلبه دارد اما تعداد رو به افزایشی از کسب و کارهای رسمی در یک دهه گذشته در آفریقا رشد کرده‌اند و ملت‌های آفریقایی پشتیبانی از قیمت‌های افزایش یافته کالاها، همه‌گیری سریع کالاها، مصرفی و صنایع خدماتی را شدت بخشیده‌اند. این کسب و کارهای در حال رشد، نسل نوبی از کار آفرینان موفق آفریقایی را در مرکز توجه قرار داده است. در این میان، شناخته‌شده‌ترین کار آفرینان در نیجریه قرار دارند. الیکو دانگوت، ثروتمندترین مرد آفریقا، شرکت چندمنظوره صنعتی خود را بنا کرده که در آن، سیمان، شکر و آرد تولید می‌کند. همچنین در این میان، می‌توان به تونی الوملو اشاره کرده که حوزه فعالیت‌های کسب و کارش به خدمات مالی و برق مربوط است.

در شرق آفریقا، کار آفرینان کنیایی شامل کریس کیروبی، رئیس هیات مدیره برندهای مربوط به ببرها که کالاهای مصرفی تولید می‌کنند و همچنین ویمال شاه که مدیر عامل شرکت بیدکو سازنده روغن‌های خوراکی، غذای حیوانات و مواد پاک‌کننده است، به عنوان فعالان اقتصادی

دولت‌ها و

مؤسسات

توسعه‌ای به طور

روزافزونی نقش

بخش خصوصی

را در توسعه و

رشد کشورها را

می‌نهند، به جای

این که به دولت یا

کمک‌های مالی

وابسته باشند

نمونه مطرح هستند. در حوزه فناوری، تعداد رو به رشدی از کار آفرینان وجود دارند که زمان خوبی کار را شروع کردند و از میان آنها، می‌توان به سیم شاگایا اشاره کرد که مدیر عامل شرکت کنگا، بزرگ‌ترین پرتال آنلاین خرده‌فروشی در نیجریه است. نسل جوان نیز به موقعیت‌های قابل توجهی دست یافته‌اند؛ مثل آشیش تاکار که کار آفرینی اوگاندایی و شریک باب دایموند، مدیر عامل سابق شرکت سرمایه‌گذاری بار کلیز، است و همچنین سوادی مارتینلک، یک مدیر اجرایی در شرکت جنرال الکتریک که کسب و کار مربوط به فروش چای در ژوهانسبورگ بر پا کرده است.

اریک کاکو، یک فعال اقتصادی اهل ساحل ایوری و بنیان‌گذار شرکت مشاوره کار آفرینی سلوشن پارتنرز، می‌گوید که این کار آفرینان مجموعه‌ای از الگوهای کار آفرینی را برای آفریقایی‌های جوان تشکیل داده‌اند که به آنها کمک می‌کند در کسان راز کسب و کار تغییر دهند.

او می‌گوید که دولت‌ها و مؤسسات توسعه‌ای به طور روزافزونی نقش بخش خصوصی را در توسعه و رشد کشورها را می‌نهند، به جای این که به دولت یا کمک‌های مالی وابسته باشند. در حالی که تمرکز بسیاری روی بخش فناوری قرار داده شده است، اما کاکو می‌گوید که همچنان انگیزه‌ترین توسعه‌ها در بخش‌های سنتی مثل کشاورزی و صنعت رخ داده است.

او می‌گوید: «بخش‌های سنتی کمتر تحت پوشش قرار می‌گیرند اما برای مردم مهم است چون ۸۰ تا ۹۰ درصد جمعیت در این بخش‌ها استخدام شده‌اند.» با این حال، کاکو هشدار می‌دهد که تصویر کسب و کار در آفریقا با وضعیت در خشان خود بسیار فاصله دارد. کاکو می‌گوید: «بسیاری از کسب و کارها هنوز در موقعیت تلاش برای بقا گیر کرده‌اند. اینها کسب و کارهایی هستند که یک قوت لایموت به دست می‌آورند. مردم هنوز درک کاملاً مناسبی از این که کار آفرینی چه معنایی می‌دهد، ندارند.»

یکی از مشکلاتی که کسب و کارها و کار آفرینان در قاره آفریقا دارند، این است که دسترسی آنها، به‌ویژه کسب و کارهای کوچک، به منابع مالی به اندازه کافی نیست. نبود مهارت و آموزش نیز از دیگر مشکلاتی است که آنها دارند.

سرمایه هوشمند چیزی است که یک کار آفرین به صورت بسته‌ای از ارز و احساس اقتصادی با بینش درست برای این که اهدافش محقق شود، در اختیار دارد. کاکو می‌گوید: «آفریقایی‌ها هنوز خیلی روی پول تمرکز می‌کنند در حالی که حتی اگر پول هم داشته باشند، چون بینش و آموزش لازم را ندارند، موفق نخواهند شد.»

یکی دیگر از مشکلاتی که کسب و کارهای آفریقایی را زمین‌گیر کرده، این است که این فعالیت‌های اقتصادی در مرحله‌ای از توسعه خود، باید از حالت کسب و کارهای خانوادگی خارج شوند اما نگاه روسا به این مسئله درست نیست. کاکو می‌گوید: «در بسیاری از کسب و کارها، رئیس شرکتی که خانواده آن را بنیاد گذاشته، تصور می‌کند که در راس یک شرکت بودن یعنی این که در همه امور شرکت باید دخالت کند.» در بسیاری مواقع، این شرکت‌ها دوست ندارند فضای خود را باز کنند تا افراد جدیدی به شرکت بپیوندند و در نتیجه، مرز بین شرکت و خانواده محو و مبهم است و این به کسب و کار و در نهایت به اقتصاد قاره آفریقا ضربه خواهد زد.

منبع: فایننشیل تایمز





کار آفرینان جدید اروپایی نیز با جدیت شیوه‌های کسب و کار را از همتایان خود در دره سیلیکون یاد می‌گیرند و کسب و کار خود را راه می‌اندازند. یک کار آفرین، خود همیشه فرق پول باد آورده و پول هوشمندانه را تشخیص می‌دهد. حتی اگر این حباب وجود داشته باشد و بترکد، باز هم مشکل بزرگی ایجاد نخواهد کرد.

سرمایه‌های بزرگ به سمت استارت‌آپ‌های اروپایی

این روزها دیگر دره سیلیکون تنها جای رشد مناسب شرکت‌های نوپا نیست

تحلیل‌گران برای این باورند که بسیاری از شرکت‌های مالی منطقه‌ای نظیر «آی‌اندکس ونچرز» و «اکسل پارتنرز» هر روز تلاش می‌کنند روی مراحل بعدی برنامه‌های کسب و کار استارت‌آپ‌ها که بیشتر قابل پیش‌بینی است، تمرکز کنند

خوب و هم سرمایه‌های بد مواجه هستیم.» تحلیل‌گران بر این باورند که بسیاری از شرکت‌های مالی منطقه‌ای نظیر «آی‌اندکس ونچرز» و «اکسل پارتنرز» هر روز تلاش می‌کنند روی مراحل بعدی برنامه‌های کسب و کار استارت‌آپ‌ها که بیشتر قابل پیش‌بینی است، تمرکز کنند. به این ترتیب ریسک سرمایه‌گذاری را تا حدودی پایین آورده‌اند، اما این امر باعث بروز نوعی شکاف شده است. مثلاً گوگل که بازوی سرمایه‌گذاری غول‌های جست‌وجوگر به شمار می‌رود، سال گذشته ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه اروپایی را اعلام کرد.

«فلیکس کپیتال» یک شرکت در لندن است که در ماه ژوئن ۱۲۰ میلیون دلار افزایش اعتبار داشته است و اولویت خود را روی شرکت‌های فناوری تناسب اندام، غذا و مد گذاشته است. «سول کلین» نیز یکی دیگر از این شرکت‌هاست که هدف خود را روی مراحل اولیه سرمایه‌گذاری و فقط در لندن قرار داده است. یک فرد مطلع که خواست نامش فاش نشود، در مورد «سیاران آلوری» و «جی‌سون ویتیمیر» که دو شرکت سرمایه‌گذار برجسته و معروف در برلین هستند، می‌گوید که این دو شرکت به دنبال یک افزایش سرمایه ۱۰۰ میلیون یورویی هستند که نام آن «بلو یارد» است. بر اساس این طرح، از استارت‌آپ‌های اروپایی که استفاده از فناوری‌های مکان‌یابی جغرافیایی را برای مردم عادی تسهیل می‌کنند، حمایت می‌شود. اما این مسئله فعلاً به صورت رسمی اعلام نشده است. این فرد توضیح دیگری در مورد «بلو یارد» نداد.

استفانی هاسپیتال، مدیر عامل سابق «آرنج» که یک شرکت فرانسوی در زمینه مخابرات است، می‌گوید: «ما به افراد بیشتری نیاز داریم که به سرمایه‌گذاری در اروپا تمایل نشان بدهند. این شرکت فرانسوی اخیراً ۱۰۰ میلیون یورو افزایش بودجه داشته است که طرح آن «گتایم» نام گرفته است. استفانی می‌گوید: «مادر هیچ حبابی قرار نداریم. زمانی بود که دره سیلیکون تنها جای مناسب برای راه‌اندازی استارت‌آپ‌ها بود. اما امروزه هر کسی در هر جای دنیا این فرصت را دارد که کسب و کار خود را در سطح جهانی به راه بیندازد.»

منبع: نیویورک تایمز

کلس هولمز در برخی از استارت‌آپ‌های موفق اروپا سرمایه‌گذاری کرده است. سرویس پخش آهنگ «اسپاتیفای» و «کلارنا» که یک شرکت پرداخت آنلاین سوئدی است، از جمله این استارت‌آپ‌ها بودند که بیش از ۲ میلیارد دلار ارزش داشتند. علاوه بر آن، هولمز سرمایه‌گذاری‌هایی در چندین غول فناوری نظیر فیس‌بوک داشته است. اکنون این سرمایه‌دار آلمانی روی بخش فناوری اروپایی شرط بسته است. به زودی نماینده هولمز تامین سرمایه ۳۵۰ میلیون یورویی یا ۳۹۸ میلیون دلاری خود را که بزرگ‌ترین تامین سرمایه در سال جاری است، به صورت رسمی اعلام خواهد کرد. این میزان بیش از دو برابر اعتبار پیشین او در سال ۲۰۱۳ است.

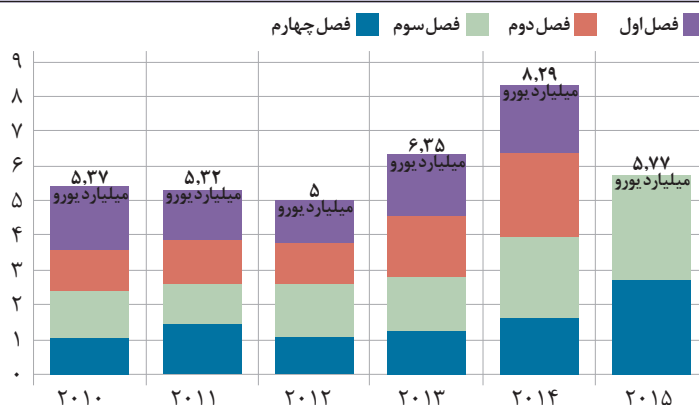
هولمز ۴۸ ساله قصد دارد بیشتر پول خود را در بخش استارت‌آپ‌های اروپایی هزینه کند؛ البته برخی از شرکت‌های امریکایی نیز برای این که در سطح جهانی بیشتر مطرح شوند، مورد نظر قرار می‌گیرند. او می‌گوید شرکت‌های نوپا می‌توانند شیوه روزمره زندگی مردم را تغییر دهند. هولمز می‌گوید: «فناوری به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی ما تبدیل شده است. من از حمایت مالی استارت‌آپ‌هایی که جای رشد و ترقی دارند، هراسی ندارم.» حرکت هولمز برای تامین سرمایه، بزرگ‌ترین مدرکی است که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران تمایل دارند سرمایه‌های خود را به سمت اروپا ببرند. همان‌طور که در دره سیلیکون شرکت‌هایی نظیر «اوپر» که نوعی شرکت خدماتی است توجه زیادی را به خود جلب کرده، سرمایه‌گذاری در اروپا نیز با توجه بسیاری همراه بوده است و سیل عظیمی از سرمایه‌داران به آنجا هجوم برده‌اند.

بخشی از این امر به خاطر وجود شرکت‌هایی نظیر «کینگ دیجیتال»، «موزانگ» و «ژالاندو» است. اینها در کسب و کار اینترنتی بسیار موفق عمل کرده‌اند و بازگشت سرمایه زود و قابل توجهی نیز برای سرمایه‌گذاران داشته‌اند. بر اساس اطلاعات به دست آمده از «سی بی اینسایت»، در حال حاضر ۱۳۱ پروژه استارت‌آپ به ارزش یک میلیارد دلار وجود دارد. «دلیورو» که یک شرکت خدمات غذایی اروپایی است، اخیراً اعتبار خود را ۷۰ میلیون دلار افزایش داده است.

بر اساس آمار به دست آمده از «داوجونز»، در سه‌ماهه دوم سال جاری شرکت‌های سرمایه‌گذاری اروپایی روی هم رفته ۲ میلیارد یورو افزایش سرمایه داشته‌اند که نسبت به سال گذشته ۶۳ درصد رشد داشته است. بر اساس ارقام صنعتی، هر چند این رقم با رقم ۱۲٫۹ میلیارد دلاری ایالات متحده امریکا در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۱۵ فاصله بسیاری دارد اما باز هم می‌توان گفت که حجم افزایش سرمایه‌گذاری در اروپا با سرعت بالایی رو پیشرفت است. البته نگرانی‌هایی نیز در این باره وجود دارد و برخی معتقدند اروپا تنها سرگرم نوعی تقلید است و آنچه شاهد آن هستیم، نوعی حباب سرمایه‌گذاری است که دیر یا زود می‌ترکد. این نگرانی‌ها با سقوط بازار طی هفته‌های گذشته تشدید نیز شده است.

حسین کنجی، شریک «هوکستون ونچرز» شرکتی در لندن که احتمالاً تا پایان سال جاری سرمایه‌های خود را افزایش خواهد داد، می‌گوید: «زمانی که انقلاب فناوری در دنیا رخ داد، بسیاری از افراد تلاش کردند و دنیا سرمایه‌گذاری آن بشوند. در حال حاضر، هم با هجوم سرمایه‌های

میزان سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌های اروپایی در فصول مختلف سال (میلیارد دلار)



کسب و کار تلویزیون های پولی در سرآشویی سقوط

تعداد مشترکان آمریکایی جعبه جادویی به کمترین حد خود رسیده است

پس از سال ها رکود است. با وجود حدود ۱۰۰ میلیون مشترک تلویزیون پولی در آمریکا، باز دست دادن نیم میلیون بیننده، دنیا به آخر نمی رسد. تعداد مشترکان هر سال در فصل دوم، حدود ۰٫۷ درصد کاهش می یابد که امسال تندترین کاهش اتفاق افتاده است. در کسب و کارهای رسانه ای دیگر، مثل روزنامه ها یا موسیقی ضبط شده، چنین شیب تندی در کاهش تعداد مشتریان دیده نشده است.

اما پس از یک دهه نگرانی درباره لغو اشتراک مشترکان، سرمایه گذاران فکر می کنند که سرانجام زمان این اتفاق فرا رسیده است. نگرانی ها درباره تغییر عادات های نگاه کردن به تلویزیون در میان جوانان، باعث زیر قیمت فروختن سهام شرکت های رسانه ای در اوایل ماه آگوست امسال شد. بعد از این که «والت دیزنی» رشد تخمین زده شده برای شبکه های کابلی خود را کاهش داد و شرکت هایی شامل «وایاکام»، «فاکس» و «سی بی اس» گزارش کردند که در آمد تبلیغاتی شان کاهش پیدا کرده، حدود ۵۰ میلیارد دلار از ارزش سهام شرکت های عضو شاخص رسانه ای «اس اند پی ۵۰۰» ناپدید شد. در میان شرکت هایی که تلویزیون های پولی را به خانه های مردم می برند، گروه های ماهواره ای بیشترین تلفات را از نظر لغو اشتراک داشته اند. وقتی که این گروه ها در دهه ۱۹۹۰ وارد بازار شدند، تعداد عظیمی از مشترکان را با تخفیف در خدمات کابلی خود و فناوری ای که تصاویر را به خانه های روستایی می رساند، جذب کردند. اما حالا، همان ها که بازار را به هم ریخته بودند، بازار شان به هم ریخته است.

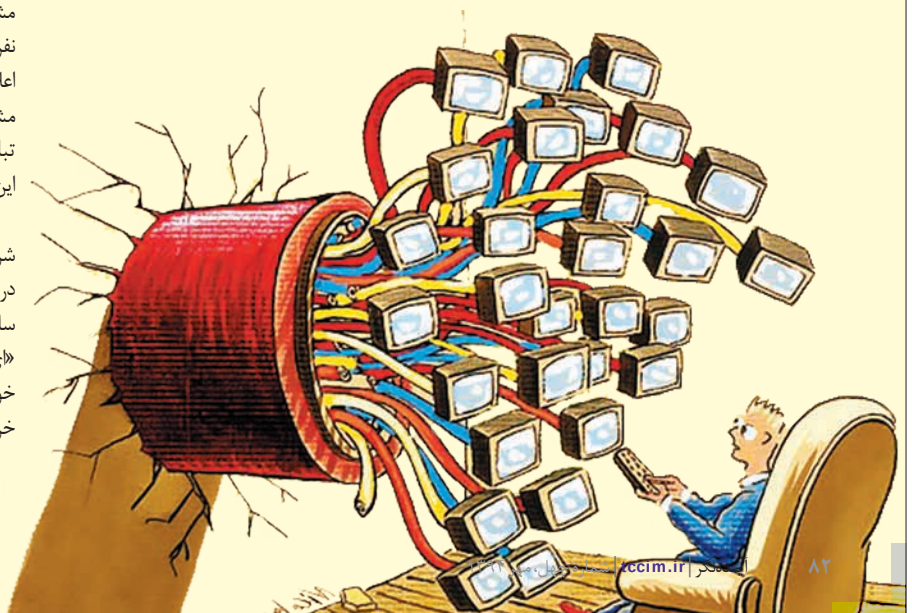
بر خلاف تلویزیون های کابلی، شرکت های ماهواره ای نمی توانند یک خط با پهنای باند بالا که نیاز هر کسی است که می خواهد برنامه های پخش مستقیم را نگاه کند، به مشتریان پیشنهاد کنند. کریگ مافت، تحلیل گر شرکت «مافت ناتانسون»، می گوید: «ما شاهد نابودی سریع رقابت شرکت های ماهواره ای هستیم. این صنعت به مدت طولانی در آمریکا رشد نکرد و بینندگان به سوی شبکه های کابلی و پهنای باند بیشتر متمایل شدند». تحلیل گران تخمین زده اند که شرکت «دیش»، یکی از دو گروه بزرگ ماهواره ای در آمریکا، در فصل دوم امسال ۱۵۱ هزار نفر از مشترکان خود را از دست داده باشد. در سال گذشته، این شرکت ۴۴ هزار نفر از مشترکان را از دست داد. مدیر عامل شرکت «دیش» در اوایل این ماه اعلام کرد که تلویزیون های پولی تحت فشار قرار خواهند گرفت و گفت که مشکل بزرگ کسب و کار آنها این است که تعداد بینندگان پایین آمده، میزان تبلیغات نیز کاهش یافته و هر کسی دوست دارد که به خیابان برود، به جای این که تلویزیون نگاه کند.»

شرکت «دایرکت تی وی» نیز که اخیرا با ارزش ۴۹ میلیارد دلار در شرکت «ای تی اند تی» ادغام شد، بدترین فصل خود را پشت سر گذاشته و در فصل دوم سال ۱۳۳ هزار مشترک خود را از دست داده؛ در صورتی که در سال گذشته، تنها ۳۴ هزار مشترکش را از دست داده بود. سرمایه گذاران در «ای تی اند تی» پس از این که مدیر این شرکت استراتژی جدید بلندمدت خود را اعلام کرد و سهام آن ۳ درصد افت کرد، درباره شرکت جدیدی که خریده اند نگران شده اند.

منبع: فایننشال تایمز

وقتی که ۲۴ میلیون بیننده تلویزیون خود را برای دیدن رقابت های «دونالد ترامپ» با رقیب جمهوری خواهش در انتخابات ریاست جمهوری تنظیم می کردند، «فاکس نیوز» در حال ساختن تاریخ تلویزیون بود و کورد تعداد بینندگان تلویزیون کابلی غیرورزشی را ثبت کرد. با این همه، آنهایی که برنامه «بحث سیاسی» را در شبکه های اجتماعی دنبال می کردند، یک ناراضیاتی مشترک داشتند: «فاکس نیوز» با وجود مشارکت کردن با «فیس بوک» برای میزبانی بحث، دیدن این رویداد را به طور آنلاین غیرممکن کرده بود. کاربران «توییتر» لینک های با پخش زنده را خرید و فروش می کنند و شبکه هایی را به باد انتقاد گرفته اند که به نیازهای کسانی که اشتراک تلویزیون هایشان را لغو کرده اند یا هرگز مشترک تلویزیون های آن شبکه ها نبوده اند، پاسخ ندادند. نبود ارتباط منطقی بین شاخص های عالی و شکی که در جوانان به وجود آمده، به نظر می رسد که تلویزیون ها را درباره بینندگانشان به این فرضیه اصلی درباره ارتباط بین پخش و دست اندرکاران تلویزیون های پولی کشانده است: لغو اشتراک ممکن است یک جریان مد شده بین نخبگان باشد اما در بین آمریکایی های عشق تلویزیون هنوز جالی تلویزیون های پولی واقعی خالی است. اما این فرضیه چنان مورد حمله قرار گرفته که مشابهش در گذشته اصلا وجود نداشته است. فصل دوم سال همیشه برای صنعت تلویزیون های پولی فصل سختی بوده است چون خانواده ها خانه هایشان را عوض می کنند و ارتباط تلویزیون ها با دانشجویان و دانش آموزان قطع می شود. اما فصل دوم امسال رکورد بدترین فصل از نظر کم بودن تعداد خالص مشتریان این تلویزیون ها را شکسته است؛ تخمین زده شده است که ۵۶۶ هزار نفر اشتراکشان را در این مدت لغو کرده باشند. با استثنا گرفتن شبکه «وریزون» که هنوز خدمات ویدیویی اش را به بازار عرضه می کند، تمام شرکت های تلویزیون پولی در طول فصل از تعداد مشترکانشان کاسته شده است. بدتر از آن، عملکرد ضعیف تلویزیون ها در برابر زمینه مساعد روندهای کلان معمولاً مثبت این شرکت ها قرار گرفته است؛ روندهایی که شامل افزایش شکل گیری مخارج خانواده های جدید

تعداد مشترکان
هر سال در فصل
دوم، حدود ۰٫۷
درصد کاهش
می یابد که امسال
تندترین کاهش
اتفاق افتاده است.
در کسب و کارهای
رسانه ای دیگر،
مثل روزنامه ها
یا موسیقی
ضبط شده، چنین
شیب تندی در
کاهش تعداد
مشتریان دیده
نشده است





در کسب و کار فناوری، شکست بیش از یک نگرش است. از زمان روزهای موفقیت «نت اسکپ» کسب و کار شکست یکی از تجهیزات کامل بودن به شمار می‌رود. این روزها، از هر زمانه دیگری راحت‌تر می‌توان امتحان کرد و شکست خورد. از نظر هزینه‌ها نیز شکست خوردن خیلی ارزان‌تر شده است؛ اگر در سال ۱۹۹۵، زمین خوردن هر استارت‌آپ حدود یک میلیون دلار هزینه داشت، امروزه همان شرکت تنها با سرمایه‌گذاری ۱۰ هزار دلار می‌تواند شکست را تجربه کند.

در دره سیلیکون هر شکستی موفقیت است

کمتر از یک درصد استارت‌آپ‌ها به پیروزی‌های بزرگ دست پیدا می‌کنند

اگر شکست‌های زیاد عامل به موفقیت رسیدن یک شرکت در مسیری مطمئن است، بهترین جای دنیا برای شکست خوردن شرکت‌ها دره سیلیکون است

حتی مدیر عامل شرکت که لری پیچ است، نمی‌داند موفقیت بعدی شرکت‌های زیر مجموعه آلفابت چه خواهد بود. سهام‌داران شرکت‌های موفق خیلی کم طاقت می‌آورند که شرکت‌هایی که سهام آن را دارند، با شکست روبه‌رو شوند و مدام در انتظار موفقیت بیشتر هستند. بنابراین گوگل یا «آلفابت» یا هر شرکت دیگری در این موقعیت، کسب و کار اصلی خود را با تعداد زیادی از شرکت‌های اطراف خود محافظت می‌کند و عملاً با این شرکت‌های حاشیه خود قمار می‌کند و امیدوار است که چند تا از شرکت‌های پرشماری که روی آنها سرمایه‌گذاری کرده است، به موفقیت دست پیدا کنند. حتی اگر یک یا دو شرکت از این شرکت‌ها نیز موفق شوند و یخ آنها بگیرد، می‌تواند موتور محرک‌های باشد که شرکت را به پله بعدی خود می‌رساند.

با این حال، این صحبت‌ها برای دره سیلیکون به معنی خبرهای خوب است؛ اگر شکست‌های زیاد عامل به موفقیت رسیدن یک شرکت در مسیری مطمئن است، بهترین جای دنیا برای شکست خوردن شرکت‌ها دره سیلیکون است. برای همین است که در بلور دانشگاه در منطقه پالو آلتو در دره سیلیکون، با افتخار روی یک بیلپورد بزرگ، این شعار نوشته شده است: «شکست همیشه یک انتخاب است».

موفقیت صنایع فناوری آمریکادار این رابطه یک مدل آمریکایی را برای درک شکست ارائه کرده است که مطمئناً با مدل‌هایی در دیگر کشورها متفاوت است؛ مدل‌هایی در دیگر کشورها که شکست با شرم، زندان یا مصیبت‌های بزرگ یکی است اما در آمریکا این اتفاق کمتر رخ می‌دهد و شکست کمتر این گونه فهم می‌شود. در ایالات متحده، تنها شکست حقیقی، دست‌از کار کشیدن است. در غیر این صورت، هر عقب‌گردی، قدمی رو به جلوست؛ شرکت‌های «دونالد ترامپس» چهار بار اعلام ورشکستگی کرده‌اند. شرکت «ریک اسپرینگفیلد» از دهه ۱۹۸۰ این کار را کرده و حالا یکی از ستاره‌هایش مریل استریپ است. کارکنان شرکت «ویر» چندین شرکت شکست‌خورده را پیش از آن تاسیس کرده بودند. حتی استیو جابز که ابرستاره کسب و کار فناوری به شمار می‌رود، در اوایل کار خود، گندهای زیادی بالا آورده بود.

منبع: نیوزویک

بیست سال پیش، «نت اسکپ» با عرضه به صورت عمومی، رونق بسیار زیادی به کسب و کار دات کام و دنیای فناوری‌های اینترنتی داد. همیشه و هر کسی در دنیای فناوری، به طور پیوسته تلاش می‌کرده است که بفهمد چطور می‌تواند جزو استارت‌آپ‌هایی باشد که بعدتر به غول‌های عظیم فناوری تبدیل می‌شوند.

صنعت فناوری اطلاعات و ارتباطات هنوز در این آرزو مانده است و آنچه در دره سیلیکون رخ می‌دهد، این رقابت را به اوج خود رسانده است. یکی از مزیت‌های دره سیلیکون، ویژگی جهانی بودن رقابت در آن است.

نکته مهمی که معمولاً در مباحثات درباره استارت‌آپ‌هایی با بیش از یک میلیارد دلار ارزش، به آن توجهی نمی‌شود، این است که شرکت‌هایی که می‌توانند چند استارت‌آپ با ارزش بالای یک میلیارد دلار تربیت کنند، باید در دیگر شرکت‌های پرشماری که تاسیس کرده‌اند به طور کامل شکست بخورند. مثالی که می‌توان در این باره زد، این است که یک قورباغه در یک بار تخم‌ریزی حدود ۲۰ هزار تخم‌رادر محل تخم‌ریزی پراکنده می‌کند اما تنها تعداد کمی از این تخم‌ها می‌توانند به قورباغه‌های بالغی تبدیل شوند که در کنار بر که بنشینند و پشه‌ها را برای شام شکار کنند.

داده‌هایی که از سوی شرکت‌های مطالعات استارت‌آپ‌ها ارائه شده، مثل شرکت «سی بی اینسایت»، نشان می‌دهد که کمتر از یک درصد شرکت‌هایی که به صورت استارت‌آپ به وجود می‌آیند، در انتهای کار خود به موفقیت می‌رسند و به قدری شرکت بزرگی می‌شوند که بیش از یک میلیارد دلار ارزش داشته باشند. این احتمال یک درصد موفقیت از زمانی که «نت اسکپ» در کار خود به رونق زیادی رسید تاکنون، تغییر چندانی نکرده است.

به شرکت‌های استارت‌آپی که در نهایت می‌توانند به ارزش یک میلیارد دلار برسند، به کنایه نادر بودن «اسب تک شاخ» می‌گویند. مایک مایلس، یک سرمایه‌گذار در زمینه فناوری، این شرکت‌ها را «مارمولک‌های طوفان» می‌نامد؛ به این معنی که جان سختی دارند و می‌توانند در مشکلات دوام بیاورند. او در کلاس درس خود در دانشگاه استنفورد می‌گوید: «مارمولک‌های طوفان نادر هستند. اگر در هر سال ۱۰ هزار استارت‌آپ به وسیله فرشته‌ها تاسیس شود و ۱۵۰۰ عدد از آنها نیز از سرمایه‌های بالایی برخوردار باشند، در این میان ۸۰ شرکت وجود خواهند داشت که کار خود را به خوبی پیش ببرند و تنها ۱۲ شرکت می‌توانند به مارمولک‌های طوفان تبدیل شوند.» مایلس یا هر سرمایه‌گذار دیگری، نمی‌تواند بگوید که راهی وجود دارد که با استفاده از آن، بتوان دریافت کدام شرکت به مارمولک طوفان تبدیل خواهد شد. استیو واسالو یک سرمایه‌گذار دیگر است که در استارت‌آپ‌های «صفر میلیارد دلاری» سرمایه‌گذاری می‌کند؛ این اصطلاحی است که برای شرکت‌های غیرعادی استفاده می‌کند، اما نمی‌داند که کدام یک از شرکت‌هایی که او در آنها پول تزریق کرده، چه هنگامی از دهانه آتش فشان فوران می‌کنند. او فقط منتظر انفجار است و هیچ ایده‌ای ندارد که کدام یک، چه وقتی و چطور شروع به فوران خواهد کرد.

شکست دلیل اصلی‌ای است که توضیح می‌دهد چرا شرکت گوگل ساختار خود را به صورت شرکت مادر «آلفابت» تجدید کرده است. هیچ کس،



استیو جابز پیش از رسیدن به موفقیت‌های بزرگ بارها شکست خورده بود

مرور اقتصادی ملی جهان

رشد اقتصادی ۸ درصدی در بزرگ‌ترین دموکراسی جهان

جهان پر است از کشورهایی که با اقتصادهای ضعیف و قوی، مردمانشان کنار هم زندگی می‌کنند و شاهدند که هر چه بیشتر، ارتباطشان با یکدیگر و با دیگر کشورها محکم‌تر می‌شود. این روزها دیگر همه شاهدند که اقتصادهای ملی بیش از گذشته درگیر اقتصاد جهانی هستند و هر خبر خوب یا بدی در اقتصادهای ملی، تأثیری بر اقتصادهای دیگر در آن سوی کره خاکی خواهد داشت. مثال بارز آن، می‌تواند کاهش سرعت رشد اقتصادی در چین باشد که هر خبری از آن، بازارهای جهانی را از آمریکا گرفته تا اروپا، تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این شماره، وضعیت کلی برخی از اقتصادهای ملی را مرور کرده‌ایم.



دومین اقتصاد جهان

دومین اقتصاد جهان که یک سالی است در آمارهای جهان اعلام می‌شود در بخش‌هایی به رتبه اول نیز تبدیل شده، چین است. چین یک کشور کمونیستی است که از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی تصمیم گرفت با استفاده از الگوی مناطق آزاد تجاری، درهای خود را به روی اقتصاد جهانی باز کند. برای همین، با سیاست‌گذاری‌های متمرکز که انجام شد، نمایندگان دولت توانستند چند منطقه حاشیه‌ای در اطراف این کشور را به مناطق آزادی تبدیل کنند که سرمایه‌های خارجی را جذب کنند. به تدریج، ظرف یک دهه اقتصاد چین شکوفا شد و در ۲۵ سال گذشته، هیچ سالی نبوده است که چین دارای رشد اقتصادی زیر ۷ درصد باشد. با این حال، رشد اقتصادی در سال جاری میلادی چین به چالش کشیده شده و برخی از تحلیل‌گران می‌گویند که ممکن است رشد اقتصادی در این کشور به طوری سابقه‌ای در دودهمه اخیر، به زیر ۷ درصد برسد. چین الگوی اقتصادی خود را به جای اتکا به تقاضای خارجی، به بازار داخلی معطوف کرده و اخیراً نیز با سقوط بازار سهام مواجه شده که همه بازارهای بورس جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است. دولت چین، در یک حرکت ناگهانی، تلاش کرد که با کاهش قیمت واحد پول ملی چین، سقوط بازار سهام این کشور را کنترل کند که تاکنون به نتیجه مطلوب نرسیده است.



چین

نوظهور مطلوب

کره جنوبی یکی از کشورهای جزو بازارهای نوظهور به شمار می‌رود که تقریباً هم‌زمان با ایران، روند توسعه خود را شروع کرد. اما این کشور با استفاده از نفوذ سیاست‌های کلان دولتی و نیز حمایت‌های مالی از طرف حاکمیت، در کنار نوعی ثبات سیاسی و ارتقای فرهنگ کار، توانست به خوبی به کشوری توسعه یافته تبدیل شود. پیش‌بینی شده است که کره جنوبی در سال جاری میلادی رشد



اقتصادی حدود ۲,۹ درصد داشته باشد و رشدش در سال آینده نیز به ۳,۳ درصد برسد. کره جنوبی دارای نرخ بیکاری بسیار مطلوب ۳,۹ درصدی است و نرخ تورم آن بین ۱ تا ۲ درصد در نوسان

است. تراز تجاری این کشور در ماه ژوئیه، مثبت ۷۹ میلیارد دلار بوده است که در شرایط وخیم اقتصادهای آسیایی، نرخ بسیار خوبی به شمار می‌رود. کره جنوبی یکی از معدود کشورهای با حجم اقتصادی بالاست که کسری بودجه ندارد و البته مازاد بودجه این کشور نیز ۰,۴ درصد تولید ناخالص داخلی است. نرخ بهره در بانک‌های کره جنوبی نیز به تناسب میزان تورم قیمت‌های مصرف‌کننده آن و به اندازه ۱,۵۵ درصد است. نرخ ارز کره جنوبی در برابر دلار، مثل بسیاری از کشورهای جهان تضعیف شده است که دلیل آن، بالارفتن ارزش دلار در بازارهای جهانی بوده است.

کره جنوبی



لاتینی بدون سر و صدا

شاید نام کشور کلمبیا، اولین مسئله‌ای را که به ذهن می‌نشانند مافیا و قاچاق مواد مخدر باشد. کشور کلمبیا میخستگی زیادی با باندهای بزرگ و بین‌المللی مواد مخدر دارد که یکی از نقاط ضعف این کشور آمریکای لاتینی است. با این حال، باید گفت که در بحران اقتصادی‌ای که همه کشورهای جهان را با خود درگیر کرده بود و هنوز هم نشانه‌های آن وجود دارد، کلمبیا می‌تواند با رشد‌های اقتصادی



نسبتاً مطلوبی مواجه شود. آخرین رشد اقتصادی این کشور ۲٫۸ درصد بوده و تخمین زده شده است که در سال جاری میلادی، رشد اقتصادی آن ۳٫۴ درصد و در سال آینده میلادی ۴ درصد

باشد. همچنین نرخ تورم در کلمبیا به خوبی کنترل شده و در سال گذشته ۲٫۸ درصد بود و در امسال هم پیش‌بینی شده است که ۴٫۱ درصد باشد. نرخ بیکاری در این کشور ۸٫۹ درصد است که نسبت به اقتصادهای توسعه‌یافته بالاست. اما در هر حال، نرخ بالایی نیز محسوب نمی‌شود؛ به‌ویژه برای کشور در حال توسعه‌ای مثل کلمبیا. از نقاط ضعف اقتصاد این کشور می‌توان به تراز تجاری منفی آن، به اندازه ۱۳٫۹ میلیارد دلار و کسری بودجه‌ای به اندازه ۲٫۱ درصد تولید ناخالص داخلی اشاره کرد.

کلمبیا

رشد نسبتاً مطلوب

اقتصاد مجارستان وضعیت چندان بدی ندارد؛ در زمانی که اقتصادهای اروپایی از تورم کم یا رشد اقتصادی ناچیز رنج می‌برند، مجارستان می‌تواند اوضاع خوبی را پشت سر بگذارد. این کشور در فصل گذشته میلادی دارای رشد اقتصادی ۳٫۵ درصدی بر اساس محاسبه سالانه بوده است. تخمین زده شده است که امسال مجارستان رشد ۳ درصدی داشته باشد و رشد سال آینده آن نیز ۲٫۸ درصد



پیش‌بینی شده است. با این حال، تولیدات صنعتی در مجارستان وضعیت خوبی ندارد و در آخرین آمار، سالانه ۳٫۲ درصد کاهش داشته است. تورم در مجارستان در سال گذشته منفی ۰٫۳

درصد بود اما امسال به ۰٫۸ درصد رسیده است. در ماه ژوئن، نرخ بیکاری در این کشور ۶٫۹ درصد بود که نرخ نسبتاً مطلوبی به نظر می‌رسد. تجارت خارجی در مجارستان طوری است که تراز تجاری این کشور را به نفع صادرات نشان می‌دهد. مازاد تجاری این کشور در ماه مه امسال، ۸٫۶ میلیارد دلار بوده است. با این حال، مجارستان با کسری بودجه‌ای به اندازه ۲٫۶ درصد تولید ناخالص داخلی‌اش مواجه است. نرخ سود بانکی در حساب‌های کوتاه‌مدت این کشور ۱٫۳۶ درصد و در اوراق قرضه ده‌ساله ۳٫۶۶ درصد تعیین شده است.

مجارستان

هاب آسیای شرقی

کشور هنگ کنگ که عملاً به چین متصل است، یک منطقه اقتصادی مستقل از چین اما کاملاً مربوط به آن است. هنگ کنگ را شاید بتوان به نوعی منطقه آزاد یا بزرگ‌ترین منطقه آزاد چین در نظر گرفت. هنگ کنگ یک هاب بزرگ در اقتصاد آسیای شرقی است که بازار سهام آن و نیز صادرات و واردات در آن، به خوبی جریان دارد و در رسانه‌های اقتصادی مهم دنیا به شدت دنبال می‌شود. با این که تجارت



در این منطقه به خوبی جریان دارد، تراز تجاری این کشور منفی ۶۸٫۳ درصد است. تورم قیمت‌های مصرف‌کننده در هنگ کنگ در سال گذشته ۳٫۲ درصد بوده و تخمین زده شده است که در امسال

نیز به ۳٫۱ درصد کاهش پیدا کند. نرخ بیکاری در این کشور بسیار کم و در حدود ۳٫۲ درصد است. از سوی دیگر، مطابق با تورم، نرخ سود بانکی نیز در حساب‌های کوتاه‌مدت این کشور ۰٫۳۹ درصد بوده است. کشور هنگ کنگ در سال‌های اخیر با شورش‌های خیابانی شهروندان بر اثر اختلاف طبقاتی در آن مواجه شده است. اختلاف توان اقتصادی بین هنگ کنگی‌های قدیمی و چینی‌هایی که به تازگی پولدار شده‌اند و از هنگ کنگ به عنوان مقر خود استفاده می‌کنند، مشکلات امنیتی فراوانی در این ناحیه به وجود آورده است.

هنگ کنگ

بزرگ‌ترین فرانسوی‌زبان اما ویران

جمهوری دموکراتیک کنگو یا زیر دومین کشور بزرگ در آفریقا و یازدهمین کشور بزرگ جهان به‌شمار می‌آید. و با جمعیت بیش از ۷۲ میلیون نفر، نوزدهمین کشور پرجمعیت جهان، و چهارمین کشور پرجمعیت در آفریقا است، و همچنین به عنوان پرجمعیت‌ترین کشوری که زبان رسمی آن فرانسوی است شناخته می‌شود. در حالی که این کشور از غنی‌ترین کشورهای جهان از نظر منابع طبیعی به‌شمار می‌آید مردم آن از فقیرترین مردم جهان



هستند. ۹۶ درصد از مردم این کشور مسیحی هستند و به ۲۵۰ قوم گوناگون سیاه‌پوست تعلق دارند. بیشتر مردم این کشور از اقوام کنگو، لوبا و مونگو هستند. جنگ دوم کنگو که از

سال ۱۹۹۸ آغاز شده و همچنان در جریان است، این کشور را ویران کرد. گاه به این جنگ «جنگ جهانی آفریقا» نیز می‌گویند چون ۹ کشور آفریقایی و حدود ۲۰ گروه مسلح در آن شرکت کرده‌اند. به رغم امضای توافق صلح در سال ۲۰۰۳، جنگ همچنان در شرق کشور ادامه دارد. ارزش منابع معدنی کنگو ۲۴ تریلیون دلار برآورد شده است که برابر با تولید ناخالص داخلی آمریکا و اروپاست. تصاحب این ثروت غیرعادی زیرزمینی انگیزه اصلی جنگ داخلی این کشور بوده است. این کشور بزرگ‌ترین تولیدکننده کبالت در دنیا، دومین تولیدکننده بزرگ الماس در دنیا و بزرگ‌ترین تولیدکننده مس در آفریقا است.

زئیر

بهشت مالیاتی

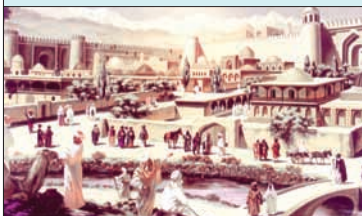
نرخ مالیات در کشورهای اروپایی یکی از نرخ‌هایی است که بدن هر کسی را که از مالیات فراری باشد، می‌لرزاند. با این حال، در همین اروپا نیز مناطقی وجود دارند که مالیات خیلی کمی از شهروندان خود می‌گیرند و به یکی از جاذبه‌ها برای شرکت‌هایی تبدیل شده‌اند که از مالیات فراری هستند یا نمی‌خواهند هزینه زیادی برای عوارض و مالیات از آنها کسر شود. برای همین است که خیلی از شرکت‌های معروف دنیا در لوکزامبورگ نیز دفتر زده‌اند و به فعالیت اقتصادی در آنجا مشغولند. میزان رشد اقتصادی در لوکزامبورگ در سال جاری میلادی ۲,۷ درصد پیش‌بینی شده و در سال آینده نیز تخمین زده شده است که به ۲,۵ درصد برسد. تورم در لوکزامبورگ دو سال است که در حدود ۰,۹ مانده است. نرخ بیکاری نیز در این کشور در ماه ژوئن ۸,۵ درصد بوده است. تراز تجاری در لوکزامبورگ در ماه می منفی ۸,۲ میلیارد دلار بوده است. این کشور دارای کسری بودجه اندکی نیز به اندازه ۰,۴ درصد تولید ناخالص داخلی خود است. لوکزامبورگ از معدود کشورهای جهان است که دارای نرخ سود بانکی منفی است. نرخ سود در حساب‌های کوتاه‌مدت سه‌ماهه این کشور منفی ۰,۰۲ درصد است.



لوکزامبورگ

پل اوراسیا

قزاقستان در سال‌های اخیر، تلاش زیادی کرده که سرمایه‌های خارجی را جذب کند و در این زمینه، موفقیت‌هایی نیز کسب کرده است. این کشور با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی، کمپینی راه‌انداخته که شامل معافیت از مالیات بر درآمد، مالیات زمین، مالیات دارایی و عوارض گمرکی به مدت ۱۰ سال، برخورداری از کمک‌های مالی دولتی، ثبات قوانین سرمایه‌گذاری، عدم نیاز به اجازه کار برای نیروهای کار خارجی و ورود بدون روادید برای شهروندان اغلب کشورها است. قزاقستان به عنوان «پل اوراسیا» در سال ۲۰۰۶ با رشد تولید ناخالص داخلی زیادی مواجه شد و پس از روند کاهشی در سال ۲۰۰۹، به تولید ناخالص داخلی ۶ درصد در سال ۲۰۱۳ رسید.



جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این کشور ۱۴ میلیارد دلار و نرخ بیکاری‌اش نیز ۵,۴ درصد است. نیمی از تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قزاقستان متعلق به اتحادیه اروپا است. بسیاری از شرکت‌های نفت و گاز غربی در این کشور فعال هستند؛ شرکت نفتی شورون آمریکایی بیش از ۲۰ سال است که در میدان‌های نفتی قزاقستان فعالیت دارد. با این حال، فساد یکی از نقاط ضعف اقتصادی این کشور به شمار می‌رود. سازمان شفافیت بین‌المللی ۲۰۱۴ در مقیاس رتبه‌بندی فساد، قزاقستان را با کسب عدد ۲۹ در رتبه ۱۲۷ قرار داد که بهبود اندکی نسبت به سال‌های قبل نشان می‌دهد.

قزاقستان

رشد عالی در بزرگ‌ترین دموکراسی

کشور هندوستان را به دلیل جمعیت خیلی زیادی که دارد و انتخابات سالمی که برگزار می‌کند، بزرگ‌ترین دموکراسی جهان لقب داده‌اند. هند یکی از بازارهای نوظهور مهم در جهان به شمار می‌رود که مثل برزیل یا آفریقای جنوبی نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه نیست. پیش‌بینی شده است که رشد اقتصادی در سال جاری میلادی در هند، ۷,۶ درصد باشد و در سال آینده نیز این نرخ به ۸ درصد برسد که رشد اقتصادی بسیار خوبی به شمار می‌رود. اما رشد تولیدات صنعتی در این کشور که آخرین آمار آن به ماه مه بازمی‌گردد، تنها ۲,۷ درصد بوده است. تورم در هند در سال گذشته ۶,۸ درصد بوده که به خوبی می‌تواند به رشد بالا منجر شود و امسال نیز پیش‌بینی شده است که به ۵,۴ درصد برسد. نرخ بیکاری نیز در این کشور در وضعیت مطلوب ۴,۹ درصدی قرار دارد که البته به دلیل نبود آمار، مربوط به سال ۲۰۱۳ است. مشکل بزرگ هند، تراز تجاری منفی بالا در این کشور است. تراز تجاری هند در ماه ژوئن منفی ۱۳۶,۵ درصد بوده است. ارزش روپیه در این کشور نسبت به دلار آمریکا مثل بسیاری از ارزهای دیگر کاهش یافته است. هند کسری بودجه بالایی نیز دارد که معادل ۴,۱ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است.



هندوستان

اقتصادی کژ دار و مریز

کشور کوچکی که آهسته و پیوسته در اروپا به کار خود ادامه می‌دهد، کشور استونی است. حجم اقتصاد استونی خیلی بالا نیست و انتظار زیادی نیز از آن نمی‌رود. رشد اقتصادی در این کشور، در سال جاری ۲,۴ درصد و در سال آینده ۳,۲ درصد پیش‌بینی شده است. رشد تولیدات صنعتی در این کشور منفی ۲,۳ درصد است که نشان از رکود در صنایع آن دارد. تورم در استونی در سال گذشته منفی ۰,۴ درصد بود که اقتصاد این کشور را تهدید می‌کرد اما تخمین زده شده است که در سال جاری، تورم به ۱,۱ درصد برسد. از این تورم نیز نمی‌تواند انتظار داشت که کار خارق‌العاده‌ای برای رشد اقتصادی انجام دهد.



نرخ بیکاری در استونی در فصل اول سال، ۶,۶ درصد بوده است. تراز تجاری این کشور منفی ۱,۱ میلیارد دلار است که البته چندان اسباب نگرانی نیست. نرخ واحد پول ملی این کشور نیز در مقابل دلار آمریکا در عرض یک سال گذشته کاهش داشته است و از ۰,۷۵ واحد برای هر دلار به ۰,۹۲ واحد برای هر دلار آمریکا رسیده است. استونی در اروپا می‌تواند فرصتی تازه برای تجارت با ایران به شمار بیاید. تورم منفی در استونی به طی سال‌های گذشته وضعیت رشد اقتصادی در این کشور را تا حدودی با خطر مواجه کرده است.

استونی



عمران قوی، کشاورزی ضعیف

ارمنستان کشوری است مسیحی با اقتصادی ۱۸ میلیارد دلاری. ایران و ارمنستان رابطه نزدیکی با یکدیگر دارند. مهم ترین مسائلی که در این ارتباط نقش دارد امنیت انرژی ارمنستان و انتقال گاز تولیدی ایران به بازار اروپا است. ارزش تولید ناخالص داخلی این کشور که تقریباً ۳٫۵ میلیون نفر جمعیت دارد، حدود ۱۸ میلیارد دلار است و وابستگی زیادی به سرمایه ها و حمایت های مالی خارجی دارد. اقتصاد



کشور ارمنستان اقتصادی متمرکز است که پیش از فروپاشی شوروی سابق با کمک سرمایه گذاری های کلان شوروی فعالیت می کرد. اما بعد از استقلال ارمنستان سرمایه های شوروی سابق

از کشور خارج شد و بسیاری از واحدهای تولیدی و صنعتی توان عملیاتی خود را از دست دادند. قبل از استقلال ارمنستان اقتصاد این کشور اقتصادی صنعت محور بود. صنعت عمران ۵۰ درصد از نرخ رشد اقتصاد را به خود اختصاص داده بود. سهم بخش های خدماتی در تولید ناخالص داخلی کشور ارمنستان نیز سهم چشمگیری است. این سهم با افزایش استفاده از تلفن همراه و افزایش شمار اپراتورهای تلفن همراه در حال رشد است. کشاورزی سهم اندکی در اقتصاد ارمنستان دارد. از صنایع جدیدی که در این کشور فعالیت می کنند می توان به صنعت فرآوری سنگ های قیمتی و جواهر سازی، تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات و گردشگری اشاره کرد.

ارمنستان

نعمت گاز

ازبکستان دارای زمین های حاصل خیز بسیاری است و بزرگ ترین تولید کننده پنبه در جهان است. این کشور دارای ذخایر نفت، گاز، آهن و زغال سنگ است. ازبکستان بزرگ ترین تولید کننده ماشین آلات و صنایع سنگین در آسیای میانه است. از تولیدات دیگر ازبکستان می توان پنبه، گوشت و لبنیات را نام برد. اوضاع اقتصادی در ازبکستان در سال ۱۹۹۱ و با اعلام استقلال این کشور از



شوروی دچار اختلال شد اما در نتیجه خصوصی سازی املاک دولتی در این کشور، یک طبقه متوسط مالکان زمین به وجود آمد که برای پشتیبانی کارفرمایان و کارآفرینان توسط دولت

توجه زیادی را به خود جلب کرد. در دهه اول قرن بیست و یکم، شش هزار و ۶۶۰ واحد کارخانه و تأسیسات مربوط به املاک دولتی به بخش خصوصی فروخته شد و در سال ۲۰۱۰ تقریباً ۸۰ درصد محصولات تولیدی داخلی در کل کشور و بیش از ۸۵ درصد محصولات صنایع که تقریباً شامل تمام محصولات کشاورزی و گردش تجارت خرده فروشی می شد، به بخش خصوصی متعلق بود. در نتیجه انجام این فعالیت ها، در مدت ۲۲ سال گذشته اقتصاد این کشور ۲۵ درصد رشد کرده است. در سال ۲۰۱۳ در آمد ناخالص ملی ازبکستان هشت و یک دهم درصد افزایش داشت. ازبکستان جزو کشورهای صادر کننده گاز طبیعی است.

ازبکستان

تلاش برای رشد اقتصادی

فیلیپین از جمله کشورهای آسیای شرقی است که در سایه رشد اقتصادی بالای چین، توانسته به توسعه مطلوبی دست پیدا کند. پس از این که هزینه کارگران در چین بالا رفت و برای کارخانه های بین المللی، تولید در این کشور صرف نمی کرد، شرکت های خارجی تلاش کردند که به بازار کار ارزان تری دست پیدا کنند که



فیلیپین یکی از آنها بود و ورود سرمایه های خارجی به این کشور، به تدریج باعث رشد اقتصادی بالا در آن شد. فیلیپین در سال گذشته دارای رشد ۵٫۲ درصد بود و تخمین زده شده است که در سال جاری و سال آینده رشد اقتصادی آن به ترتیب به ۶٫۶ و ۶٫۴ درصد برسد. تورم این

کشور در سال گذشته ۴٫۴ درصد بود و برای امسال نیز ۲٫۶ درصد تخمین زده شده است. نرخ بیکاری در فیلیپین در فصل دوم امسال، ۶٫۴ درصد بوده است. تراز تجاری فیلیپین به اندازه کمی منفی است؛ به عبارت دیگر، واردات در این کشور در ماه مه به اندازه ۲٫۶ میلیارد دلار از صادرات بیشتر بوده است. فیلیپین کسری بودجه ای به اندازه ۱٫۹ درصد تولید ناخالص داخلی خود دارد و نرخ بهره بانکی در حساب های کوتاه مدت آن نیز ۱٫۹۱ درصد است. در میان کشورهای شرق آسیای فیلیپین چندان مورد توجه ایران نبوده است. با این حال بررسی وضعیت این کشور نشان می دهد، موقعیت های کشف نشده ای در فیلیپین وجود دارد.

فیلیپین

اقتصادی تکه تکه

اقتصاد عراق وابستگی شدیدی به نفت دارد و به عبارتی بر پایه نفت است. حدود ۹۵ درصد از کل درآمدهای نفت عراق از فروش نفت این کشور حاصل می شود. جنگ های متعدد عراق و تحریم های بین المللی دراز مدت باعث عقب ماندن اقتصاد عراق شده است. در سال ۲۰۱۲ رشد اقتصادی عراق ۸٫۴ درصد تعیین شده بود که پیش بینی شده بود در سال ۲۰۱۴ به ۸٫۷ درصد برسد. عراق بعد از جنگی



که منجر به سرنگونی صدام شد، به صورت مداوم تولید نفت خود را افزایش داد و از بزرگ ترین صادر کنندگان نفت شد و ۵۰ درصد افزایش عرضه نفت بعد از حضور عراق در بازارهای جهانی مدیون

این کشور است. کشور عراق علاوه بر نفت منابع طبیعی بی شماری دارد، با این حال، بانک جهانی در گزارشی اعلام کرده سرانه رفاه در عراق به سبب جنگ این کشور با گروه تروریستی داعش ۱۴ درصد کاهش یافته و از میزان تولید ناخالص داخلی این کشور ۲۸ درصد کاسته شده است. صندوق بین المللی پول نیز اعلام کرده با توجه به پیامدهای اقتصادی جنگ با داعش، پیش بینی می شود تولید ناخالص داخلی در عراق امسال حدود نیم درصد کاهش داشته باشد. در حال حاضر عراق به عنوان یکی از رقبای سرسخت ایران به منطقه به شمار می آید که ممکن است بخشی از بازار ایران را در اختیار بگیرد.

عراق

نقش بازرگانان ترک در سیاست خارجی ترکیه

آتا ترک‌های بازرگان

در ذهن سیاست‌گذاران ترک، روابط تجاری و اقتصادی قوی‌تر با جهان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است



جعفر خیرخواهان
ترجمه‌ای از مقاله آلتای آتلی

ترکیه در سال‌های به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه موفق به تدوین و اجرای سیاست‌هایی در ارتباط با بقیه جهان شد که این کشور را از جایگاه سنتی انفعالی و حافظ وضع موجود که بر حفظ روابط نزدیک با غرب تأکید داشت به رویکردی فعال، چندبعدی و ابراز وجود‌کننده با گستره جغرافیایی بیشتر تغییر داد. ترکیه که از لحاظ جغرافیایی خود را به مثابه پلی بین اروپا و آسیا و حتی آفریقای داند، روابطش را با همه مناطق جهان گسترش داده است. پارادایم جدید سیاست خارجی ترکیه به دنبال حضور و نفوذ در سطوح منطقه‌ای و جهانی است که بخش مهمی از آن بر عهده بازرگانان ترکیه و جامعه مدنی گذاشته شده است. در این مقاله که «آلتای آتلی» استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه بغازچی استامبول ترکیه و هماهنگ‌کننده مرکز مطالعات آسیانوشته است، نشان داده می‌شود که در محاسبات سیاست خارجی ترکیه، موضوعات اقتصادی دارای کارکردی دوگانه هستند. برای سیاست‌گذاران ترکیه روابط اقتصادی قوی‌تر با بقیه جهان، هم هدف و هم وسیله دیده می‌شود. روابط اقتصادی بهتر به خودی خود یک هدف است چون که بهبود روابط تجاری و اقتصادی با مناطق مختلف جهان امکان دسترسی به بازارهای جدید را برای محصولات صادراتی ترکیه و جذب سرمایه خارجی برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری داخلی فراهم می‌کند. اقتصاد همچنین یک وسیله در سیاست خارجی است، چون جاه‌طلبی‌های ترکیه برای افزایش نفوذ منطقه‌ای و جهانی‌اش بر توانایی این کشور در ایجاد تصویری قدرتمند در خارج متکی است که تنها از طریق حضور اقتصادی رو به رشد در کشورهای همسایه و فراتر از آن ممکن است. عوامل اقتصادی با کمک انجمن‌های بازرگانی ترکیه به سیاست خارجی ترکیه شکل داده‌اند و از درون آن یک «دولت تجارت پیشه» بیرون آمده است. به این ترتیب دولت ترکیه با بازیگران غیردولتی به خصوص آنهایی که اهرم‌های اقتصادی قوی دارند از قبیل شرکت‌های بزرگ و انجمن‌های تجاری خصوصی وارد تعامل و همکاری در تدوین و اجرای سیاست‌های خود شده است. بنابراین شرکت عمومی - خصوصی یک مولفه حیاتی در سیاست‌گذاری خارجی این کشور به حساب می‌آید.

سایر ابتکار عمل‌های ترکیه عبارت‌اند از اعزام هیات‌های دیپلماتیک جدید به طوری که در سال ۲۰۱۲ دارای ۲۰۴ هیات دیپلماتیک در ۱۲۲ کشور بود؛

گسترش دامنه پروازی شرکت هواپیمایی ترکیه به مقاصد جدید که در حال حاضر به ۲۲۲ مقصد خارجی در ۱۰۸ کشور جهان رسیده است؛ برداشتن ویزای دوجانبه با کشورهای گوناگون؛ و تأسیس مدارس و مراکز فرهنگی ترکیه برای گسترش زبان و فرهنگ ترکیه.

در حالی که افزایش روابط اقتصادی ترکیه با بخش‌های گوناگون جهان نقش مهمی در هدف ترکیه برای گسترش نفوذ خود داشته است، سیاست‌گذاران ترک تلاش‌های شخصی نیز برای گسترش نفوذ جهانی کشور خود به کار بردند به طوری که مقامات عالی‌سیاسی ترکیه در سفرهای خارجی خود مدیران بنگاه‌های بخش خصوصی و استادان و پژوهشگران دانشگاهی را نیز همراه می‌برند. نخستین بار تور گوت‌اوزال بود که به طرقداری از حضور و مشارکت بیشتر بنگاه‌های بخش خصوصی در امور خارجه ترکیه پرداخت. اما پس از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ بود که صحنه سیاسی در ترکیه به شدت تغییر کرد و روابط خارجی به عنوان حوزه‌ای ظاهر شد که تغییرات در آن کاملاً محسوس بود. برتری و تقدم مسائل اقتصادی در پارادایم سیاست خارجی ترکیه در سال‌های قدرت یافتن حزب عدالت و توسعه به شدت احساس می‌شد. انجمن‌های تجاری در سیاست خارجی ترکیه نقش مهمی پیدا کرده‌اند. آنها نقش خود را با تأسیس تربیون‌های نیمه رسمی هم‌اندیشی و موضع‌گیری و تعامل با دولت، مشارکت در بازدیدهای رسمی رهبران دولتی، برقراری تماس‌های مستقیم با سیاست‌گذاران و مشارکت مستقیم در تدوین سیاست‌ها توسط نمایندگی داشتن جامعه تجاری در جلسات بین‌دولتی ایفا می‌کنند. در نهایت این که نشان می‌دهیم دوگانگی در اعلام موضع ترکیه نسبت به قیام و خیزش در مصر و لیبی را نمی‌توان بدون ملاحظه میزان حضور و مشارکت جامعه تجاری ترکیه در تدوین سیاست‌های واکنش به بحران‌های خارجی درک کرد.

رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه در یک سخنرانی به مناسبت پیروزی در انتخابات پارلمانی ماه ژوئن سال ۲۰۱۱ ابراز داشت که وی اطمینان‌فزاينده‌ای به نقش دولت خود دارد تا به عنوان میانجی صلح در منطقه‌ای از جهان که با مشکلات فراوان دست و پنجه نرم می‌کند ایفای نقش کند. او گفت: «ماور داشته باشید در این انتخابات به همان اندازه که استامبول پیروز شد ساریوون نیز پیروز





نخستین بار تورگوت اوزال بود که به طرفداری از حضور و مشارکت بیشتر نگاه‌های بخش خصوصی در امور خارجه ترکیه پرداخت. اما پس از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ بود که صحنه سیاسی در ترکیه به شدت تغییر کرد و روابط خارجی به عنوان حوزه‌ای ظاهر شد که تغییرات در آن کاملاً محسوس بود

شده است؛ بیروت نیز به اندازه از میر در این پیروزی سهیم است؛ دمشق نیز به اندازه آنکارا پیروز شده است؛ رام‌الله، نابلس، جنین، کرانه باختری و بیت‌المقدس نیز به اندازه دیاربکر پیروز شده‌اند.» در حالی که تحولات و خشونت‌های اخیر در منطقه خاور میانه شک و تردیدی فراوان نسبت به توانایی ترکیه به این که نقش خودانتصابی خویش را به نتایج عملی تبدیل کند ایجاد کرده است و شک و بدبینی نیز در این باره وجود دارد که چگونه مکان‌هایی که اردوغان در سخنرانی خویش بر زبان آورد (و همگی پیش از این جزو قلمرو امپراتوری عثمانی بوده‌اند) در سومین دوره بر سر کار آمدن حزب عدالت و توسعه «برنده و پیروز به حساب می‌آیند»، فعال شدن سیاست خارجی ترکیه در دوره اخیر، توجهی جدی از سوی سیاست‌گذاران و نیز پژوهشگران برانگیخته است.

در حالی که دگرگونی سیاست خارجی ترکیه به سمت رویکردی جاه‌طلبانه‌تر، چندبعدی و کاملاً فعالانه با قلمرو جغرافیایی گسترده‌تر به هر وسیله ممکن، شایسته بررسی و توجه بیشتری است، مباحث جاری درباره این موضوع ظاهراً به چند مضمون محدود شده است که جلوی درک و فهم کامل مسأله را می‌گیرد. برای نمونه از جاعاتی که غالباً به «جاه‌جوی محور» در سیاست خارجی ترکیه اشاره دارند، به این معنا که ترکیه از تمایلات سنتی طرفداری از غرب به سمت روابط نزدیک‌تر با جهان غیر غرب به طور کلی و کشورهای اسلامی به طور خاص تغییر جهت داده است. علاوه بر این، بحث و جدل‌ها در این باره به اوج خود می‌رسد که آیا ترکیه قابلیت و توانمندی برای ایفای چنین نقشی به عنوان رهبر منطقه‌ای را دارا هست یا خیر، یا این که آنچه یک «پارادایم جدید» نامیده می‌شود، رویای دستیابی به امپراتوری پرنحوت عثمانی جدید نیست؟ این پرسش‌ها حقیقتاً مهم هستند، با این حال یک حوزه بررسی دیگر نیز تاکنون کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. این حوزه به بررسی و تقدم مسائل اقتصادی مربوط می‌شود، که به عنوان یک تعیین‌کننده مهم در سیاست خارجی «جدید» ترکیه جای پای وسیعی پیدا کرده است. دلیل اصلی آن هم به اثرات دوجانبه تقویت‌کننده از یک بستر بین‌المللی برمی‌گردد که ناشی از وابستگی فزاینده اقتصادی بین‌ملتهاست و نیز نگاه واقع‌بینانه دولتی که سیاست عملی (real politik) خود را بر توسعه منافع مادی خود در فراتر از مرزها قرار داده است.

عصر اقتصاد داری کار کرد دوگانه در محاسبات سیاست خارجی ترکیه است به این معنا که در ذهن سیاست‌گذاران ترکیه روابط تجاری و اقتصادی قوی‌تر با بقیه جهان هم هدف و هم وسیله‌ای برای رسیدن به هدف محسوب می‌شود. اقتصاد به خودی خود یک هدف است از آنجا که بهبود روابط با همسایگان و همچنین کشورهای تاکنون مورد غفلت قرار گرفته از قبیل کشورهای آسیایی و آفریقایی عمده تا به این دلیل است که امکان دستیابی به بازارهای جدید برای محصولات صادراتی رو به افزایش ترکیه را فراهم می‌کند. صادرات یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد ترکیه به حساب می‌آید، و افزایش حجم صادرات اکنون بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است چرا که اقتصاد ترکیه با وجود رشد نسبتاً خوب تقریباً شش درصدی در سال‌های اخیر، دچار کسری مزمن حساب جاری است که ثبات اقتصادی آن را به مخاطره می‌اندازد. از طرف دیگر با توجه به سیاست خارجی ترکیه، عنصر اقتصاد یک وسیله برای رسیدن به هدف نیز به حساب می‌آید به این معنا که جاه‌طلبی‌های ترکیه برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای متکی بر استفاده از قدرت نرم است که این قدرت نرم نیز تاحد زیادی از ناحیه اعمال نفوذ فزاینده اقتصادی یک کشور در کشورهای همسایه خود به دست می‌آید. به طور خلاصه، عوامل اقتصادی در حال شکل‌دهی به سیاست خارجی ترکیه هستند که تاکنون این چنین نبوده است و به گفته کمال کایرچی یکی از تحلیل‌گران مسائل ترکیه، ما شاهد «خیزش و برآمدن دولت تجارت‌پیشه» هستیم.

یکی از ویژگی‌های دولت تجارت‌پیشه حضور و مشارکت عاملان و فعالان غیردولتی در سیاست خارجی است و از آنجا که در چنین دولتی، بازرگانی و

صادرات اولویت و اهمیتی اساسی به عنوان تعیین‌کننده سیاست‌ها پیدا می‌کند، جامعه تجاری و اتاق‌های بازرگانی به عنوان یکی از پرنفوذترین عاملان از قلمرو غیرحکومتی، وارد صحنه سیاست‌گذاری می‌شوند. اما باید توجه داشت که اگرچه شکل و قالب حضور و مشارکت جامعه تجاری در سیاست خارجی در گذر زمان تغییر کرده است اما این موضوع ایداً پدیده خیلی جدیدی در ترکیه نیست و ریشه‌های آن به بیش از سی سال پیش و دوران پس از کودتای نظامی در ابتدای دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد؛ زمانی که ترکیه برنامه آزادسازی اقتصادی جدی خود را با هدف ورود و ادغام در اقتصاد جهانی شروع کرد. در آن سال‌ها، هم‌ژنرال‌هایی که قدرت را با کودتا در سپتامبر ۱۹۸۰ در دست گرفتند و هم بوروکرات‌های غیرنظامی که با ژنرال‌ها کار می‌کردند از این نکته آگاه بودند که اگر ترکیه خواهان مشارکت در فرآیند اقتصادی جهانی است این هدف را تنها از طریق توانمندسازی جامعه تجاری می‌تواند انجام دهد. جملات وزیر خارجه وقت، ایلتن ترکمن در یک سخنرانی در ۱۹۸۲ به روشنی گویای این امر است که آنکارا مسئله را چگونه می‌نگریست: «ما در این باره هیچ تردیدی نداریم که کشور ما تنها از طریق تلاش و کوشش مشترک هیات‌های دیپلماتیک و جامعه تجاری است که می‌تواند درهای خود را به روی جهان خارج باز کند. این وظیفه ماست که انتظارات دوایر تجاری را تأمین کنیم به آنها برای باز کردن درهای کشور به روی جهان و یافتن بازارها برای محصولاتشان کمک کنیم. هدف ما گشودن بازارهای خارج به روی صادرات و به دست آوردن درآمد ارزی و ارزش افزوده است، در عین حال این نکته را هم فراموش نمی‌کنیم که در این مسیر حفظ حیثیت و اعتبار کشورمان نیز مطرح است که البته موضوعی بسیار مهم‌تر از کسب سودهای کوتاه‌مدت خواهد بود.» طرفدار و مدافع اصلی حضور و مشارکت بیشتر بازرگانان در امور خارجی ترکیه شخص تورگوت اوزال بود که به عنوان معاون نخست‌وزیر و مسئول امور اقتصادی در دولت موقت پس از کودتا خدمت کرد و با پیروزی حزب مزمن وطن وی در انتخابات، به نخست‌وزیری ترکیه در سال ۱۹۸۳ رسید. اوزال در تلاش برای این که ترکیه را در بقیه جهان ادغام کند، ترجیح داد که مستقیماً با جامعه تجاری به جای نظام رسمی اداری کار کند، چرا که وی نظام اداری را تشکیلاتی کند، عقب‌مانده و غیرخلاق می‌دید و یک مانع مهم در برابر پیشرفت سریع که باید از آن گذر کرد. اوزال علاوه بر مشوق‌ها و انگیزه‌هایی که برای بخش خصوصی فراهم کرد شروع به ایجاد این رویه کرد که جلسات منظمی با نمایندگان بخش خصوصی برگزار کند و در سفرهای رسمی دولت به خارج هیات‌های تجاری را نیز همراه خود ببرد. این طلیعه یک عصر جدید برای بازرگانان بود تا علائق و منافع خود را که مرتبط با امور خارجه ترکیه بود مستقیماً به دولت انتقال دهند و در رویدادهای سیاست خارجی سهیم و شریک شوند. در حالی که این مشارکت عمدتاً به مسائل اقتصادی محدود می‌شد، باید به این نکته هم توجه داشت که اطمینان اوزال به بازرگانان ترک آن چنان زیاد بود که در چند مورد بازرگانان را در مسائل «سخت و دشوار» نیز درگیر کرد. برای نمونه، در سال ۱۹۸۷ هنگامی که شکاف و اختلافات ترکیه و یونان در بدترین حالت خود بود، اوزال ترجیح داد وزارت امور خارجه را دور بزند و یک بازرگان را برای برقراری ارتباط با همتای یونانی خود آندره پائندرو استخدام کند. این رویکرد با این که نقش بازرگانان را در امور خارجه ترکیه افزایش می‌داد، البته شکاف بین اوزال و نظام اداری را گسترده‌تر کرد.

در این دوره، مشارکت بازرگانان در سیاست خارجی از ماهیتی خاص گرایانه به جای نهادینه شده برخوردار بود. اوزال شخصاً با هر کدام از بازرگانان کار می‌کرد و به جای تبادل نظرات با آنها شروع به دستور دادن و راهنمایی می‌کرد. همان‌طور که عایشه بوکرا، استاد اقتصاد سیاسی در موسسه تاریخ مدرن ترکیه می‌گوید «نقش اثر بخشی که سازمان‌های تجاری می‌توانستند در فرآیند سیاست خارجی ترکیه ایفا کنند عمدتاً توسط معدود شخصیت‌های خاصی تعیین می‌شد که ارتباطات خوبی با دولت برقرار کرده بودند.» جامعه تجاری در آن زمان هیچ کانال نهادی نداشت که از آن طریق بتواند منافع خود را به طور دسته‌جمعی به دولت در ارتباط

این رویه که هنگام بازدیدهای رسمی خارجی رهبران دولتی، هیات تجاری خصوصی هم حضور داشته باشد از زمان «تورگوت اوزال» شروع شد، و پس از کند شدن طی دهه ۱۹۹۰ با روی کار آمدن دولت عدالت و توسعه مجدداً به راه افتاد

گروه‌های ذی‌نفع تجاری تر که اینک با تعداد زیادی گروه مشخص می‌شود که طبقات کارآفرین مختلف را نمایندگی می‌کنند و برای اعمال نفوذ و تأثیرگذاری بر دولت با یکدیگر در حال رقابت هستند.

شیوه‌ای که جامعه تجاری در فرآیندهای سیاست‌گذاری خارجی شرکت می‌کند به نحو قابل ملاحظه‌ای نسبت به زمان اوزال نهادینه شده است و انجمن‌های نمایندگی و مدیران اجرایی منتخب آنها به جای بازرگانان منفرد دارای ارتباطات قوی نقش آفرینی می‌کنند و رسماً با دولت در مسائل مرتبط با سیاست خارجی سروکار دارند. اما نهادینه شدن همکاری دولت و بخش خصوصی محدودیت‌هایی به واسطه وجود و حیات سنت قوی دولت مرکزی در ترکیه دارد. این دولت است که قواعد همکاری دولت و بخش خصوصی را تعیین و انجمن‌های تجاری را که می‌خواهد با آنها کار کند انتخاب و آنها را در فرایند سیاست‌گذاری درگیر می‌کند بدون این که لزوماً بخشی از اقتدار یا کارویژه‌های اداری خود را به بخش خصوصی انتقال دهد. به بیان دیگر، هیچ سازمان رسمی وجود ندارد که مشترکاً توسط دولت و جامعه تجاری تأسیس شده باشد و فعالیت کند، هیچ گونه اعزام موقت بازرگانان در قالب مأموریت‌های دیپلماتیک ترکیه دیده نمی‌شود و اقدامات انجمن‌های تجاری در موضوعات مرتبط با سیاست خارجی همیشه مشمول تأیید چه صریح چه ضمنی از سوی دولت است. تنها یک چند پیوند نهادی آرگانیکی بین دولت و جامعه تجاری در این مورد وجود دارد که یک نمونه آن جلسات کمیسیون مشترک اقتصادی است که به شکل بین‌دولتی دوجانبه برگزار می‌شود و هیات‌های نمایندگی ترکیه همیشه یک کرسی برای نماینده بخش خصوصی محفوظ نگه می‌دارند. نکته دیگر این که تمایلی بین انجمن‌های تجاری دیده می‌شود که به بوروکرات‌های سابق را به عنوان کارکنان عالی‌رتبه استخدام کنند، که حکایت از تمایل زیاد جامعه تجاری برای تقویت پیوندهای غیررسمی با دولت دارد.

با توجه به غیبت ساختارهای سازمانی مشترک که به سمت مشارکت در تصمیم‌گیری هدف‌گذاری شده و قدرت لازم به آن داده شده باشد، مشارکت جامعه تجاری در سیاست خارجی ترکیه از طریق کانال‌های انتشار نظرات و ابراز ترجیحات جامعه تجاری به سیاست‌گذاران عمومی رخ می‌دهد. دوروش غالباً استفاده‌شده در تعقیب این گفت‌وگو عبارت‌اند از مکاتبه و نامه‌نگاری مستقیم با مقامات دولتی و مشارکت در بازدیدهای رسمی خارجی رهبران دولتی. نامه‌نگاری مستقیم با دولت نه تنها مستلزم فعالیت‌های لابی‌گری در آنکارا است بلکه شکل متداول تر آن درون محیط رویدادهای تجاری بزرگ مقیاس رخ می‌دهد که جامعه تجاری را با سیاست‌گذاران در یک جا گرد هم می‌آورد و دولت همیشه در این میتینگ‌ها در هر دو سطح دولت و نظام اداری نماینده دارد و متداول است که رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر ترکیه در این رویدادها خطاب به جامعه تجاری سخن بگویند. چنین رویدادهایی کارکردهای دیگری نیز دارد به این معنا که در بیشتر موارد، توافقات بین‌دولتی طی این رویدادها که با حمایت بخش خصوصی برگزار شده است، امضای می‌شود و انجمن‌های تجاری از طریق این رویدادها یک تریبون اعلام موضع برای مقامات دولتی ترکیه و هم‌تایان میهمان خود فراهم می‌کنند تا مسائل دوجانبه را در یک محیط غیررسمی به بحث گذارند.

همان‌طور که در بالا اشاره شد این رویه که هنگام بازدیدهای رسمی خارجی رهبران دولتی، هیات تجاری خصوصی هم حضور داشته باشد از زمان تورگوت اوزال شروع شد. این رویه پس از کاند شدن طی دهه ۱۹۹۰ با روی کار آمدن دولت عدالت و توسعه مجدداً راه افتاد. اکنون در سفرهای خارجی دهه‌ها بازرگان همراه با نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور روانه می‌شوند، در جلسات بین‌هیات‌های نمایندگی ترکیه و میزبانان شرکت می‌کنند و نظرات و مواضع خویش را در ارتباط با مسائل دوجانبه ابراز می‌کنند.

با سیاست خارجی انتقال دهد. هیچ کدام از انجمن‌های حرفه‌ای عمومی از قبیل اتحادیه اتاق‌ها و بورس‌های کالای ترکیه (TOBB) یا انجمن‌های داوطلبانه از قبیل انجمن بازرگانی و صنایع ترکیه (TUSIAD) چنین کارکردی نداشتند چون که هر دو نهاد برون‌گرا بودند. نیاز به یک چهارچوب نهادی جدید بود و به دنبال آن هیات روابط اقتصادی خارجی ترکیه (DEİK) با هدف هماهنگ کردن روابط اقتصادی خارجی جامعه تجاری و این که به عنوان یک تریبون هم‌اندیشی برای ارتباط برقرار کردن بین دولت و بخش خصوصی عمل کند، در سال ۱۹۸۶ تأسیس شد.

تورگوت اوزال در سال ۱۹۸۹ به ریاست جمهوری انتخاب شد، پستی که تا هنگام مرگ ناپهنگامش در سال ۱۹۹۳ برعهده داشت. پس از فوت وی، حضور جامعه تجاری در موضوعات سیاست خارجی به حاشیه رفت. مشکل این نبود که جانشینان اوزال دیدگاه و نگرش وی را انکار کردند و از آن تبری جستند بلکه در عوض بستر داخلی تغییر کرد به نحوی که از دسترسی فعالان غیردولتی به فرآیند سیاست‌گذاری جلوگیری می‌کرد. در دهه ۱۹۹۰، عرصه سیاست ترکیه دارای ویژگی بی‌ثباتی جدی با یک مجموعه دولت‌های ائتلافی شکننده‌ای که قدرت را در دست داشتند، بود و کشور در حال مقابله با خشونت مسلحانه و آشوب اقتصادی بود. اگرچه همه دولت‌های ائتلافی راست میانه که بین ۱۹۹۱ و ۱۹۹۹ تشکیل شدند موضع طرفداری از بخش خصوصی را به درجات مختلف پذیرفتند، چندپارگی ساختارهای سیاست‌گذاری همچنین بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی به طور کلی باعث شد تا فعالان تجاری خصوصی در حاشیه باقی بمانند.

اما پس از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ بود که صحنه سیاسی در ترکیه به شدت تغییر کرد و روابط خارجی به عنوان حوزه‌ای ظاهر شد که تغییرات در آنجا کاملاً محسوس بود. همان‌طور که در بالا بحث شد، برتری و تقدم مسائل اقتصادی در پارادایم سیاست خارجی ترکیه در سال‌های قدرت یافتن حزب عدالت و توسعه به شدت احساس می‌شد. دولت اکنون از حجم بیشتر تجارت و سرمایه‌گذاری به عنوان ابزار سیاست خارجی و همکاری با جامعه تجاری استفاده می‌کرد، همان‌گونه که در زمان اوزال عمل می‌شد. اما آنچه از دهه ۱۹۸۰ به بعد تغییر کرده تعداد عاملان و بازیگران جامعه تجاری است که افزایش یافته و نیز شیوه‌ای که دولت با بازرگانان درباره مسائل سیاست‌گذاری خارجی تعامل می‌کند به شکل الگوهای نهادینه‌تری متحول شده است.

طی دهه ۱۹۹۰، هیات روابط اقتصادی خارجی ترکیه به عنوان انجمن تجاری سرشناسی باقی ماند که نقش فعالی در سیاست‌های اقتصادی خارجی ترکیه ایفا می‌کند. سایر سازمان‌های فعال در خلال این دوره از قبیل انجمن بازرگانی و صنایع ترکیه و انجمن صنعتگران و بازرگانان مستقل (MUSIAD) که یک انجمن داوطلبانه تأسیس شده در سال ۱۹۹۰ بود روی موضوعات داخلی متمرکز شده بودند، در حالی که سازمانی دیگر با جایگاه نیمه‌عمومی به نام شورای صادرکنندگان ترکیه (TİM) به عنوان سازمانی فراگیر برای همه اتحادیه‌های صادرکنندگان بخشی و منطقه‌ای در ترکیه در ۱۹۹۳ تأسیس شد و بر حوزه اقتصاد کلان متمرکز شده بود و به دولت فشار می‌آورد تا سیاست‌های پولی را به نفع صادرکنندگان اصلاح کند. پس از این که حزب عدالت و توسعه به قدرت رسید، هیات روابط اقتصادی خارجی ترکیه به مأموریت خود ادامه داد اگرچه در شرایط رقابت‌فزاينده برای اعمال نفوذ قرار داشت. خیزش اسلام سیاسی از یک سو و تکامل مراکز صنعتی جدید در منطقه آناتولی از سوی دیگر باعث ایجاد یک طبقه تجاری جدید شد که انجمن‌های تجاری خاص خود را از قبیل کنفدراسیون بازرگانان و صنعتگران ترکیه (TUSKON) به وجود آوردند که با وجود این که در سال ۲۰۰۵ بنیان‌گذاری شد به لطف ارتباطات نزدیک با دولت که از پایگاه حمایت محلی گسترده این نهاد ناشی می‌شد، به سرعت توانست به ثروت فراوانی برسد. خلاصه کلام این که، صحنه حضور و مشارکت

ترکیه سیاست خارجی خود را بر محورهای ایدئولوژیک بنا نکرده بلکه روی محورهای تجاری بنا کرده است که مراکز صنعتی ترکیه را با شرکای خارجی خود در منطقه ارتباط می‌دهد



نتیجه این که انجمن‌های تجاری در سیاست خارجی ترکیه نقش دارند. آنها نقش خود را با تأسیس تریبون‌های نیمه رسمی و رهبران دولتی، برقراری تماس‌های مستقیم با مشارکت در بازدیدهای رسمی، رهبران دولتی، برقراری تماس‌های مستقیم با سیاست‌گذاران و با مشارکت مستقیم در تدوین سیاست‌ها توسط نمایندگی داشتن جامعه تجاری در جلسات بین دولتی ایفا می‌کنند. اما پرسشی که باید کرد این است که این مشارکت تا چه حد موثر و تأثیرگذار بوده است.

برای درک میزان کارایی مشارکت تجاری در سیاست‌گذاری خارجی ترکیه، تعامل دولت و بخش خصوصی در این حوزه را باید به عنوان یک فرایند چانه‌زنی مفهوم‌سازی و تصور کرد، چرا که بسیار حیاتی است که ببینیم چگونه دو طرف انگیزه‌های خویش را برای تشکیل یک ساختار همکاری جوانانه یا یکدیگر همسو می‌کنند. دولت و جامعه تجاری دو هویت جداگانه با دستور کارها و اولویت‌های جداگانه خاص خود هستند، در عین حال آنها به همدیگر نیاز دارند تا منافع خاص خود را تعقیب کنند. دولت ترکیه خواهان افزایش نفوذ خود در منطقه پیرامونی خویش است و برای این کار نیازمند حجم بزرگ‌تری از تجارت خارجی است. از آنجا که اقتصاد بازار لیبرال ترکیه، فاقد بینگاه‌های اقتصادی بزرگ دولتی از نوع نظام چینی است بدین منظور به پول و حضور بخش خصوصی نیاز است. در طرف دیگر این معامله، بخش خصوصی قرار دارد که تحت تأثیر محرک سود است و در منطقه‌ای که از نشانه‌های مهم آن محیط کسب و کار بی‌ثبات است، به سیاست‌های خارجی مطلوب و کمک دولت برای غلبه بر موانع نیاز دارد. دولت اقدام به مشارکت دادن جامعه تجاری در فرایند سیاست‌گذاری کرده است با این شرط که بخش خصوصی اولویت‌های دولت را به چالش نکشد، و بخش خصوصی از محرک‌های سیاست‌گذاری دولت از طریق تأمین منابع مالی رویدادهای سیاست‌گذاری خارجی و افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری خود در مناطقی که دولت مشخص کرده است حمایت می‌کند؛ البته مادام که اجازه دارد در مسائل سیاست‌گذاری حرفی برای گفتن داشته باشد و منافعش مورد حمایت قرار گیرد.

توضیحاتی که نخست‌وزیر اردوغان در یک جلسه با مشاوران و وابسته‌های تجاری ترکیه در خارج کشور بیان کرد آشکارا نشان می‌دهد که تعهد دولت در این معامله دوجانبه سودآور، حمایت از منافع در سطح یک بنگاه را نیز در بر می‌گیرد: «به عنوان نخست‌وزیر این کشور، من سرمایه‌گذاری‌های ترکیه، فعالیت بازرگان ترک، راه را جایی که بروم دنبال می‌کنم. هر زمان که نیاز باشد شخصا مداخله می‌کنم تا مشکل حتی یک راننده کامیون را حل کنم. مشکل شما مشکل ما هم هست.» برای این که یک نمونه مناسب از تعامل دولت و بخش خصوصی را در عمل نشان دهیم، نیازی نیست راه دوری برویم و کافی است به مراحل اولیه بهار عربی نگاه کنیم، زمانی که واکنش‌های واگرای ترکیه به رویدادهایی که در مصر و لیبی به راه افتاد در آذهان بسیاری ایجاد سردرگمی کرد. در مورد مصر، آنکارا به سرعت از مبارک در خواست کرد که به خواسته مردم احترام گذارد و قدرت را واگذار کند. اما در لیبی، ترکیه از گرفتن موضع روشن در برابر قذافی خودداری کرد تا وی را وادار به انجام اصلاحات کند به جای این که از قدرت کنار برود. بنابراین چنین موضع‌گیری‌ای تردیدهایی در حسن نیت آنکارا نسبت به ترویج دموکراسی در منطقه ایجاد کرد. تنها پس از گذشت دو ماه بود که آنکارا تصمیم گرفت از مخالفان قذافی پشتیبانی کند و روی خود را از قذافی برگرداند. این دوگانگی در اعلام موضع بین واکنش‌های ترکیه به قیام و خیزش در مصر و لیبی را نمی‌توان بدون ملاحظه میزان حضور و مشارکت جامعه تجاری ترکیه در تدوین سیاست‌های واکنش نشان دادن به بحران‌ها درک کرد. با توجه به گستره جهانی تجارت ترکیه، این دو کشور معنا و مفهوم متفاوتی برای بخش خصوصی ترکیه دارد. در حالی که مصر یک شریک تجاری با حداقل حجم تجارت برای ترکیه است، کشور لیبی دومین بازار بزرگ برای شرکت‌های ساختمان‌سازی ترکیه است که آنها به مدت چهار دهه در آن فعال بوده‌اند. طی این مدت شرکت‌های ترکیه‌ای بیش از ۵۰۰ پروژه به ارزش ۲۶ میلیارد دلار

تکمیل کردند که تقریباً نیمی از آنها طی پنج سال آخر بوده است. در زمانی که قیام مردم لیبی علیه قذافی به راه افتاد، ۲۵ هزار شهروند ترکیه‌ای در لیبی زندگی می‌کردند و عمدتاً به شکل کارگر و مهندس، که در استخدام شرکت‌های ترکیه‌ای بودند. به بیان دیگر، در حالی که منافع تجاری بلندمدت ترکیه در لیبی در خطر بود، چنین قضیه‌ای به میزان بسیار کمتری در مصر وجود داشت. این بحران سیاسی شرکت‌های ساختمان‌سازی ترکیه‌ای را مجبور کرد تا لیبی را تخلیه کنند، پروژه‌های نیمه‌تمام و موجودی انبار تجهیزات به ارزش ۱۵ میلیارد دلار را پشت سرشان به حال خود رها کنند و در نتیجه حضور جامعه تجاری در سیاست‌گذاری خارجی ترکیه در باره لیبی الزامی می‌شد.

نخستین گامی که دولت ترکیه برداشت ایجاد «کمیته پایش وضعیت لیبی» به ریاست وزیر اقتصاد و نمایندگانی از وزارت امور خارجه و چهار انجمن تجاری مهم بود و هدف از آن «برقراری یک برنامه عملی بود که دیدگاه‌های سازمان‌های تجاری را در نظر بگیرد». شورای تجاری ترکیه-لیبی که تحت حمایت عالی‌هیت روابط اقتصادی خارجی ترکیه فعالیت می‌کند ۱۲ جلسه تشکیل و نتایج کار خود را به ارگان‌های دولتی مربوطه گزارش داد. مشورت‌های گسترده‌ای بین مقامات دولتی و انجمن‌های تجاری برقرار شده بود و در نتیجه، دولت ترکیه تصمیم گرفت یک زمان انتظار کشیدن برای بررسی گزینه‌های متفاوت در دوره پس از قذافی در نظر بگیرد تا امکان انتخاب کردن داشته باشد. بدیل‌های موجود شامل دو گزینه دموکراتیک بود: دموکراسی از درون از طریق حمایت از مخالفان طرفدار دموکراسی یا دموکراسی از بیرون از طریق مداخله غربی‌ها. آنکارا گزینه نخست را ترجیح داد چون که گزینه دوم احتمال داشت یک لیبی پس از قذافی به وجود آورد که در آن فرصت‌های تجاری، به‌ویژه در بخش ساختمان‌سازی، بین پیمانکاران از کشورهای غربی توزیع شود همان‌گونه که در مورد عراق و افغانستان اتفاق افتاد. این یک تجربه تلخ نه تنها برای شرکت‌های ساختمان‌سازی خواهد بود که کسب و کار و بازار خود را در لیبی از دست دادند، بلکه همچنین برای دولت ترکیه که کشور لیبی به طور سنتی نقطه کلونی نفوذ اقتصادی ترکیه در شمال آفریقا بوده است. در نهایت ترکیه با دخالت ناتو مخالفت کرد و تصمیم گرفت به جای آن به پشتیبانی مالی از گروه‌های مخالف در لیبی بپردازد. این یک تصمیم سیاست‌گذاری بود که توسط دولت با مشارکت جامعه تجاری گرفته شد و در حالی که نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد که سیاست ترکیه در لیبی تنها در سطح اقتصادی تدوین شده است با این حال واقعیت قضیه این است که عامل تجاری یک تعیین‌کننده مهم بوده است. نتیجه بحث این که این گزارش توجیهی سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌دهد که برای بررسی سیاست‌گذاری خارجی ترکیه باید عامل اقتصادی را وارد کنیم. طرح بحث به این شکل که شاهد «جابه‌جایی محور» در سیاست خارجی ترکیه بوده‌ایم تا حدی مزایای خاص خود را داشته است، اما تحقیق را به یک طیف فکری بین غرب و شرق محدود می‌کند بدون این که بنیان‌های مادی و اقتصادی سیاست خارجی ترکیه به حد کافی مطالعه شود و علاقه‌مندان به بررسی سیاست خارجی ترکیه را از دیدن تصویر بزرگ‌تر محروم کند. ترکیه سیاست خارجی خود را بر محورهای ایدئولوژیک بنا نکرده بلکه روی محورهای تجاری بنا کرده است که مراکز صنعتی ترکیه را با شرکای خارجی خود در منطقه ارتباط می‌دهد. در واقع وجود جامعه تجاری خصوصی است که این محورها را با صادرات، واردات و سرمایه‌گذاری‌های خود به عنوان نمایندگان انجمن‌های تجاری تقویت می‌کند و به عنوان عاملان و بازیگرانی جدید در فرایند تدوین سیاست‌گذاری ظاهر می‌شوند. به طور خلاصه، درک کامل تر پویایی در پشت صحنه سیاست‌گذاری خارجی ترکیه تنها از طریق بررسی مفصل چگونگی وابستگی دوجانبه بین دولت و جامعه تجاری ممکن است که در سیاست‌های انتخاب‌شده بازتاب می‌یابد و چگونه همکاری یا رقابت بین گروه‌هایی که نمایندگی طبقات کارآفرینی متفاوت دارند بر این فرایند تأثیر می‌گذارد.

صحنه حضور و مشارکت گروه‌های ذی‌نفع تجاری ترکیه اینک با تعداد زیادی گروه مشخص می‌شود که طبقات کارآفرین مختلف را نمایندگی می‌کنند و برای اعمال نفوذ و تأثیرگذاری بر دولت یا یکدیگر در حال رقابت هستند

داستان رشته‌های محبوب

نگاهی به زندگی احمد صادقیان، کارآفرین برتر و مدیرعامل تک ماکارون

به همراه خانواده به شهر یزد رفتند تا فرزندان خانواده برای ادامه تحصیل از امکانات بیشتری استفاده کنند. او در این شهر تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را ادامه داد و بعد از اخذ دیپلم برای ادامه تحصیل از یزد به کرمان رفت و در دانشگاه کرمان مدیریت بازرگانی خواند. رشته‌ای که می‌گوید ارتباط بیشتری با تجارت، تولید و کار داشت و او با علاقه آن را انتخاب کرد. او در سال ۱۳۵۵ فارغ التحصیل شد و پس از آن به خدمت سربازی رفت که هم‌زمان شده بود با دوران انقلاب.

صادقیان می‌گوید: «محل خدمت سربازی‌ام پایگاه یکم شکاری مهرآباد بود و روزهای پرتحویلی در آنجا می‌گذشت؛ رفتن شاه، آمدن حضرت امام و...» سال ۵۸ با پایان دوران سربازی، احمد صادقیان به پدرش پیوست که به همراه تعدادی از شرکای خود کارخانه بافت فرش ماشینی «باستان یزد» را راه‌اندازی کرده بودند و قائم مقام مدیرعامل (پدرش) شد. او می‌گوید: «کارهای ساخت و ورود ماشین آلات این کارخانه از پیش از انقلاب و سال‌های ۵۵ و ۵۶ شروع شده بود ولی هم‌زمان با انقلاب کارها کند شد و پس از انقلاب همه چیز دوباره پیگیری شد و من اولین کار جدی خود را در این کارخانه شروع کردم و مراحل تکمیل ساختمان، ترخیص و نصب و راه‌اندازی ماشین آلات و شروع تولید را در آنجا بودم.»

البته حضور احمد صادقیان در این کارخانه چندان طولانی نبود زیرا سال بعد کاری در استانداری یزد به او پیشنهاد شد. خودش می‌گوید: «دوستی داشتم که من را به آقای مهندس قندهاری استاندار یزد در سال ۵۹ معرفی کرد و بعد به من پیشنهاد دادند که شما هم یزدی هستید و کمک کنید تا کارها شکل بگیرد؛ بنابراین تولید را حدود یک سال رها کردم و مشاور استاندار شدم و حتی با رفتن آقای قندهاری از استانداری و آمدن استاندار جدید به من پیشنهاد فرمانداری شهرستان مهریز شد ولی من به این نتیجه رسیده بودم که ذائقه سیاسی ندارم پس دوباره به کار صنعتی و تولید برگشتم.» هم‌زمان با رها کردن کارهای دولتی، پدر به احمد صادقیان و دیگر برادرانش پیشنهاد داد تا خودشان نخستین کارخانه خانوادگی یعنی کارخانه تولید و بافت فرش ماشینی را راه‌اندازی کنند؛ در واقع این گونه بود که کارخانه «فرش ستاره کویر یزد» احداث شد و احمد صادقیان مدیرعامل این کارخانه خانوادگی شد. خود او درباره آن سال‌ها و توسعه کار می‌گوید: «تمام کارهای تأسیس شرکت و کارخانه را به کمک مرحوم پدر و سایر

داستان احداث نخستین کارخانه تولید ماکارونی در کشور را این گونه تعریف می‌کند: «سال ۷۱ بود که وزیر صنعت و معدن وقت آقای مهندس نعمت‌زاده جلسه‌ای با حضور تولیدکنندگان آرد و صنایع مرتبط تشکیل داده و در آن گفته بود که همسرش در خانه ماکارونی می‌پخته و او دیده که ماکارونی ترکیه‌ای است و یک لحظه به این فکر کرده که او وزیر صنعت ایران است و چرا باید در خانه‌اش ماکارونی خارجی پخته شود؛ پس جلسه گذاشته تا به آنها پیشنهاد دهد پا پیش بگذارند و کارخانه تولید ماکارونی راه‌اندازی کنند.»

اینها خاطرات مردی است که یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان کارآفرینان کشور محسوب می‌شود؛ احمد صادقیان مدیرعامل کارخانه «تک ماکارون» است که بسیاری در ایران ماکارونی، پاستا، اسپاگتی و... را با برند کارخانه او می‌شناسند. البته او در این کار تنها نیست و خودش می‌گوید: کارخانه‌جات آنها و تمام کارها و صنایعشان خانوادگی و فامیلی اداره می‌شود. آنها علاوه بر صنایع غذایی در صنعت تولید فرش ماشینی، تولید مداد و خودکار و... نیز حضوری فعال دارند.

از میبد تا کار در استانداری

احمد صادقیان که به‌تازگی ۶۲ ساله شده، متولد شهر یور سال ۱۳۳۲ در شهرستان میبد استان یزد است؛ او فرزند سوم خانواده (یک خواهر و چهار برادر) است متحد که همگی در کنار هم در کار تولید هستند و به نوعی کارخانه‌جات و صنایع خانوادگی را اداره می‌کنند و هر کدام از خواهر و برادرانش در یکی از این کارخانه‌های صنعتی، نقش مدیریت را دارند.

احمد صادقیان در خانواده‌ای مذهبی و کارآفرین رشد کرد و از کودکی با تولید، کشاورزی و بازرگانی آشنا شد. خودش می‌گوید که سرگرمی کودکش در بازی با وسایل کشاورزی خلاصه می‌شد و از همان زمان عاشق کارهای صنعتی و تولیدی شد.

صادقیان می‌گوید: «عشق و علاقه مرحوم پدرم تولید بود و در بخش‌های کشاورزی، بازرگانی و صنعت فعالیت می‌کرد و ما هم به تبع او به این راه کشیده شدیم. یادم هست در دوران کودکی و نوجوانی ما پدرم در کنار کشاورزی کارگاه پنبه‌پاک‌کنی راه‌اندازی کرده بود و معدن گچ داشت و در نبود برق به روش سنتی گچ تولید می‌کرد.»

احمد صادقیان تا سوم ابتدایی را در شهرستان میبد مدرسه رفت و بعد



صادقیان می‌گوید که سرگرمی کودکش در بازی با وسایل کشاورزی خلاصه می‌شد و از همان زمان عاشق کارهای صنعتی و تولیدی شد



تک ماکارون اولین کارخانه تولید ماکارونی در کشور بود که در ۶ شهریور ۱۳۷۲ با مشارکت خانواده صادقیان و تعداد دیگری از شرکایشان راه‌اندازی شد که البته در سال‌های بعد تمام سهام این شرکت از سوی خانواده صادقیان خریداری شد.

فرش باستان یزد اولین تجربه جدی احمد صادقیان برای حضور در فعالیت‌های تولیدی بود. با پایان دوران سربازی، او به پدرش پیوست که به همراه تعدادی از شرکای خود کارخانه بافت فرش ماشینی «باستان یزد» را راه‌اندازی کرده بودند و قائم مقام مدیرعامل (پدرش) شد.



کارخانه فرش ستاره کویر یزد نخستین کارخانه خانواده صادقیان بود که در اوج روزهای جنگ با سرمایه اولیه ۲۰ میلیون تومان در مساحت ۲۳ هزار متر مربع و با ماشین‌آلات آلمانی راه‌اندازی شد



احمد صادقیان که به‌تازگی ۶۲ ساله شده، متولد شهر یور سال ۱۳۳۲ در شهرستان میبد استان یزد است؛ او فرزند سوم خانواده (یک خواهر و چهار برادر) است متحد که همگی در کنار هم در کار تولید و صنعت هستند





استاندار وقت یزد
در سال ۵۹ به من
پیشنهاد دادند
که شما یزدی
هستید و کمک
کنید تا کارها در
استان شکل بگیرد؛
بنابر این تولید را
حدود یک سال
رها کردم و مشاور
استاندار شدم

ماشینی در جهان) وارد شد. البته به گفته احمد صادقیان درست است که آنها ماشین آلات را وارد کردند اما در طول دهه‌های گذشته با توجه به شناختی که از فرش در ایران وجود دارد و تخصص در این حوزه آنها تجربیات و دانش بسیاری را توسط واحدهای RD به شرکت سازنده بلژیکی ماشین آلات منتقل کرده‌اند و به همین دلیل نیز پیشرفت‌های بسیاری در این صنایع شکل گرفته است تا جایی که وزیر اقتصاد بلژیک در سال ۲۰۰۳ از گروه صنعتی ستاره کویر یزد، رسماً تقدیر کرد.

گروه صنعتی ستاره کویر یزد در طول بیش از ۳ دهه فعالیت علاوه بر تامین بخشی از نیازهای داخلی صادرات گسترده‌ای هم داشته است. احمد صادقیان می‌گوید: «صادرات همیشه از همان شروع تولید در سال ۶۲ یکی از اهداف ما بود و یادم هست در اواخر دهه ۶۰ که برای خرید ماشین آلات ریسندگی به جنوب آلمان شرقی رفته بودم در یک آنتیک‌فروشی با نامایش یک تخته فرش از تولیدات خیلی خوب کارخانه روبه‌رو شدم که برایم بسیار جذاب بود و واقعا خستگی را از تنم بیرون آورد.» او ادامه می‌دهد: «در آن سال‌ها صادرات ما بیشتر به صورت غیر رسمی بود اما رسماً از دهه ۷۰ کار صادرات را جدی شروع کردیم و توسعه دادیم و الان به جایی رسیده‌ایم که به بیش از ۲۰ کشور از جمله کشورهای اروپایی مانند اتریش، آلمان، فرانسه و... آسیای شرقی مانند ژاپن و کشورهای عربی و استرالیا صادرات داریم؛ حتی در مقطعی به آمریکا و کانادا نیز فرش ماشینی صادر می‌کردیم اما به دلیل تحریم‌ها کار با گر‌ه‌هایی روبه‌رو و متأسفانه با وجود بازار بسیار خوب متوقف شد که حالا امیدواریم با حل مشکلات دیپلماتیک این چالش‌ها هم حل شود.»

برادرانم و خواهر از سال ۱۳۶۰ شروع کردیم و خوشبختانه چندسالی بیشتر نگذشت که به یک گروه صنعتی بزرگ تبدیل شدیم و حالا پنج واحد صنعتی فرش ستاره کویر، فرش خاطره، شرکت رنگریزی یزد، الیاف یزد و نساجی یزد را مدیریت می‌کنیم.»

اولین کارخانه خانواده صادقیان در اوج روزهای جنگ با سرمایه اولیه ۲۰ میلیون تومان در مساحت ۲۳ هزار متر مربع و با ماشین آلات آلمانی راه‌اندازی شد، روزهایی که کسی به سمت تولید نمی‌رفت و از سوی دیگر بسیاری از واحدهای تولیدی در حال مصادره شدن بودند و مشکلات بسیاری در حوزه تامین ارز نیز داشتند. به گفته احمد صادقیان، با همه این چالش‌ها پدرش، او و برادرانش را با توجه به نیاز بالای کشور، به کار جدید و راه‌اندازی کارخانه بافت فرش ماشینی تشویق کرد. «پدر گفت ما متوقف نخواهیم شد، کارمان را شروع می‌کنیم؛ اگر هم مشکلی پیش آمد ترجیح می‌دهم به جای این که پول و ملکمان مصادره شود، کارخانه و واحد تولیدی‌مان را بدهیم. ما تولید را سال اول از ۴۵۰ هزار متر مربع فرش ۵۰۰ شانه شروع کردیم و حالا به بالای ۳ میلیون متر مربع رسیده‌ایم.»

از توسعه کارخانه تا دریافت نشان

با گذشت چند سال و توسعه کارخانه تولید فرش ماشینی ستاره کویر یزد در دهه ۷۰ احمد صادقیان و دیگر اعضای خانواده به این فکر افتادند که کارشان را توسعه دهند. آنها با توجه به نیاز کارخانه به مواد اولیه به این نتیجه رسیدند که به تدریج واحدهای رنگریزی، ریسندگی و... را به واحدهای صنعتی‌شان اضافه کنند و علاوه بر راه‌اندازی کارخانه جدید فرش خاطره تولید را افزایش دهند. کارخانه‌ای که این بار ماشین آلات آن از بلژیک (بزرگ‌ترین تولیدکننده فرش ماشینی و ماشین آلات تخصصی بافت فرش

بیش از ۵ هزار کارگر و کارمند در کارخانجات وابسته به خانواده صنعتی صادقیان مشغول به کار هستند. احمد صادقیان می‌گوید پدرش تولید و اشتغال را یکی از کار مقدسی می‌دانست.

وزیر اقتصاد بلژیک در سال ۲۰۰۳ از گروه صنعتی ستاره کویر یزد به دلیل انتقال تجربیات و دانش به شرکت سازنده ماشین آلات فرش ماشینی بلژیکی تقدیر و تشکر کرد.

۱۳۹۴

۱۳۸۵

۱۳۸۳

۱۳۸۰

تولید لوازم تحریر یکی دیگر از فعالیت‌های خانواده صادقیان است. آنها محصولاتی همچون مداد پارس را تولید می‌کنند

در ازه واحد تولیدی در حوزه شیرینی و شکلات بود که خانواده صادقیان در دهه ۸۰ در شهر یزد راه‌اندازی کرد. صادقیان می‌گوید: یزد شهر شیرینی‌های سنتی است ولی جای کارخانه تولید شیرینی صنعتی در آن خالی بود



۷۰ دهه ورود به صنایع غذایی

هم‌زمان با توسعه کارخانه‌جات نساجی در دهه ۷۰ خانواده صادقیان پایه عرصه صنایع غذایی نیز گذاشت و نخستین کارخانه تولید ماکارونی در کشور را به همراه تعدادی از شرکای دیگر راه‌اندازی کرد و چند سال بعد کارخانه آردداران را نیز به مجموعه افزود. احمد صادقیان با اشاره به گذشت ۲۱ سال از راه‌اندازی کارخانه تک ماکارون (۶ شهریور سال ۷۳) می‌گوید: «مرحوم پدر دوستی داشت که در جلسه‌ای که آقای مهندس نعمت‌زاده در آن پیشنهاد راه‌اندازی کارخانه تولید ماکارونی را داده بود، حضور داشت و بعد از جلسه موضوع را با مادر میان گذاشت و همین جرقه‌ای زد برای این که نخستین کارخانه را راه‌اندازی کنیم؛ اول کار یادم هست ۳۶ درصد سهام از آن ما بود و ۴ گروه بودیم ولی در سال‌های بعد کل سهام را خریداری کردیم و مالک کارخانه شدیم.» به گفته احمد صادقیان، آنها از همان ابتدای کار حساسیت و توجه ویژه‌ای به استانداردها داشتند و تلاش کردند تا بهترین تکنولوژی را از سوئیس وارد کنند و در برندسازی، تبلیغات، انتخاب نام و... از کارشناسان و متخصصان استفاده کنند و همین موضوع و تولید محصولات با کیفیت باعث شد تا آنها خیلی زود خارجی‌ها را از میدان خارج کنند و با راه‌اندازی کارخانه‌های دیگر در کشور تولید ماکارونی به صورت کلی به دست شرکت‌های داخلی بیفتد تا جایی که حتی سفارت‌خانه‌های خارجی هم از ماکارونی ایرانی استفاده می‌کردند. با توسعه کار کارخانه تک ماکارون آنها به این نتیجه رسیدند که در کنار تولید ماکارونی برای تامین مواد اولیه و افزایش کیفی و بهداشتی بهتر محصولات کارخانه آردداران و سیستم توزیع خودشان را هم راه‌اندازی کنند تا هر چه بهتر بتوانند بازار را در اختیار داشته باشند و محصولات متنوع تولید کنند. «ما از نظر طرح، رنگ و اشکال مختلف و برای ذائقه‌ها بیش از ۱۰۰ محصول تولید می‌کنیم و به بیش از ۲۸ کشور صادرات داریم.»

از دروازه تا ممداد پارس

علاوه بر صنایع فرش ماشینی و مواد غذایی، خانواده صادقیان در صنعت شیرینی و شکلات نیز با برند «دراژه» دستی دارند. احمد صادقیان با خنده می‌گوید: «دراژه را در دهه ۸۰ و در یزد راه‌اندازی کردیم؛ یزد شهر شیرینی‌های سنتی است ولی جای کارخانه تولید شیرینی صنعتی در آن خالی بود. بنابراین ما هم با توجه به عرق محلی تصمیم گرفتیم کارخانه شیرینی و شکلات دراژه را راه‌اندازی کنیم و حالا حدود ۵۰۰ نفر در آن مشغول کار هستند.» علاوه بر این صنایع، خانواده صادقیان در صنایع مداسازی و لوازم التحریر نیز حضور فعالی دارند و محصولاتی همچون مداد پارس را تولید می‌کنند. آنها کارخانه تولید لامپ نیز راه‌اندازی کرده‌اند ولی به دلیل واردات گسترده لامپ از چین و... مجبور به تعطیلی آن شدند و حالا به گفته احمد صادقیان به دنبال راه‌اندازی صنعتی جدید در محل کارخانه لامپ سابق هستند. احمد صادقیان می‌گوید او و اعضای خانواده‌اش عاشق تولید و کارآفرینی هستند و اگر به موقعیتی هم در این سال‌ها رسیده‌اند تنها به دلیل همین علاقه شدید بوده است؛ چیزی که به گفته او از پدر به آنها به ارث رسیده است. «پدرم تولید و اشتغال‌زایی را کار مقدسی می‌دانست و همیشه وقتی می‌خواستیم کار جدیدی راه‌اندازی کنیم اول می‌پرسید چقدر اشتغال‌زایی دارد؟ یادم هست یکی از لذت‌هایش در کارخانه این بود که در ساعت تعویض شیفت کارگران پشت پنجره می‌نشست و به تعداد کارگران نگاه می‌کرد و خدا را شکر می‌کرد که توانسته‌ایم برای تعداد زیادی از افراد اشتغال ایجاد کنیم؛ همیشه می‌گفت باید خانواده در کنار هم و با همکاری هم فعالیت کنند و همین شد که ما با استفاده از تمام ظرفیت‌ها توانستیم صنایع خود را تا جایی توسعه دهیم که کارگرانمان از ۵۰ نفر در سال ۶۰ به لطف خدا به بیش از ۵ هزار نفر برسند.»



در کارخانه تک ماکارون از نظر طرح، رنگ و اشکال مختلف و برای ذائقه‌ها بیش از ۱۰۰ محصول تولید و به بیش از ۲۸ کشور صادرات می‌شود

همیشه رزمنده

در ستایش چهار دهه آرمان خواهی
محمد رضا مرتضوی کارآفرینی که از
امریکا به جنگ و از جنگ به اقتصاد آمد

بهراد مهرجو

روی بیلورد بزرگی بافونت خط درشت نوشته شده است: «شکست یک انتخاب است.» دره سیلکون ولی در میانه دهه کسب و کار «استار تاپ‌ها» به قلب اقتصاد جهان تبدیل شده است. روحیه کسب و کار آمریکایی نیز به ساکنان این خیابان باشکوه فهمانده که بازنده‌ها جایگاهی در این فستیوال تکنولوژی و پول ندارند. اما هر کارآفرینی که در سیلکون ولی قدم می‌زند در هر روز طلوع خورشید، تک جمله نویسنده نشریه معتبر اکونومیست را در ذهن مرور می‌کند: «اینجا شکست یعنی دست کشیدن از کار. کسی که کار را رها می‌کند، قطعاً بازنده است.» دره نورانی، در هفتاد کیلومتری جنوب شرقی سانفرانسیسکو قرار گرفته است. از همین نقطه مبتکران جوان و سرمایه‌داران ناآوری مانند استیو جابز، به اقتصاد جهانی راه باز کردند و اندوخته جیبشان را به دارایی‌های میلیون‌ها مصرف‌کننده در سراسر جهان گره زدند.

اما تفسیر اکونومیستی از ایده زندگی در مرکز اقتصاد جهانی تنها به مرزهای کالیفرنیا و حتی آنسوی اقیانوس اطلس منحصر نمانده است. کیلومترها دورتر از دنیای رنگ و تکنولوژی و در چهل و پنج کیلومتری حاشیه غربی پایتخت ایران، دیوار، به دیوار شهر جدید هشتگرد و در میان فضای خاکستری بیابان‌های اطراف تهران، کارخانه‌ای در فضای رکود اقتصادی ایران کمر راست کرده که بنیانگذارش، برآمده از تفکری بین زندگی در کالیفرنیا و مبارزه در جنگ‌های نامنظم دوران دفاع مقدس است. محمد رضا مرتضوی، جوانیش را در «یگانه دنیا» گذرانده است. او کارخانه‌هایش را در نقطه‌ای از جغرافیای ایران برپا کرده که نه شباهتی با سیلکون ولی دارد و نه حتی تناسبی با آن پیدا کرده است. اما محمد رضا مرتضوی انتخابش برای ادامه زیست همچون برآمدگان از تفکر مبتنی بر یک تک جمله است: «شکست انتخاب است.» مرتضوی راه دیگری رفت و شکست را «انتخاب» نکرد.

مرتضوی کیست؟

مرتضوی در خانواده‌ای بازاری و اقتصادی به دنیا آمد. روحیات مذهبی و سلوک زندگیش همچون تمامی جوانان آرمان خواهی است که در تهران، قم و کالیفرنیا به یک شکل مبارزه با حکومت پهلوی را پیش می‌بردند. او به همراه برادرش در نوجوانی با سفر به مرکز دانش و پیشرفت رابست، مدتی بعد که شعله‌های انقلاب به آتش جنگ پیوند خورد، بلیت پروازی مستقیم از سانفرانسیسکو به خرمشهر را تهیه کرد و یک راست به صف مدافعان شهر پیوست. تولد دوم او اینگونه آغاز شد.

محمد رضای جوان امریکا دیده و آرمان خواه به سرعت جذب گروه شهید «عارف» شد. او با مصطفی چمران نه تنها در انتخاب مسیر زندگی که در شیوه بریدن از دنیای مطلوب به محیط نامطلوب به اشتراک رسیده بود. مصطفی چمران مدتی قبل از او جایزه نوبل را رها کرده، کار در شرکت بل



مراسم تقدیر از مرتضوی در اتاق تهران

بنیان گذاشت: «اوایل اصلا سرمایه درستی نداشتیم. حتی برای ساختن بخش اداری کارخانه مجبور شدیم به یزد برویم و آجرهای خراب و دور ریز را خریداری کنیم.» ساختمان برپا شد ولی برای مردی همچون محمدرضا که زیبایی غروب آفتاب در ساحل اقیانوس اطلس را درک کرده بود، هشتگرد کرج جای مناسبی برای زندگی به شمار نمی آمد: «تصمیم گرفتیم دور تا دور کارخانه را درخت بکاریم ولی پول کافی برای سیستم آبیاری نداشتیم. درخت‌ها را کاشتیم و هر بعد از ظهر من با ماشین خودم با سطل آب می‌بردم و درخت‌ها را آبیاری می‌کردم.» با پای پلاستیکی و روحیه‌ای آهنین مرتضوی جوان کارخانه اول و دوم و چندمش را برپا کرد. او اینگونه از جنگ زرهپوش‌ها به جدال بازندگی آمد. مرتضوی «شکست را انتخاب نکرد بود.» مرتضوی کارخانه‌های آرد و چندین مجموعه صنعتی دیگر را اداره می‌کند. او کسب و کار خانوادگی را ادامه می‌دهد. مرتضوی طی سال‌های گذشته به فعالیت در زمینه‌های تکنولوژیک هم ورود پیدا کرده است. حضور موثر او در خانه صنعت و معدن و تشکل‌های اقتصادی دیگر شاخص‌ترین رفتار صنفی و تخصصی او به شمار می‌آید.

مرتضوی مردی برای تمام اعتراض‌ها

او در دهه پنجم زندگی‌اش قرار دارد. نوازش را در آغوش می‌گیرد و با عصا فوتبال بازی می‌کند. در میان همکاران اقتصادش از به مردی صریح، صادق و مهربان شهرت دارد. برخی از همکارانش را با نام کوچک صدامی‌زند و مانند همگی کهنه سربازان اصل، نه فخر می‌فروشند و نه امتیازی از زخم کهنه‌اش می‌گیرد. مرتضوی با پای مصنوعی هر روز صبح تا هر شام در محیط کارش حاضر است و به معتمدی برای اقتصاد ایران تبدیل شده است. او رزمنده و از آن مهمتر هنوز آرمان خواه مانده است: «فانتوم پن یعنی درد شبی. یعنی اینکه کسی که پایش قطع شده، گاهی احساس می‌کند که مثلاً کف پایش می‌خارد یا دردی می‌کند. بنابراین تلاش می‌کند که پایش را بخاراند ولی پایی وجود ندارد و همین تبدیل به یک برق گرفتگی می‌شود که مغز جانباز را هر چند هفته داغوان می‌کند. من هم گاهی از این درد چنان دندان‌هایم را به هم می‌فشارم که خوردمی شوند.» کهنه سرباز آرمان خواه ولی با این درد از پانینتاده است: «اما اینها برای من مهم نیست. فانتوم پن من زمانی است که می‌بینم آرمان‌هایی که برایشان جنگیدم همگی از دست رفته است یا می‌رود.» حاج محمدرضا مرتضوی، کهنه سرباز آرمان خواه در دهه نود، چنان زندگی می‌کند که در دهه پنجاه مبارزه می‌کرد. در دهه ۶۰ می‌جنگید و در دهه ۷۰ برای احیای دوباره تکاپو می‌کرد. او همیشه «رزمنده» است و به روایت یکی از هم‌نسلانش زندگی برای آرمانخواهانی چون او به روال طبیعی نمی‌گذرد.

امریکایی را نپذیرفته و خانواده امریکایی‌اش را نیز از لبنان به همان ساحل آرامش امریکا فرستاده بود. محمدرضا نیز لباس‌های شیک امریکایی را از تن درآورده، اورکت سبزرنگ نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را پوشیده و یکسره سراغ مصطفی را گرفته بود تا این دو «امریکا» دیده، کردستان را برای ادامه آرمانخواهیشان انتخاب کرده باشند. آرمان خواهان چنین از قلب آرامش به مرکز نبرد رسیدند تا تفسیری بر تک جمله‌ای باشند که مدتی بعد هنرمندی برآمده از همین نسل برای تفسیر زندگی‌شان به کار برد: «آرمان خواهان نمی‌توانند زندگی عادی داشته باشند.»

تولد سوم برای محمدرضای جوان

شهادت مصطفی چمران نه پایان نبرد که آغاز دوران تازه مبارزه‌ای دوباره برای آرمان خواه جوان بود. محمدرضا کمتر از ده روز پس از ازدواجش با «کسانا» با هم راهی جبهه‌ها شد. این بار انتخابش نه غرب که جنوب بود چرا که جبهه‌های غرب بی مصطفی و چریک‌های دستمال سرخ نه برای او و نه برای دیگران معنای دلپذیر نداشت. سردار متوسلیان یکی دیگر از نسل آرمان خواهان و تیم همراهانش در اندیشه بازپس گیری خرمشهر بودند و نام عملیاتشان را نیز براساس همین ایده «فتح المبین» یعنی همان آزادی و پیروزی بزرگ قرار دادند. اما در میانه همین نبرد آزادی خواهانه، او مجروح شد و به این ترتیب تولد سوم او در نیمه دوم زندگی‌اش رخ داد. محمدرضا به دوستانش یادآوری کرد به‌دود جنازش را در میان لشکرزره پوش‌های عراقی جانگذازند و حداقل برای راهی «کسانای» جوان از روزهای نفس گیر، انتظار برای بازگشت همسر، جنازه شهید مرتضوی را تحویل دختر جوان دهند ولی محمدرضا نه شهید که جانباز شده بود: «گلوله به پاهایم خورد. چند لحظه احساس کردم که مرده‌ام. همه چیز را بالا می‌دیدم و دشت زیر پایم بود. دوستانم فکر کردند شهید شده‌ام و آمده بودند جنازم را به عقب ببرند ولی من زنده بودم.» او اکنون همان آرمان خواه بزرگ بود و تنها یک تفاوت با گذشته داشت: محمدرضا یک «پا» نداشت.

زندگی در امتداد آرمان‌ها

او می‌گوید: «برای من زندگی روی ویلچر و به گوشه‌ای افتادن معنا نداشت. من آرزو داشتم. آرزو داشتم که بچه‌هایم را بغلم بگیرم، آرزو داشتم باز هم به جنگ برگردم، آرزو داشتم کارخانه‌های خانوادگی‌مان را اداره کنم، آرزو داشتم روی پاهایم بدم و همه اینها روی صندلی چرخ دار، ممکن نبود. من حتی اگر شده مثل لانگ جان سیلو (قهرمان کارتون) با یک پا یک چوب زیر پایم هم راه می‌رفتم. من باید راه می‌رفتم.» زندگی برای مردان آرمان خواه، روال طبیعی ندارد و به همین دلیل محمدرضا به سرعت راهی آلمان شد تا آرزوهای سراب آلودش را به موفقیت‌هایی در دسترس تبدیل کند. مدتی در آلمان ماند و پای مصنوعی ساخت. هنوز چند قدم برداشته بود که پای ترکش خورده عفونت کرد. درمان روی پای عفونی ادامه پیدا کرد و سرانجام مرتضوی جوان از روی ویلچر بلند شد: «هر روز راه می‌رفتم، پایم خون می‌آمد و من راه می‌رفتم، پایم عفونت می‌کرد و من راه می‌رفتم. برای راه رفتن اشتیاق داشتم. نمی‌توانستم بنشینم و مدام راه می‌رفتم.» او با پای مصنوعی به ایران بازگشت و دوره چهارم زندگی‌اش را در دهه سوم زیست‌اش آغاز کرد.

مرتضوی و آرمان زندگی بدون شکست

محمدرضا به سبک ساکنان سیلیکون ولی «شکست را انتخاب نکرده بود.» و بنابراین باید به زندگی در کارخانه‌های صنعتی باز می‌گشت. جنگ به پایان رسیده بود، آرمان خواهان همگی در شهرها غریبه بودند و سایه برج‌های پایتخت روی سرشان سنگینی می‌کرد. محمدرضا به حاشیه تهران رفت و در بیان بی‌آب و غروب‌های خاکستری هشتگرد، کارخانه آردش را

با پای پلاستیکی و روحیه‌ای آهنین مرتضوی جوان کارخانه اول و دوم و چندمش را برپا کرد. او اینگونه از جنگ زرهپوش‌ها به جدال بازندگی آمد. مرتضوی «شکست را انتخاب نکرد بود.»

از ایده‌های کوچک تا amazon

صاحب بزرگ‌ترین کتاب‌فروشی جهان کیست؟

به کار شد تا سیستم کامپیوترهای این شرکت را مجهز کند و کارش تاجایی
مورد توجه هیات مدیره شرکت قرار گرفت که در سال ۱۹۹۰ او را به عنوان
معاون این شرکت و جوان‌ترین مدیر انتخاب کردند. البته رسیدن به این
جایگاه باعث نشد که جف بزوس در این شرکت ماندگار شود بلکه او چندی
بعد این شرکت را نیز به مقصد شرکت دی.ای. شاو (D.E. Shaw) ترک
کرد و با خلق پیچیده‌ترین سیستم تکنولوژی مالی (در آن زمان) قدرت
این شرکت را در «وال استریت» چندین برابر کرد. او در دی.ای. شاو نیز
جوان‌ترین مدیر محسوب می‌شد و تا سال ۱۹۹۴ در این شرکت باقی ماند تا
این که در بین صفحات روزنامه گزارشی خواند که توجهش را بسیار جلب کرد
و باعث شد ایده‌ای در ذهنش جرقه بخورد که همه چیز را برای او و شاید بتوان
گفت بسیاری از مردم جهان در سال‌های بعد تغییر داد. او در آن گزارش
خواند که رشد استفاده از اینترنت نسبت به سال قبل از آن (۱۹۹۴) ۲۳ برابر
شده است؛ عددی که جف را به فکر راه‌اندازی سایتی برای فروش کالا در
اینترنت کرد. جف در ذهنش بازاری از راه دور را تجسم کرد که مشتریان
بسیاری دارد و هر روز نیز به تعداد آنها اضافه می‌شود؛ فروشگاه‌هایی که او
می‌توانست آن را در خانه و از پشت کامپیوتر شخصی‌اش اداره کند. اما او با
یک سوال مهم نیز روبه‌رو بود: چه چیزی را به فروش برساند؟ برای رسیدن به
این پاسخ او تحقیق در زمینه شرکت‌ها و کالاهایشان را که از طریق پست و از
راه دور ارسال می‌شدند شروع کرد و به فهرستی از ۲۰ شرکت برتر و کالاهای
پرفروشی رسید که از این طریق فروخته می‌شد؛ کالاهایی که بسیاری از آنها
به ذهن او نیز رسیده بود؛ اما جف بزوس در این تحقیقات متوجه یک نکته هم
شد و آن این بود که هیچ‌یک از این شرکت‌ها اقدام به فروش کتاب نمی‌کنند.
اتفاقی که تنها یک دلیل داشت و آن پیچیدگی این کار و نبود امکان تهیه
یک کاتالوگ جامع از کتاب‌ها برای جذب مشتری بود.

در آن زمان شرکت‌ها برای فروش کالاها و ارسال آنها کاتالوگ‌هایی را
تهیه می‌کردند و بعد از روی کاتالوگ سفارش می‌گرفتند و کالا از طریق
پست و یا شرکت‌های دیگر ارسال می‌شد؛ اینجا بود که جف بزوس دید
می‌تواند سایتی راه‌اندازی کند برای فروش کتاب و کاتالوگ کتاب و معرفی
راهم در سایت قرار دهد. پس دست به کار شد؛ اما پیش از آن باید تصمیم
مهمی می‌گرفت و از محل کارش استعفا می‌داد و موضوع را با همسر و
مدیرش در میان می‌گذاشت. او در گفت‌وگویی در این باره گفته است: «یادم
می‌آید با رئیس بخشی که در آن کار می‌کردم در این مورد صحبت کردم.
به او گفتم می‌خواهم یک سایت فروش اینترنتی کتاب راه بیندازم. رئیس
گفت بهتر است با یکدیگر قدم بزنیم و قدری بیشتر در موردش حرف بزنیم.
پارک مرکزی نیویورک جایی بود که من و رئیس در مورد ایده‌ام صحبت
کردیم. او به من گفت ایده خوبی است اما نه برای کسی که شغلی به این
خوبی دارد. بهتر است قبل از شروع این کار ۴۸ ساعت در موردش فکر کنی.
به خانه رفتم و تصمیمم را با همسر در میان گذاشتم. او گفت در این کار
می‌توانم صدمه در صد روی او حساب کنم و همین واکنش بهترین مشوقم
برای تصمیم‌گیری بود.»

جف با تشویق همسرش که نویسنده هم بود، از کارش استعفا داد و با

صاحب بزرگ‌ترین سایت فروش اینترنتی جهان رمز و راز موفقیت خود
را در «بزرگ فکر کردن» و «برنامه‌ریزی بلندمدت» می‌داند و معتقد است:
«آدم‌هایی نگران هستند که دست روی دست می‌گذارند و به جای این که
اقدامی موثر برای اصلاح کارها انجام دهند، فقط نگران می‌شوند و برای
همین از استرس و فشار رنج می‌برند. هر زمانی که نگران می‌شوم برایم مثل
یک زنگ هشدار است که به من می‌گوید مراقب باش؛ باید کاری انجام دهی
وگرنه استرس دست از سرت بر نخواهد داشت.» جف بزوس (Jeff Bezos)
در سال ۱۹۹۴ در آمریکا به دنیا آمد؛ یک سال بیشتر نداشت که پدر و
مادرش از هم جدا شدند و پنج‌ساله بود که مادرش با یک مهاجر کوبایی
که برای تحصیل به آمریکا آمده بود ازدواج کرد. او از دوران کودکی بسیار
کنجکاو و خلاق بود و علاقه بسیاری به آزمایش‌های علمی داشت تاجایی
که گوشه‌ای از گاراژ خانه‌شان را تبدیل به محلی برای انجام آزمایش‌های
کودکانه‌اش کرده بود. او در بین اعضای خانواده با پدر بزرگش رابطه‌ای بسیار
صمیمی داشت و خودش می‌گوید کسی که در زندگی او بیشترین تاثیر را
گذاشته، او بوده است. پدر بزرگی که بازنشسته سازمان انرژی اتمی بود و
جف بیشتر روزهای تعطیلش را در مزرعه او در تگزاس می‌گذراند و حتی با
او به چرای گوسفندان می‌رفت. در یکی از مصاحبه‌هایش در این باره گفته:
«هن ساعت‌ها با گوسفندها سرگرم می‌شدم و احساس می‌کنم کار گله‌داری
موجب شد روحیه و اعتماد به نفسم خیلی بیشتر از دیگر هم‌سن و سال‌هایم
شود. تجربیات آن روزها تاثیر بزرگی در روحیه من داشت که موفقیت امروز
را مدیون آن هستم. پدر بزرگم الگوی زندگی‌ام بود و خیلی چیزهای خوبی
از او یاد گرفتم.» آرزوی دوران کودکی جف بزوس معمار شدن بود و زمان
نوجوانی ستاره شناس شدن را در سر می‌پروراند و فیزیک‌دان شدن رویای
دوران دبیرستانش شده بود. اما همه چیز با ورود به دانشگاه جور دیگری
برای او رقم خورد. او در مصاحبه‌ای گفته دانشگاه همه چیز را برایش تغییر
داد و فهمید به کامپیوتر بیشتر از هر چیز دیگری علاقه‌مند است. «در
دانشگاه رشته‌ای که ابتدا شروع به مطالعه آن کردم فیزیک بود اما خیلی
زود فهمیدم که من هیچ استعدادی برای فیزیک‌دان شدن ندارم. در همان
دوران، به صورت هم‌زمان روی کامپیوتر هم مطالعه‌ای داشتم. در سال ۱۹۷۴
هنوز کامپیوتر شخصی وجود نداشت. در دانشگاهی که من درس می‌خواندم
یکی از آن مدل‌های قدیمی کامپیوتر بود که تنها استادان دانشگاه طرز کار
با آن را می‌دانستند. یکی از سرگرمی‌های مورد علاقه من و دوستانم این
بود که در ساعات بیکاری روی آن مطالعه می‌کردیم و می‌خواستیم
برایش برنامه بنویسیم.»

از کمپانی فیتل تا ایده فروش اینترنتی

علاقه به کار با کامپیوتر در نیمه‌های راه تحصیل باعث شد تاجف
تغییر رشته دهد و کامپیوتر بخواند و از این رشته که آن زمان هنوز
رشته‌ای نوپا در دانشگاه محسوب می‌شد فارغ‌التحصیل شود و با
پیشنهادهای مختلف کاری روبه‌رو باشد. او از بین همه پیشنهادهای
کاری شرکت فیتل را انتخاب کرد و به نیویورک رفت و دو سال در
این شرکت کار کرد و پس از آن در شرکت «بانکرز تراست» مشغول

جف با تشویق
همسرش که
نویسنده هم بود،
از کارش استعفا داد
و با وجود نگرانی
از چالش‌های مالی
در آینده، تصمیم
گرفت به دنبال
تحقق آرزوهایش
برود تا انتخاب
روزمرگی





سال ۱۹۹۷ به ۱۴۷ میلیون دلار رسید. جف و مدیرانش در طول سال‌ها کار در سایت آمازون همیشه به مخاطبان و نیازهایشان توجه ویژه داشته‌اند و همیشه در تلاش بودند تا خرید را برای مشتریان ساده‌تر کنند. آنها ابتدا ایده خرید با یک کلیک را پیاده‌سازی و پس از آن بخش نظرات خریداران را نیز اضافه کردند. خریدارانی که در ای‌میل‌هایشان از مدیران سایت آمازون خواسته بودند علاوه بر کتاب کالاهای دیگری را نیز مانند لوازم خانگی، سی‌دی و... اضافه کنند؛ اتفاقی که چندی بعد در این سایت افتاد. علاوه بر اینها جف بزوس در سال ۱۹۹۷ برای توسعه کار امکان فروش اینترنتی کتاب در کشورهای دیگر مانند ژاپن، کانادا، انگلستان و فرانسه را هم فراهم کرد و در سال‌های بعد این امکان را به بسیاری از کشورهای دیگر هم گسترش داد.

عبور از بحران و مرد ۴۴.۵ میلیارد دلاری

در کنار این موفقیت‌های بسیار جف روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و حتی سال‌های سختی را هم پشت سر گذاشته است که مهم‌ترین آن به شروع سال ۲۰۰۰ بازمی‌گردد. در سال ۲۰۰۰ شرکت آمازون مانند بسیاری از شرکت‌های دیگر امتحان سختی را پس داد، امتحانی که در آن بسیاری از شرکت‌های اینترنتی ورشکست یا با شرکت‌های بزرگ‌تر ادغام شدند. با نزدیک شدن به پایان سال ۱۹۹۹ میلادی و شروع سال ۲۰۰۰ نگرانی در سطح جهان نسبت به اختلال شدید در فضای اینترنت و آسیب دیدن کامپیوترها به وجود آمد که آشفتگی بسیاری را به دنبال داشت. آشفتگی‌ای که به «حباب اینترنت» معروف شد و براساس آن بسیاری از شرکت‌های اینترنتی که در زمان کوتاهی به غول‌های اینترنت تبدیل شده بودند مثل یک حباب ترکیدند. البته آمازون از این طوفان جان سالم به در برد اگرچه سهام آن افت شدیدی کرد و از ۱۰۶ دلار به ۴۱ دلار رسید و جف بزوس مجبور شد ۱۳۰۰ نفر از کارمندان را اخراج کند. او همچنین کالاهایی را که فروش کمی داشتند و سودآور هم نبودند حذف و شروع به بستن قراردادهایی برای خدمات بهتر به مشتریان و تسهیل حمل کالا کرد؛ اقداماتی که در نهایت جواب داد و باعث شد تا آمازون روزهای سخت را پشت سر بگذارد و بعد از این بحران باز بتواند به اوج خود بازگردد و هر روز موفقیت بیشتری به دست بیاورد تا جایی که براساس گزارش مجله فوربس در آمد سال گذشته جف بزوس ۴۴.۵ میلیارد دلار بوده است.

وجود نگرانی از چالش‌های مالی در آینده، تصمیم گرفت به دنبال تحقق آرزوهایش برود تا انتخاب روزمرگی، البته در این راه پدر و مادرش کمک‌های بسیاری به او کردند که مهم‌ترین آن تامین مالی اولیه راه‌اندازی این سایت بود. آنها همه سرمایه خود را که سال‌ها برای دوران بازنشستگی پس‌انداز کرده بودند در اختیار او قرار دادند. خودش گفته است: «آنها روی کاری شرط بسته بودند که هیچ اطلاعی از پایان آن نداشتند. به‌شان گفتم که شانس موفق شدن این پروژه ۳۰ درصد است اما کاملاً به من و تصمیمی که گرفته بودم اعتماد داشتند.» او برای سایتی که در ذهن می‌پروراند ابتدا نام Abracadabra (آبراکادابرا) را انتخاب کرد که در زبان فارسی می‌توان گفت معادل «جی مجی لاتر جی» است، وردی که جادوگرها می‌خوانند، اما جف بزوس بعد از مشورت گرفتن از دوستان و اعضای خانواده تصمیم گرفت آن را تغییر دهد. در این بین نام دیگری که به ذهن او رسید «آمازون» بود؛ یکی از بزرگ‌ترین رودهای جهان که جف اعتقاد داشت روزی سایت کوچکش به عظمت آن خواهد شد، سایتی که از همان ابتدا او آن را «بزرگ‌ترین کتابفروشی کره زمین» می‌خواند. پس آمازون نام و www.amazon.com آدرس سایت او شد. جف در مصاحبه‌ای با مجله تایم که یک بار عکس او را روی جلد خود برد، گفت: «همیشه به دوستانم می‌گفتم حتی اگر روزی شکست بخورم، اظهار پشیمانی نخواهم کرد، ولی اگر این کار را امتحان نکنم، تمام عمر پشیمان خواهم بود.»

نقل مکان به سیاتل و شروع به کار آمازون

جف بزوس برای کاهش هزینه‌های زندگی و اجرایی کردن ایده خود نیویورک را ترک کرد و به همراه همسرش به شهر سیاتل نقل مکان کرد و در اواخر سال ۱۹۹۴ شرکت آمازون را با سه کارمند و در یک گاراژ اجاره‌ای تاسیس کرد. او بلافاصله طراحی و برنامه‌نویسی سایت را با کمک یک برنامه‌نویس کلید زد و یک سال بعد نخستین نسخه این سایت را روی اینترنت قرار داد، نسخه‌ای که به صورت رسمی در ۱۶ ژوئیه سال ۱۹۹۵ یعنی بیش از ۲۰ سال پیش افتتاح شد و در دسترس عموم قرار گرفت و خیلی زود جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. ضریب رشد شرکت آمازون «حیرت‌انگیز» بود به طوری که فروش سالانه آن ظرف یک سال حدود ۱۰ برابر شد. فروش سایت آمازون که در سال اول ۱۵ میلیون دلار بود در

با پای پلاستیکی و روحیه‌ای آهنین مرتضوی جوان کارخانه‌اول و دوم و چندمش را برپا کرد. او اینگونه از جنگ زرهپوش‌ها به جدال با زندگی آمد. مرتضوی «شکست را انتخاب نکرده بود»

بررسی نظام حمایتی در بخش کشاورزی

مجری پروژه: شرکت پژوهشی روستا-شهر پارس

مسئول پروژه: دکتر صمد رحیمی سوره

ناظر علمی پروژه: مهندس عباس کشاورز

مدیریت پروژه: مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی

چاپ: واحد انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، خردادماه ۱۳۹۳

این کتاب که بر پایه پژوهش «بررسی نظام حمایتی در بخش کشاورزی» به همت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران تهیه شده، شامل شش فصل است: فصل اول، به تعریف کلی سیاست های حمایتی و دستهبندی این سیاست ها و ارائه مفاهیم مورد استفاده برای اندازه گیری سیاست حمایتی می پردازد. فصل دوم شامل بررسی سیاست های حمایتی در بخش کشاورزی در کشورهای منتخب از قاره های مختلف از جمله ترکیه، چین، آمریکا و برزیل است. در این فصل تلاش شده است تا اساسی ترین رویکردها و سیاست های کشورهای منتخب بیان شود و ضمن بررسی این سیاست ها، تشابهات و تمایزات آنها مورد تحلیل قرار گیرد تا با آگاهی از تجارب این

بررسی و تراز یابی عملکرد نظام بانکی کشور

چاپ: واحد انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

۳۰۸ صفحه

کتاب «بررسی و تراز یابی عملکرد نظام بانکی کشور» که بر پایه پژوهش تهیه شده است، به دنبال تبیین عملکرد بانک های کشور در طبقه بندی دولتی و خصوصی است؛ بر این اساس، بخش های مختلفی از مطالعه برای ارزیابی در نظر گرفته شده است. برای نیل به این منظور، ابتدا تجربه سایر کشور ها و ایران در زمینه مالکیت و عملکرد بانک ها مورد ارزیابی قرار می گیرد و سپس عملکرد بانک های خصوصی و دولتی در ایران مقایسه می شود.

این کتاب پنج فصل دارد: فصل اول کتاب، به مبانی نظری بانک داری تجاری می پردازد و نقش بانک های تجاری را در تجهیز منابع سرمایه ای در کشور ارزیابی می کند. همچنین در این فصل به عملکرد بانک ها در تامین مالی شرکت ها و بخش خصوصی پرداخته می شود. فصل دوم کتاب شامل شیوه های جذب و تامین مالی در بانک های توسعه ای، تاریخچه بانک داری توسعه ای در ایران و معرفی

تحلیل بازار مسکن و تاثیر آن در اقتصاد کشور

مجری پروژه: مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه

مسئول پروژه: حجت الله میرزایی (دانشگاه علامه طباطبائی)

ناظر علمی پروژه: داوود دانش جعفری، عضو هیات علمی دانشگاه علامه

طباطبائی؛ داوود سوری، عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف

مدیریت پروژه: مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی

چاپ: واحد انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، خردادماه ۱۳۹۳

کتاب حاضر بر مبنای گزارش نهایی طرح پژوهشی «تحلیل بازار مسکن و تاثیر آن بر اقتصاد کشور» استخراج شده است که به سفارش اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران و با همکاری موسسه مطالعات راهبردی یاس و موسسه مطالعات شهر و اقتصاد تهیه شده است.

این کتاب شامل شش فصل است: فصل اول ابتدا به بررسی مولفه های تشکیل دهنده بازار مسکن، مشتمل بر تقاضا و عرضه مسکن می پردازد و سپس مکانیسم برقراری

کشورها، بتوان آنها را در طراحی سیاست های حمایتی مناسب به کار گرفت. در فصل سوم، روندهای عمومی حاکم بر سیاست های حمایتی کشاورزی در برنامه های اول تا پنجم بررسی می شود. در فصل چهارم، با کمک گرفتن از برخی شاخص های کلان اقتصادی مهم مانند سیاست اعتبارات بانکی و دولتی، وضعیت تشکیل سرمایه ثابت در چند دهه اخیر مورد ارزیابی قرار می گیرد. فصل پنجم، با استفاده از روش شاخص معیار کلی حمایت، به محاسبه میزان حمایت داخلی از بخش کشاورزی در ایران می پردازد. فصل ششم نیز شامل نتیجه گیری و ارائه پیشنهادهاست.

این مطالعه تلاش دارد با بررسی و ارزیابی سیاست ها و نظام حمایتی در بخش کشاورزی از ابعاد مختلف در برنامه های توسعه در دو دهه اخیر، راهکارهای لازم را برای ساماندهی این نظام ارائه دهد. از جمله روش های این پژوهش، روش تاریخی، تحلیل محتوا، تحقیق ارزش یابی، تحقیق تطبیقی، روش برآورد معیار کلی حمایت، روش اقتصادسنجی سری های زمانی، تحلیل روند و محاسبه نسبت های اقتصادی است.

برخی از مهم ترین بانک های توسعه ای در برخی کشورهای جهان است. در فصل سوم، نقش دولت و دخالت های دولتی در عملکرد نظام بانکی و استقلال بانک مرکزی بررسی می شود. در این فصل سیاست های دولت و تاثیر آن در عملکرد نظام بانکی در برخی از کشورها از جمله آلمان، بریتانیا، ژاپن و آمریکا و نیز در ایران ارزیابی می شود. فصل چهارم بدنه اصلی کتاب را تشکیل می دهد و بر مبنای شاخص های عملکردی معرفی شده از نهادهای معتبر بین المللی به بررسی و تراز یابی

مقایسه ای عملکرد بانک های دولتی و خصوصی کشور می پردازد. در فصل پنجم نیز بر مبنای تحلیل های صورت گرفته، راهکارها و پیشنهاد هایی جهت بهبود امور بانک داری کشور و افزایش رقابت در سطح بین المللی ارائه می شود. این کتاب به بررسی تجربه بانک های تجاری و مقایسه عملکرد آنها با یکدیگر و پرداخته است.

تعادل در این بازار مورد مذاقه قرار می گیرد. هدف این فصل، تبیین روابط موجود در بازار مسکن با رویکرد شناسایی فرآیند برقراری تعادل، عوامل موثر در ایجاد نوسانات در بخش مسکن و شاخص مناسبی برای نشان دادن این نوسانات است. در فصل دوم به منظور آشنایی با شرایط بخش مسکن در کشورهای مختلف و مرور تجربیات آنها در خصوص حل مشکلات مسکن، تجربیات دو کشور آمریکا به عنوان کشور پیشرفته و ترکیه به عنوان کشور در حال توسعه آورده شده است. در فصل سوم، ابتدا شاخص های بخش مسکن مورد توجه قرار می گیرد و سپس جایگاه مسکن در اقتصاد

کلان بررسی می شود. در فصل چهارم، وضعیت بازار مسکن و ساختمان در ایران ارزیابی می شود. فصل پنجم به بررسی آثار هدفمندسازی یارانه ها و طرح مسکن مهر بر بخش مسکن ایران اختصاص دارد و آثار اجرای این دو طرح را در قالب دو مدل اقتصادسنجی ارزیابی می کند. فصل ششم نیز جمع بندی و نتیجه گیری بحث را ارائه می دهد.

شرکت لیزینگ اقتصاد نوین متعهد به مسئولیت اجتماعی



برای کسب اطلاعات بیشتر می توانید به سایت شرکت مراجعه و یا با
شماره تلفن ۰۲۱-۸۸۵۵۳۹۷۸ تماس حاصل نمایید.



صبح به صبح، تازه تازه

www.telavang.com

